

620

تا سبک السما به ممکنات بتوحید آن گویان است هر گویا سبک از زمین روید و وحده
 لا شریکی گوید - و صلوة بر آن سید الکائنات و عمدة الموجودات که موجب ایجاد ممکنات
 آن بود حکم حدیث شریف لولاک لما خلقت الافلاک - و لولاک لما اظهرت الزلوتیه و از سبک
 انوار شهود وجود آن مسعود ابتدا بود و کما ورد فی الحدیث اول ما خلق الله نور می و بظا هر
 آن سید الانبیاء و سند الاصفیا محمد مجتبه صلی الله علیه و سلم در آخرین زمان بجلعت خاص شخص
 فرموده مبانی قواعد شریعت از میان سبیل الضلال مضبوط ساخته ادیان سابقه را منسوخ کرد
 سه محدثه را جودی سریر و کز و گشت یستی عمارت پذیرد و زاده شرع را بیت فراز
 ز گنج فلک گویا آما س رانده محمد چو شاه است عالم چو جیل که مقصود او بود جمله طفیل و صلوات
 کرم چونکه در داده شد جهان جمله از نور او زاده شد خدا نیکنه یستی نمودار کرده ز بهر وی
 این سبک بر کار کرده فلک را بیاراست مانند باغ و ز نور وی افروخت در وی چراغ و زیان
 خورشید بستان گلی در آن باغ روح الامین بلبل و زمین تا فلک یک غبار ریش و اندل
 تا ابد یک تماشا گمش چون آن عز اسمہ تعالی محبوب خود را هویدا نمود پس بر خاطر آن رحمت
 عالمیان فرمود و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین و امت مرحومه را برای ادای شکر آن وجود
 مسعود ارشاد فرمود ان الله ولیکم لئلا یضلون علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا علیهم و سلموا
 لعلکم و نیز در دو نامحدود بر آل و اصحاب و احباب آن محمود و تابعین و تبع تابعین و آئمه
 دین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین اما بعد بنده معاصی الکنه احمد حسین رمال بن مولوی
 محمد حسین بن مفتی نیاز احمد صاحب محرم هزار و دویست و یازده سال از بوم زاد بسمت دکن و اول
 تا هفت سال گردیده از استادان اکمل فیض یاب شده بعرضه هفت سال در تفسیر علوم و فقه
 و اصول و غیره حاصل ساخته بطریق سیاحت وارد شده شهر لکهنو بکار مت شاہ حجه بادشاہ
 مازی الدین حیدر اودله الله فی الجنة کامیاب گردیده بشرف سعادت بزرگان این دیار مسیر
 دود و فیض یاب گردیده به تقاضای مقنوم چند سال در حویلی بهر ایچ قیام کرده کاشی مفتی

شش حق مبروم بر او اند مضجعه و جعل الجنة مشواه که در فن رمل و حید الزمان بود شاگردی
وزیره تحصیل علم رمل و اکثر عملیات کرده بعد از سه سال باز مراجعت بشهر مذکور نموده و
قیام کرده در مطالع کتب علم رمل و تجربه عملیات از اسماء باری تعالی و آیات قرآن و نقوش
تقویدات و تسکیرات و تسخیرات بساها تجربه درست نموده بموجب صداقت شهر پذیر با فواه
عام خلایق گردیده بکلازمت نواب مدوح عزت یافته در عدم فرصت برای انتفاع و بیان
بعد از التماس مجانب چند کلمه از هر علم آنچه از سن پانزده سالگی یاد میداشتم سوا رمل که درو
چند نسخه مقصوده علیحد تصنیف نموده شده است و خواهد شد این اوراق را فراهم نموده
و خواستم که در یکجا بجلدی مثل کتاب حاضر باشند آنچه که صادق و مجرب یافته از علوی و تسکیرات
و نسخه متفرقات از عمل مهوسات و غیره درین اوراق ثبت نموده مایه حقیقت خود تصوریده در عهد
عدالت عهد بادشاه نصیر الدین حیدر خلد الله ملکه در ۱۲۵۰ این نسخه را بجلد ساخته امید که مقبول
نظر اکملان اکل گردد و از نظر جاہل و نااہل محفوظ ماند نام این کتاب کحل العین جو احمر
عملیات کنز الحسین بعد از کوشش مبلغ نهادم و این کتاب را به یک مقدمه که مشتمل با
دو فصل است و هفت باب مرتب ساختم پس امید از بزرگان این دارم که اگر درین کتاب
مطالع بر سهو و نسیان گردند بنظر عفو بپوشند فصل اول از مقدمه در بیان حال غزه محرم الحرام فصل
دوم در بیان علم قیافه باب اول در ترکیب تعداد اسماء الهی بقا بعد و صحت اسماء الحسنی و
ترکیب عمل اسماء باب دوم در صحت عمل مجربات آیات کلام الله و طبع کشتی اعمال موضوع باب
سوم در ترکیب نقوش از اعداد آیات کلام الله و نقوش تسخیر حب و نفاق و فتوح و غیره باب
چهارم در حصارات و قطب ماسه دفع آسیب و حاضرات و غیره و نقوش مایه دفع بیایات
و چوکیات و تسخیرات و غیره باب پنجم در دانستن وقت و زمان عمل خوانی و کشیدن نقش و
دادن زکوة عمل سعد و محس ساعات و تسخیر کواکب باب ششم در بیان عملیات متفرقات
و ترکیب چند از تسکیرات و استخاره و غیره باب هفتم در نسخه مایه کیما و عمل مهوسان و

آنچه در عمل خود آمدند و تجربه کرده ام نوشته شد **فصل اول** در بیان حال غره محرم الحرام و این رساله الیت عجیبه و غریبه که با شاه نویسنده و ان عادل در زمان خود جمیع حکیمان و زعمایان و تقویان و انان و کاتبان و جوگیان و نجومیان و تورات خوانان و تعبیرگویان و جادوگران و سیاحان بر بحر را که تجربه دنیا بسیار کرده بودند جمع کرده فرمود که ای بزرگواران این جماعت کثیره برای من از علم حکمت نسخه تصنیف کن که کیفیت تمام سال از سعد و نحس از ان رساله معاشنه بود بر همه کسان پس بموجب حکم نویسنده و ان عادل با تامل بسیار نوروز عالم را غره محرم الحرام مقرر کردند که سعد و نحس تمام سال بر روز یک غره محرم الحرام شود معلوم گردد باید دانست که از روزهای هفت روز یک غره محرم باشد خاصیت آن روز امتیاز باید نمود تا معلوم شود از احوال مردمان و چهار پایان و غله و میوه و درختان و باران رحمت ایزد سبحان که جمیعت کائنات منحصر از ان است بدانکه کیفیت سعد و نحس تمام خلقت آفرینش در بیان هفت روز میشود برای ایام نوروز عالم را جمله حکیمان جمع شده نسخه درست ساختند تا که مردمان نفع مند گردند هر که این رساله را یاد کند تا سه سال آینده بداند و هو شیاء گردد حکیم زکریا گوید اگر خواهی که حقیقت تمام زمانه را بدانی بنگر تا نوروز عالم آفرین در کدام روز باشد یعنی اگر غره محرم در روز یکشنبه باشد سال مبارک است در آن سال قحط نباشد که سلطان آن ستاره بهرام باشد یاران و وفاداران باشند و غله از ان شود و چهار پایان را خطره نباشد و درختان را بار و برگ نیک باشد و مرغان و ددان را آسیب نباشد و شیر که اما پاکیزه باشد و بازرگان را خطره نباشد و با مخالفه و زد گندم خوب و خرپزه بسیار پیدا شود و مهتران روی زمین آرمیده باشند و زمان را در دیستان باشد و کنجی بسیار شود و آتش بسیار شود و کودکان را بیماری نشود و آفتاب گرفته شود و زمستان صعب باشد و الله اعلم بالصواب و اگر نوروز عالم یعنی غره محرم بر روز دوشنبه باشد اندر آن سال کار سلطان ضعیف باشد و سلطانزاده قمر باشد و یاران و وفاداران شوند و باران نیز و نعمت بسیار پیدا شود

اما مهتران روی زمین کم شوند و نرخ غله میان باشد و جانب مغرب فتنه خیزد و در راه
امن نباشد و بازرگان را سود نباشد و درختان بار خوب گیرند و شیر چای پایان کم گردد اما
بیماری و زحمت پدید آید و زراعت خوب و کجند و پنبه و باد بسیار خیزد چنانچه درختان
را بشکند و آتش بسیار باشد اما خیز گردد و گاو و گوسفندان بسیار شوند و چون نوروز
عالم افروز یعنی غزه محرم در روز ششم باشد سلطان آن سال ستاره زهره باشد
و در آن سال قحط باشد که باران میوقت بار و رعیت ویران گردد و در راه امن نباشد و نیز
درختان بار کم گیرند و شیر و چهار پایان کم و میوه خوب و گندم و پنبه و کجند و نیشکر گر آن
تر و خدمتگاران و خادمان و فرزندان از امر خاندان و هم از مادران و پدران بیرون
آیند و آب منی بیرون آید و عدل نباشد و امیران بجای شوند و خلق الله ملک شود و آتش
صعب باشد و باد تند وزد که درختان بشکند و آفتاب گرفته شود و لرزه زمین گردد و در
پنج چیز رکت نبود و الله اعلم بالصواب و چون غزه محرم بروز چهارشنبه باشد سلطان آن
سال عطار د باشد و در آن سال فتنه خیزد و در زمین هندوستان نیکی نباشد و باران
میوقت بار و کارهای دنیاوی بسته باشند و غله عزیز باشد خلق پراکنده شود و در راه
امن نباشد و سود اگران زیان کشند و مهتاب گرفته شود و امیران بگریزند و با خود با در
آویزند و جنگ کنند و ملج بسیار آید و خرپزه و انگور کم پیدا شود و ملک و ملکیت تحویل بدگر
شد و باد و آتش بسیار سهمناک آید و شیر و چهار پایان کم و بیماری و موت تو انگران گردد
و الله اعلم و چون غزه محرم بروز پنجشنبه باشد که سلطان استقامت پدید و کارهای
همگنان نیک آید تو انگران را بسیار نیک مبارک دور و ایشان را نیز و جانوران را
خوب و شیر و چهار پایان خوب و میوه های افروز درختان بار و برگ بسیار آرند و انگور
خوب شود و سود اگران را سود رسد و در راه امن باشد و دوان و چار پایان را خطر نباشد
و زنان را در پستان و کودکان را بیماری باشد و آخرهای زیستان پدید آید و شیر بسیار

شود و پنبه کم گردد و آتش نباشد و باوتند و سخت خیزد و گندم و کبج از زان باشد خردار از
سود آید و اندا علم بالصواب و چون نوروز عالم افروز یعنی غره محرم در روز آینه باشد
سلطان آن سال زهره باشد در آن سال نرخ غله فراخ باشد و کار سلطان ضعیف باشد
و در مردم بددیانتی و دزدی و فساد آشکارا آید لیکن خیر باشد و زمستان خوب باشد و سودگران را
سود مایه باشد باران آخر بهار بارد و گندم نیک آید و شیر و شیرینی بسیار و بیماری تیز و اندا علم
و چون غره محرم در روز شنبه باشد سلطان آن سال زحل باشد فتنه بسیار خیزد و ملوک آن
بایکدیگر جنگ کنند و رعیت خراب گردد و قطع راه و نرخ غله میانه باشد و باران بیوقت بارد و تجار
را سود نگیرد و سرما خوب گردد و زراعت خوب شود و آتش بسیار خیزد و بیماری پیدا آید و اندا علم
روایت دیگر نوروز عالم افروز که حکیمان عصر از غره محرم الحرام نیز سال گویند چنانست که روز
نوشیروان عادل بزرگ چهر حکیم وزیرش که استاد استادان بود فرمود که برای انتفاع الناس
از علم نجوم کتابی تصنیف کن که تمام کیفیت سال از خیر و شر از آن کتاب معلوم شود چنانچه جمله
حکیمان و ندیمان و غیره که تجربه کار بودند جمع شده بهمان کثیر این نوروز عالم که عبارت از
غره محرم الحرام باشد بر روزیکه تا نیر سال از خالیست روز چگونه باشد در روایت دیگر
اینکه حال غره محرم در کتاب دانیان غمبه بود پس از وی حضرت امام جعفر صادق رضی الله تعالی عنه نقل کرده
اند که غره محرم اگر در روز شنبه باشد زمستان در آن سال سرد باشد و باد ناو باران بسیار باشد
و نرخ اکثر و گندم قلیل و طاعون و مرگ کودکان بسیار باشد و زراعت باز آفات سلامت باشد
و بعضی از درختان میوه انگور آفت رسد و در حرب باشد و عرب با ایشان حرب کنند و اسیر غنیمت
بسیار از ایشان بدست عرب آید و بادشاهان از جمیع امور غلبه باشد و کشت سبانه تعبیر روایت
دیگر در میان چهار پایه آن سال آفت بهم رسد و اسپان را قوبلخ عارض شود و در دگلو و زکام
و ورم نال بسیار باشد و در همه بلاد مرگ مردان و زنان بسیار باشد خصوصاً در عراق و بغداد و
اطراف آن و در روم مرگ بسیار باشد و در میان روم و عرب کارزار افتد و عرب بروم غالب آید

و در بابل جنگ و در بحرین و نواحی آن اختلاف بسیار باشد در میان مردم قحط غله بهم
 و از عرب ترسان باشند و غماض بر ایشان تعدی بکنند و گیاه در مراعی بسیار باشد و در
 آخر سال زبلیها و آبله و گرمی بسیار گردد و مرغان بسیار باشند و روغن و گوشت و عسل و
 کنان گران باشد و خرما و درخت خرما فاسد شود و انگور و میوه در بلاد فارس و عجمان نیکو باشد
 و در رتقان بلاد روم و اطراف آن آفت رسد و ظروف مسع امثال آن و شپش و موگران باشد
 و مرغان خانگی و شکاری بسیار بمیرند و در بلاد بحرین اختلاف عظیم ظاهر شود و شاید که غنیمت اکثر
 و غارت بیشتری گردد و شاید که یکی از ماه و آفتاب منخسف گردد و در اشتهاب اکثر باشد و در یکماه
 این سال خون بسیار ریخته باشد و گویند چنین سال نخس است و قایل باین را در چنین سال
 کشت و آخرش نیک است بر وایت سوم در آن سال سلطان رعل باشد فتنه اکثر و طوکان
 را گرانی و پریشانی حاصل گردد و بایکدگر جنگ کنند و رعیت خراب گردد و از هر زمان خطر باشد
 و سوداگران را نقصان رسد و چهار پایان را خطر باشد بلکه بیماری کشند و بمیرند و پرندگان
 را خوبی نباشد و بیماری موت در عالم پیدا گردد و باران اکثر بار دیکین تنگی سال باشد و نجسوف
 و کسوف ماه تاب و آفتاب گرفته شوند و روز یکشنبه و هر سال که اول محرم روز یکشنبه باشد
 زمستان نیکو گذرد و باران اکثر بار و بعضی اشجار و زراعتها آفت رسد و بیهوده بکشتند و
 بر گهای ضعیف شافع گردد و عسل کم آید و در هوا اثر طاعون و وبا بهم رسد و در آخر سال شاه
 را غلبه رود و بد بر وایت دیگر درین روز سال زمستان و تابستان هر دو معتدل باشد
 و میوه و جو بیا و زراعتها در اکثر بلاد و عراق و عرب نیکو باشد و آفت بیهوده مای بحرین و
 محافظ و قلیفه و حوالی آنها بهر رسد و در بلاد مشرق و جبل ارزانی باشد و گوسپند و شکر اکثر
 باشد و گیاه صحرا فراوان و در اشتراک دیوانگی و مستی بهر رسد و در یکماه مردمان را در بسیار
 عارض باشد و در آخر سال گرانی بوجه اختلاف سلطانی در غیر بلاد بحرین و در بلاد هند اطفال
 بمیرند و موجود روغن بسیار باشد و در بهار میان بادشاهان و همچنین اختلاف در میان عوام

آدمیان بسیار باشد و کارزار عرب و عجم واقع شود و در میان عامه الناس و خویشان
فتنه حادث شود و در شام فتنه با و حرب پدید آیند و حاکم بعضی از اهل فساد را بقتل آورد
باشند و در زمین جبل و همدان و نواحی آن کشتن واقع شود و بادشاه بابل بر مردم عاصیه
شود و از وزیرای ملوک اختلاف ظاهر شود و هر بادشاه بسوی دیگر بگریزد و گروهی بر
بادشاه طغیانی کنند و مغلوب گردند و کوهی از آسمان ظاهر گردد و در ناصیه مشرق کوه
و بناله داشته باشد و این سبب حدوث قتل و غارت و گرانی گردد و باین سبب نشانی
وزیرین بادهای سخت و وفور امراض بسیاری در آن صحرا و دریا گردد و غسل گران شود
و حاجیان را غارت کنند و تمام ماه یا بعض از ماه منخف گردد بر وایت سوم این
سال مبارک باشد و اندر آن سال فتنه نباشد و مملکت را آرام باشد و یاران و قادار
و غله از آن و بارشجار نیک بود و بمرغان و چرندگان و جهانیان خطر نباشد فاما پنبه
باریک تر گردد و لیکن پاکیزه باشد چهار پایان زیاده شوند و باز رگان را خطر نباشد و
گندم خوب شود و خرپزه بسیار گردد و مهتران روی زمین آسوده شوند و زنان را در
یستان و کهنه بسیار شود و کودکان را بیماری اکثر باشد و باد سخت خیزد و آتش اکثر باشد
و گاه چهار پایان با فراط رسد و آفتاب در خسوف گرفته شود و در زمستان سردی کم گردد
و امدا علم بالصواب روز و شب و نیمه و هر سال که در اول محرم روز دوشنبه باشد زمستان
نیکو گذرد و تابستان بسیار گرم باشد و در وقت خود باران بسیار بارد و گاو و گوسفند
و عسل بسیار باشد و نرخ خودنی با در بلاد جبل یعنی شهرهایکه در میان آذربایجان و
عراق عرب خوزستان فارس اند و بعضی گویند همدان و جوی آن از آن باشد و آن
بسیار میزند و در آخر سال کسی بر بادشاه خروج کند و در نواحی مشرق در بعضی از بلاد
فارس دیگری بهمرسد و زکام در بلاد جبل بسیار باشد و در روایت دیگر در آن سال
آب فراوان باشد و باران اکثر بارد و زرد الو و سائز میو با در بلاد فارس و بصره و شام

نیکو بعل آید و خمر بنده و خیارد در ولایت مشرق و عمان نیکو باشد و در آن سال خرمی و
گوشت و روغن فراوان باشد لیکن در میان مردم کم باشد و بلاد هند و اسکندریه و مغرب باشد و
مرض سودا و دیوانگی اکثر باشد و در زمستان زخاف و تیز و ج زان بسیار شود و در باطنانی کند و بعضی
بلاد را غرق کند و آب فراوان و سیل که باشد باین موجب مدت دو ماه قحط عظیم در مصر پدید آید و
سواشی و چهار پایان و صحرا باینک باشد و زکام در بلاد جبل اکثر باشد و چوب میوه در مکه کمتر
بسیار فراوان و ارزان و لیکن فساد در آن بلده طینه بهم رسد و در میان مشایخ عرب فتنه حادث شود و
خارج نواحی مشرق یا جنوب از تصرف اصحاب بیرون رود و محتمل است که یکی از آفتاب و ماه تاب
گردد و در مردم اضطراب پدید آید و کم ظرفان اکثر باشد و بر بادشان مشرق خروج کنند و حاجیان
بسلامت بروند و شی دردی بر ایشان رسد از راه ازلان یا بند بر اویت سوم اینکه اندران سال کار
ضعیف باشد و باران اکثر بارد و نعمت اکثر شود و بهتران روی زمین کم و نرخ غله میانه و بجانب مغرب
فتنه باشد و فتنه فرو نه نشینند و آدم ضعیف را گیرند و در راه امن نباشد و بازار گران در تجارت نفع
بهم رسد و بیماری رونده دهد و در قحطان بار گیرند و فرزند تولد شوند و پرندگان و درندگان را خطر نباشد
و گاو و ان و گوسفندان بسیار شوند و در چهار پایان شیر اکثر باشد و مردمان را بیماری باشد و زراعت
بسیار نیک شود و گنجد و پنجه نیک شود و بساط نیک باشد و کاه و باد اکثر خیزد و بیماری تا آخر سال و باد
مخالف در قحطان ریش کند و قحط بسیار خیزد و گاو و ان و گوسفندان را خطر باشد و روز شنبه هر
سال اول محرم الحرام روز شنبه باشد زمستان آن سال بسیار سرد باشد و در بلاد و ناحیه مشرق
گوسفندان و حمل اکثر باشد و بعضی از در قحطان و انگور آفت رسد و در ناحیه مشرق و شام حادثه
ظاهر شود که در بعضی خلق اکثر بمیرد و بر باد شاه فوجی قوی خروج کند و باد شاه بر و غالب آید و
در ارض فارس بعضی از غله آفت رسد و در آخر سال نرخ غله گران شود بر و ایت و دیگر زراعت
اکثر بعل آید و باران اکثر بارد و فصل فالیز نیکو گذرد و میوه در بلاد جبل اکثر باشد و گندم و جو و عدس
فراوان باشد و آب فرات طغیانی کند و در بصره و بایا و ماش و باقلا فراوان باشند و خرمای کم

نعل آید و در آن زمان آفتی برسد و در بلاد فارس از طخ زراعت را آفت رسد و میوه اکثر
 باشد و زرد کم و گردگان و میوه بادام بسیار باشد و زنجبیل اول سال در همه بلاد از آن باشد
 و عمل اکثر باشد و بر خیزه و خیار آفت برسد و شکار در یاب بسیار شود و آفتی از سزا و گر با غلات
 مغرب برسد و در بعض شهرها کسی بر باد شاه خروج کند و در باد شاه عجم و ترک اضطرابی میسر آید
 و در میان عرب و عجم و اهل عراق قتل پدید آید و شخصی از مشایخ عرب کشته شود و در مواشی ایشان
 با خرسال مرگ هم رسد و در آسمان یک ستاره دم دار هویدا آید که علامات جنگ گرانی باشد یا خجی
 عظیم ظاهر شود که نشانی هلاکت یکی از وزرا باشد و مصر و شام و صفالیه هم رسد بر وایت
 سوم اینکه درین سال سلطان ستار نام ریخ باشد در آن سال فتنه بسیار باشد و بلاد بوقت
 بار و زراعت خوار شده قط افتد و رعیت و یلان گردد و در راه امن نباشد و سوداگران از سود بیفتند
 و زمینداران بایکدیگر محاربه کنند و کشتش چایا پان و بیماری اکثر گردد و میوه کمتر شود و خادمان
 و فرزندان از فرمان بزرگان بیرون آیند و آب منی کمتر شود و عدل نباشد و امینان بجا گیرند
 و خلق هلاک گردد از مشرق بحاجب مغرب فرود روند و آتش نرم خیزد و باد رختان را شکند
 و بلخ و مود و کتر گردد و زلزله با هویدا شوند و هیچ چیز برکت نبود و در آن سال سلطان از برکت
 باشد و مردمان از وطن خود بیجا باشند و در چشمتبار بر سال که اول روز محرم چهارشنبه
 باشد در استان متوسط و در بهار باران بیارد و غلات و میوه بجات در بلاد حبیل و مشرق اکثر
 باشد اما مردمان اکثر بمیرند و در آخر سال در زمین بابل و بلاد حبیل آفتی بمردم رسد و زنجبیل
 آسان باشد و باد شاه بر دشمن غالب آید و بر وایت دیگر اینکه غسل درین سال اکثر باشد
 و اطفال اکثر بمیرند و در آخر سال قحط در میان ایشان هم رسد و باران نافع آید و خجیان
 خرما صالح گردند و رعد و برق عظیم ظاهر گردد و بادهای تند آیند و بیماری اکثر و زنان حامله اکثر
 بمیرند و در آخر سال از ناحیه فارس مرگ اکثر باشد و وحشیان صحرا و مرغان شکاری اکثر باشد
 و بز و گاو و نیکو باشد و بیج و شرابی و معالیه اکثر واقع باشد و در شتران گرمی هم رسد و شاید مرگ

چهار پایان پدید آید و در فصل فائزیماری بسیارست و در اطراف مدینه جنگ نیک
 رود و متاسخ و علما بسیار میرند و بلادین از خوف قتل و غارت خراب باز معمر شود
 و در میان عرب بادیه کشتن بسیار شود و باد شمال بوز و متاعها و پنبه گران و آب چشم و
 حریر از آن باشد و نیکو در میان عرب عجم جنگبار و دود و عجم غالب شوند و باد شاه روم میرند
 و در فصل پنج از مرض زعیر بسیار باشد و مختلف بسیار در میان سلاطین بهر سرد و فتنه باد و هر
 و ولایت پارس حادث شود بر وایت سوم اینکه در آن سال سلطان عطار و در میان سال
 فتنه باشد در میان هندوستان و باران بیوقت بار و کارهای سلطان در میان سال تلف
 باشد و کار دولت پست شود و گندم و کنجد و پنبه و نیشکر گران شود و مرغان و درندگان
 و پرندگان را بیماری رسد و کشتش چا پایان شود و انسان را خطر جان باشد و غله عزیز شود و
 خلق پرانگند گردد و در راه امن نباشد و سود اگران رازیان رسد و مهابت بخوف گرفته شود
 ملخ پیدا گردد و امیران بمیرند و میان خود مادر آوینند و انگور و خرما و خربزه شیرین شود اما
 گیاه باشد و در ملک و مملکت تحمل هولناک باشد و چهار پایان کشته شوند و آتش
 خیزد و توانگران را بیماری موت باشد و اندام علم روز پنجشنبه هر سال که اول
 محرم روز پنجشنبه باشد زمستان نیکو گذرد و در نواحی مشرق گندم و عسل فراوان باشد و
 در اول و آخر سال بسیار حوادث شود و روم را بر مسلمانان غلبه بهم رسد پس عرب ایشان
 غالب شوند و مابین هندو محاربات واقع شوند و بادشاهان عرب مضطرب شد بر وایت
 دیگر اینکه در اول سال باران و میز سرگرم آید و رعد و ابروی باران اکثر باشد و غلات
 و میوه همه بلاد جبل از آن باشد و سفر و یادین سال نیکو باشد و صید ماهی بسیار شود
 و روغن و نان گران و آب نیل بطغیان کند و روم بر مسلمانان حمله بیاورند و مسلمانان بر
 ایشان غالب آیند و در بادیه جنگ اکثر شود و شاید که یکی از ایشان کشته گردد و در بعضی شهرها
 کسی بر باد شاه خراج کند و منهنم گردد و کارزار در اکثر بلاد مخصوصا در فارس اکثر باشد و

وزدان و رزمندان دست بر آورند و حکام بر رعایا ستم کنند و بادها تند بوزدند و درختان را
 بشکنند و در محافه قطیف و نواحی آن فتنه میان عربیان و بادشاه ایشان غالب شود و
 بلاد حبشه و اطراف آن کارزار اکثر شود و در نینال مرگ در میان گاو آن بسیار باشد
 و گو سپندان فراوان گردند و شاید که او مخفف گردد و بر و امیت سوم اینکه حاکم قسطنطنیه
 که مراد از بادشاه است قبول باشد و او را بکشند یا محصور شود تا او را دلیل نمایند و از بادشاهان
 و نائبان ولایت عجم خرابی یابد و دزد در میان روم کم شود و خلق از تنگی معاش بفرمان
 آید و فریاد سی از میان خلق بر طرف شود و عرب بر عجم زیادتی کند و بسیار خلق را بکشند
 و ولایت ایشان را خراب کنند و بعضی اماکن از تصرف و الیان روم بدر آیند و شاه
 عجم در اکثر جا مغلوب شود و ترکان با عجم آویزند و بر ایشان غلبه آورند و امیر حلیل القدر
 کشته شود و روز جمعه و هر سال که روز جمعه باشد زمستان نیکو گذرد و باران کم بارد و
 آب کم گردد و در بلاد جبل صد فرسخ در صد فرسخ غله کمیاب گردد و بازار مرگ در میان مردم
 بارونق باشد و در ناحیه مغرب گرانی باشد و بعضی از درختان آفت رسد و روم بر فارس
 غلبه عظیم کند و بر وایت دیگر غلات در مصر و شام و حبش کم باشد و در بلاد مغرب دگر
 اندوه بسیار حادث شود و ارزانی در بلاد فارس هم رسد و غلات بصره و عراق اکثر باشند و
 لیکن از وجه ظلم بادشاهان و اعمال اکثر سختی با ایشان لاحق گردد و غلات حیل و کابل و نواحی
 آن بعل آید و انگور و گندم در بصره و شام بسیار باشد و مردم ذوالقدر در بصره کشته شود
 با گروهی از تابعین و میوه در نینال نیکو باشد و آب چندان طغیان کند که بغداد از جانب شرق
 غرق گردد و شاه سی از بادشاهان هند بمیرد و در ماه ربیع الآخر تاجمادی الثانی در نینال
 درو و در میان مردم پیدا شوند خصوصاً در گلو و در پشت و ورم و در خلق و امراض
 بطن و کف و قوبا و جرب و دملها و زنان حامله فرزندان پیدا آرند و اکثر از ایشان
 بمیرند و امیری از شام ظاهر گردد و بر مدینه منوره مستولی گردد و در بعضی بلاد ظاهر گردد

بلخ و قندهار و عظیم از وی بظهور آید و کسی بر بادشاه خروج کند و گردان عجم با او گردند
 و در زمین عراق حرب و اضطراب و اسلاف بسیار پیدا گردد و خوفی بجایان برسد
 مردی بزرگ در شام بقتل رسد و در بلاد خراسان فتنه عظیم ظاهر گردد و درو یا پیدا شوند
 و بروایت سوم در آن سال سلطان ستاره گان زمره باشد غله ارزان و کار سلطان
 ضعیف باشد و مردمان را بدیداری و دزدی اختیار باشد و دیگر همه چیز نیک شود
 و کشت بامیان باشد و در زمستان سردی بسیار باشد و باران بیوقت بارد و گندم نیک
 و میوه شیرین باشد و چهار پایان را خطر باشد و در باغ باد تند آید و آتش سرکشد و تجارت را
 نفع میان باشد و آفتاب و ماه تاب بخسوف و کسوف گرفته و الله و اعلم بالصواب
فصل دوم از مقدمه الکتاب در بیان علم قیافه فلاسفه از جمله حکما دانشمند و عارف
 انسانی را برای دریافت کردن اخلاق حسنه و صفات سیئه مقرر کرده اند و تجربه کردند که هر عضو از
 اعضاء نظام انسانی دلیل است با صفات بطون و معانی و بر صدق این علم این حدیث ناطق
 است **كُلُّ طَائِفٍ اَحَقُّ بِالْاَعْمَرِ وَ كُلُّ شَيْءٍ قِسْمُهُ الْاَعْلَى** نقلست مردی در روشنی چراغ مطالعه
 میدید در کتاب نوشته خواند که در از ریش نشانی حماقت است چون ریش خود را دید میزد از اندازه
 یافت همو وقت در مشقت گرفته فضل را پیش چراغ کرد باین خیال که فضل سوخته شود آتش چون
 شعله گرفت همه یک بارگی بسوخت لهذا ترک شدن این امر دلیل حماقت است رباعی ای
 گروه محنت بجهان کسب علوم به معلوم ضمیر تو علوم مکتوم به روی که مبارکست دیدار که ثوم
 پاگردن تو از علم قیافه مفهوم - علامات سر - سر بزرگ علامت دلیل عقل و سخاوت است
 و خردی و نامواری سر نشانی حماقت و جهالت است - علامات پستیانی - ناصیه
 پنهان بی شکن نشانی بد نفسی و تکبر و کزاف است و ناصیه توسط باشکن نشانی صدق و
 محبت و تدبیر است و ناصیه تنک دلیل نادانی و حین و عسرت و افلاس است و شکن بین
 الشقیین و ناصیه بلند شده دلیل غصه و غمناکی است و بعضی گفته اند که خطوط شکن دلیل کثرت

عمر است یعنی یک خط نشانی ۱۰ سال و دو خط نشانی بست سال است لهذا قیاس کن -
علامات مرثه - مرثه بسیار بزرگ و دراز و کشیده و پر موی نشانی زشتی و تندخویی و غرور
و جهالت و غیره است و مرثه گنجان دلیل الفت و مهربانی و مردمان الفت اکثر بسوی زبان
و زبان را بسوی مردمان است و مرثه متوسط و سیاه نشان و فهم و دیانت و سخاوت و
لطافت مزاج است و برابر و کربار یک از طرف بینی باشد نشانی نزاع و فتنه انگیز نیست و
ابرو بلند نشانی ابلهی و غرور است - **علامات چشم** - چشم سیاه و بزرگ دلیل سستی و ابلهی
است و چشم خرد و دلیل سبکساری و کم فهمی است و متوسط نشان و فادجاست و مائل بجانب
اندرون نشانی تکبر و بدی و حیانت است و بلند شده از روی نشان بیجائی و نخل است
و زود زود چشم زدن دلیل مکر و حیله و دزدانست و سرخی اکثری در دلیلی کثرت عمر و شجاعت
و چشم ازرق بدترین چشمهاست دلیل نخل و بیجائی و بی همتی است **چشم** چشم ازرق و میگویند
زنگ زده اینچنین کس با کسی نیکی نه کرد - و چشم سبز و خرد و درازان دلیل مکر و حیله و شهوت
اکثر است و گول نشان نخوست است و مائل بدراز نشانی نیکبختی و مبارکی است و دراز
نشانی اخلاق جمیده است - **علامات گوش** - گوش بزرگ نشانی خوبی و قوت حافظه و
طول عمر و تندخویی در بعضی اوقات است و خورد نشان جهالت و نادانی است و متوسط نشان
عقل و دانائی و نیک بختی است و گوش پر گوشت دلیل دولت است - **علامات بینی**
باریک بینی دلیل سبکی عقل است و پهن و فراخی سوراخ دلیل غلبه شهوت و غضبناکی است و بطن
راست یا چپ حیمه نشانی نفاق و ثنارت است و بزرگ و دراز و در نوک خمیده مانند نوک طوطی
دلیل دولت و کشادگی رزق است و متوسط در بنده و پستی و فراخی و تنگی دلیل صحت
جو اس باطن است کمر پست نشان افلاس است - **علامات لب** - دراز لب نشانی
حماقت و غلاطت طبیعت و کینه و زردیست و باریک لب نشانی فهم و لطافت مزاج و سرخی
لب نشانی نیکبختی و خوش اصلی است و سبزی و سیاهی دلیل بد نفسی و بد اصلی است و سفیدی

لب دلیل مرض است - علامات دهن - کشاده دهن دلیل شجاعت و تنگ لب
 براس و فراخی دهن برای زنان نشانی کثرت خواہش مباشرت است - علامت آفادن -
 دندان بزرگ و گنجان دلیل شرارت و خورده و متفرق دلیل صحت بدن است و کج و نامہوار
 دلیل مکر و خیانت و متفرق و نامہوار و متوسط در بزرگی و کوچکی نشان نیکبختی و امانت
 و عدالت است و تعداد دندان ۳۲ تا ۳۴ نشانی دولت و فراخت و کمتر از ۳۰ دلیل افلاس
 است - علامات کام و زبان - کام و زبان سرخ دلیل نیکبختی و سیاه و زرد نشانی
 نحس و زشتی و بدخونی است - علامات زبانی - اندک باریک دلیل مبارک
 نوئی است و زنج پر گوشت دلیل جہالت و تکبر و فقر است و زنج متوسط دلیل عقل و سبزی
 است - علامات گردن کوتاه گردن نشانی مکر و خیانت و گردن دراز و باریک
 دلیل جن و حماقت است و خطیکه در میان گردن می باشد دلیل درازی عمر و منہ منہ می
 است و سه خطوط نشانی دولت است - علامات چہرہ - چہرہ قرمز دلیل کاپی و جہل
 نسیان و سخت مزاجی و خشک و کم گوشت نشانی خست باطن است و متوسط دلیل نیکبختی
 و زردی رنگ چہرہ نشانی بدی و مرض باطن است - علامات پیشانی - پیشانی گوشت
 دلیل زیرکی و دانائی و گول نشانی وقار و تمکین و دراز نشانی طاقت و پرمونی نشانی بلادت
 و عبادت - علامات کتف - لاغری کتفین دلیل بدسیرت و پرمونی نشانی بیداری است
 و صاف و متوسط دلیل عقل و دولتمندی و سعادت و لطف و فراخی - علامات بغل و
 بازو - بازو دراز و بغل پر گوشت نشان نیکبختی و فراخی رزق و بازوی خوب و بغل
 خشک نشانی بیدار و قوی است - علامات سینه - کشاده سینه و پر گوشت نشانی نیکبختی و
 تنگ و صاف علامت نحس و بدبختی است - علامات پستان - پستان
 قرمز دلیل دولت و اولاد است و سرد و بخلاف نشان نحس و بدبختی است و جہل
 علامات شکم - شکم بزرگ علامت حماقت و در میان نشانی عمدگی عقل و تیزی سیرت

و کسی را که بر شکم او یک خط باشد موت او از تیغ نمی باشد و دو خط نشانی ناپین صحبت زمان خوش
ماندن است و سه خطوط نشان عقل و هوش است و صاحب چهار یا پنج خطوط ذوق اقبال می باشد
و ناف بزرگ و گول نشانی دولت و سخاوت است علامات پشت - پشت پهن
دلیل قوت غضب و کبر و پشت کج نشانی بد اخلاقی و دراز دلیل خوست و متوسط دلیل
سعادت است - علامات رنگ - رنگ سرخ نشین - میل اندوختن و در کار تیزی
کردن رنگ سبز دلیل بدی باطن و رنگ سرخ سفید دلیل اخلاق مبارک و رنگ سیاه یا آبی
دلیل بد اخلاقی است و گندم گونی دلیل اخلاق حسنه عقل و دانایی و اورنگ چنانچه است
علامات نرمی بدن - نرمی بدن نشانی قوت فهم و بصیرت و طبیعت و سختی بدن
دلیل قوت بدن و بزرگی طبیعت و ضعیف فهم و پوست نرم و باریک نشانی مبارک می باشد
علامات موی - موی سخت و دلی شجاعت و استقلال و بسیار نرم دلیل ترسیدن است
و کثرت موی بر سینه و بطن و دلی کمینگی و کمی موی دلی طاعت و دانایی است و موی بینگ
دلیل حماقت و موی می گون دلیل شجاعت و نور و بسیار سختی بدن و دلی غلظت و غلبه
مزاج و کسی که موی از یک مسام زاید دلی دولت است و اگر یک زاید دلی ستم و ستم
و سه دلیل ذوق عبادت گشتن و چهار نشانی افلاس و فرومایگی است علامات آواز -
آواز بزرگ و بلند دلیل بهادری و نرم و باریک دلیل اخلاق نیک و آواز غنه دلیل کبر و
غرور است و آواز ناخوش دلیل حماقت و بد اخلاقی و سخن آهسته گفتن است و سخن تیز گفتن
دلیل بد خلقی است و سخن در حالت دست زدن دلیل گفتن و دانایی است - علامات خنده
خنده بقیقه دلیل سفاقت و حیجانی است و تبسم دلیل پیام و قار و ملین و خوش اخلاق است
- علامات قد - قد طویل دلیل حماقت و قد قتیله دلیل فتنه و نیریزی است و قد کوتاه دلیل
کینه و عداوت و قد میانه دلیل مکت و دانایی است و یک نشانی که در حسن است که بسیار
انگشتان یکصد و بیست باشد و ازین مقدار هر قدر که باشد یعنی کم و بیش نبایت بد است -

- علامات رفقا - کسیکه در رفتن او کجی باشد دلیل است بر اینکه بدگوینده بزرگان گردد و آنکه در رفتن سرین را حرکت دهد دلیل بیماری آنه است و نیز روند رفتن دلیل قهر و غضب و جهالت است و بآستگی دلیل غمناکی است و رفقا متوسط تیزی و زنی دلیل نیکی ظاهری و باطنی است و بوقت رفتن هر دو پا بر زمین باز و زدن دلیل و نشانی بدبختی است و قد دراز دلیل بهالت و حماقت است علامات کف دست - کف دست پر گوشت دلیل دولت و رنگ سرخ دلیل غنوی و پاکیزگی طبیعت است و زردی کف دست دلیل فسق و فجور است و سفید و سیاه دلیل بدبختی است و خطوط اکثر و اندک بر هر دو کف دست زبون اند و بدرجه اوسط دلیل سعادت مند است - علامت انگشتان انگشتان دراز دلیل طوالت عمر است و باریک و نرم دلیل بدبختی است و فر به کج و سخت دلیل بدبختی است و در وقت پیوست کردن انگشتان سوراخ ظاهر گردد دلیل بددولتی است و چون سوراخ ظاهر نگردد دلیل دولت است - علامات ناخن - ناخنهای سرخ رنگ دلیل علم و عقل و دانائی و فزاح دستی است و زرد و سیاه دلیل پریشانی و افلاس و بدبختی است - علامات دکر - ذکر کج نشانی فسق و فجور است و راست دلیل صلاح و راستی است و اکثر عروق که بر ذکر ظاهر باشند دلیل عزت و افلاس است - علامات خضیمه - خضیمه یک بزرگ و یک خور و دلیل غلبه شهوت و الفت جماع زنان است اگر خضیمه راست خور باشد دلیل است که از لطفه او دختران زاینند و اگر چپ خور باشد پسران زاینند و بعضی گفته اند که در اول دلیل دولت و در آخر دلیل فسق و فجور است - علامات ساق و ران - فرنگی ران دلیل عیش و طرب ران است و شدت ران یا قلت موی دلیل دولت مند است و موی دراز بر ساق دلیل تنگدستی و محروم ماندن از سواری است و ساق دراز دلیل تکبر و دشمنی است و بسیار خور و دلیل افلاس است و متوسط در درازی و کوتاهی و سبزی و باریکی دلیل

شجاعت و سخاوت و یکبختی است - علامات کعب - کعبین پر گوشت دلیل آدمی
 است و اگر بر کعبین موهبا باشند دلیل قنوت اولاد است و یکب خور و یک بزرگ دلیل
 اکثر مسجون گشتن است و یک خور و دو دیگر گول نشانی دوات است و یک بلند و یک کج
 دلیل غمناکی و افلاسی است - علامات پاشنه - پاشنه خور و ولایم دلیل توانگری
 و بزرگ و کج دلیل سختی است و پاشنه پر گوشت و در وقت حرکت پنهان داشتن دلیل
 بر دزدی اوست - علامات پشت پا - پشت پا بلند و کم موهبا نشانی نیک و سعادت
 و مبارکی است - علامات کف - کف پلزد و سیاه دلیل قنوت اولاد و فقر و جور
 است و کف پا خالی از خطوط دلشست بر خرومی از سواری اوست و کف پا سرخ و نرم
 دلیل عقل و دولت است و نشان بیرق و ناقوس در کف پا دلیل دولت و دبدبه است
 - علامات اصابع الرجل - انگشتان پا دراز و باریک دلیل تیز فمهی و کوتاه و سطر دلیل
 کم فمهی و نهایت متصل با هم دلیل نکی و غوبی و متفرق دلیل زبونی است و سبابه پاکه از ایهام
 دراز باشد نشانی یکبختی است که ذوق اقبال باشد و زمان اکثر کند و در غقد او میزند و اگر انگشت
 مذکور خور و باشد دلیل است بر انکایش از زن مرده خواهد و اگر همگی انگشتان پا خور و باشد
 دلیل بر بد اصلی اوست و اگر ایهام بسیار غلیض و بزرگ باشد در اکثر املاک و شهر میکند -
 علامات ناخنهای پا - اگر ناخن پا زرد و سیاه باشند دلیل بی ارمیت و سرخ و مساف
 دلیل سهر و دانایی عاقل را باید که در مرد و یک علامات روی و بزرگ باشد علامات نیک
 کمتر باشد اعتبار بر خصائص او کند و مردیکه علامات حسن زیاده باشد و علامات بد کم باشند
 پس اعتبار بر دلالات ریش او کند و اگر هر دو برابر باشند پس اینچنین مرد اکثر اوقات
 معتدل الاحوال می باشد و الله اعلم بالصواب **باب اول** از ان هفت البواب در
 بیان اسرار الهی بقاعده اجماع تام و بقاعده مصبوق الکلام بدانکه خدا تعالی نیک گرداناد
 تر از احوال باری تعالی بل شان همگی نود و نه هستند چنانچه در حدیث ابی هریره موجود اند و

آن اسما و صوف بر سه گونه اند حتمی و بطائی و مشترک بینها پس اولایا باید که در آغاز هر کار
این اسم را بپند که کدام اسم به کدام کار تعلق دارد و موافق عدد اسم خود یک اسم ازین
اسما بگیرد و در صاحب مقصود باشد و بعد از آن اسم باری تعالی بخواند تا بمقصود
نیکن اول قاعده او را آوردن حرف تهجی اخیان کمتر تا مبتدی بر جمیع قواعد قادر
گردد و نیز موکلان اسما باری تعالی را شرح و استخراج و یک نکته را فرو نه گذارم و حرف
تهجی است و شست اندک پس باین ترتیب باید دریافت -

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

ت ث خ ذ ض ظ غ با ترکیب منسوبات عناصر نسبت هر حرفی از این

۱۰۰ ۹۰ ۸۰ ۷۰ ۶۰ ۵۰ ۴۰ ۳۰ ۲۰ ۱۰ ۰

۱. آتشی - ب - خاکی - ج - باوی - د - آبی - ه - آتشی - و - خاکی - ز - باوی -
ح - آبی - ط - آتشی - ی - خاکی - ک - باوی - ل - آبی - م - آتشی - ن - خاکی -
س - باوی - ع - آبی - ف - آتشی - ص - خاکی - ق - باوی - ر - آبی - ش - آتشی -
ت - خاکی - ث - باوی - خ - آبی - ذ - آتشی - ض - خاکی - ظ - باوی - غ - آبی -
و گیرانیکه هر حرف از حرف تهجی موکلی دارد که مزه اوست چنانچه ترتیب موکلان این است -

دائرة حروف مع موکلات

ا	ب	ت	ث	ج	ح	ح
اسرائیل	جبرائیل	غزرائیل	میکائیل	کارکائیل	تکفیل	مہکائیل
و	و	ر	ز	س	ش	ص
دورائیل	اہرائیل	اموائیل	سرفائیل	ہموائیل	ہمزائیل	اجمائیل

ض	ط	ظ	ع	خ	ف	ق
خطکائیل	اسمائیل	تورائیل	لونا ئیل	لونا ئیل	میرحائیل	عطرائیل
ک	ل	م	ن	و	ه	ی
حرو زائیل	طا طائیل	رو مائیل	حو لائیل	رفقائیل	دو ریائیل	سر کتائیل

و با اینستین حرف و موکیل آن طبایع بهمت حرف را یافتن چنانست و آن اینست مطبوعه مجموعه نوشته اند

مجموعه حروف آتشی که مشرقی اند
 ا ه ط م ف ش ن
 مجموعه حروف بادی که غربی اند
 ج ز ک س ق ث ظ
 مجموعه حروف خاکی که جنوبی اند
 ب و ی د ن ص ت ض
 مجموعه حروف آبی که شمالی اند
 د ح ل ع ر ح خ

چون قاعده حروف تبحر را شرح دریافت شد و اسما موکلان حروف مذکور شدند حال
 اسما الحسنی که در فرقان حمید مذکور اند و معانی ایشان اینک جمله اسما عزوجل پر از کنونی و
 غنی هستند پس هر یکی از این اسما که خوانند برای خدا دعوت کنند تا جمیع اوقات و مطالب
 و این حاصل گردد و اگر عامل بیک اسم ازین نموده نام شود بیشک عالم محله احکام و این
 بود و هیچ حاجت محتاج نباشد و اسناد بربک اسم الهی زبان آدمی را پیچد که ادا نماید
 بلکه عاجز هستند و اگر کو طاعتی که بیان نمایند الا بعضی برای تسکین خاطر فردی مطالب که از خدا
 باین احقر رسیده اند میسر و این ناقص کمال می نموده از استادان و عاملان کامل
 این کتاب اصحت کرده این اسما الهی را مع اسما موکلان و معانی و تعداد آنها شرح
 اسما جلای و جمالی بصحت تمام به تصحیح و تنقیح بزرگان و عاملان نوشته است تا که شاگردان
 و برادران مذنب را نفع تمام حاصل گردد و مراد ما را بر اسما شرح اسما الهی و موکل

اسماء الحسنی	معنی اسماء	اعداد	بنیانی جمالی مشترک	مواکیل	عناصر
الملک	بادشاه مطلق	۹۰	مشترک	یا حرویل و مایل	خاکی
القدوس	بادشاه پاک	۱۷۰	جمالی	یا هنر ایل عطر ایل	آبی
السلام	همیشگی و بی عیب	۱۳۱	ایضا	یا روم ایل مموکیل	بادی
المؤمن	ایمن کننده	۱۳۶	ایضا	یا روم ایل عولایل	آتشی
المهین	گواه راست	۱۳۵	ایضا	یا کلک ایل برکت ایل	ایضا
العزیز	عزت دهنده	۹۴	ایضا	یا لوم ایل عزرایل	ایضا
الجبّار	زور کننده	۲۰۶	جلالی	یا کلک ایل عطر ایل	ایضا
المتکبر	صاحب غرور	۶۶۲	ایضا	یا روم ایل هرایل	خاکی
الخالق	مبت کننده	۷۳۱	ایضا	یا میک ایل خور ایل	ایضا
الباری	آفریدگار مطلق	۲۱۳	مشترک	یا جبریل اهر ایل	آتشی
المصور	نگارنده صورتها	۳۳۶	جمالی	یا اجایل هر حاکیل	ایضا
الغفار	آمرزگار	۱۲۸۱	ایضا	یا و حایل حمایل	ایضا
القهار	غضب کننده	۳۰۶	جلالی	یا دره ایل خطر ایل	خاکی
الوهاب	بخشاینده	۱۲۲	جمالی	یا قحایل جبریل	ایضا
الرزاق	روزی دهنده	۲۰۸	ایضا	یا اسرافیل مرقایل	آتشی
الفتاح	کشاینده	۴۶۹	ایضا	یا سرخایل تنکیل	ایضا
العلیم	دانا بهمه حیر	۱۵۰	ایضا	یا لوم ایل و مایل	خاکی
القدّوس	قبض کننده روزی	۹۰۳	جلالی	یا عطر ایل عطر ایل	بادی
البارئ	فرمان کننده روزی	۷۲	جمالی	یا جبریل اهر ایل	ایضا

اسماء الحسنی	معنی اسماء	اعداد	جملاتی با جمالی	مواکیل	عناصر
الرافع	بردارنده	۳۵۱	جمالی	یا رحمانیل لومانیل	بادی
النافض	فروبرنده	۱۴۸۱	جملاتی	یا حبیبیل عاکمالیل	آتش
المعز	عزیز کننده	۱۱۷	جمالی	یا رومانیل لومانیل	نملی
السمیع	شنونده همه حال	۱۸۰	ایضا	یا بهرانیل لکریطانیل	آتش
البصیر	بیننده پنهان و آشکارا	۳۰۲	ایضا	یا جبریل حمانیل	خاک
الحکیم	صاحب حکمت	۷۸	جملاتی	یا تکفیل رمانیل	آتش
العدل	دادگر خلق	۱۰۴	مشترک	یا طاطانیل لومانیل	ایضا
اللطیف	پاکیزه و مهربان	۱۲۹	جمالی	یا اسمانیل رمانیل	ایضا
الخبیر	خبردار همه چیز و همه حال	۸۱۲	ایضا	یا مهکبیل دروانیل	ایضا
الرفیق	نگاهبان مطلق	۳۱۲	ایضا	یا عطرانیل لکریطانیل	ایضا
المحب	قبول کننده دعا	۵۵	ایضا	یا کاکیل جبریل	بادی
الواسع	بسیار عطا کننده	۱۳۷	ایضا	یا قحمانیل لومانیل	آتش
الحکم	استوار کار و دست گفکار	۶۸	ایضا	یا تکفیل خرد رانیل	خاک
الودود	دوست دایمگان	۲۰	ایضا	یا قحمانیل دروانیل	آتش
المعظم	خداوند بزرگوار	۱۰۵۰	ایضا	یا لومانیل اسمانیل	ایضا
الغفور	آمرزگار	۱۲۸۶	ایضا	یا لومانیل حمانیل	خاک
الشکور	سپاس دارنده نیکنان	۵۲۶	ایضا	یا لومانیل لکریطانیل	ایضا
المعلی	برتر از همه برتران	۱۱۰	ایضا	یا لومانیل لکریطانیل	ایضا
الکبیر	بزرگوار بر همه چیز	۳۳۲	ایضا	یا زرد رمانیل جبریل	آتش

کتاب	فصل	باب	نوع	تعداد	مجموع
الحفیظ	انگهدارنده	۹۹۸	جمالی	یا رحمانیل اوزاریل	خاک
المقیات	توانا وقت و نده	۵۵۰	ایضا	یا رومایل عطرایل	آتش
الجبیب	باب کفنه	۸۰	مشترک	یا حمانیل سرکطایل	ایضا
الجبیل	بزرگوار بزرگان	۷۳	جلالی	یا ککایل یا جبریل	ایضا
الکرم	گرامی کننده	۲۷۰	جمالی	یا خورایل هراطیل	خاک
المجید	بزرگوار از همه	۵۷	ایضا	یا رومایل کلکایل	آتش
الباعث	فرستنده رسولان	۵۷۲	مشترک	یا جبریل میکایل	ایضا
الشهید	زنده کننده مردگان	۳۱۹	ایضا	یا عطرایل تنکفیل	بادی
الحق	گواه راست مطلق	۱۰۰	ایضا	یا عطرایل تنکفیل	آتش
القوی	بخدا فی و سلطان در	۱۱۷	جلالی	یا عطرایل تنکفیل	ایضا
الوکیل	کارزدان و نگهبان	۶۶	جمالی	یا خورایل طاطایل	خاک
الستین	توانا	۵۰۰	جلالی	یا عزرایل حولایل	آتش
الولی	یار نیکو کاران	۴۶	جمالی	یا رقامیل سرکطایل	خاک
المجید	ستوده بصفت	۶۲	ایضا	یا تنکفیل مکایل	ایضا
المحصی	شمار کننده	۱۴۸	ایضا	یا رحمانیل سرکطایل	آتش
المبدی	آفریننده بار دیگر	۵۶	جلالی	یا جبریل و رایل	ایضا
المجید	و عده کننده	۱۲۴	ایضا	یا رومایل سرکطایل	ایضا
المیمی	زنده کننده	۶۸	جمالی	یا حمانیل تنکفیل	ایضا

نوع	نوع	نوع	نوع	نوع	نوع
المیت	مروه کننده	۳۹۰	جلالی	یار و مایل عزرائیل	آتش
الحی	همیشه زنده	۱۸	ایضا	یا عطر ایل ر قما ایل	ایضا
القیوم	پاینده همیشه	۱۵۶	ایضا	یا عطر ایل ر قما ایل	ایضا
الواحد	یکتا سازنده کار	۱۴	جمالی	یا کلک ایل در و ایل	خاکی
الماجد	بزرگی کننده	۲۴۸	ایضا	یار و مایل در و ایل	ایضا
الواحد	تنها و یکتا	۱۹	مشترک	یا ر قما ایل در و ایل	بادی
الاحد	تنها بخدانی	۱۳	جمالی	یا تکفیل در و ایل	آتش
المصد	پاک بی نیاز	۱۳۴	ایضا	یا اجمایل یار و مایل	خاکی
القادر	همه خلق یار زنده و داور	۳۰۵	جلالی	یا عطر ایل ابراطیل	آتش
المقدر	توانا و تقدیر کننده	۴۴۴	ایضا	یار و مایل عطر ایل	ایضا
المتقدم	از همیشه هست	۱۶۴	مشترک	یا عزرائیل در و ایل	ایضا
المؤخر	همیشه خواهد ماند	۸۴۶	ایضا	یا ر قما ایل میکا ایل	خاکی
الاول	آنکه همیشه بود	۴۷	ایضا	یا طاطایل ر قما ایل	آتش
الآخر	آنکه همیشه باشد	۸۰۱	ایضا	یا میکا ایل ابراطیل	ایضا
الباطن	پنهان از بگونی	۶۲	ایضا	یا در و ایل اور ایل	خاکی
الظاهر	پیدا استی	۱۱۰۶	ایضا	یا جبریل اسماعیل	ایضا
الوالی	بزرگ قدرت و ارادت	۴۷	ایضا	یا ر قما ایل سر کما ایل	بادی
المتعالی	بزرگ و برتر	۱۱۰۶	ایضا	یا طاطایل عزرائیل	ایضا

بسم الله الرحمن الرحيم	الحمد لله رب العالمين	والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله	وآله	وآله	وآله
البیر	نیکو کار مطلق	۲۰۲	جمالی	یا جبرئیل یا اسمرائیل	خاکی
التواب	قبول کننده توبه	۲۰۹	ایضا	یا عزرائیل جبرئیل	آتش
الغنی	بی نیاز کننده	۱۰۶۰	مشترک	یا روحا ئیل حواییل	ایضا
المنعم	نعمت دهنده	۲۰۰	ایضا	یا اسمائیل رومائیل	خاکی
الرحیم	نعمت دهنده	۱۴۰	جمالی	یا حواییل رومائیل	ایضا
الحقو	معاف کننده گناه	۱۵۶	ایضا	یا لومائیل رحما کیل	آتش
ارزوف	برگزین کننده	۲۸۰	ایضا	یا ابراطیل مرهما کیل	خاکی
مالک الملک	مالک همه خلق	۲۱۲	جلالی	یا رومائیل خردرائیل	آتش
زوالجلال	صاحب بزرگی	۸۰۱	ایضا	یا خردرائیل طاطائیل	ایضا
والاکرام	"	۹۹	"	"	"
الرب	پروردگار	۲۰۲	جمالی	یا ابراطیل جبرئیل	خاکی
المفیط	دوگر	۲۰۹	جلالی	یا ابراطیل اسمائیل	آتش
النجاح	فراسم کننده	۱۱۳	مشترک	یا کلکائیل لومائیل	خاکی
المنفی	سینه نیاز	۱۱۰۰	جمالی	یا دردائیل لومائیل	آتش
المعطی	عطا کننده	۱۲۵	"	یا لومائیل اسمائیل	آبی
النصار	نیاز کننده	۱۰۰۱	جمالی	یا اسمائیل ابراطیل	"
المانع	باز دارینده	۱۶۱	جلالی	یا رومائیل لومائیل	"
النافع	سود کننده	۲۰۱	جلالی	یا حواییل مرهما کیل	"

اسماء	اسماء	اسماء	اسماء	اسماء	اسماء
النور	رشن کننده	۲۵۶	مشترک	یا قنائل ابرائیل	آبی
البادی	راه نماینده	۲۰	جمالی	یا درویش کینائیل	ر
البدایع	آفریننده نادر	۸۶	مشترک	یا جبریل لومائیل	خاکی
الباقی	پس از خلق بماند	۱۱۳	جمالی	یا عطر انیل لائیل	آبی
الوارث	میراث گیرنده	۷۰۷	جمالی	یا قنائل کینائیل	ر
الرشید	راست تقدیر و درست	۵۱۳	مشترک	یا همزائیل دروائیل	خاکی
الغفور	جلدی کننده بخدا	۲۹۶	جمالی	یا اسمائیل ابرائیل	بادی

شرح اسماء حسنی تمام کرده شد اما طالب زاد در یافت جدالی و جمالی و مشترک مشکوک خواهم بود ازین جهت اسماء مذکوره را یکجا مع اسناد کار کردن شرح نمایم که هر یک را آسان باشد چنانچه اول اسماء جمالی که آنرا اسماء رحمت گویند برای علو درجات و فوق رزق و فتح جنگ و سرخر ولی پیش باو شاه و ملوک و سلاطین و امرا و وزراء و محبت و دوستی باین اسماء عمل کنند تا بمقصود رسند و این اسماء جمالی بطلح جمیل و بیخ اسم است چنانچه هر یک اسم مع اعداد بعد از کسیر این هستند

یا رزق	یا رحیم	یا سلام	یا مؤمن	یا حسین	یا مایه	یا رازق
۱۶۹	۲۵۸	۱۳۱	۱۳۶	۱۳۵	۱۳۷	۱۳۸
یا قهار	یا باری	یا غفار	یا باسط	یا معز	یا لطیف	یا غفور
۳۸۹	۲۱۳	۱۲۸۱	۷۲	۱۱۷	۱۲۹	۲۸۱
یا شکور	یا حفیظ	یا کریم	یا واسع	یا حکیم	یا علیم	یا ودود
۵۲۶	۹۹۸	۲۷	۱۳۷	۸۸	۸۸	۲۰
یا کفیل	یا ولی	یا مغنی	یا معطی	یا مانع	یا مشیر	یا عیسی
۱۳۰	۳۶	۱۱۰	۱۲۹	۲۰۱	۵۳	۵۷

یا حی	یا قیوم	یا ابد	یا صمد	یا بر	یا قیوم	یا غفور	یا راف
۱۸	۱۵	۸	۱۳	۲۰	۹	۱۵	۲۸
یا نور	یا مادی	یا باقی	یا صبور	یا واجد	یا وکیل	یا احد	یا نعیم
۲۵	۲۰	۱۳	۲۹	۱۴	۶۶	۱۳	۱۰۰

پس چون برای علو درجات و کشایش زرقی عمل کردن منظور باشد بر این عمل هفت اسم اند از آن هفت اسم یک اسم را اختیار کنند و آن هفت اسم مذکوره این هستند

یا باسط	یا سدام	یا فتاح	یا معز	یا لطیف	یا کریم	یا واسع
---------	---------	---------	--------	---------	---------	---------

عدد این اسماء که بالا مذکور شدند بیرونی و نیز عدد موهولان آن بگیرد و عدد اسم صاحب طلب باشد جمله عدد را یکجا کرده نقش مربع از خانه سوم بکشد و بساعت مشتری نقش بنویسد و از ترکیب پر کردن نقوش مربع و شصت و نوزده در یافتن ساعات سیارگان آینده خواهم نوشت انشاء الله پس جمله اعداد را برای هر روزه خواندن تقسیم کند و افاق اعداد اسم بر آورده اسماء هر روز بخواند باشد و در آن گندم نقشها نوشته گوی بندد و در آن اندازه بسین طوری یک جلیه کند انشاء الله تعالی کشایش زرق و فوج بشمار شود و مرتبه عالی برسد برای تخر و بی پیش پادشاه و امراء باید که ازین نه اسم یکی اختیار کنند

یا رحمن	یا رحیم	یا حلیم	یا حفیظ	یا حی	یا قیوم	یا رفیع	یا قتاح	یا مادی
---------	---------	---------	---------	-------	---------	---------	---------	---------

اعداد اینها در مجموع جمالی نوشته اند پس ازین اسماء یک اسم گرفته عدد صاحب مطلب و عدد موهول و غیره یکجا کرده در ساعت شمس از خانه یازدهم نقش مربع بکشد و آن نقش را در دست راست بندد و یا بر سر بردارد انشاء الله تعالی پادشاه و حاکم سرخرو ولی یا پادشاه حکم رحیم گردد و برای محبت و مودت و حسب اگر عمل کند ازین اسماء یکی بگیرد نیست

یا دور	یا دوح	یا لطیف
--------	--------	---------

پس ازین اسماء یک اسم را عدد گرفته و اسم طالب مع اسم مادر و اسم مطلوب مع اسم مادر گرفته اعدادش به یک جا کرده در ساعت مشتری نقش مربع از خانه

ازین اسماء الهی یک اسم اختیار کند اینست - **یا حبار یا قاض یا قوی**

پس اعداد اسم و عدد اسم موکیل گرفته نقش مربع در ساعت زحل یا مریخ از خانه نهم پر کند و آن نقش را در گور کهنه دفن کند انشاء الله جدائی در میان دو کس افتد -

و چون برای مقهوری دشمن و غلبی خانه او عمل اختیار کند

ازین سه اسماء باری تعالی معظم که مرقوم اند یکی را بگیرد

یا حبار	یا باندل	یا حبار
---------	----------	---------

پس عدد اسم و عدد اسم عدد مع موکیل گرفته نقش مربع در ساعت زحل یا مریخ از خانه نهم پر کند و برین تدبیر عمل کند که از هفت جا خاک بیارد اول خاک چهار راه که بنده می آرد از چو راه به گویند دوم خاک مسجد سوم خاک گور کهنه چهارم خاک خانه ویران پنجم خاک سناره ویران که بنده می آرد و ششم خاک جای که خورده را غلط اندیده بود هفتم خاک جای که زغن نشسته باشد همه خاکها را گرفته در آوندگی بدارد و نقش که پر کرده است در آن خاک بدارد و بر آن آوندند کور اسم الله مع موکلات موافق تعداد عدد بخواند و بدمد و در اول تصور خراب گشتن عدد کرده خوانده باشد باز آن آوند را در جای خراب دفن کند انشاء الله بدخواه زبون خواهد شد -

بیان اسماء مشترک که جمالی و جلالی هر دو اند و هر نیک بد بکار آیند

اول باید که ترکیب خواندن این اسماء یاد گیرد و آن اینست که چون برای دعوت و دادن زکات این اسماء را بخواند تسبیح را بجانب خود بگرداند و برای خراب کردن دشمن و خانه او را تسبیح بوقت خواندن جانب چپ بگرداند و برای علود رجات بوقت خواندن تسبیح جانب راست بگرداند و برای صحت مریض تسبیح که بر آن اسم هر روز بطور وظیفه بخوانده است آن تسبیح را بوقت بار در آب طاهر پاکیزه شوییده مریض را بنوشاند پس بر آسب که آنرا خواهد بود دفع خواهد شد و صحت کامل یا مرضی مطلق بدست آید گشته باشد

و مجموعہ اسما مشترک این است -

یا مالک	یا واد	یا خالق	یا قدوس	یا مصور	یا علیم
۹۰	۱۹	۷۲۱	۱۷۰	۲۳۶	۱۵۰
یا سمیع	یا بصیر	یا حلیم	یا عدل	یا جبر	یا عظیم
۱۸۰	۳۰۲	۸۸	۱۰۴	۸۱۲	۱۰۴۰
یا مقیت	یا حبیب	یا منعم	یا نجیب	یا باعث	یا شهید
۵۵۰	۸۰	۲۰۰	۵۵	۵۷۲	۳۱۹
یا حق	یا مقیم	یا مؤخر	یا اول	یا آخر	یا ظاہر
۱۰۸	۱۶۴	۸۴۶	۳۷	۸۰	۱۱۰۶
یا باطن	یا متعال	یا اکرام	یا جاح	یا غنی	یا بدیع
۶۲	۵۵۱	۲۶۲	۱۱۴	۱۰۶۰	۶۶
	یا رشید		یا والی		
	۵۱۴		۴۷		

و این اسماء تله سی و چهار اند پس در هر کار تجویز که در قوم میشود عمل کنند و نیز دریافت
ساعت هر کار آغاز کنند و اسماست شبانه روز در باب پنجم خواهیم نوشت اینجا این قدر
کافی است که در هر روز شنبه زحل ساعت اول نخل کبر برای
تراش کردن و شستن و جدایی و در این ساعت دوم مشتری سعدا کبر برای علودرجات و
دیش بادشاه و ملوک رفتن و برای محبت و مودت و ساعت شوم مریخ نخل صغیر
برای مقهوری اعدا و ساعت چهارم شمس سعدا کبر برای محبت و علودرجات ساعت پنجم
عدا و نخل و در همین برای زبان بندی و ریویزی و جمله بلاها در ساعت ششم قمر سعد
و در همین برای کشایش رزق و فتوح و سرخرولی پس ساعت یک و سه و پنج و هفت و نه و یازده و پانزده و

نوشته وادم و ساعت هر روزه را در باب مذکوره خواهد شد لهذا این ساعت دیده بر هر
 که در هیچ براس بر کاری و بر مقصدی پر کند مثلاً برای حب یا برای نفی یا برای
 فتحیابی و سرخروئی او آن اسم را نظر کند که چند حرف دارد پس هر حرف را موکل بگیرد
 حریق مثلاً اسم بدوح که این چنین حرف دارد (ب دوح) موکیل آن موکل حرف
 (ب) جبریل (د) در دانیل موکل حرف (و) رفتمایل موکل حرف (ح) -
 تنگفیل فی الجمله این موکله که مثلاً بیان شدند همین طور هر حرف را موکل گیرد و همراه
 اسم خدا تعالی داخل کند و بخواند در همان ساعت که برای هر کار مقدرست و صورت
 ترتیب موکلات همراه اسم خدا نیست مگر حرف بدوح را موکل بر آورده ام ترتیبش اینک
 یا بدوح اجب یا جبریل یا در دانیل یا رفتمایل یا تنگفیل - مثلاً و طبعاً بحق یا بدوح
 فاما همین طور بر اسم را بهیچ آرد اشارت و معادل کافیت و چون رباعت ستاد نقش
 اسمانوسید یا موکلات را بر ترتیب مذکوره خواندن آغاز نماید آنوقت رجال الغیب را
 پس اشته کنند و دعاه رجال الغیب بخواند و اندک شیرینی در دهان کند برای محبت
 و برای عداوت چیزی تیغ و نیز در دهان بدارد و ما بخورات و اغذیات ساکنان
 و طریق استن رجال الغیب در باب پنجم خواهم نوشت لیکن دعای رجال الغیب
 اینست و دعای رجال الغیب السلام علیکم یا رجال السلام علیکم یا روح
 المقدس اغیثونی بعونه و التقرؤنی بنظره و یا قبادیا بخباد یا ابدال یا اقرانیا غوث
 یا قطب بحرمت البنی صلوٰۃ اللہ علیهم و السلام یا پس ای طالب در خواندن اسم
 الهی هر سه گونه یعنی جلالی و جمالی و شکتی این همه طریق مجاز است و درست
 افتد و الحال ماذکر آن اسماء باری تعالی کنم که از بزرگان باین کیف رسیده است
 و آن اینست عمل اسم باری تعالی سلطانزوده مولانا السید زین العابدین صاحب
 باید که این هر سه اسم که محاصر تمام کلام اللہ اند و در بسم اللہ و الحمد آمده اند یکی اسم ذات

است دیگر اسم عادل سوم اسم رحمت و در صفت همین اسماء تمام کلام اللہ است و در اسناد این هر سه زبان نیست که بیان کنم لهذا این اسماء سه هزار و یکصد و بیست و پنج مرتبه مابین عصر و مغرب هر روزه بلا ناغہ در سایہ آسمان سر برهنہ مدام بخواند باشد اگر خدا تعالی خواهد امیر گیر کرد و برای هر مطلبی که بخواند در عرصہ چهل روز آن مقصد بعون اللہ تعالی بیشک بر آید آن اسماء معظم و مکرم آیند یا اللہ یا الرحمن یا رحیم -

و دیگر عمل از زاهدی باین نحیف رسیده است اینکه این هر دو اسم مبارک تبارک تعالی یعنی یا عزیز یا لطیف که اسم هر دو یک صفت دارند و یک اسم جلالی و دیگر جمالی است پس هر دو را دوازده هزار مرتبه بعد نماز صبح یا بعد نماز مغرب هر روز سر برهنہ کرده چار و در گردن انداخته تضرع کنان بخواند و گریه کند بیشک در عرصہ دوازده روز مطلب دنیا و دین حاصل گردد و اگر یک جلسه ازین هر دو اسم یکی را بوقت شام یا صبح یا تا شام دیگر سر برهنہ در مقام تنہا زیر آسمان نشسته بخواند بیشک همان روز مطلب بر آید ولیکن یک لک و بیست و پنج هزار مرتبه در یک جلسه بخواند تا بمقصود رسد -

قاعده عجیب و غریب عنایت جناب حافظ الصغر علی صاحب -
 باید که اسم یا مستطیع را باول و آخر در و در شریف سه مرتبه خواند سیزده صد مرتبه وقت نماز صبح و ایم بخواند باشد بیشک مجمع خالق پیش عامل شود مجرب است و برای دو کس تجربه نمود شده است عمل دیگر برای زاهدان هر که خواهد از گناہان صغیرہ و کبیرہ من حق تعالی درگذرد و رحمت خویش معاف کند این اسم را بدین ترکیب مع درود یا محمد صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم
 اے اجمعین بعد نماز جمعہ صد یا بخواند برکت این اسم در اندک مدت از مغفوران گردد
 اسم اینست یا غفار یا غفر ذنوبی یا قہار بر کہ این اسم مذکور را مدام بخواند محبت دنیا و ازل آنکس بیرون رود و هر که بعد از نماز چاشت سجدہ کند و بفت کت این اسم را بخواند
 بکرم آبی مستغنی گردد اسم اینست یا و یا یا نوع دیگر در مقدمہ عداوت جانین و جدائی

افکندن میان دو شیدانه العمل محرب از نادرات است باید که این اسم را در تاریخ خمس و دین
چیزی تلخ مثل سیاه موج یا نمک شور انداخته سه روز متواتر بوقت دو پیر روی خود سمت
جنوبی کرده بخورات سوخته بخواند و هر روز دو هزار مرتبه بخواند باشد و وقتی که تسبیح تمام شود
بست و یک مرتبه بر پارچه قرطاس اسم را هم نوشته باشد و بر آتش بسوزد الا صاحبان
اللازم است که اسم باری تعالی را بسوزد بلکه در یک طرف نهاده بر آتش نهد که گرمی آتش
بر آن کاغذ برسد پس بعد از روز عامل این طریق شده هرگاه که جدائی بمیان دو کس انداختن
منظور باشد همین اسم را قهاری را مع عبارت چنانکه آئیده نوشته است و بر پارچه نوشته مع
اسم جانین و اسم مادرشان نوشته دید که در رگبزشان دفن کنند کوه قدری شیرینج
با احتیاط خود پزیده سه رکابی کند بر یکی نیاز جناب بی بی فاطمه رضو دهد و بر دوم نیاز جناب
پیغمبر صلعم دهد و بر سوم نیاز مولات کند پس پیغمبر صلعم بر هر که داده است خود خورد و نیاز
مولات در مسجد فرساید که نمازیان بخورند و نیاز فاطمه رضو بدختران خوراند پس هرگاه که
تعویذ در رگبزشان دفن کنند چنان با هم دشمنی شود که یکی دیگری را بخوابد که کشم اسم آید
- یا بدیع العجائب بقهرک والمراق -

نوع دیگر براسه ملاکی و تباهی دشمن باید که این اسم قاهره را برای هر کسی که یک بست
و پنج هزار مرتبه در عرصه یک هفته بسوی آسمان رو کرده بخواند و سمت آنکس بدو یقین که
در یک هفته دشمن تباه شود و اگر نشود در هفته دیگر چنین کند بیشک حکم خدا عدد بر باد گردد
این عمل عنایت کرده پیر خان ساکن مانسی حصار است که باین بحیف عطا شده اینست -
المدل - نوع دیگر این اسم باری تعالی که علش عنایت فرموده جناب سبحان شاه صاحب
که ذی کرامات است و در مقدمه حب محرب است اگر کسی بر کسی عاشق باشد و هرگز با او
ملاقات میسر نمیشود باید که این اسم اعظم را بوقت صبح و بوقت شام از یوم نخست به بعد
نماز یکصد و یک مرتبه اول و آخر رو میخواند باشد و مطلوب را در دل چنان تصور کند

بعد نوشتن این اعداد را انداخته یعنی یک عدد از سر گیرد و یک عدد از پای اسم مطلوب
نویسد چنانکه با هم تمام اعداد پیچیده باشد و من مثال او غام هم نویسم بدین طریق ۴۰۰۰۰۰
۵۱۰۱۲۰۰۰۵۸۶۰۰۴۰۴۰۰۹۳۰۱۰۸۰۳۱۰۶۶۲ پس تمام شد این اعداد را فقیله
ساخته سیاهی بر رخسار مالیده و در چراغ که سفال آب ناریده باشد روغن خوشبو دار انداخته
و بر فقیله عطر مالیده و شهید خالص مزوج ساخته پنبه ظاهری پیچیده و چراغ نهاده روی
چراغ جانب خانه مطلوب کرده از خس پاک روشن کند و خود روی چراغ استاده
شده پارچه ظاهری پوشیده یکصد و یکبار درود اول و آخر شریک کرده این اسم یا دود
بخواند چون تمام شود اگر چه مطلب محبت داشته باشد عرض حال خود کند اگر کسی را از قید
رمانی و اوان منظور باشد پس اول اسم مقید بنویسد و در میانش اسم دود و در آخر بجای
مطلوب اسم حاکم و بقاعده مرقوم الصدر ادغام کرده فقیله روشن نموده بخواند
اسم عرض حال برای رمانی قیدی کند انشاء الله هر مطلبی که داشته باشد در عرصه مفتی
روزی یا چهارده روز تا بست و یک روز ضرور برآید اما لازم است که برای این عمل کردن
چهار اختیار کند پس خطای ندارد و بیشک حکم الهی مطلوب حاصل شود و قیدی رمانی
بیابد الا لازم است که تا نیکه باشد پریز از گوشت مای و گاو کند و در میان چله مذکور
حرام نکند و دروغ نگوید مجرب است

عمل اسم باری تعالی در باب حب مجرب از پیرزاده باین فقیر رسیده است
چون خواهد که با کسی تعلق تسخیر کند و او را دوست گردان خواهد یا از میری نفع خواهد که
رسد باید که در عروج ماه از یوم پنجمشنبه یا بر جمعه این عمل شروع کند بدین ترتیب که
بوقت شب دوازده و روی بجانب کعبه کرده نشیند و چشم خود بند کرده اول یازده بار
آیه الکرسی تا علی العظیم بخواند بعد از یک هزار و ده مرتبه این اسم معظم مع عبارت آن
و مطلوب خود را تصور پیش خود دست بسته گویا استاده کرده بخواند چون اسم تمام شود

برسینه او دم کرده دهد و در دل خویش اشاره کند که مطیع من شو همین نوع تا پانزده روز
بدستور سبق الذکر بخواند و اگر ممکن باشد بر چیزی دم کرده یا بر ساندک مطلوب بخورد البته
انشاء الله مطیع و فرمانبردار خواهد شد و اگر زکوة این اسم تا چهل روز هزار هزار بار بر روزه
خوانده بدید حاصل این اسم مبارک گردد پس در مقدمه تخیر و حب برای خود و برای دیگر بهر
حسرت بکار آید یعنی بهر چیزی که دم کرده برای خورد و نوش و به اثر عظیم بخشد و نیز در زکوة
او آیه الکرسی بدستور مذکوره هر روز میخواند باشد و در روز تمام شدن چله بر شربت دم
کرده فائمه بروج پرفتح جناب پیغمبر صلعم داده خود بنوشد و همیشه در وظیفه خود قدری اجرا
می داشته باشد تا همیشه در اختیار خود ماند اینست **یا مقلب القلوب قلب قلبي**
و برای عورت بگوید قلبها الی دیگر عمل اسماء الهی در مقدمه تپ و لرزه باید که بر کسب را
که تپ و لرزه آمده باشد پس از آن شخص شست عدد ریزه سفال نو که بندی آزار نیکو
گویند طلب کرده بر یک شیکری یا محیط بنویسد و بر بازوی صاحب تپ ببندد و بی همین
اسم نوشته دهد که مریض در آب پاک بنوشد و روز دوم بر یک شیکری که اسم نوشته است
از بازویش کشاده در چاه اندازد و شیکری دیگر گرفته این بنویسد یا محیط و یک را بر
خوردن دهد و دیگر را در بازو بندد و روز سوم آن شیکری را در چاه اندازد و شیکری دیگر
گرفته این اسم بنویسد یا محیط یک را در بازو بندد و دیگر را بنوشد و روز چهارم شیکری
را در چاه اندازد و دو شیکری دیگر را گرفته بر آن این اسم بنویسد یا محیط یک را
برای نوشیدن دهد و یکی را بر بازو بندد و در غرض همین چهار روز انشاء الله لرزه بر طرف
شود و تپ باز نه آید مجرب است و باین ترکیب پنجگس این اسم را عمل نمی آرند این
جهت اثر نمیدهد ترکیب معتبر اینست که از امیر نام بخش صاب پیرزاده اولاد حضرت
مخدوم انشرف جهانگیر باین نحیف رسیده است خطای ندارد نوع دیگر عمل اسم بامی
تعالی که در حقیقت اسم اعظم همین است که پروردگار در کلام مجید اکثر همین اسم را یاد و

ذکر فرموده است و در بیان عظمت باین اسم در کلام خود بسیار قسم داده است و در
 بسم الله اول این اسم است که بسم الله سر کلام الله است و این اسم مبارک اینست
 الرحمن پس هر کس که یکصد و پنجاه مرتبه در صبح و یکصد و یک مرتبه بوقت شام همیشه ورد
 نمود کند و الله در بر مقدمه حب و شجوه و غیره بر هر شت که دم کند اثر تمام دهد و همیشه آنست که
 مانند بزرگ محتاج نگردد و در تجربه این فقیر آمده است و این اسم از درویش کامل باین احقر
 رسیده است عزیز باید داشت و اگر زکوة یک لک است و پنجاه مرتبه در هر عامل کامل گردد
 و مفت این اسم نوشتن نمی توانم - دیگر عمل اسم آله عنایت سبحان شاه درویش
 صاحب - اول زکوة این اسم به معنی یک لک است و پنجاه مرتبه در عرصه یک چله تبرک
 حیوانات برای درویش صاحب کمال نهایت مفید است یعنی اگر نخواهد که تسخیر خلق الله
 کند حیوانات و پر پیر بلالی و جمالی کرده بخواند و با شج پر سیزات مذکوره آینده بیان
 خواهم نمود پس بعد چله عامل شده هر روزه صبح و شام یکصد و یک مرتبه بخواند باشد تا
 تسخیر خلق حاصل آید اسم مبارک اینست یا مومخر ترکیبش معجز است - و
 نوع دیگر عمل اسم باری تعالی عطا فرموده جناب پیر خان پیرزاده موصوف
 اسم بزرگ اینست الا مان پس این را زکوة یک لک است و پنجاه مرتبه تبرک حیوانات و
 پیریز مذکوره اول بدو در عمل خویش سیار و بعد همیشه یکصد و یک مرتبه هر روزه صبح و شام
 ورد نمود پس اگر در عرصه دوازده سال در شکم کسیکه درد باشد یا در هر موضع وجود درد
 باشد و عامل این اسم دم کند فوراً درد دفع شود و اگر حامله را درد باشد در شکم بدو فوراً
 دردش موقوف شود و بچه صحیح پیدا گردد و اگر خودش مریض رسیدن نتواند بر دست قاصد
 مرسوله دم کند تا او دم کند و بر دست و جسم مریض دست خود بمالد فوراً درد دفع گردد و عامل
 را لازم است که اسم را بر دم کردن موقوف ندارد بلکه بر دست خویش دم کرده بر موضع درد
 دست هم مانند مجرب است - عمل اسم باری تعالی از موده حقیر عنایت شاه کریم درویش

بر زنی را که حمل همیشه اسقاط شده باشد پس باید که اسم موصوف آینه را بشوهر آن
 زن بیاورند تا شوهرش زن را بر زمین غلطانیده از انگشت خود یازده مرتبه این اسم
 خواند از مقام سینه زن تا به موی سیاه صادر کرده دهد در یک جام حل یک ماهه و دو ماه
 این عمل کند انشاء الله هرگز آن حمل باز اسقاط نشود اسم مذکور این است - یا مبتدأ
 عمل دیگر عیایت جناب نواز سرش علی الصاحب الممیز شاه عبدالرؤف صاحب
 محراب و از موده اگر امیری یا بادشاه کسی را از شهر بدر کرده باشد یا امیر بطرف خود راغب نمی
 باشد یا هر مطلبی که انسان در دنیا داشته باشد بلا شک بمقصود رسد بدین نوع باید که بر روز
 پنجشنبه روزه بدارد و غسل کرده جامه پاک و سفید پوشد و خطریات مالیده روزه افطار
 کند بعد در جای تنهانشسته بخورات روشن کرده قدری شیر برنج از پیشتر تیار نموده پیش
 خود بدارد و نیاند بر آن شیر برنج چپن طور بکند که آنرا سه رکابی کند بر رکابی اول نیاز و گل
 که اسم آن موکل آدم نورست دهد و بر رکابی دوم نیاز جناب پیغمبر صلعم دهد و بر رکابی سوم
 نیاز جناب بی بی فاطمه رض دهد و دوازده عدد مرتبه این اسم الهی را در یک جامه بخواند
 و چیزی غیر حیوانی خورده بخشد و آن شیر برنج را در مسجد بفرستد و نیاز جناب فاطمه رض بر
 دختران بخوراند اسمهای ایند یا حی یا قیوم یا علی یا ولی یا دنی یا غنی یا عیسی
 پس صبح آن مطلب بر آید یعنی آن بادشاه آنرا طلب کند و در صورت اگر در یک روز
 مقصود میسر نشود روز دوم بغیر نقی شیر برنج روزه داشته اسمهای موصوف بعد از آن
 خوانده باشد و اگر باز مطلب نه بر آید بغیر روزه داشتن و بغیر شیر برنج تیار نمودن در روز پنجشنبه
 بطهارت تمام تا دوازده روز بخواند بادشاه و امیر و فقیر و مسخر خوانند و بکرم الهی مقصود
 بنواید رسید انشاء الله تعالی و بفضل الله تعالی
 عمل اسم باری تعالی علیه مرزا علی صاحب ساکن بهراج - عمل مذکور
 از موده مرزا موصوف است بر سر خوانند و این فقیر هر یک که خوانند به او آورده

این عمل برای کسی که روزی یابی نوکری باشد یا کسی که او را بر طرف کرده باشد
 این هر سه اسم را اول زکوة با ترک حیوانات تا یک چله شش صد و پنجاه و هشت
 مرتبه موافق اعداد حروف تعجبی هر اسم که استادان مقرر کرده اند بخواند یعنی اسم
 اول را یکصد و نود و یک مرتبه و اسم دوم را یکصد و چهل و هشت مرتبه و اسم سوم را سه
 صد و نوزده مرتبه جدا جدا یک وقت هر روز در یک جلسه با طهارت تمام بخواند باشد
 چون چهل روزه تمام شوند قدری موکلات را نیاز داده طفلان را تقسیم کنند پس عمل
 شد هر گاه که در هر مصیبت و هر مطالب برای خود یا دیگر کسی سه روز یا هفت روز بدین
 بخواند بیشک مطلب بر آید و روزگار شود اسما معظم و مکرم هر گاه این اند-

یا سمیع

یا و اوح

یا رازق

۱۰۰۹۱

۱۰۰۴۸

۳۰۱۹

عمل اسم و هاب نادر روزگار که مقر این اسم تمام جهان است

این اسم معتبر اند الا این ترکیب که این فقیر را رسیده است یقین که در هندوستان
 صاحب نجات را رسیده باشد ورنه یقین دارم که کسی از اسرار این گنج و اوقف نباشد
 و این ترکیب این نیازمند را از غنایت و رویش صاحب کمال و با عمل صاحب علم
 کیمیا و صاحب عبادت در مقام سورت منی رسیده اسم شریف آن بزرگ حضرت
 شاد اجنبی بود فی الحال شاه صاحب روانه کعبه الله شریف شده اند بوقت
 روانگی از فیض باطنی باین کمترین تلیمذ خود عطا فرمودند هر چند که چیزها دیگر عطا
 فرموده بودند که آنهم بدوستان درین کتاب آینه یا دخواهم کرد و این فقیر در
 مقدمه تنها ازین عنایت شاه صاحب فائز گردید الا نوبت زکوة نرسیده است
 با الله التوفیق زبانی آنجناب ارشاد است که اول مرتبه این اسم سلطنت است

و بمرتبه دوم وزارت و بمرتبه سوم امارت و بمرتبه چهارم تسخیر خلائق جمله عالم و بمرتبه پنجم دست غیب اگر ترکیب اول زکوتش و پادشاه گردد و اگر ترکیب دوم و هد و زیره گردد و ترکیب سوم از زکوة دادن امیر کبیر گردد و ترکیب چهارم از زکوة دادن تسخیر عالم میسر گردد و ترکیب پنجم چون زکوة دید دست غیب هر روز میسر باشد ترکیب اول که متعلق به بادشاهت است اینکه ترک لذات حیوانات و پیرینه جلای اختیار کند و هر وقت با وضو باشد و هر روز غسل کند و جامه نازی دارد و قریب زن نزود و چهارده مرتبه در یک چله اسم نگوید و بخواند و هر روز چهارده نقش را نوشته در آرد گولی بسته پیش خود جمع نماید روز هشتم همه گولی را در دریا اندازد پس چون چله تمام شود بیشک پادشاه گردد و اگر این قدر بار برداشتن نتواند باید که در پیرینه تخفیف کند صرف جماع باز نکند و گوشت کتان نخورد و از شه حلال رخصت نکند و از حرام اجتناب کند و بوقت خواندن صرف وضو کند و بعد غرضه هفت روز بر روز جمعه وضو و غسل کند و بدست و چهارده کرور و چهارده نقش نوشته خوانده باشد چون تمام شود و زیره گردد و ترکیب سوم اینکه یک کرور در غرضه هفت روز هر قدر که باشد بآن ترکیب که بمرتبه وزارت نوشته ایم خوانده تمام کند امیر کبیر گردد و ترکیب چهارم اینکه سه هزار و یکصد و سبست و پنج مرتبه هر روز همیشه در وظیفه خود با وضو مقرر کند و معین دارد گاهی ناغنه نکند تا آن مدت که شوق تسخیر عالم داشته باشد بلا شک تمام خلائق مسخر شود و در اوقات توکل زر کشیر بهم رسد و عامل محب عالم گردد ترکیب پنجم اینکه در یک چله با ترک حیوانات و لذات مطلق و با صوم هر روز و بانان جوین و نمک لاهوری افطارش و در یک وقت یک جلسه سی و پنجاه مرتبه اول و آخر درود شریف مقرر نموده هر روز بخواند و باشد و پنجاه چهارده نقش نوشته در آرد گولی بسته همان روز در دریا اندازد و این نقش که برای نوشتن گفته ایم به عدد اسم و باب است و موکل آن جبرئیل است و نقش

را بطور مثال خوانم نوشت بدین طور عامل نویسد و بکار برد پس چون این قدر هر روز بخواند در عرصه چهل روز چهارده لک تمام خواهند شد آن روز ضرورت است که صورت موکل پیدا خواهد شد و هر چه که دست غیب هر روز عامل طلب کند قبول خواهد کرد همیشه زیر بانها خواهد نهاد و در اگر موکل حاضر آید بیشیک بعد از چهارده رویه هر روز فتوح از عالم غیب باین کس خواهد شد خطای ندارد پس باید که بعد ختم چهل چهارده مرتبه هر روز علی الصباح بعد نماز خوانده باشد و نقش نوشته نزد خود داشته باشد بعد از یک ماه درآمد همه نقوش را گوی سته بدر یا انداخته باشد و اسم را که در هر طریق برای خواندن کفایت ایم بدین طریق در هر پنج مراتب بخواند این است **اجب یا جبرئیل** بحق یا و باب در صورت نقش که بر آگوشن معین است اینست مع موکل

۷۶۶

۱	۱۰	۳	نوع دیگر عمل اسماء باری تعالی بر اے
۵	اجب یا جبرئیل بحق یا و باب	۹	قیام حمل باید که این اسماء معظم را بر رشته
۸	۴	۲	خام خوانده کرده و بر آب تازه و طاهر دم
۱۱	۷	۱	کرده زن را بنوشانند و آن کس که را در که

بند و انشاء الله تعالی حمل قایم ماند اسماء معظم و مکرم آیند یا رقیب یا و کیمیا
 الله عمل دیگر عنایت بزرگه برای کتایش رزق باید که بر روز شنبه و شب
 جمعه در جای پاکیزه تنهانشست یکبار مرتبه بخواند بفضله تعالی از صبح آن شب
 مقصود در نماید و کتایش رزق شود شک نه آرد لیکن اول و آخر قدری درود هم
 بخواند ترکیب خواندن اسم مبارک و بزرگ اینست المعطی هو الله
 نوع دیگر عمل تکسیر از اسم باری تعالی مجرب در باب حب و تسخیر قلوب امیر و فقیر
 از جناب شاه صاحب مهربان ساکن قصبه کاکوری باین میچمدان رسیده است بهتر

ازین عمل در باره حب و تنجیر قلوب دیگر نیست باید که اول اسم مطلوب را بجای طالب
بنویسد و اسم طالب را بجای مطلوب بنویسد بدین طریق که فخر النسا مطلوب غلام
حسین طالب پس ترکیب تکسیر این اسما طریقی باید کرد

ف ن خ ر ا ن س ا و د و د غ ل ا م ح س س ی ن

این جمله حروف را از طرف چپ و راست تکسیر کنند چنانکه سطر اول در سطر آخر بر آید و
این را صدر مؤخر گویند بعد در زیر آن حرف تکسیر عزیمت ساخته بنویسد و ترکیب
عزیمت اینکه حرف طالب و مطلوب را جدا نوشته اسم موکل حروف بنویسد و بعد از
موافق اسم موکلان اسم باری تعالی را بنویسد بعد از آن عبارت باقی مانده عزیمت
بنویسد و هر قدر که سطر تکسیر شده همان قدر فقیله نوشته هر روز روغن خوشبوی و
چراغ خانه مطلوب کرده روشن کنند بیشک مطلوب بقیر ار شده حاضر شود و لیکن بر
وقت بر آوردن موکلان از سطر اول که با سماء است حروف بکر برداشته باقی
مانده را موکلان و اسما باری تعالی بگیرد و ما طریقه تکسیر را مثال نویسم تا آسان گردد مثال نیست

ف ن خ ر ا ن س ا و د و د غ ل ا م ح س س ی ن

ی خ س ر ح ا م ن ا س ل ا غ و د و د و

ن د ف د ی د خ غ س ا ر ل ح س ا م ن

ن د م ن ر و ا ف س و ح ی ل د ر خ ا غ س

س ن غ د ا م خ ن ر و ا ا د د ل د ی ف ح س و

د س س ن ح غ ف د ی ا م ل ن خ د ن و ر ا

و ر س د س ن ن د خ خ غ ل ف م ا د ا ی ا

ی د ا ر د س م د ف س ل ن ن خ ن خ و ح ح

ا ا و ا خ ی ن د ا غ ا ن ر ل و س ف م د

و ج م ا ف د س ا س خ د ی ل ن د و ن ع ا
 ا د ن ع ح ن م د ا ف ن و ل س ی ا و س خ
 خ ا س و د غ ا ح ی ن س م ل د د ا ن ر ف
 ف خ ر ا ن س ا و د و د غ ل ا م ج س ی ن
 پس چون سطر اول در آخر بر آید چنانکه در خالاش بر آمده است تکمیل شد پس
 مواکیل آن باین طریق بر آرند مثلاً (ف) موکل بر حاکیل حرف (خ) موکل
 حوایل حرف (س) موکل هموکیل و چون الف مکررست (ن) موکل حوایل
 حرف (س) موکل هموکیل و چون الف مکررست دور کرده شد موکل اسم
 مطلوب بر آید فاما موکل اسم باری تعالی حرف (و) موکل رقبایل حرف (و)
 موکل دروایل و چون واو دال دیگر مکرر اند ساقط گشتند اسم طالب را مواکیل
 مثلاً حرف (غ) موکل لوخایل حرف (ل) موکل طاخایل و الف که مکرر
 در اسم مطلوب بیجا هست از اینجا نیز ساقط شد حرف (م) موکل آن رومایل حرف
 (خ) موکل تنقیل حرف سین مکرر در اسم مطلوب موجود است دفع کرده شد حرف
 (ی) موکل سرکیطایل پس سطر اول که اسماء طالب و مطلوب بود آن را موکل بر آید
 پس این موکلان را اسماء باری تعالی بدین طریق بر آوردیم چنانچه اول حرف (ف)
 موکل بر حاکیل است اسم باری تعالی بر حاکیل از اینست یا فتاح و این اسم باری تعالی
 زبوریه است یعنی از (ف) آغاز شده و اسم که آخر حرف دارد مبینه است چنانکه
 درین مثال یاروف که در آخر حرف (فا) دارد موکل این حرف یعنی اسم باری
 تعالی نیز بر حاکیل است پس اگر موقع گرفتن زبوریه باشد اسم زبوریه بگیرد و اگر
 ضرورت گرفتن مبینه باشد مبینه بگیرد فی الجمله حرف دوم اسم مطلوب (خ) است
 و موکش میخایل پس اسم باری تعالی زبوریه یا خافض و یا خالق است و یا خیر است

و مبینة آن نیست پس اگر خداوند نخواهد بر این مبینة باشد یا آخر را بنا بر این
 میبرد آنهم بر هر مطلب حرف سوم اسم مطلوب را است و موکل آن موکیل نام
 حق سبحانہ تعالیٰ زبوریه یا رب یا رؤف یا رحیم یا رحمن یا رزاق و مبینة این یا رب
 یا قادر یا مقتدر یا ظاہر پس موکل حرف را اسم مطلوب موکل آن اسم را فیل
 نام یا رب تعالیٰ زبوریه است یا اول یا الله یا احد و مبینة آن نیست و حرف اسم
 مطلوب دن موکل آن موکیل اسم خدا یا تعالیٰ زبوریه یا نصیر یا ناصر یا
 نافع یا نور و مبینة آن یا باطن یا مؤمن یا مهیمن و حرف اسم مطلوب رس موکل
 آن هموکیل اسم جناب یا رب تعالیٰ زبوریه یا ستار یا سمیع یا سلام یا سید
 و مبینة آن یا قدوس بعد اسم مطلوب اسم خدا را یعنی یا ودود را (و) و گرفته
 ام و موکل آن برد و حرف رفقا فیل و در دایمل اند فاما نام باری تعالیٰ آن
 موکلان زبوریه بر اسم او یا ودود یا واحد یا هاب یا دلیل و مبینة آن یا غفور
 و بر اسم او که موکل در دایمل است اسم حق تعالیٰ زبوریه یا وایم یا دیان یا
 وکیل و مبینة آن یا شہید یا ودود یا مجید یا حمید یا واحد یا احد یا صمد بعد آن در
 نام طالب حرف رخ، ست موکل آن لو خائیل مطابق اسم جناب احدیت زبور
 یا غنی یا غفور یا غفار و مبینة آن نیست بعد آن حرف ال موکلش طاویل اسم
 عزوجل زبوریه یا لطیف و مبینة آن یا وکیل یا جلیل یا عدل بعد حرف ام،
 موکلش رو مایل اسم خدا زبوریه یا میت یا معیت یا مجیب یا مجیب یا متین
 یا مهیمن یا حمی یا عسی یا مبدی یا مقدر یا مالک یا مقتدر یا مستی و مبینة آن
 یا کریم یا رحیم یا سلام یا علیم یا حکیم بعد از اسم طالب حرف ح است و موکلش
 شکیل پس نام یا تعالیٰ زبوریه یا سید یا سبیب یا حکیم یا علیم یا حمی یا حمی
 و مبینة آن یا قتلح بعد آن در اسم طالب حرف ری است و موکل آن

سرک یا تیل پس نام باری تعالی زبوریه یحیی و میت و مینه آن یا قومی یا غنی یا حم و غیره پس اسم خدا بر آوردند از سه موکبل سطر اول نکیر اما خیال باید کرد که من مینه و زبوریه را بر اسم چه بقید تحریر آوردیم این قاعده استادان بر اسم این نوشته اند که اگر موکل حرف خلاف اسم باری تعالی باشد پس زبوریه را ترک کند و مینه را گیرد مثلا حرف رخ که موکل آن میکائیل است پس نام باری تعالی زبوریه در حقیقت جستم یا خافض یا فتم و حرف (ح) موکل آن تنکفیل است پس نام زبوریه در جدول جستم یا حفیظ یا فتم پس موکل یا حفیظ را در جدول سر حاکیل در وائیل یا فتم لاجرم ضرورت افتاد که یا حفیظ موافق موکل نیست از آن ترک کند و دیگر اسم بگیرد چون باز جستم (حکیم) را یا فتم که زبوریه است و موکل تنکفیل و رومائیل دارد اما این را هر چند که موافق اسم موکل یا فتم لیکن ترک کردیم و مینه طور سهمه زبوریه را ترک کردیم و مینه که یا فتم است اختیار نمودیم و فائده در آن این منقوس است که در اسم مطلوب (ف) و الف است و ح در اسم طالب پس در فحاح یک حرف ت زائده است باقی همه حرف مطابق اسماء طالب و مطلوب اند ازین وجه غلبه درین اسم دیدیم زبوریه نگرفته این را قبول کردیم لهذا برین قاعده عمل باید کرد که اگر موکل موافق اسم باری تعالی نباشد آن اسم را نکیرد و اگر موافق باشد به مینه که در زبوریه حرف مطابق اسم طالب مطلوب اند یا در مینه پس در هر کدام که غلبه یافت حرف باشد آنرا اختیار کنند حاصلش اینکه چون اسم موکل و اسم باری تعالی و اسم طالب و مطلوب همه از تکیه بر سر انجام رسیدند پس عزیمت آن بدین طریق ساختن باید که مطابق هر موکل یک یک اسم باری تعالی بگیرد و اسماء که زائده نوشته ایم محض برای مثال زبوریه و مینه در ترتیم آورده ایم فاما همین حرف و اسماء چنان عزیمت ساختیم که حرف تکیه اسماء طالب و مطلوب را که اول نوشته ایم در آن حرف آنچه

که مکرر بودند آن را در کرم پس این حرف حاصل شدند ف ی خ س
ر ح ام ل غ د و این حروف سیزده بستند پس هر کلمه این را انداخته
بطریق ثلاثی ساختیم و یک کلمه را رباعی مدغم کردم زیرا که در حساب ثلاثی یک
حرف زائد است اگر دو از ده نمی بود سه سه برابر آمد و این سیزده بستند لا جرم
باین مرکب کرم نفی حشر حاصل عدو چون این کلمه مرکب شدند عزیمت باین نوع
ساختیم عزیمت مثالیه حرف تکسیر شده عزمت علیکم و اقامت بکم بکل اسم حاصل من
تکسیر نیز الحروف نفی حشر حاصل عدو و یا مو اکیل نده الحروف یا سر حاکیل یا میکیل
یا ابراطیل یا اسرافیل یا حو لائل یا سمو اکیل یا رفتمائل یا در وائل یا لو خائیل
یا طائیل یا رومائل یا تکفیل یا سریطائل من اسماء ربنا و ربکم و الهنا و الهکم و
هو اسماء الله تعالی یا فتاح یا رؤف یا خافض یا حیم یا احد یا نافع یا سلام یا ودود
یا شہید یا غنی یا لطیف یا مجید یا حمید یا قوی و من اسماء و اسماءهم و الملكة المقترنین
و الارواح المقدسة لتفتو و تهو قلب فخر النساء علی حب و العطاء الرفعة و الحشمة غلام
حسین و اما ابد امر دانی کل حال و زمان و مکان العجل العجل العجل و اگر بر اے
تسبیح نباشد چنان نویسد که علی حسب غلام حسین عاشق و معجون نادانا ابد امر دالح
پس تمام شد آن عزیمت باین طریق ساخته گرد اگر تکسیر بنویسد و لازم است که بجای نام
باری تعالی اگر فیتله روشن کند هر حرف بر آورده اسم را عدد نویسد نام خدا را
نه نویسد زیرا که حرف نام خداوند را نشاید پس شمار کند چند سطر در تکسیر اند بقدار
مطوری که بطور ارفیتله نویسد یعنی اگر ده سطر باشد ده فیتله از هر سطر سبع عزیمت
تیار سازد پس بطور ارفیتله بخیر خدا همچنین ای مؤمن هر یک از این نو دونه
نام اثری و خواص عجائب دارد و هر یک نام نو دونه خاصیت دارد نوشتن
تعلیمات آن کتابی و طومارے باید بود و هر اسم که درین اسماء الهی اسم جلالی

مثلی شمشیر تیز اند و هر چه جالی اند مثل مادر مهربان شفیق اند اگر این اسما را بخواند و
 در پیریز فرق افتد نقصان نبرد و رجعت نکند و آنکه جلای اند اگر بخواند و در پیریز فرق
 افتد مجنون نکند و رجعت و سحر و افلاس آرد پس این اسما را نیز باید کرد و از استاد
 کامل دریافت بکار خود برد و این فقیر بر چند که شرح نموده اما احتیاط لازم است و بعضی اسما
 که عمل آن استادان را تعلیم نمودند و ضرورت انتفاع دوستان پیرنگاشته
 تا برادران ایمانی از آن فائده گیرند و این بی علم را دعای خیر نمایند و هر اسمی را که استاد
 مفصل نوشته ام آن اسم بکار و استعمال این فقیر آمده اند و از نشان لذت یافته
 ام و تاثیرش چشم خود دیده لهذا باب اول را در اینجا ختم میکنم زیرا که آنچه تحقیق عامل را
 باید کردن مثل سدا اسم باری تعالی و اسم سوکلان و عدد و حروف حجبی و موکلان حروف و عنا
 آن و بعضی اسما که از تاثیرات آن بودیم ای آگاه بودیم نوشته الصاف فرمایند که چه
 قدر شرح اسما آبی نوشته و مشروحا کردم.

باب دوم در خواص و شرح آیات کلام الله بر قدر که باین حق سیده است بر می نگار و الله

درین باب بسیار آیات مجربات و ادعیات و غیره موثره خوانند و این باب از سوره
 یسین آغاز کرده ایم که سوره مدوح جان کلام الله است بسیار شرح و توصیف دارد
 اگر در حقیقت حاکم یک مبین این سوره مبارک باشد باو شاه و چاکر حاکمان گردد اگر
 مسلمان باشد او را روزی مشغول باشد البته فائده عیالیات یابد فاما ترکیب عمل
 سوره یسین صلی الله علیه و سلم را بیان سازم امین است آغاز **سوره یسین** و اسناد
 آن باید دانست که این عمل عجیب و غریب است و هر سیکه ازین سوره آگاهی و علمی داشته
 باشد بجز پیر و راه اورا بعمل دیگر نباشد که مقدمه جمله جهان درین سوره مدوح است

والله بانه که موکلان سوره مدوح آچنان باد صاحب رحم و کرم و دانا اند که در
صفت آن ملائکان زبان این سچیدان قاصر مطلق است هر که آشنا باشد بدرجه ادراک
نوامد رسید و صفت و خواص سوره مبارک نه آچنان اند که از زبان بشر ادا شوند
الالبان نبی و رسل شاید که آواکند این حقیر ناچیز و مالایق را بزرگیه نام مبارکش
حضرت عبدالقادر خان بوده که خان مدوح مرید حافظ ولی الله صاحب که حاجی و زوار
بودند و حافظ صاحب صفت بار پیاپیاده حج کردند از ان جناب نیز این حقیر نصیب
شده و جناب عبدالقادر خان صاحب یم این نعمت عظمی عطا فرمودند الله تعالی
آن حافظ صاحب را غریق رحمت کند و خان موصوف قدس سره را از این جهان نعمتها
گو ناگون باطنی عطا فرماید و بعد حصول این عمل هزاران توصیف درین عمل بفضل خالق
عز و جل بجزیرات بسیار استاد یا فتم که در تشریح آن چند بزرگ کتاب برای انتفاع دوستان بر
نگار که اسرار آبی را زیاده به اهل دنیا ظاهر کردن خطاست والله که اگر آگاه اند
عمل مستغنی شوی پس اول باید که زکوة سوره مدوح و بی بدین نوع که سوره مبارک
را صحیح مطلق مع اعراب از کسی حافظ یاد میکنی و حافظ این سوره معظم شوی بعد آن
در ماههای حرام یعنی رجب یا شعبان یا رمضان یا محرم الحرام بر روزه علی الصباح
بکنایه دریا سے روان رفته غسل کنی و برب ساحل تنها شسته عزیمت سوره یسین
یکه از یک مرتبه مع درود اول و آخر باز بخواند عزیمت سوره موصوف مع موکلات
اینست عزیمت عزیمت علیکم بر یسین و الجبرئیل و المیکائیل فانه عزیمت علیکم بخاتم سلیمان
بن داود علیهما السلام الذی سخر له کاشی من امر الله سراجها باذن سبحان الله الخالی
عما یصغنون - چون تمام شود قدری درود خوانده اندرون دریا در میان آب
روان تاناف رفته تن بر نه شده سوره یسین چهل مرتبه بخواند و برگز از پنج شصت مرتبه
بکده حصار آنکه و هر چه که مل را یاد باشد گرد خود کند که در بنگام خواندن عزیمت و بوقت

نواندن سوره بخاطر جمع بخواند چون چهل بار تمام شود از دریا بیرون آید عین نوح
 تا چهل روز خوانده باشد و درین عرصه پریز جلای کردن شرط عظیم است یعنی پریز
 مطلق با ترک لذات و حیوانات نمودن واجب پس بعد ختم چله مذکور عالم همه اسرار
 باطن نواهد شد و عامل کامل کل شئی خواهد گردید بر وزیر چهل و یکم نیاز پیغمبر صلعم و هر
 چهار موی کل یعنی صبیحیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل علیهم السلام بر شیرینی تقسیم شود
 آنچه خواهد بکند ترکیب زکوة دادن چون بیان کردم الحال شرح چند آیات این سوره
 موصوف است بر اسمی حب بر شیرینی و غیره دم کرده مطلوب را بخوراند یا بر است و دیگر
 دم کرده دهد و الله که اگر کافر حربی و دشمن جانی بود غلام و مطیع گرد آید اینست و جلالت
 منین آیدیم سدا و من خلفهم سدا فاعشینا یم فهم لایبسون و سوا علیهم اعراب
 بر آیه از فرقان مجید صحیح باید کرد اندرین سبب بر تقیم نیامدند نو عهد گیر برای نفاق
 این آیه بزرگ را بر هر چه کاغذ و تقوید نوشته باد و کس که محب باشد مع نام شان
 و نام مادران او شان یعنی باین عبارت که مشهور است یعنی البغض فلان بن فلان
 و العداوة بین فلان بنت فلان (نوشته آن هر دو تقوید باب دوازده شصت و هجده
 را بنوشاند قاطعیت دشمنی و عداوت تا بر مرگ قایم شود آیه مکرم و معظم اینست و سوا
 علیهم اندر تهم الح نو عهد گیر اگر کسی را برده گرفته باشد یا کسی آزرده خاطر شد و رفته
 باشد همین آیه مذکوره که برای عداوت نوشته ایم یازده مرتبه بخواند سمت بر چپ او
 کف آن گرفته باز گردد و آزرده محب باشد نو عهد گیر اگر عداوت را خواهد که محبت
 دهد این آیه شریفه را نوشته بنوشاند باز مدعیان محبت و محب جانی شوند آیت
 شریف اینست انما تنذر من اتبع الذکر الی آخره نو عهد گیر برای مریض اگر این آیه
 را نوشته شصت و نه بنوشاند یا بر آب دم کرده براس نوشیدن دبد بکرم الهی صحت
 معلق یا د آیه اینست انما نحن نخی الموتی و کتب ما قدموا تا به مبین نو عهد گیر

و ازین بین تا مبین دیگر یک آیت زیاده که تمام بر منا عذاب الیم شده است برا
 نفاق و بغض و حسد و زبان بندی و آزار دشمن بکار می آیند اختیار بعامل است
 بهر نوع که خواهد و بهر ترکیب که عقل راه و دبجاری نماید اثر دهد چنانچه مثل مشهور است
 که راسه طیب مسلم است بر رای کتاب نوع دیگر و اگر در جماعت منازعت و
 محاصرت افتاده باشد یا جنگ عظیم واقع بود و خواهد که صلح شود این آیه تشریف
 را نوشته بسمت آن جماعت دم کند و اگر دم کردن نتواند بر کاغذ نوشته در کوزه
 آب شسته همه خاصمان را بنوشانند و اگر بنوشانیدن هم نتواند در چاه که در خانه کسب
 بود شسته بیندازد و در میان آن جماعت بعون الله تعالی صلح شود آیه اینست
و جَاءَ مِنَ الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَىٰ قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ اتَّبِعُوا تَابَ الْمُتَّقُونَ
نوع ثانی براسه بلاکی و تباهی دشمن اگر این آیت نوشته یا پیتری دم کرده بر
 عدو بخوراند دشمن بلاک و تباه شود الا شرط اینست که نام آن دشمن مع نام مادر
 او شان بگیرد و عبارت بلاکی یعنی ارفخان بن فحان احزاب و اجبت بین الناس
 بلکه بعذاب شدید / مع این عبارت خوانده یا نوشته چند بار بخوراند بیشک آن
 دشمن تباه و بر باد شود آیه مکرر اینست - و ما از لنا علی قومه من بعده من جند من السماء و ما
 كنا منزلین انکالت الایمه واحده فاذا هم خادون - و دیگر آنکه این آیات برای پیاد
 کردن زراعت و میوه باغ یعنی از زمین و زراعت من غله بسیار شود یا بر اموال غفلت
 زراعت نوشته در محل باغ و زراعت دفن کند یا در آب شسته و بر آب بسیار
 آمیخته بپاشد بسیار شود و بر غله که در زمین کرم اندازند دم کرده تخم اندازد و غله از خدا
 زیاد هم پدید آید آیه ناسه معظم اینست و آیه اجم الارض الیه تا به یاکلون و بعد از اینها
 بنات تا به من یمون لیاکلوا من ثمره تا به یشکرون - نوع دیگر اگر این آیه معظم
 را بر آن عورت که عقیقه یا شد یا حلقش ساقط میشود و یا حمل نمی ماند به چهل و چهار مرتبه

نوشته هر روز یک پرچه در آب تازه بآن زن نوشانیده و به انشاء الله تعالی زین جامه
 نرود و اگر نوشته در شکم بند هرگز حمل زن ساقط نشود آیه اینست سبحان الذی خلق
 الارواح کلهما تا به یعمکون بنویسد نوعدیکر اگر این آیت را برای نفاق و جدایی
 کردن دو کس نوشته هر دو را بنوشانند یا بخوراند و اسمها مع نام مادران او شان چنانچه
 بالا بجا نماند کور شده بنویسد بیشک در میان محبان آن هر دو جدایی و مهاجرت واقع گردد
 آیه بسم اعظم و مکرم این هستند و آیه لهم اللیل سلخ منه النهار تا به مظلومون و الشمس
 تجری تا به عزیز العظیم و القمر قد رماه منازل بعرجون القدیم و الشمس یبغی لها تا به
 فی فاکات بحون - نوعدیکر اگر این آیت را برای آنکه کسی را حمل ساقط شود و در
 اسقاط پیدا باشد پس این را نوشته سه تعویذ نموده سه روز بنوشانند و یک پرچه نوشته
 تعویذ ساخته در کمر بند و بعون الله حمل قایم ماند و نیز اگر کسی برشتی سوار شود این آیه را
 بخواند بار ام تمام عبور دریا شود انشاء الله آیه معظمه نیست و آیه لهم انما حملنا ذریتهم فی فکاک
 المشحون و خلقنا لهم من مثله تا به الی حین نوعدیکر اگر این آیه شریفه را برای مال
 در دیده بر نان روغن بنویسد و ملیده ساخته تمام جماعت مشتهبه را بخوراند که یکایک
 بر یکایک حبشه بخورند لیکن اول بر تمام ملیده سوره یسین دم کرده و به انشاء الله تعالی
 از دهن در زیر حلق آن ملیده بخورد و بیرون خواهد افتاد و هیچ غلوه پس نزد ظاهر خواهد
 شد آیه مبارک اینست فایوم لا نعظم النفس شیئا ولا تجزون الا ما انتم اهلون و یکرا آنکه اگر
 این آیات را در قند و نبات دم کرده یا بر گلاب دم کرده آرد و آن را ده که شوهرش بیزار باشد و
 آنرا بنود پس آن زن شوهر را بنوشانند یا تعویذ کرده این آیه را نزد خود دارد و شوهر او مطیع او گردد آیات
 اعظم و مکرم اینند - ان اصحاب الجنة ایوم تا به فاکهون هم و از و آیه تا به مشکون لهم فیهما
 فاکه تا به یدعون نوعدیکر اگر این آیات شریف بر روی خود بهفت مرتبه دم کرده پیش باشد
 و اگر سزاوار خان کرده باشد پادشاه بر او رحم کند و مافتح و نصرت باز آید آیه معظمه اینند سلام

قول من باب حیم تا به ایها المجرمون نو عید مگر اگر برای زبان بندی مردم غمازان و بذران این
 آیت را سفت باز خوانده در موی سر آنکسان که بذران بودند کرده و در صورت اگر غمازان بسیار شوند
 و موی سر آنها دستیاب نشود این تدبیر کنند که رشته از دختر نابالغ و نارسیده رسیانده سیاه و نملگون کنند
 پس از آن رشته هر قدر که غمازان باشند آن قدر تار بگیرد و بنام هر کس آیه خوانده هفت گرد و بعد پانزده
 هفت گرد بر یک نام و هفت گرد بنام دیگری آن گنده را در چاه تیره تار اندازد و انشا الله شیک
 زبان هر کس از بند گویی و غمازی بسته گردد آیه معظم اینست و ختم علی افواهم و کلّمنا ایدیم تا به
 کالوا یکسبون نو عید مگر اگر خواهد که دشمن را اذیت دهد این بر دو آیه را نوشته سه روز بدشمن نوشت
 و اگر نوشتن این تواند بر نگذارد که از چهار راه آورده باشد دم کرده در خانه عدو میزند و انشا الله
 عدو از کار دنیا باز ماند و یقین که کور و لنگ گردد آیه مجرب اینست و لولّی الطمّنت علی آیه
 تا به بصرون و لولّی المسخنی هم تا به لای رجون نو عید مگر این آیه برای آنکه اگر هجوم کفار بر
 مسلمانان در کسی مقدمه زیاد تر باشد این آیه را بر نگذارد هر روز ده دم کرده سمت آن کافران و دشمنان
 باشد آن کافران دور و رو شوند و اگر مستعد جنگ شوند بر میت خورند آیه متبرکه اینست و اتخذوا
 من دون الدّار و الدّار لعلهم تا به حضور و بعد این آیه تا به ختمیم همین تمام آیات در شان قهار
 هستند که برای نفاق و هلاکی عدو بکار می آیند و بعد این آیات برای ساختن فتنه گیمیا
 که پیش هر کسی که نسخه گیمیا باشد هرگز درست نمی شود و تیار شدن را نیاید در حالیکه چو رتبه
 این آیات را تا به آخر سوره و وظیفه خود سازد و در هنگام بوئی کندیدن و تیار ساختن و
 آتش دادن و گذاشتن مس و هر شی که جزو آن باشد از زبان خود بی تعدا و جاری دارد و
 برکت این آیات معظم نسخه درست شود و اگر برای مریض بر آب دم کرده نوشتند و
 از هر مرض شفایاب آیات را نشان اینست و ضرب لنا مثلا و لنسی خلقه تا به آخر سوره
 یعنی تا و الیه یرجعون بدان ای عامل همین طور درین سوره آیات برای تب و بغض و
 برای دفع امراض مستند ما شرح و تفسیریم تا کجا نایم هر چه که این سوره معظم امر را عجب و

و از اندک شرح نوشته ایم الحال مجمل قدری اسناد این سوره فی نویسم بشنو و برنا اهل
 پوشیده دار - اول اینکه اگر عامل سوره این شوی خود از هر بلا و جادو و غیره محفوظ باشی
 و اگر این سوره بر خودم کرده پیش امیر روی معزز و شرف شوی و اگر بوقت صبح قبل از
 طلوع آفتاب میخوانده باشی بیشک در قبر تو پس از مرگ یسین بهتر از آفتاب خواهد بود
 و الحمد منور خواهد شد و بر همه یک برای خود یا برای دیگر کسی آید سوره مدوح سه روز با
 عزیت یکبار و چهل مرتبه بخوانی و به سوی که در آن سمت آن مهم باشد دم کنی انشاء الله تعالی
 آن مطلب بیشک بر آید و مهم روا گردد و اگر خواهد که کسی را در عشق خود بمقرر گرداند تمام
 سوره را بر دانه فلفل گردودم کرده در فقیله آمیخته در روغن خوشبو در انداخته روشن
 کند و روی چراغ سمت آن مطلوب کند انشاء الله تعالی مطلوب فریفته و بمقرر ار شده
 باز آید و اگر زیاده تر محبت کسی بخوای باید که قدری گل از قبر کهنه که قبر مسلمان باشد
 و از دور دست گرفته سوره مدوح تمام و کمال بخوانی و بروح صاحب قبر ثواب آن بخشی و
 بر گل دم کنی و آن مرده را قسم دهی که صاحب این قبر ترا قسم نهد و رسول می دهد
 اما هر که را این گل قبر تو بخوانم آنکس مطیع من شود پس آن گل را قدسے برابر یکا شده در
 شکم و قند آمیخته مطلوب را بخوراند بمقرر و بیتاب گردد و دیگر آنکه اگر عامله بدو گرفتار
 شد این سوره را بر قند یا شکر دم کرده و به بجز خوردن آن قند در دفع شود یا فرزند از
 شکم برین آید و دیگر آنکه اگر مردمان پیش تو آیند و ترسبیا دعوت کنند که برای خدا نام
 در دبر من روشن گردان پس ایست که پاؤ آنها را در طلبیده آب ز چاه تازه کشایند
 و مرتبه تمام سوره مدوح بر آن آب دم کرده آرد و نموده یک چنطناک روغن زرد و آن
 آمیخته این روغن به پزد و چون آن تیار شود بر آن آن نقش عدد این آید که در سوره یسین
 است و آید مذکور جان سوره موصوف است و جمله موایل قرآن مجید مطیع این آیت هستند
 نویسد و عدد این آیت که **سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ** است جمله شصت صد

و نیز ده بستند از آن عدد در اینجا نقش مینویسیم که همون نقش بر نان مینویسی و ترکیب
 یکم کردن نقش آینده در همین فصل تخیر خواهم ساخت که اگر یک عدد باشند یا یکسانت
 بان قاعده پرخواهی ساخت و اینجا نوشتن تفریق در باب خواهم شد نقش آینه مذکور

اینست که بر نان نوشته دهمی

پس گردان نقش آینه	۲۰۴	۲۰۶	۲۱۰	۱۹۷
لا تقلم نفس شیئا و تخزون	۲۰۹	۱۹۸	۲۰۳	۲۰۸
الاما کنتم لعلون -	۱۹۹	۲۱۲	۲۰۵	۲۰۲
	۲۰۶	۲۰۱	۲۰۰	۲۱۱

جمله ۸۱۸ جمله ۸۱۸ جمله ۸۱۸ جمله ۸۱۸

در ایامه ساخته سه بار بارشین
 دم کرده دهد و یک مشت بهر کس که شبهه بر آن بود بدید که دفعه بخورند انشاء الله
 هر که دزد بود از حلق او فرو خواهد رفت و غلوله شده بر زمین خواهد افتاد طریقه دوم
 نامه کشائی دزد که مشهور بهجه عالم است اینکه برنج از قسم ساحی طلبیده در آب طاهر
 شسته در آفتاب خشک کرده سه دفعه سوره یسین دم کرده باز در آب تر نماید و در
 شب تر دارد صبح بارویه که شهرت به چهار یاری روپی و دو کلمه بر آن نقش است
 وزن کرده به هر یک در استبان که شبهه دزدی بر آن بود به تمام یک بخورند انشاء الله
 ز دهن دزد فرو خواهد رفت و این عملیات آنوقت که اوقتی آیند چنانکه اول گفتند
 که زکوة روزه بکنار دیار بدهی و اگر بدون زکوة دادن همین نوع ملاحظه کتاب سوره مذکور
 را در کار آری عمل موثر نخواهد شد و در صورت اگر از اثر کلام الهی از دهن دزد برنج بایاید
 فرو نشاند پس آنوقت قدر عقیم برای عائلست زیرا که موکلان سوره مطیع فرمان نمائند و
 این کس حاکم آن موکلان نیست پس آنکس که از دهن او برنج فرو نشده اند با او دزد نیست

و آن صاحب عزت در مجلس رسوا شده و باز مال بر او ثابت نشده او پاس عزت خویش
 عامل در اندانیم چه ضرر ما خواهد رسانید یقین که هلاک خواهد ساخت لهذا هر کسی اراده چنین
 بیوقوفی نکند و بدو آن دادن زکوة استج کار نکند آینده مختار فعل خودست ما همه شرایط تعلیم
 بجا آوریم طریقه سوم کشتائی تمامه - و زرد اگر کسی از دست و زرد بسیار تنگ بود آنوقت
 لازم است که یک کار و بقیعت و ونیم فلوس تیار کند و عامل چهل بار سوره یسین بر آن کار د
 کند و آن کار در جای ایستاده در زمین پنهان کند و دست او بر زمین قدری کشاده
 دارد و بر آن آتش روشن کند آنقدر که هفت روز هر وقت آتش بر او قایم ماند انشاء الله در عرصه
 هفت روز بخون از شکم زردو هاری خواهد شد تا آنوقت که کار د از زیر آتش نبرد بر او صحت خواهد
 بدان ای برادر که این حقیر آنچه جناب عبدالقادر خان صاحب مدوح بالا و پیر انصاحب جناب
 حافظ موصوف الصدیر تعلیم نموده بودند بحیط تحیر و در آوردن المال از بزرگان و دیگر که علیات
 این سوره یافته ام بنویسم اما شطر عظیم در همه امر اینست که زکوة سوره ضروری و بدی و عامل با
 تأثرش و هر مرض و بهر درد که در مکنی اثری عجیب ملاحظه کنی و لذت بایابی و مارا بهنگام هر شش و کنی
 قاعده یا سوره یسین که از دیگر استادان بر صمیم این فقیر مکتشف گشته اند مع
 اسناد اساسی آن بزرگان

قاعده برای دریافت غالب و مغلوب اگر دو لشکر با هم جنگ کنند یا دو کس با هم محاربه نماید خواه که
 دریافت نماید که کدام فتح ازین خواهد یافت پس دو عدد تیر که در میان میکنند طلب نماید و بدست کسی
 دهد که آنکس با او نمود هر دو دست از شرف پرتیر بگیرد و در سر نشان پیکان بریزد زمین آرد و فاصل
 در میان هر دو بیک دست دارد و هر یک تیر اسم یک کس نویسد و بر دوم تیر اسم آن دوم بنویسد
 عامل سوره مدوح خواندن شروع نماید ولیکن اول چند بار عزیمت که اول در زکوة و آن
 نه شسته ایم بخواند انشاء الله هر سیکه عزیمت در نصیب اوست از پیش آن تیر که اسم بر آن
 نوشته است بگیرد و پیکان بسمت بی اختیار روان شود که اگر زرد بگیرد قایم ماند و اگر صلح

شدنی ست هر دو تیرا هم ملاقات کند پس معلوم شد که صلح شنی ست قاعده هر کسی را که
 مهمی پیش آید پس سوره موصوف را حفظ کند و اگر یاد داشته است مکرر برای صحت احتیاط
 کند و بوقت شب هنگام نماز غسل هر روز غسل کند و بر جان نماز قبله رواستاده کلام بر سر
 صفت بار سوره موصوف بخواند و حاجت خود از خدا یتحالی خواهد و بروح پر فتوح جناب
 پیغمبر صلم یسین که خوانده است بمحشد بیشک حاجتش در عرصه صفت روز بر آید شک نه
 آرد که صاحب شک از اهل ایمان نیست قاعده هر کسی را که ~~مفکله~~ لا حول و لا قوه الا بالله
 علاجش نباشد سه روز بوقت نیم شب در قبرستان رفته بر یک قبر نشسته چهل بار سوره یسین
 بخواند مگر باواز بلند قرات بخواند و باواح مقبوران بخشد و حاجت خود از خدا خواهد آید
 تعالی در عرصه سه روز ضرر و مرادش بر آید عمل دیگر از بزرگی مولنا کمال الدین شاه صاحب
 که عامل با عمل بودند این فقیر را بهم رسیده اگر این طریقه عمل کند تسخیر از بادشاه و فقیر گردد
 است طای ندر پس باید که دل گوسفند زبر استیجی کردن مرد طلب کند و برای مسخر کردن
 زن دل گوسفند ماده بگیرد و دل مسلم بود از جای چاک و بریده نباشد و آن دل بر روز
 یکشنبه یا سه شنبه اسم مطلوب نوشته بند و آنرا در آن مقام دفن کند که زن آنجا زود و
 سایه کسی زن آنجا افتد پس بر آنجا آتش چنان روشن کند که هر وقت تا یک چله آتش
 روشن ماند کداحی وقت افسوده نشود و حامل هر روزه بوقت نماز صبح بعد نماز رو برو آن
 آتش نشسته کعبه رو سوره یسین بگیرد خوانده باشد باین صورت که در مقام حفظ یسین
 مطلب خود گوید چنانکه فلان کس مطلع من شود و مسخر با من گردانیده حاضر گردد و لیکن بجای
 عدو بین و خصم یسین هیچ نگوید و باقی در هر بین مطلب مذکور گفته باشد و تمام سوره مع
 در و دغم کند پس درین چله اگر مطلوب مسافت پانصد فرسنگ بود حاضر آید و جابر و قاهر
 بادشاه مهربان گردد و مجرب ست قاعده در باب ملاکی و تباہی دشمن و خرابی خانه
 باید که تا صفت روز بوقت نیم شب غسل کرده کعبه رو نشسته سوره یسین از اول تا یک

حسین خوانده باز عود کند و از ابتدا یسین باز شروع کند و تا به حسین ثانی بخواند از آنجا نیز عود کند
 از آغاز یسین شروع کند و باز به یسین سوم رسد و از آنجا مراجعت کند همین طور از هر یسین عود
 نماید تا اینکه از یسین ششم مراجعت کرده تمام سوره کند و بر پینه او دم کرده دهد و وقت بر بلوی
 او وارد انشا الله تعالی عدد در کیفیت تباہ و برباد شود و بعد دیگر ازین العابدین باین
 مختصر رسیده این عمل بسیار مجرب است و در هر مقدمه تیر به دفع است و زین العابدین صفا
 این عمل از مجذوب حاصل ساخته بودند و صد مرتبه در تجربه آمده است هرگز خطای ندارد و
 آنکه که عامل و سائل از دست خنجر همان و دشمنان و جنگجویان گرفتار باشد و بسیار
 عاجز بود یا آن شب که داند و پنج مقدمه من ابر خواهد شد پس درین وقت این عمل کند
 که اگر روز یکشنبه بود بسیار خوب است در آن روز وقت صبح بر پشت خام که تر باشد سوره
 یسین بخواند و چهل و یک مرتبه بخواند و چون بر سر الیه ترجعون برسد بر پشت مذکور از
 کار دیگر حم خط دهد و آنرا اچاک کند و همانجا گوید که فلان را قطع کردم یا قتل نمودم یا تبا
 کردم پس همچون طور چهل و یک مرتبه تمام کند و همان وقت آن خشت را بدریا اندازد انشا الله
 چون گداخته خواهد شد دشمنان هلاک خواهند شد و مقدمه شان ابر و مغلوب خواهد گردید
 مجرب است شک نیست ندارد - و دیگر طریقه که معظم و کرام است و از امیر صاحب
 مدوح با آن نیز هم رسیده و طریقه صوفیه است - پس باید که چون همی و مشکلی پیش آید
 در آخر شب که بعد نصف الیل است سوره یسین آغاز کند و بر هر یسین این اسماء اولیاء
 الله را نیز بخواند یا شد یا سلطان شاه صفی اعظمی - یا سلطان بایزید بطامی - یا
 سلطان ابوالخیر یار زندانی - یا سلطان ابوسعید سامانی - یا سلطان محمود غزنوی - یا سلطان
 ابراهیم اویم خراسانی - یا سلطان غازی بخارانی - بعد ازین حاجت خود از خدا خواهد
 و آنچه که از عداوت و حب و بغض و قضا حاجت مطلب داشته باشد از خدا طلب کند و بر
 همین ترتیب سوره مذکور به سفت باز خوانده برخیزد و روز دوم نیز همین عمل کند تا یک هفته

هر روز بدستور مذکور خوانده باشد انشاء الله تعالی حاجتش روا گردد و لیکن لازم است
که ترک حیوانات کند و از زن جماع نکند و بهترین است که سوره مدوح رافع اسم اولیا را
علیه در یک جزای هر مین بنویسد تا در خواندن سهل افتد و مغالطه واقع نشود بطریق
نقش مثلث درین سوره موصوف آیه سلام قولامن رب رحیم است عدد این آیه
بر آورده نقش مثلث پر کند برای تسخیر قلوب امیر و فقیر بسیار مفید است چون نزد کسی برود
نقش مذکور پیش خود در سربدارد و یاد دهن زیر زبان نهاده برود ضرور آنکس که نزد او شان
رفته است رحیم گردد و چنانچه عدد آیه مذکور بر آورده بنویسم که ناظر را آسان شود فاما عدد این
آیه جمله شتصد و نوزده مستند پس دو از ده ازین کم کردم و بقیه را سه حصه نمودم و از
سوم حصه نقش را آغاز کردم مثلث کامل الاعداد برآمده ما شرح پر کردن نقش آینه
خواهم نوشت آینه مذکور اینست که مثلث نوشته ایم

نوعد گیر که از استاد صادق و صاحب کمال
ساجی سید درویش خواصورت قاضی اجل

۲۷۴	۲۶۹	۲۷۴
۲۷۵	۲۷۳	۲۷۱
۲۷۰	۲۷۰	۲۷۰

و صاحب رزق طلال بود این طریق همین طریقی
را رسیده و حاجی صاحب موصوف اعنایت الهی
خویش را رعنایت فرمودند و الله اعلم
مقدمه قسم بخورم که تاثیر این عمل بیحد و حد نیست

تمام و آخر این فقیر بنظر رسیده که عاشق این عمل شده ام و آنجناب موصوف اعنایت
باین آیه بیان داده اند که هر یک که مسلمان محتاج باشد او را این قاعده باشد خواند شکر دارد
عرض می کنم که اگر خواهی که نوحه سوره یسین دوست و مطیع و فرمانبردار تو شوی و
خود را بپوشی و باطن پیش تو حاضر باشی کن پس این سوره مبارک را آیه مبین اول یاد
کنی بعد از ترک حیوانات نموده در مسجد کعبه یا م و سایه باشد خواندن عمل را جاتا مقرر کنی و

جامه طاهر میاسازی که بوقت خواندن وظیفه آن پارچه که لباس تن بود از جسم دور کرده
آن جامه طاهر را پوشیده و عطریات مالیده کعبه رولشسته هر که بخورات میسر آید پیش
نموده آنجا را از دو خوشبو معطر ساخته بوقت شام بعد از نماز مغرب سوره آتیا بمین اول
بخوانی و ابتداء بر روز پنجشنبه کنی پس یکصد و یکبار بوقت مذکور بخوانی بعد نیاز موکلات
داده آنچه وظیفه خواند بنام پیغمبر صلعم بخشش و بنام موکلات بنام بخشیده دی و بر خیزی اما شرط
لازم آنست که همه وقت کلمه طیب بر زبان خویش جاری نمائی و نماز پنجگانه را ترک کنی و
از دروغ گفتن و خشم پرهیز نمائی و اگر ممکن بود روزه نیز بداری و اگر نتوانی ناچار ترک
صوم کنی و چون روز پنجشنبه دیگر رسد آن روز ضرور روزه بداری و خوشبویات و قدر
شبه دینی میاساخته پیش خود بداری و یک چادر سفید طاهر و بر و خود مثل قبر بگسترانی و
آزاد روضه مقدس جناب نبوی صلعم پنداری و خود را محراب آن محد مبارک گردانی و
وظیفه با نیاز و تضرع و گریه تمام بخوانی چون باتمام رسد بروح خواجه عالم صلعم و بنام
موکلات سه دی از قبر مطهر عرض کنی که میخوام موکلات این سوره تا به بین حواله من
فرمایند و بر من بار حمته للعالمین بکرم خویش ترحم فرما و بگریه در آنی بعد از بخیزی و
آن چادر و مقبوره را ته کرده مثل جانا ز بداری و نیز اگر میتوانی بر روز پنجشنبه بقدر سه
رکابی شیر مرغ از دست خویش بطهارت تیار کنی و بوقت وظیفه نیاز بعبادت معهود
واده برابر یک رکابی خود بخوری و برابر دو رکابی بدست خویش گرفته در دریا اندرون
آب تا به ساق رفته بگذاری انشاء الله تعالی بیشک در عود یکجا موکل بصورت مرد عرب
و کس با عمامه متبرک یکی با قامت دراز سبز رنگ باشد و دیگری سرخ رنگ با دستا سبز
پیش طالب و از پس طالب آمده ایستاده خواهند شد یار و بر وی آمده سوال خواهند
کرد که چه طلب داری بعد فراغت وظیفه عرض نماید که از شهادتی و ملاقات میخوام و
لازم است که اگر و برو آیند سهام علیکا بگویی و در و بر محمد صلعم بفرستی و از او شان سوال

حتی که هرگاه که شمارا طلب کنم توبه و کرم بر حال من فرمایند و هر چه که فرمایش عرض کنم بجا
 آرند پس چون این سوال قبول کند اگر چله تمام شده باشد شیر پنج روز آخری تیار ساخته
 نیاز و مانده بدستور اول بدریارسایند باشد و طریقه چله که اختیار کرده است موقوف کند -
 لیکن هر روز بوقت معینه همون قدر سوره را خواندن ضرورت و بر روز پنجشنبه هر چه میسر آید
 نیاز مومنان و جناب رسالت مع خوشبویات و مانیدن لازمست پس عامل شده هرگاه که
 غرضه لاحق حال گردد روشنی و خوشبویات همی ساخته بخواند و موکلات را طلب نماید و غرض
 حال کند کار او را بانصرام خواهند رسانید این تمام قاعده زکوة که نوشته دادم کاملست
 و اگر برای یک حاجت کسی مسلمان را احتیاج باشد پس بدون دادن زکوة عمل مذکور را
 شروع کند و اراده یک چله نماید و بطهارت تمام بر بام خود که بی سایه باشد یا اگر مسجد باشد یا
 اگر مسجد نباشد و بام داشته باشد مضائقه بنیت قدری عطرشیشی یک مائه هر روزه پیش خود
 بکشد و یکبار هر روز بخواند باشد و نیاز پیغمبر صلعم و موکلات داد و برخاسته باشد و بر روز پنجشنبه
 روزه داشته و بوقت شام بعد نماز مغرب قبر مطهره از چادر پاک تیار کرد و میخواند باشد و
 حاجت خود میخوانسته باشد و زکوة موکلات در خواب بصورت مذکوره بنظر اینجانب آن مطلب
 طالب بیشک بر آید و چون مطلب بر آید و حاجت روا گردد یعنی روزگار بدست آید یا مطلب
 دیگر پس از روز شیر پنج تیار ساخته نیاز پیغمبر صلعم و موکلات بدد لیکن شیر پنج بمقدار آن
 ظرف که در سندی آنرا کونده گویند باشد پس هر قدر که خود خوردن تواند از کونده بر آورده
 همونجا بخورد باقی را بدریارساند و بطریق مسبوق الذکر بگذارد تمام شد عملیات سوره یسین
 بدان ای طالب شرح عملیات سوره یسین نه نوشته ام آنچه که نعمتها درین سوره هست
 زبان احقر العباد و لذات آن بداند و یارای ندارم که زیاده ازین بنویسم - فقط
 عملیات دیگر سوره آیات فرقان مجید و طریقه زکوة دادن و ترکیب
 عملیات حب و بغض و غیره

بدانکه این آیات مجموعه برای محبت و تسخیر عالم و حب میان ثور و وزن و بر تسخیر بادشاهان
 و امیران و تمام جهان اند اگر زکوة این آیات موصوفه دهد و بعد دادن زکوة برای برطرف
 تسخیر و محبت و غیره خوانده دم کند اثر آن ظاهر گشتند و در معنی این آیات کلام الله تمام
 مقدمه محبت ششون است اگر علم داشته باشد دریافت نماید لهذا طریق زکوة دادن این
 آیه اشرفه اینست که در مدت یکصد و سیست روز بمقدار پنجاه و دو هزار و صد و چهل و شصت
 مرتبه بخواند عامل کامل این آیات معظم گردد و طریق خواندن اینست که اگر هر روز چهار صد و چهل
 و هفت مرتبه خوانده باشد در عرصه مذکور بقدر او عینه الاتمام گردد و لایق است که بر روز خورشید
 خواندن آغاز نماید تا به روز ختم جمعه افتد و در یکم عمل نشسته بخواند و قبله رو جلوس کند و وقت
 خواندن غنبر و سبیل و صندل را بخور کند چون ختم شود فاتحه بدوح پر فتوح سید ابراهیم
 بر شیو رنج یا مولات این آیات دهد و آن شیر بهیج را به معصومان تقسیم کند بعد در مقدمه حب
 و محبت برای دو کس خواه امیر خواه فقیر خواه برای خود سه روز خوانده باشد و نام آن هر دو
 گیرد و باین طریق که (عجب فلان بن فلان عاشق و معشوقا و مفتونا و انا ابد اسریا) باذن الله
 تعالی بیشک در میان شان محبت از جا بنین واقع شود الا مقدمه سلامان شد حرام نبود و اگر
 خود خواهد که عالم مطیع و منخرن شود پ است و کی بار هر روزه و روز خود ساز و اغضال می در
 فن که خواهد تمام خلایق مطیع شود و دیگر اینکه اگر زکوة داده باشد به هر کسی که چهار مرتبه بر سر
 بر میوه دم کند و نام هر دو بگیرد و نام خود و نام او بگیرد و دم کند و بخورد و مطلوب دهد و مطیع
 او شود مجرب است و اگر این آیات نوشته پیش خود دارد و اثر آن عظیم و خواند آن بسیار بیدار
 که آیات را معطر دارد و پاک و عزیز دارد تا خواص بسیار بیند و اگر خواهد که کسی را در عشق خود
 بیقرار گرداند یا در سبقت موی از سر طالب بگیرد یا خود را طالب
 است موی سر خود گرفته و در آئینه سبقت گره دهد و هرگز یک بار این مجموعه آیات بخواند
 و گره داد پیش خود نگذارد عاشق و معشوقی با هم مبتلا شوند و خواص این آیات انتر سبقت

فختم نوشته ام بر که عامل باشد برو مکشوف گردد و آیات مکرم انیند ما نشانی آنها اینجی بر میگام
 باید که از کلام الله شریف آیات رابع اعراب بصحت تمام تریا و کند نشان آیات اینست در نصف
 پاره تا که در سل این آیه هست **حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ** الی آخره تا بحسن ماب و ثلث پاره سوم
الضَّالُّ انْ كُنْتُمْ تَحِبُّونَ الله فاقبونی بحبکم **الْخ** تا بغفور رحیم در رابع اول پاره چهارم
لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ این آیه است ما اتم اولاً و لا تحبونه و لا یحسبکم تا به بالکتاب کله در تاحی نصف پاره
 چهارم ایضا **فما رحمة من الله لنت لهم** تا بحب المتوکلین در رابع اول پاره دوم سیقول
 این آیه هست یحسبکم بحب الله تا به **ما الله** در آغاز رابع پاره ششم لا یحب البهائم
 این آیه هست ضوف یاقی الله یقوم بحسبهم تا به واسع علیم در رابع پاره دهم و اعلموا این
 آیه هست **هو الذی ایدکم بنصره** بالمؤمنین و الفاعین قلوبهم تا به عزیز حکیم در نصف
 آغاز پاره یازدهم یحذرون ترجمای سوره توبه این آیه هست **لقد جاءکم رسول من انفسکم**
 عزیز علیه ما عنتم تا به **رؤف رحیم** در ثلث پاره شانزدهم در سوره مریم پاره قال الم اقل
 لکم این آیه هست و القیت علیک محبت منی تا به علی عینی و این آیه شریف برای بغض و ضد
 کنونی هم فائده دارد اگر در یک چله یک کس و نسبت و پنجه از مرتبه با وضو تمام خوانده ده کتوه دبر
 بعد اتمام چله عامل بیشک خواهد شایس در هر مقدمه بغض اثر این چون تیر بر برف یا بدو اگر
 یکصد و یازده مرتبه در دو اول و آخر تا یک چله بخواند امیر و فقیر مسخر شوند در ثلث پاره
 شانزدهم ایضا این آیه هست **وَعَنَّتِ الْوُجُوهُ لِلْحَى الْقُيُومِ** در رابع چهارم پاره شانزدهم
 ایضا این آیه هست **فَاكَلَمْنَاهَا فَجَدَّتْ** تا به غوی در پاره سنی ام در سوره بروج این آیه هست
 و هو الغفور الودود تا به فعال لما یرید - در پاره ایضا در سوره عادیات این آیه هست
 و انه لحب الخیر لشدید - تمام شد - نو عهد یگر این آیه معظمه که در سوره آل عمران هست لا
 تنذرنی الخ را اعداد بر آورده نقش در خانهای رابع پر کند و دهم نزد خود دارد و برکت
 آیه شریفه خدا تعالی او را فرزند صالح عطا فرماید و ما نقش آیه مذکور نوشته و هم تاپر کردن

آن آسان باشد و ما را دعای خیر و بد چنانچه اعداد آیه نذر جمله سه هزار و صد و پنجاه اند و آنرا قسمت کردم نقش این است

۷۸۶

نوع دیگر این معجزه آیت را که در پاره	۸۱۲	۸۱۵	۱۸۸	۸۵
الم هست صم بکم الخ کسی عدد بر آورد	۹۱۷	۸۶	۹۱۱	۸۱۶
مع نام بدگویان نزد خود دارد و یاد خانه	۸۷	۸۲۰	۸۱۳	۸۱۰
آن کسان که غمازان باشند دفن کنند	۸۱۳	۸۰۹	۸۸	۸۱۹

برکت آیه شریفه زبان آنها بسته گردد نقش اعداد آیت بر آورده باید کرده و هم تا بر تو سهل گردد و نیز اگر کسی زبان را پایش گشاده باشد این نقش نوشته او را دهنده که در کمر خود بندد و انشاء الله خون که جاری باشد بند گردد چنانچه اعداد آیه مذکوره جمله هشت صد و هشت اند آنرا قسمت کردم نقش اینست

۷۸۶

نوع دیگر برای حب حجب و آزموده از سوره	۲۷۰	۲۶۵	۲۷۲
اذا السماء انشقت اگر چیل روز زکوة این	۲۷۱	۲۶۹	۲۷۷
سوره دهم یعنی پرنیز ترک حیوانات کرده هر روز	۲۶۶	۲۷۳	۲۷۸

یکصد و یکبار بخواند بعد چله حامل خواهد شد پس اگر خواهد که کسی را در محبت خویش گرفتار کنی باید که اسم طالب مع ماور از حروف ثنوی مذکوره ضم کرده بنویسد بجای تیقلب اسم هر دو طالب و مطلوب بنویسد و بر درخت بیاویزد و یاد در چوب بلند بیاویزد که در هوا برود و سوره مذکور بدین صورت بنویسد
 ذال س م ا ا ل ن ش ق ت و ا ذ ن ت ل ر ب و
 ا و ح ق ت و ا ذ ل ا ل ا ر ض م و ت و ا ل ق ت
 ا ف ی ه ا د ت ل ت و ا ذ ن ت ل ر ب ه ا و ح
 ق ت ی ا ا ی ه ا ل ا ن ا س ا ن ا ن ک
 ک ا و ح ا ل ی ر ب ک ک د ح ا ف م ل ا ق

می ه ف ا م ن ا د ت می ک ت ا ب ه ب ی م ی
 ن ه ف س د ف ی ا ح اس ب ح س ا ب
 ای س ر ی اوی ن ق ل ب م ت ه
 ن ص ا ح ب ه بنت فلان غ ل ی ح ب غ ل ا
 م ح س ی ن ب ن س ی د م ح م د س
 ر و ر ا ب ح ق ی ا و د ب ی ه م ا الف ت ا و محبت
 و اما ابد اسر مد ایا الله یا الله فو عدیگر عمل گو سفند این ادعیه را بخواند و گو سفند

زج کنند دعا اینست اللهم یا منزل الشفاء و یاذهب الذاصل علی محمد و آئین علی هذا المرض
 الشفاء انک علی کل شئی قدير عمل گندم این دعا را گندم بخواند و از راه رویشان در
 اللهم انی اسئلك باسمک الذی اذا سئلت به المضطر کشف ما به من ضرر و کانت لى الارض
 و جعلته خلیفتک علی خلقک ان تصلى علی محمد و اهل بیتی و ان تعافینی من عاتی نوع
 ثمانی این آیت فرقان برای محبت زن و شوهر مجرب است اگر اعداد بر آورده نقش مثلث
 پر کند و آنرا شسته بر زنی را که بر اے نخوردن شوهر او دهد بسیار محبت گردد آیه وافی بدایه

را اعراب از کلام الله صحت کند و اینجا بطور ثانی نوشته و هم اینست عسی اللہ ان یجعل
 بینکم و بین الذین عاد یم منہم مودة و الد قدیر و الد غفور رحیم و اعداد آیه معظمه سه
 هزار و هشت صد و هجی اند و نقش مثلث مذکور این است فافهم

فو عدیگر استاد این آیه معظمه عنایت محمد حسن
 صاحب بزرگه برای سه مراتب به مقصد خیریت
 و از موده است اگر سه چله تمام کند و بر زمین بخسپد

۱۰۱۲	۱۰۹۷	۱۰۱۳
۱۰۱۳	۱۰۱۱	۱۰۹۹
۱۱۹۸	۱۰۱۵	۱۰۱۰

یا بر تخت بخسپد و دست زیر گوش داشته خفته باشد و بعد از نماز عشاء هر روز ۱۴ مرتبه
 میخواند باشد انشاء الله تعالی بعد سه چله یا روزگار معقول بدست آید یا فتوح قوی

بدست آید یا نسخه کیمیا شخصی در خواب تعلیم کند شک ندارد که کافر و دشمن آید مذکوره
 اینست در سوره رعد انزل من السماء افاالت اودیه بقدر ماتا بنزدا بریا نوع
 دیگر این آیات بزرگ را اگر ورخود کند در چشم خدایق محترم و معزز باشد آیات بزرگ
 این هستند در سوره یسین سلام قولاس رب رحیم در سوره صافات و سلام
 علی المرسلین در سوره ایضا سلام علی الیاسین در سوره ایضا و سلام علی نوع فی العالمین
 در سوره ایضا سلام علی موسی و هارون و در همین سوره سلام علی ابراهیم و در سوره
 انما انزلنا سلام بی حتی مطلع الفجر در سوره اعراف سلام علیکم طیفم فادخلوا خالدین
 نوع دیگر قاعده سوره قل اعوذ برب الناس معکوس در باب بغض و حسد جانیان هر
 شش آیه را معکوس نموده بر جای هر آیه اسم عدد مع نام مادر و اسم که تفریق کردن
 از وی باید مع اسم مادر بنویسد و در زیر دیگران ننهد که گرمی آتش با او رسد و قل اعوذ
 برب الناس معکوس اینست فافهم

س الناء و تجل نم فلان بن فلان علی بغض فلان س النار و ص یف سو سوی نید لا
 فلان بن فلان س الناخل سو سوال ارش نم فلان فلان علی بغض فلان بن فلان
 س الناهلا فلان بن فلان علی بغض فلان بن فلان س الناک لم فلان بن فلان
 علی بغض فلان بن فلان س النابرب دو عائقه تمام شد - نوع دیگر آیه
 معظم در باب محبت بسیار عجیب بزرگان ست و محرب ست اگر بر مصری و قند و شکر یکصد و
 کیم تره و افلی ایکنه یکصد و شصت بار دم کرده دهد که بمطلوب بخوراند مطیع و عاشق گردد و اگر
 سوم را غلوه ساخته بران بهفت بار دم کند و آنرا بمطلوب زندانشا الله موم گردد چنان
 رحیم شود اگر امیر و پادشاه را مسخر کردن منظور باشد بر گلهای خوشبو دار که بهفت گل باشند
 بهشت بار بران دم کند و آنرا که مطیع کردن است بر لبه بونیدن بدید چون بودید سخن
 گردد اکثر بتجربه آمده است و لکن مریکه این عمل کند مرد غازی و پریزگار و متقی باشد

که در زبانش اثر باشد که در دم کردن اثر پذیرد لکن این موجود دست و دست و اذنه
 کجاست و عصا موجود دست و دست موسی کجاست پس باید که در شوق عملیات تقوی و
 طهارت اختیار کند تا هر شی و عمل درست آید فی الجمله این مذکور اینست مع بسم الله
 الرحمن الرحیم و لقد قننا سیما و القینا علی کرسیه جسد اتم اناب نوع دیگر
 آیات کلام الهی مع اسماء موکلان و باب حب مجرب است باید که این اسماء و آیات را
 بخون کجاشک بر روز یکشنبه بر کاغذ بنویسد و به لیسان مرغ ابریشمی بندد و در ختی که در مقام
 تنه باشد یعنی گرد او درختان نباشند بیاویند چنانکه نه در روز شب آنرا باز بجنبانند آنرا
 اندک مطلوب اگر بعد فرسنگ دور باشد در آن دم در اندام او در پیداشده شوق محبت
 طالب علیه کند تا پیش طالب حاضر نباشد قرارش نشود مجرب است و او اینست منمطوس
 سمع من فی صمعه طاهر اصل سطوس یا بس سورا سد و باره فلان بن فلان علی حب
 فلان بن فلان سبحان الذی امری لبعده لیسان المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارینا
 حوله لیه من آیتنا انه هو السمع البصیر یجوز هم کعب الله الذین آمنوا اشد حباً لله
 نوع دیگر من هر دو این که مرقوم گشته اند باین عبارت که اینست بدین ترکیب (بجگوتم ان
 سبحان الذی امری الخ یا سحر من فی السماوات و الارض فلانا اللهم لینه علی ذلک لی
 و سحره فی اللهم اتق جمعی فی قلب و اجله رؤفا مجرب یا حق یا الله یا حسن یا حسیم اگر بر
 کاهمای نرسد و در دم بر روز و شب بستاند و یکبار کند و او لی اینک پنجاه بار دم کرده بر
 مطلوب بشمارد اگر او هرگز تا طب گاهی نمیشود مجرب و شمدن مطیع گردد و بر روز جمعه بستاند یکبار
 بر شیرینی دم کرده و پاکه نوز در محبت و دوستی بقرار گردد اگر بر روز یکشنبه بر فلفل گردد بر
 بخت دانه و بهر دانه هفت بار دم کرده بنام مطلوب در آتش اندازد و نام آن کس بر
 زبان راند مطیع فرمان گردد و اگر بر آب دم کرده چهار بار آن آب بنوشاند اثر تمام
 بخشد و اگر بر سر نه شخصت بار دم کند و در چشمش بر کسیکه رود او فریفته شود و اگر

در شکم مایه نوشته نهید لیکن مع نام مطلوب بنویسید و در رویا بیندازد و در میان مطلوب محبت
 بسیار شود و لایق است که آیتهاست مذکوره و هر آیت را که بنویسید مع بسم الله بنویسید و اگر
 بخواند مع بسم الله بخواند نوعد دیگر قل هو الله احد را مع موکلات باین ترکیب زکوة دهد
 و من قل هو الله احد را زکوة دادن بچند ترکیب خواهم نوشت اینجا این طریقه از بزرگی
 علیحدہ باین نحیف رسیده اینست که نقش اعداد آن در ربع پر کند و در خانه شانزدهم سیاهی
 مالد و بدست طفلک بدهد که درو نظر کند و آنچه که بیند لجا بل بگوید انشاء الله احوال مرض
 زود در نظر طفل خواهد آمد و قدری عطر بر خانه شانزدهم نقش هم مالد چنانچه طریقی زکوة آید
 بیان خواهم کرد که بیرون دادن زکوة بی هیچ عمل راست و درست نخواهد آمد لیکن قل هو الله
 مع موکلات ترکیب که ذکر کردم اینست یا عطر ایل نحتی قل هو الله احد یا همو اکیل نحتی قل هو الله
 یا طاطا نحتی لم یلد ولم یولد یا اجمایل نحتی ولم یکن له کفو احد و نقش بر آرد و
 اعداد سوای اسماء موکلات اینست که بدست طفل دهد

۷۸۶

۲۳۲	۲۳۵	۲۳۹	۲۳۵
۲۳۸۷	۲۳۶	۲۴۱	۲۴۶
۲۳۷	۲۵۱	۲۴۳	۲۴۰
۲۴۳	۲۳۹	۲۳۸	۲۵۰

نوعد دیگر برای برده گر بخت این آیه شریف را مع علامت مرقومه ذیل نوشته در شاخ
 درخت بلند بیاویزد انشاء الله برده باز گردد آیه معظم مع علامت اینست (و الضم و اللیل

اذا حجی ما ودعک ربک وما قلی (و علامت اینست نوع دیگر اگر حسین ایت و شعی را
باین علامت نوشته در

۷۸۶

ع دم

ف

ط

المجدد
یتیمافاوی ۱۱۱۱
کالم تی ج س نو

پرخه به بند برده گریخته
باذن الله باز گرد علامت
ایست ک ع ص

نوع دیگر اگر سوره یسین تا بر من المکین بر قفل بغت بار خوانده دم کرده نام گزخته در آخر
گرفته بند کند و آن قفل در آب روان بیند ازو گزخته سرگردان شده باز آید انشاء الله
نوع دیگر اگر برای جدائی افکندن و تباه نمودن عدو خواهد این آیه معظم را مع اسماء موکل
بر گل میخ آهنی بطهارت تمام بشت و یک مرتبه خوانده دم کند و چون تمام شود بخور صندل
سرخ و میخ سیاه آن و تدر او دهد و اسم موایل بر دند باز دم کند و در نقش مربع که نوشته
ام آن و تدر بخاند و نام هر دو محبان که جدائی بمیان آن افکندن منظور است مع
نام مادران شان بگوید و بعد از آن و تدر نقش را در خانه آنها دفن کند انشاء الله جدائی
بمیان او شان قریب تر افتد اسماء موکلان مع آیه معظم و نقش اینست قال یا فرقه
بینی و بینک اجب یا در ایل یا لومایل یا تمکیل یا سموطیشا یا هرایل یا سیموتا - یا
خطرا نیل یا میوتا یا خلی نیل یا دیموتا یا نو رایل البغض فلان بن فلان علی بغض فلان
بن فلان سر یغا قریبا ادا ادا و نقش که و تدر بر دند این ست فافهم

نوع دیگر هر کسی که هر روز پیش ظالمی رود
و ترسان باشد یا در محل غیر برای انقصال
مقدمه میرود یا برای روزگار میرود یا بیهوده

۷۲	۸۶	۸۳	۷۹
۸۴	۷۸	۷۲	۸۵
۷۷	۸۱	۸۸	۷۴
۸۷	۸۵	۷۶	۸۲

قبل از آن از ابتدای روز پنجشنبه بعد نماز صبح قدری روغن خوشبودار و اندک مشک
 با عطر آمیخته این آیات بزرگ بار اچهل بار هر روزه تا روز جمعه دم کرده باشد چون یک
 هفته دم کرده تمام کند پس آن روغن را پیش خود نگاه دارد و هر روزه بر روی خود مالید
 پیش او رفته باشد انشاء الله تعالی در عرصه قلیل مطلب از آن کس بر آید و اگر حاکم ظالم
 باشد رحم مطلق کند و با فتح و نصر تند در جنگ و مقابله باز آید و اگر به کسی دیگر دوست خود
 را این طریقه دهد یا عطر دهد بکار او هم مجرب است و آیه این منسج بعسم الله یخفف و اعراض
 از کلام الله صحت کند - یا ایها النبی انا ارسلناک شاهدا و مبشرا و نذیرا و داعیا الی الله باذنه
 و سرا جانیما و بشر المؤمنین بان لهم من الله فضلا کثیرا و لا تطع الکافرین و المنافقین و مع
 اذا هم و توکل علی الله و کفی بالله وکیلا نوعدیکر کسیکه خواهی پشیمان بیند و توبه
 این آیه شریف تعویذ نموده در گلوئی او بندد خواند دفع گرد آید مکره اینست مع بعسم الله یخفف
 و نیز بر آویختن اگر نوشته در گلوئی عریض بیند از وصحت یابد

یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و اطعوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون و فغان و فغان و فغان
 نوعدیکر بر آن در چشم اگر خوانده غصه تمام دم کند و نوشته بر بند چشمه شود شایسته
 فکشفنا عنک غطاءک بخبر الیوم مهدی امام باریک علیا و اوفی بالاسرار و فلیک
 و ارحم لیک و اشفع لیک و ان یجث من فی القبور و علی الله علی جمیع خلقه و الله
 و سجد الیهمین نوعدیکر سوره و العادیات را بر بازوی برده گیرد پانوشته بر بندد و بگوید
 آن بازو گردد نوعدیکر این آیه را بر ده گره زنده و بر نیک بشو هر خوشی آرام گیرد و در
 این نوشته بر آن خوردن و بد آن زن و آن برده آرام پذیرد آیه معظم که بالا نوشته
 است اینجاست انشاء الله نیست - یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و اطعوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون
 اگر خواهد که کسی محبت پیدا کنی باید که این آیه عظیم را هفت مرتبه بخواند و بگوید یا ربنا و
 شکر و شیری بخوراند مطلوب بعون الله و حاتم النبیین چمنک یا ارحم الراحمین طریقه

دادن زکوة آیه القسط و این طریق مشهور همه عالم است و صفت این آیت بزرگ
از حد زیاده است که در بیان نمی کنند آنچه که باین فقیر رسیده است درین کتاب نوشته ام
باید که این آیه را اول زکوة بدین نوع دهد و بعد همیشه در روز خود در دو طریق زکوة
اینکه در صبح ماه بر وزنجش به علی الصلاح غسل نموده پاچه طاهر پوشیده و صوم هم بدارد
و در میان عصر و مغرب این آیه مبارک را در جائے تنهایی در مسجد تمهید یا در حجره نشسته
یکصد و سی و سه مرتبه بخواند چون تمام شود بروقت افطاری به نیت زکوة صوم را افطار
کند و از طرفه گلی کند باشد آب از دست خود در آن ظرف بیارد و جا را از گل پاک کند و
یا و اما در پنج بے نمک به پند و از آن پنج نصف به فقرا دهد و نصف خود بخورد و
صبح آن بدستور باز غسل کند و جامه پاکیزه دیگر بپوشد یا همون جامه را بشویند بپوشد
و روزه بدارد و بوقت عصر همون قدر آیه شریفه را بخواند و صوم به نیت زکوة افطار
نماید و پنج بطور مذکوره بالا پذیرد نصف طعام مسکین کند و نیم آن خورد و کسب
صبح آن که روز سوم باشد بدستور روزه نهد و جامه را بشوید و طریق مذکوره بجا آرد پس
زکوة سه روز تمام شد از ابتدا در چهارم طریق مذکوره موقوف سازد و از همان روز
مدام پنج مرتبه خواند باشد و الله ثم بالله از هر آفت و بر بلا و بیماری و غم و جنگ و قصاص
و غیره محفوظ باشد و ملائکه آیه قطب همیشه مطیع فرمان و نگهبان این عامل باشند و گاه
قرضدار نبود و رزق و روزی فراخ گردد و هر جمعی لاجل کیش آید زمین طور سه روز
به نیت حل مشکل آیه موصوفه را بخواند و در عرصه سه روز ضرورت آن شکل حل شود و در هر
در و در مان هر کسی که دم کند و بر سرش که دم کند اثر تمام دهد آینه مذکوره را نشان اینست
از کلام الله شریف اعراب و الفاظ صحیح نموده حفظ باید کرد اینست در نصف یاره
چهارم لن تنالوا البر ثم انزل علیکم من بعد الغم امنه نعمای عیشی طائفه منکم و طائفه
قد امنت انفسهم یظنون بالله غیر الحق ظن الجاهلیه الخ تا بعلم ذات الصدور - ط

عمل ثانی در مقدمه حب مجرب از سوره السین باید که این آیه معظم و مکرم را یکصد و یکبار
 بر شیرینی بر روز یکشنبه م کند و بمطلوب براسه نوردن و بده عاشق و بمقرا گردد آیه شریفه
 اینست - فبما ان الذی سیده ملکوت کل شیء والیه ترجعون ولا حول ولا قوة الا بالله
 العلی العظیم - نوع دیگر برای حب مجرب اگر خواهد که مطلوب را در محبت خود مقرا کند این
 آیه یعنی اسماء معظم را بر روز آدینه از مشک و زعفران و گلاب بوقت نماز بنویسد
 و پیش خود دارد و خود را بمحبوب بنماید بجز دیدن مطلوب بمقرا گردد و همیشه طالب آن
 باشد چنانچه اگر در حصار آبی باشد پیش طالب حاضر شود باذن الله تعالی جل شانہ آیه
 موصوفه مع اسماء مکرم اینست - بسم الله الرحمن الرحیم ه الم الله لاله الا هوکی
 القیوم الله الله یا راج یا معارج یا حی یا حی یا قیوم یا قیوم یا قیوم یا قیوم
 یا رب یا رب یا رب برحمتک یا ارحم الراحمین ه و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین یا رب
 احرق قلب فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان یجبوهم کعب الله الذین
 آمنوا شد جابلله علام یا عظمی اسما با ساسا یا الهویا بالی یا طمعو یا من با سعی یا طلعوا
 یا دهم طعم اربا عاکسوا بکعب سا محبوب یا سح یا مططرح یا ست یا سح صلحو الله
 وط الاصبو ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم - نوع دیگر دعوت الدراهم و الله
 نی باید که یک هفته ترک حیوانات کند و از روز اول روز چهارشنبه شروع کند و در
 خلوت اسم اسرافیل را بر بار چکاند بنویسد و در سر خود نهد و نگار با بالا دارد و باید که
 سر خود را در پس افکند و نگاه بالا کند و در خواندن این اسماء مکرم مشغول گردد انشاء
 الله چون چهارشنبه دیگر مقصود حاصل شود و ولتمتد گردد اسماء معظم این اند عقیدت
 طقطوش مطر هو اطل عواطل انبیوا عن ذن الدراهم والدینار بحق
 یا اسرافیل علیه السلام اوقونی وقو علی اعطاء - نوع دیگر برای فرزند پیدا
 شدن از شکم عقیقه باید که این حروف مقطعات را مع اسماء الهی بر روز پنجشنبه روزه

داشته بوقت شب بعد از غشاء چهل نقش بنویسد و از صبح آن یک نقش هر روز داشته
 بوقت شب بآب تازه زن و مرد و دوشسته بخورند و همیشه نشوند بفضل الهی بیشک حمل
 بآن روز تا عرصه یک چله بماند شک ندارد که کافر گردد آیات حروف مقطعات و اسماء
 معظمه این هستند مع بسم الله این بنویسد که یعیص علی علی طاطا که یعیص که یعیص که یعیص
 جمیع جمیع جمیع هو الله الله الله تعالی خیر خلقه محمد و آله جمیع نو عهد یگر این
 دعا و اسماء موکلان برای هر امر مجرب و آزموده است اگر برای حب چهل بار بر شیرینی دم
 کرده مطلوب را بخوراند بیشک مطیع فرمان گردد اینست عزمت علیکم یا معشر الارواح و
 صاحب الشر و الوسواس الخناس جنود ابلیس خاتم سلیمان بن داود علیها السلام و حق
 مارون و مارون هو الاذکر للعالمین فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان و اما آباء
 و لازم است که اول زکوة این باین تدبیر بدید که از روز یکشنبه شروع کند و یازده بار نوشته
 در رویاے روان گوی از آرد بسته انداخته باشد پس همین طور تا هفت روز بکند اگر
 معشوق در هزار فرسنگ باشد حاضر گردد مجرب است نو عهد یگر برای کشایش رزق و
 فتوح غیب از روز مره هزار بار بخواند برای محبت هم مجرب است اگر دم کرده مطلوب را بخورند
 بخوراند مطیع گردد اسماء مکرمه و معظم اینند جل جلاله جمیع جمیع شلیش کلین بدینش
 ه قاعده عمل خطبه ادم علیه السلام مجرب است اگر این خطبه مدوحه را حفظ کند و تا چهل روز
 با ترک حیوانات یکصد و یکمرتبه در جای تنها بخواند و برین منوال یک چله تمام کند عامل
 کامل گردد پس در هر مقدمه که دم کند آنرا بخشد اگر بر سر مرده دم کند و در چشم کشد در چشم خلایق و هر که
 دوست و دشمن باشد مطیع گردد اگر جامه معشوق چهل و یکبار دم کند و آن پارچه را بختی
 ساخته مثل فلیته نموده در چراغ بسوزد معشوق بقرار گردیده بیاید و اگر بر میوه یا بر شیرینی
 کند پس هر کس که بخوراند مطیع فرمان گردد اگر خواهد که زبان مردم از بدگویی باز ماند بر جویز او
 چهل مرتبه دم کرده بخوراند زبان از بدگویی باز ماند اگر چه خواهد که در میان دو کس جدائی

افتد و خصوصت واقع شود بر شیخ و از آن پس چنانچه مرتبه و در هر مرتبه روز اندازد
 بعد از آن هر دو کسان بخورند به ای قاطع و این شود اگر آسبیده آب در کرده نوشته
 و بر روی او زند آسبید بگریزد و چنین طور این خطبه مد و حدیث بسیار دارد اگر
 عامل شود البته واقف گردد اینست بسم الله الرحمن الرحیم الحمد ثانی و الکبیر یارب الدنیا
 العظمة ازاری و الخلق کلهم عبیدی و عیالی و محمد و طایفه عبیدی و حبیبی و رسولی و ولی
 قزو و جت الشان لیسد تو بر ما صل و صلاتی لا عقب لحکمى و لا یمل القضاء الا بشهد
 ملائکتی و حمله عرشى و ساکنى سعادتى و دلیع منعتى و قدرتى و آدم خلیفتى بعد از من
 تهلیل و تکبیری و ای آیه الکرسی اشهادتی ان لا اله الا الله محمد رسول الله یا آدم یا احو
 فادخلانی عبادی و ادخلانی جنتی

نوع دیگر اگر کسی را روزی کم بدست می آید یا ده کان اجراء نمی شود باید که این آیه بکرم
 را نوشته در اسباب کار خود بدارد انشاء الله کان بسیار جاری شود و برکت بسیار باشد
 اگر کسی بزرگوار باشد بکشاده گردد و خریدار بسیار آید و روز بروز فروخت زیاد شود آیه
 معظم اینست اعراب از کلام الله صبحم کسبهم و هو الذی بد الارض و جعل فیها روائی
 و انهارا و من کل الثمرات جعل فیها زوجین امین یغشی اللیل النصاران فی ذلک لآیات
 لقوم یتفکرون ه نوع دیگر بر کسی که در غم مبتلا باشد و بی خبری او قضا نمی باشد
 باید که این آیه معظم را هر روز هزار بار بخواند و الله و الله و الله و الله از آن غم نجات
 یابد اینست لا اله الا الله لا اله الا الله لا اله الا الله

نوع دیگر بر کسی که در دست دشمن گرفتار باشد هر روز این آیت را صد مرتبه بخواند
 بخواند بلا شک از دست آن ظالم نجات یابد آیه معظم و کرم این است
 حسبنا الله نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر ه
 نوع دیگر بر کسی که شخصی بتیلا کند و آنکس در آن غلبه نباشد یا مقدمه در عهد التوبه پیش

حاکم رجوع شده باشد و یا میراث آنکس کسی بزور می گیرد باید که این آیت معظم را تا انفصال
معامله بر روز هزار بار بخواند و تنگ از آن بلا سخانه و تعالی محفوظ دارد و از بر آفت محفوظ ماند

و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد

تو عدد یک را پیش کسی که مال باشد و از فردان میترسد یا کسی که عوی باطل کند یا مالک تا باغ
یا حیوانی کسی ظالم بظلم می شناسد این آیه شریفه یازده بار بعد هر نماز مع اول و آخر در روزی
خوانده باشد حق تعالی از آن ظالم رهایی دهد و مال محفوظ ماند آیه اینست

ما شاء الله لا قوة الا بالله العلی العظیم

تو عدد یک را ترکیب دعوت قل هو الله یک ترکیب در اوراق سابق الذکر نوشته ام الحاصل
چون ترکیب دوسه دعوت دیگر باین نحیف با موکلات رسیده است و معتبر و آزموده است
ازین جهت باز مینویسم باید که از عروج ماه با ترکیب هفتاد و یک چله این سوره را بخواند یعنی آن
قدر بر روز مقرر کند که یک کاتب است و پنج هزار بار در یک چله تمام شود و چون خواندن آغاز
نماید باید که آنچه بخورات میسر آید روشن کند تا موکلات مثل گسان جمع شوند چون چله تمام
شد عامل این ترکیب شده است و وقت بر سرش که سوره موصوفه دم کند در اثر همچو تیر بر دهن
یابد و بهر ترکیب که جاری نماید جاری شود و لکن این قدر تمیز باید که در هنگام اجراء
ساعت نیک و بد و آنست که جاری نماید یعنی بر ساعت بساعت شتری بنویسد و دم
کند و بر ساعت بغض و حسرت بساعت زحل و می بخ جاری نماید و بساعت شبانه روز آید
خواهم نوشت ان شاء الله چون بر است محبت دم کند بر شیرینی دم کند و برای عداوت
بر نمک و سرکه و خاک دم کند مطابق خواهد افتاد و اگر حاجات کند سوره را عدد بر آورد
آنچه که نقش بیشتر در زکوة سوره مذکور نوشته ام بنویسد و بر ستودند کوره بالا بسای
در خانه شانزد هم داده مطهر نماید دست خط کند بدین تاد و حال مرا یمن و زو بیند آنچه
در حال خواهد بود ظاهر خواهد شد ان شاء الله و قل هو الله بسیار خاصیت دارد و اینجا

مع موکل باز ترکیب دیگر این سوره می نویسم زیرا که بیک ترکیب در سابق نوشته ام اگر
عامل شوی لذت یابی چنانچه قل هو الله موصوف ترکیب دیگر مع موکلات اینست قل
هو الله احد یا جبرئیل الله الصمد یا میکائیل لم یلد ولم یولد یا اسرافیل ولم یکن
له کفو احد یادردائیل

نوع دیگر ترکیب دیگر سوره اخلاص اینکه و این ترکیب از بزرگی متوطن کشمیر باین نحیف
مغرب است الا در عمل آوردن و بدست آوردن سرزمین این عمل اندک دشوار نیست که
بتلاش تمام بدست خواهد آمد و آن اینست که اول گربه سیاه زولایتی که از طرف ولایت
مرد کشمیری یا کابل می آرند از ابدست آرد و اگر بچه گرفته پرورش کند تا جوان گردد و نقصا
نیست الغرض گربه مذکور نباشد و جوان آنرا قدری قدری روغن زرد خورایند
هر روزه مقرر کند و روز بروز روغن زیاده کند تا آنکه نوبت به پاؤش آید یعنی کییا و دفعه
بخورد پس بروزی که شنبه یک و یک کلان بی قلعی از جای بهم رسانیده در جای تنه که فسیل
در آنجا نباشد اول خود غسل کند و یک لنگی کهار واکه نوباشد به بند و آن گربه سیاه را در
دیک بیندازد و سرش از سرپوش بند کند و بر آن سرپوش از رمال سفید مضبوط بسته کند تا
آن گربه بیرون نه جهد بعده زیر آن دیک شش عدد خشت که سه تری باشد بطور دیکدان سه
جانبه و روی آن دیک دان سمت مشرق کند و زیر آن دیک بیک حراغ از روغن
زرد که فقیله اش پر کار باشد روشن کند که نور آن دیک یعنی نور آن فقیله تا به تن دیک
میرسد و ته دیک گرم شود و گربه را سوزش معلوم شود بمجر دگر شدن دیک در تمام دیک
و دو آن چنان غلبه خواهد کرد که دماغ گربه پریشان شده سه مرتبه دفعه با و از مهیب
چنانکه کسی آسیب زده رانی زند او از خواهد کرد بعد او از کردن در آن دیک گربه قوی
خواهد کرد آن آواز بسیار مهیب خواهد شد باید که عامل تیم را در دل خود راه نهد و بدو
و اگر ترسد فوراً اهلک خواهد شد پس بروی آن دیک دوزانو شسته سوره قل هو الله

بلا تعداد خوانده باشد تا به آن عرصه که آواز قی آید چون قی کند فوراً سرپوش کشیده گردان
بیرون اندازد و دیگر را خالی کند و آن روغن قی در ظرف پاک تمام و کمال بر دارد و
در آن روغن هر قدر سرمه پاک سیاه که ممکن باشد حل کند و خود نگاهدارد پس آن سرمه
تمام عمر را کافیت گوید یا کسی که بدست آمده این سرمه را کسی که گویند و بروی کسی
ایمرو فقیر و معشوق که دو میل در چشم خود از آن سرمه کشد و چشم خود مقابل چشم آن
کند عاشق و مطیع فرمان شود و اگر کسی را این سرمه دهد بکار او این سرمه نوع بیاید از او
شده است عمل دیگر همین سوره موصوف غایت جناب امیر زین العابدین صاحب
الکرامت صعب پیش آید که روز اول بعد نصف شب تا صبح اختیار دارد و بر خاسته
غسل کند و اگر تواند هر روزه غسل کند و الا نه روز اول ضرور غسل نماید و بر چوکی چوبین
زیر آسمان نشسته بکشد و یکبار مع درود اول و آخر سوره موصوف بدین عبارت مع
موکلان که درینجانی نوسیم بخواند اینست یا احیای صمد یا ملک عبد الصمد یا لیسع الله الرحمن الرحیم
قل هو الله احد الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفو احد

روز دوم بدستور نشسته دو صد مرتبه درود بآورد و دو صد مرتبه آخر و دو صد مرتبه سوره
ذکور بخواند روز سوم باز بدستور سه صد مرتبه درود اول و سه صد مرتبه آخر و سه صد مرتبه
عبارت مع السوره بخواند انشاء الله در عرصه سه روز مطلب بر آید همین نوع تا نه روز
کند در هر سه چله ضرور مطلب بر آید شکی ندارد لیکن از روز چهارشنبه آغاز کرده باشد
تا بر روز جمعه تمام شود و یک شمشیرین بخورد و از جمله لذات پرمیز کند و الا نخطا خواند بخواند
و اغلب که موکل که اسم آن عبد الصمد است بنظر خواند آمد باید که نه ترسد عمل دیگر قل هو الله
معکوس مجرب عجائب و غرائب قسم کلام الله که اگر فقط بر همین سوره حمد و حمد عامل عالم
باشد سلطنت پیش آن ذره بی مقدار است هیچ شئی نیست که مسخر پیش آن عامل نشود
ولیکن عمل سخت است و بدست آمدن دشوار تر است و این فقیر را بدولت عبد الله

شاه صاحب زبانی نوازش علیخان بامداد شاه صاحب موصوف عنایت شده از
 عرصه چند سال در فکرت کوه این عمل مستم و لیکن هنوز حصول نه انجامیده که سرانجامش
 بسر نمی برد الا در عمل شاه صاحب چنان دیدم که همه عملیات را فراموش کرده ام ای
 برادر قسم باند العظیم که شرعی قسم است علم کیمیا و رمی و سیمیا بهم تابیش این عمل سوره معکوس
 ادنی است و عبد الرؤف شاه بدولت این عمل بزرگ در مقام فیض آباد سلطنت می
 کنند هر چند که از خواهش شاه صاحب موصوف این عمل بدست این فقیر نیامده بلکه نخواهد
 موکلات که حاکم این عمل مجرب هستند بدست این نحیف آمده که ذکرش آینه خواهد آمد چنانچه
 این عمل را دوازده الفاظ هستند و مطابق آن الفاظ دوازده موکل هستند هر کس یکبار
 این سوره شود آن دوازده موکل مطیع فرمان آنکس شوند اگر خدا خواهد و الا نه بسیار آن
 محروم در اشتیاق مردن غرض اگر فرصت دست دهد و فضل الهی شامل حال باشد چند روز
 که حصول این نعمت عظمی نماید باید که ترک دنیا کند زیرا که بدون ترک دنیا چهار روزه این
 نعمت حاصل نخواهد شد پس لازم است که یک خادم نمازی ریزگار رفیق خود گرداند و مسجد
 تنها که در قرینه متصل دریا روان باشد یا در باغی مکانی پاکیزه به تخلیه تمام بدست آید
 از ابراهیم چند روز گرفته قیام گزیند و آن مقام را پاک مطلق کند و هرگز کسی دیگر متصل
 و اندرون آن مکان نباشد صرف تنها باشد و آن خادم رفیق را نیز از خود دور کند و خطبه
 را تنها خواندن بر خود واجب گرداند و عیض خادم را نزد خود نهاده و مضایقه نیست و لایق
 است که اول سوا آثار میوه ولایتی و نجورات و عطر و گلها خوشبو دار و شیرینی لطیف مهیا
 ساخته در حجره خود جمع نماید و ده آثار خود پیش رفیق خود نهاده و در دویم آثار قند سیاه پیش
 رفیق نهد و دو چادر یک پاژ در حجره مهیا دارد و دو جانماز تیار کند و چشمانی پاک بگسترده
 بر آن یک جانماز بگسترده و بر روز شنبه در غروب ماه غسل کند و بعد نماز مغرب کعبه رو
 نشسته اول تمام اسباب میوه و شیرینی و گلها خوشبو دار و عطریات بر جانماز دارد و یک

طرفی پیاپی نهاده بخورات بسوزد و در بدن و تسبیح خطریات مالد و آن یک چادر نیم بند
و نیم به پوشد و آن شوق یک پاؤ خود بر این کنایه مع یک چشمانک قندسیاه در برگ
و پاک که بهندی دو ناگویند و آن اشیاء مذکوره بیارد و از اتم پیش خود بدارد و قل و
مکوس بخواند یعنی اول چند بار قل هو الله عبارت کلام الله بخواند چون تمام شود
حصار گردد و خود کند و مرشد خود را در تصور خود دارد و پیغمبر صلعم را بدست راست خود در تصور
پندارد و یکبار و یک مرتبه آن قل هو الله مکوس بخواند بعد اتمام آن در دو بعد طاق
یعنی یازده یا بیست و یکبار و غیره بخواند و بعد بر آن بخورد و قندسیاه نیاز موقوفات دهد
و آن تمام اشیاء علیحدہ بدستور بدارد و خود بر آن جانماز خواب نماید چون صبح شود آن
خورد و قندسیاه بطفغان تقسیم نماید و خود از دست خویش نان جو بر تنگ لاسوسی بر آب
نارزه و طاهر زبیده بخورد و آن خادم الی زبیده دهد مضایقه ندارد و بخورد و برای بیت
الحلا یکبار از خمره بیرون آید بعد آن جاکسی دیگر جانم رود و وضو و وقت قایم دارد و
هر روز صوم دارد و در روزان آب خویش جاری دارد چون شام شود باز غسل کند و به
باسباب معهوده بر آن خواندن نشیند ان شاء الله تعالی بر روز بیست و یکم اگر قسمت درست
است در هنگام وظیفه خواندن باری روشنی در تمام مکان پیدا خواهد شد و شصت و شصت
سوار با چند کسان دیگر صاحب جمال در آن حجره حاضر خواهند شد پس عاملان روزشان
تفرغ سلام علیکم کند و اگر آنان خود گویند جواب گوید و گفتگوی معقول کند و آنچه آن
گویند قبول کند و خود آنچه ترکیب منظور باشد از روزشان اظهار کند و اگر گویند هر چه بخواهد
خود مقرر کنند بر روز باین عامل خواهند رسانید و تمام عالم از پادشاه تا به فقیر مستحق کرده
خواهند داد و احوال هر کس از عالم شش ماه ماضی و شش ماه مستقبل را پیشه یارین
عامل ظاهر خواهند کرد و هر کس را که طالب کند حاضر کنند و آنوقت از صاحب تخت عرض
کند یک یاد و شخص را از در میان خود نزد من متعین کرده و من که به وقت حاضر باشد

آنچه ضرورت پیش آید تا از ایشان گفته آید همون وقت شخصی عبد الرحمن نامی از آن جمعیله بنام دیگر معین خواهند کرد آن موکل بصورت انسان در چشم عامل هر روز و هر وقت بنظر خواهد آمد آنچه که در روز و شب گفتن منظور خاطر باشد حکم کند تا فوراً آن بجا خواهد آورد پس هر روز بعد احضار آن موکلان و تمامی چله بکشد و یازده مرتبه هر روز و در وظیفه خود دارد آن اسباب که مهیا کرده بود همون وقت نذر موکلان مرقومه صاحب تحت نماید و خواهد برد و نیز اوقات هر روز خود حسب خواستش خود اذن گیرد و قطع حجت عمری کند تا خطا نخورد و این عمل از سخرات تمام عالم است و این عمل چنانست که تمام احوال را آن موکل عرضی تمام جهان از بینک و بد دستخط خواهند کرد عامل همیشه یک حجره قایم کند که در آن جا ملاقات او شان همیشه قایم دارد و اگر میوهجات و عطریات و شیرینی از هر کیسه که حاصل شده باشد در آن حجره نهاده حواله آن موکلان خود اجازت بر عرضی دستخط کرده داده بودند استاد من با من داده اند بغنائیت و بجمت خویش لهذا قل هو الله معکوس اینست و اگر آن موکلان در عرصه لبست و یک روز حاضر نشوند در عرصه چهل روز ضرور حاضر خواهند شد چله را نشکند و قایم دارد این قل هو الله معکوس است

۸۴

۱ قل	۲ هو	۳ الله	۴ احد
۵ الله	۶ الصمد	۷ لم یلد	۸ ولم یولد
۹ ولم یکن	۱۰ له	۱۱ کفوا	۱۲ احد
۱۳ وَاَحَا	۱۴ وَفَكَتْ	۱۵ هَلْ	۱۶ مَنکي مَلُوْ
۱۷ هُوَ لَوِي مَلُوْ	۱۸ وَلِي مَل	۱۹ وَمَص	۲۰ وَالله
۲۱ وَحَا	۲۲ الله	۲۳ وَه	۲۴ لَقَّ

نوع دیگر عمل حسب مجرب و آزموده از بزرگی ساکن جوینور بدست این بخیف آمده است
و باری این فقیر برای شخصی از موده است عزیزا باید داشت که بر روز کیشنه یا سه شنبه
بهر صورت که ممکن بود از صبح تا یکپاس روز بر آمده ناخن هر دو دست و هر دو پای مطلوب
بهر نوع که میسر آید از حجام یا به ترکیب دیگر بدست آیند بگیرد و همان وقت دو بخورات سوخت
نام مادر آن کس و نام خود و نام مادر خود گرفته سوره القارعه مالتقارعه الخ تمام
و کمال سهفت بار بر ناخن خوانده دم کند و در پارچه پاکیزه بسته مثل تعویذ بر بازو
راست خود بندد انشاء الله بیشک آن مطیع فرمان خود گردد ولیکن لایق است که حرام
نه کند اگر مرتکب فعل حرام خواهد شد بعد جماعت مطلوبه عدد خواهد گردید قاعده
دیگر در مقدمه حسب مجرب است و معروف اگر کسی را استخراج کردن منظور باشد پس طالب را باید
که بحساب ابجد عدد اسم مطلوب بر آورده موافق آن عدد اسم باری تعالی از نو و نه نام
یکی بر آورده جلای و جمالی را شرط نیست بعد آن طالب بحساب ابجد عدد اسم خود
جمع کند و اسم باری که موافق عدد اسم خود باشد بر آورده هر دو را عدد جمع کند و تمام
اعداد را جمع کرده با ترک حیوانات قبل از طلوع آفتاب تا بست و یک روز وظیفه نماید
مطلوب را م شود و ^{وظیفه} ^{مطلوب} اسم خود حسب التعداد کند قاعده دیگر این است که اسم خود عدد
اسم مطلوب هر دو جمع کرده تمام هر دو اسم را برابر عدد هر دو اسم یک اسم باری تعالی -
استخراج کند و موافق جمله عدد هر روزه وظیفه نماید در عرصه بست و یک روز مطلوب مطیع
فرمان خود گردد از قاعده اولی این افضل ترین است و اول قبل از خواندن وظیفه
قدری در رود خوانده در هر دو طریق مذکوره سوره اخلاص خوانده باشد و ازین جهت
در باب شرح آیات این طریقه اسماء نوشته ام در اسماء خوشی بیان نه کردم که شرط خواندن
سوره هم دارد شرح سوره الم ترکیف مع موکلات هر چند که صفت این سوره
جائی نوشته ام الحال در اینجا بنویسم که از بزرگی باین بخیف رسیده است چنانچه برای هر

حاجتی و هر همیکه باشد تا هفت روز به شب پیل و کیر تبه بخواند هر مطلب که داشته باشد حل شود
 مجرب و آزموده است و این سوره در شان قهار است و سوره مدوحه مع کلمات اینست
 الم تر کیف فعل ربک یا حیریل یا صاحب الفیل یا مد کا نیل الم یجعل کیدهم یا لومایل
 فی تضلیل یا میکائیل و ارسل علیهم طیرا ابایل یا نزمائیل تر میهنم بحجارت یا عزرائیل
 یا بروج من سجیل - یا کشفائیل - فجعلهم - یا عجائیل - کعصف ما کول یا تسکفیل یا
 معاطیعا القضی حاجتی حق الم تر کیف فعل ربک - نو عدد دیگر برای بلاکت
 دشمن و در مقدمه شکست دادن دشمنان هر جا که غلبه حاسدان و دشمنان باشد هفت
 روز بنقصه مرتبه هر روزه بخواند بر کنکرهای پیاپی چهار بار دم کرده در مکان دشمنان حاسدان
 انداخته باشد پس آنان مقهور و مسدود زبان شوند و با هم متفرق شوند و دشمنان شوند
 و هر گاه که رو بروی دشمن رود بسوی او دم کند از شر حاسدان محفوظ ماند و اگر
 خواهد که در میان دو کس جدائی افتد بر سر شرف دم کرده در خانه آن کسان انداخته و
 جدائی افتد مجرب است و آیه اینست - والقینا بینهم العداوة والبغضاء الی یوم
 الیقامة کما اوتقد و انار للحرب اطفاء ما الله و لیسعون فی الارض فسادا و الله لا
 یحب المفسدین ه **العجل العجل العجل** اگر بر پا رجه کهنه بدن هر دو کسان که محبت
 باشند نوشته در کوزه نهاده ریختار دریا دفن کند پیشک جدائی در میان آن کسان افتد
 و اگر نقش از اعداد آیه موصوفه بر آورده از خانه مرغ پر کرده در آتش نقش را بسوزد -
 جدائی افتد و اگر آن نقش را در گور کهنه دفن کند عدد و هلاک گردد و اما اعدا و آیه بر آورده
 نقش پر کهنه تا بر تو سهل گردد اما باید که در آن نقش عبارت جدائی هر دو کسان ضرور
 بنویسد باین طریق که البغض و العداوة بین فلان بن فلان علی بغض فلان بن
 فلان و اما ابد و نقش اعداد آیه موصوفه مذکوره این ست فافهم
 و در اعداد و شمار این آیه شک نیست

هر چه مطلب باشد از آن گوید آن حل خواهد کرد بامر الله تعالی و باقی بر اے هر کار سه روز
 چهل چهل باز بخواند بعد سه روز مطلب بر آید و بر اے هر مقصد بر هر چیز یک دم کرده و دهاثر
 تمام کند اینجا دانی عامل است شرح این سوره مبارکه زبان ندارم که میان کنم بدن نوع
 قاعده خواندن است که ترتیم نموده ام و چند آیات این سوره هم بنویسم مع موکلات که بتدی
 را در بر آوردن موکلات آسانی باشد و حمایه سوره موصوف بجهت مطول گشتن کتاب نوشته
 شده باید که هر ترکیب که من چند آیات را موکل بر آم بهمین ترکیب عامل موکلات سوره بر آید نیست
 یا ایها الزل تم اللیل الا قلیلا یا جبریل نصفه و النقص منه قلیلا یا میکائیل او علیهم
 و رتل القرآن ترتیلا یا اسرافیل اناسلقه علیک قولا ثقیلا یا عیسی بن مریم صلوات الله علیه
 نوحه یلکم ترکیب عمل بهمین سوره ممدوحه بالا مجرب و آزموده عنایت میر صاحب قبله سید رحم علی
 صاحب متوطن مقام بار بایزاده مطلق و برحق هر کسی را که هرگز حمل نمی ماند باید که از عروج ماه
 عامل سوره منزل را چهل بار هر روزه بخواند باشد تا سوره ممدوحه در عمل خود آید بعد در
 روز خپش بنه نو که از آنو چندی گویند شور روزن هر دو روزه بدارند و عامل قدر شیرینج
 و شکر از او شان طلب کند و آن شیر و برنج باین ترکیب بپزد که شیر را در تمام روز جوش دهد
 چون شام شود آن برنج بخته تیار کند و چهل و یکبار سوره منزل بر آن شیر دم کند و بر شکر نیز دم کند
 و آن شیر و شکر و برنج بآن هر دو بوقت افطار روزه بخوراند و دیگر هیچ در آن شب نخورد و بوقت
 شب هم بستر شوند اگر همان شب در میان آن هر دو مرد و زن قی شود حمل نماند و اگر هر دو
 را هضم نشود بلا شک همان شب با زن قادر مطلق حمل ماند خطای ندارد پس بوقت صبح آن
 شب نقش که همراه این سوره است بهشت عدد بنویسد یک را عورت موم کرده در کمر بندد
 و یکی را شسته آن هر دو زن و شوهر بنوشند انشاء الله در عرصه یک هفته ضرور بارور شود باقی شش
 نقش صرف زن نوش کند و در احتیاج نوشیدن بیست نقش مذکور که همراه سوره را بیست
 نهایت با تحقیق و تدقیق نوشته میشود فافهم

	بسم الله الرحمن الرحيم	
ید ما	ع و ه	د و د ه
مال	امراع	ه ا ا ع
الله الله	ی ط	ه و ه
ا و ح	ح ط	ع ا و ا
ا ه	ا و ع	ا و ل ه س
ا ه	ط ا ع	م ن

تو عدد دیگر بیان عمل سوره جن بدان اے عزیز اگر عامل شدن میخواهی عمل سوره جن
نیز عمل آری که این سوره محدوده در حق علیات خود عامل و در کلمات است و در کلمات

عمل هر که سوره جن آشنا باشد گویا آشنای عمل نیست زیرا که هر عمل را که آغاز کنی در
 هنگام چله در هر نماز هر رکعت سوره جن باید خواند و حصار نیز ازین سوره باید کرد گویا با دشمن
 جنات را گرد خود انداخته مع لشکر محافظت خود میگردانی پس لایق است که این سوره را حفظ یا
 کرد و هر وقت در محافظت خود در هر مقدمه و هر جلسه پیش باید نمود که فوائد ما کمال بعامل
 و در هر طریقه زکوة این سوره بدین نوع است که شریک این سوره اسم موکلات نه کنند
 زیرا که کعبه را احتیاج سمت نیست به سمت که خوانند و کعبه نماز کند چنانچه این سوره خود
 در سنی دعوت همه جنیان است که الله تعالی و کلام مجید عبارت همین سوره خط است
 بهر یک جن نموده است گویا تمام عبارت این سوره اسماء موکلات است پس چه حاجت
 که اسم دیگر موکل شریکش نمایند الا باید که از عروج ماه زکوة این سوره بدین ترکیب و بدین
 که هر روز غسل کند و بوقت نماز عشاء در یک چادر سهیم خویش پوشیده کعبه رو نشسته چهل
 بار بخواند و اول و آخر چند بار در دو میخوانده باشد و حصار گرد خود نیز کند همین نوع چله تمام
 کند پس عامل شده هرگاه که خواهد شخصی را مستخر گرداند یا کسی امیر رایش خود طلب کند یا پادشاه
 رایش خود مستخر کرده طلب نماید پس بیار دوزن پنج توله تخم با قلا که سیاه برابر خود کلاهی حی
 باشند اول دانه را از گل تر پاک نماید و نزد خود در پارچه طاهر بدارد و بر یک پهل طرف دانه
 اسم مطلوب بنویسد و در طرف چهل دوم اسم قارون بنویسد تا شمار ده دانه و بعد دانه
 دهم در یک پهل اسم مطلوب بنویسد و در پهل دوم اسم فرعون بنویسد و بعد دانه دهم
 در یک پهل اسم یامان بنویسد و برده عدد دانه بدستور اسم مطلوب طرفی و طرف
 دیگر اسم شیطان بنویسد چون تمام شدند آتش از کشت صادق در ظرف طاهر نهاده
 بوقت نیم شب بر جانماز نشسته دو خوشبویات روشن ساخته سوره جن اول بر یک
 دانه قارون موسوم یکبار دم کرده در آتش افکند و در نیم قسم بر دهانه یک یکبار سوره
 مدوحه میخواند و درجه بدرجه مقدم مؤخر اسماء قومه در آتش انداخته باشد و در دل احضار

مطلوبه را تصور وارد که فلان کس مسخر من شود پس آن را در تصور گوید دست بسته
استاده کرده باشد یمن نوع تمام کند سه روز برین سوال بعمل آرد انشاء الله بیشک
اگر بادشاه والی شهرست پیش عامل حاضر خواهد شد اگر در عرصه سه روز حاضر نشود در عرصه
هفت روز بیشک حاضر خواهد شد هر چه مطلب باشد از و حکم کند بجا خواهد آورد و دام
مسخر خواهد ماند همچنین بسیار خواص دارد الا در عمل باید که بسیار در عامل را خود لذت خواهد
داد و دیگر اینکه آسیب به نوع که خواهد بود بحد و دم کردن بر و غن سیاه بر پیشانی هر یک از
زده که بمالد و عامل سوره مد و ص خواندن شروع نماید حضرات نماید خواهد شد که آسیب
حاضر شده اطاعت خواهد کرد و اگر آسیب مد سالی در وجود شخصی موجود باشد آن را روغن
را آن کس در وجود خود هر روز بمالد و پریز گوشت داشته باشد در عرصه بست و یک روز
آب دم کرده بر رویش زند متکلم شود این قدر صفتها دارد عامل را سوره جن گوید میامشد
است از طاقت سوره مد و ص حاکم تمام علیات و تمام عامل خواهد شد سوره جن از کلام
الله یاد باید کرد باقی چه نویسم بیان عمل سوره الم نشرح این عمل از استاد محمد اعظم
خان ساکن مانسی حصار باین نحیف رسیده مجرب در باب حبست هرگز خطا نکند اول
یامید که زکوة سوره مذکور بدین ترکیب دهد که از عرجه ماه من یوم یکشنبه یا پنجشنبه غسل نموده
بوقت عصر یک جلوه نشسته چهل و یکبار سوره مذکور بخواند بوقت بار اسم مو اکیل آن سوره
مد و ص بخواند اسم مو اکیل اینست

ابر صا صبر صا - صا - صا - صا - صا - صا

چون تمام شود بر خیزد و بر پنجشنبه اول همون روز یک چھٹانک میدهد و یک چھٹانک را من
زرد و یک چھٹانک شکر تری پاکیزه از بازار طلبیده آب طاهر از چاه اند دست خود کشیده در
طرف پاک حلواتیار کند و بر جانم از داشته نیاز حضرت مرتضی علی رضی الله تعالی عنه
داده آن را بخورد و اگر طاقت خوردن زیاده ازین داشته باشد زیاده وزن حلوات

مساوی وزن هراشیاء طلبیده باشد غرض تا به چهل روز هر روز چهل بار سوره مع
موکلات میخوانده باشد غرض که در عرصه چله مذکور بر روز بخشنه حلوا بطریق مذکور تیار کرده
میخورده باشد همین نوع چون چله تمام شود پس عامل شده هر روزه در وظیفه چهل بار الم
تشریح در وظیفه هم قایم دارد و هرگاه که خواهد کسی را تسخیر دل کند بر روز یکشنبه علی الصبح در
یک باغ رفته هر گاه خوشبختی دارد که در آن فصل باشد بر دو یک کلی دهن بسته نشان خود بر آن
شناخت ساخته و چهل بار سوره ندوه دم کرده دهد و بعد تمامی اسم موکلات موصوفه هم
دم کند و اسم طالب و مطلوب و مادران هر یک گرفته دهد بدین نوع علی حسب
فلان بن فلان گفته برخاسته آید و در دوم باز صبحی رفته چهل بار بدستور خوانده دم کند و باز
آید بمحلی رفته در عرصه سه روز آن کلی دهن بسته گل و غنچه خواهد شد پس بر روز سوم اول سوره مع
موایل و اسماء محبت و غیره بعد از مذکور خوانده دم کرده آذر بشکسته آید و در برگ سبز داشته
به طریق آن گل مارا باز کرده خواه در گلهای دیگر شمول ساخته در گلوئی مطلوب اندازد
یا تا به دهن و بینی معشوق رساند مجروح شدن میخور تمام عمری خواهد شد و این سوره هم بسیار صفا
دارد و من یک ترکیب نوشته ام و تا بکجا نویسم و این عمل خواهد آخوذ کند خواه بر دیگری کند اختیار
عمل انا اعطینا و این عمل چنان پرتاثیر است که بدون زکوة داد از اثر مانجسته اگر خواهد که
دشمن هلاک و تباه گردد بسیار دقت در آن نمک سانه کنکران برابر سن عدو چیده جمع کند و آن کنکر
برابر قامت باشد کم و بیش نه باشد پس بوقت شب اول یکصد و یک مرتبه بر جانماز نشسته بخواند
بعده آتش نزد خود داشته چهل باز بر یک کنکر دم کرده در آتش انداخته و بدین قسم چهل اند
چهل چهل بار دم کرده در آتش انداخته باشد چهل روز همین قسم کند انشاء الله تعالی دشمن تباه
گردد یا هلاک گردد الا نام عدد بمقام ابر گرفته باشد و سه بار لفظ ابر گرفته باشد مجرب است

خطای ندارد و انا اعطینا بدین ترکیب بخواند این است

انا اعطیناک لکوتر فلان ابر فصل لربک و اخر فلان ابر انک

هو الا تبر فلان اتبر هو الا تبر هو الا تبر هو الا تبر هو الا تبر
 و اگر اعداد این سوره بر آورده برائے بخش و بلائی دشمن نقش مربع از خانه اول پر کرده
 و بر پشت نقش اسم عدد و نام مادرش نوشته در آب دریا یا رودان انداخته باشد و یکی
 نقش نوشته در خانه عدد و دفن کند یقین است که با مرخصی تعالی در غصه چهل روز
 عدد تیباء و برباد گردد و اما اعداد بر آورده نقش پر کرده دهم تا بر تو سهل و آسان طریق
 گردد و چنانچه جمله عدد این سوره دو هزار و هفتصد و شصت و چهار اند نقش آن را تقسیم
 نهایت با کوشش کرده نوشتن این است

این عمل

نوع دیگر عمل ادا جاء -
 اعظم خان صاحب است
 که ساکن بالسنی بنسار هستند
 اگر صبح شام بوقت صبح و وقت
 عصر یک صد و یک مرتبه هر دو
 وقت برائے هر همه و حاجت

۶۸۳	۶۹۷	۶۹۷	۶۹۰
۶۹۵	۶۸۹	۶۸۳	۶۹۶
۶۸۸	۶۹۲	۶۹۹	۶۸۵
۶۹۸	۸۸۶	۶۸۷	۶۹۳

تا به یک هفته بخواند چون الله تعالی حاجت بیشک بر آید اگر از طرف اعدائے اندیشه
 پیش آید همین نوع تا به رواه حاجت بخواند باشد بر عدد و قتیاب گردد و خطای ندارد
 و اگر نقش این سوره بنویسد در مقدمات بسیار بکار آید و در جنگ هر که نقش عربی در بازو
 راست بندد و نقش اعداد همین سوره بر آورده در بازوی چپ بندد بیشک بر دشمن
 قتیاب گردد و در جنگ و قضایا و غیره از پیش حاکم ظالم با فتح و نصرت باز آید و هیچ گاه
 باورسد و اگر مریض دوازده ساله را چهل روز نوشته بنوشاند بر هر مرض که داشته
 باشد صحت یابد برائے هر مطلب و مراد که خواسته باشد هفت روز از ابتدای محاسبه

پهل نقش هر روزه به میان عصر و مغرب نوشته آر و گویا بسته بدریا انداخته باشد بطلب
 نمود برسد و نقش عزنی و عددی هر دو اینجائی نویسم تا بر تو آسان باشد این چند چنانچه اعلا
 همه سوره موصوفه جمله شش هزار و نود و سه اند از اقسمت کردم نقش مربع در
 آمد اینست

۱۵۲۲	۱۵۲۶	۱۵۳۰	۱۵۱۵	ایمونی بقی از اجا اضرا و الفصح و رایات الناس
۱۵۲۹	۱۵۱۶	۱۵۲۱	۱۵۲۶	
۱۵۱۷	۱۵۳۲	۱۵۲۴	۱۵۲۰	
۱۵۲۵	۱۵۱۹	۱۵۱۸	۱۵۳۱	

و نقش عزنی بعد نقش عددی این است که نوشته می شود باینکه این نقش را بسیار عزنی
 و گرامی دارند و با خدمت چند سال این طریق را از اعظم خان صاحب حاصل کرده ام و
 این نقش به سارا افتاده ام بر در آن حضرت آن وقت از راه عنایت و کرم عطا بمن کردند
 نقش موصوف اینست

۱۵۲۲	۱۵۲۶	۱۵۳۰	۱۵۱۵	۱۵۲۹	۱۵۱۶	۱۵۲۴	۱۵۲۰
۱۵۲۵	۱۵۱۹	۱۵۱۸	۱۵۳۱	۱۵۲۱	۱۵۲۶	۱۵۲۲	۱۵۲۰

رویش فراخ گردد یار و زگار گردد یا صورت دیگر واقع شود و برای هر مرض که نوشته
 بنوشاند و در عرصه سه روز شفای کلی بخشد اگر بر اے دوستی نوشته در قند و نبات شسته
 بدشمن بنوشاند بیشک محب گردد اگر برای زبان بندی بنوشاند زبان دشمنان از بندگویی
 باز ماند اگر بازوی خود هر دو نقش نوشته به بند و این نوع که در بازوی راست
 نقش عربی و در بازوی چپ نقش عدوی نوشته بدارد و از هر بلا اے آسمانی جنگ
 دافت محفوظ ماند و این نقش باین یخف از مرشدی کامل رسیده است که خطائے
 ندارد و در مقدمه چپک طفلان اگر در ایام چپک که قبل از بخار چپک نوشته در گلوئی
 طفلان معیبه بیندازد و یک نوشته شسته بنوشاند هرگز چپک آن طفل بر نه آید بر آن
 طفل هرگز ایندازد مجرب است و بر اے عامل شدن این نقش بار سه چهل روز ضرر
 هر دو را نوشته نقشه مار آرد گوی استه در آب ردان بیندازد و ما هر دو نقش را بر اے
 فهمیدن می نویسم تا بر اے هر کس آسان باشد و این سوره بسیار اثر و خواص عجیب
 دارد بیان کردن زبان ملائک قاصدست ما خاکی بنیان را چه یار که اوصافش را بر
 زبان آریم اگر عامل شوی قدرے پنداری و انصاف نمائی که چه پرده اسرار بیان کار
 برداشته ام و این دولت عظمی و خزانه اعظم را اندر صرف دو وقف آورده ام چنانچه
 آن نقوش مذکور هر دو که بیان کرده ام اینند

بسم

الحسین الرحیم

بسم

الحسین

الحسین

الحسین

الحسین

الحسین

الحسین

الحسین

الحسین

الحسین

الحسین

الحسین

الحسین

الحسین

الحسین

الحسین

الحسین

الحسین	الرحیم	مالک یوم الدین	ایک نجید	وایک منتعین	ابن الصراط	المتقی	صراط الذین
الرحیم	مالک یوم الدین	ایک نجید	وایک منتعین	ابن الصراط	المتقی	صراط الذین	الغنی
مالک یوم الدین	ایک نجید	وایک منتعین	ابن الصراط	المتقی	صراط الذین	الغنی	علیه
ایک نجید	وایک منتعین	ابن الصراط	المتقی	صراط الذین	الغنی	علیه	یوم النضوب
وایک منتعین	ابن الصراط	المتقی	صراط الذین	الغنی	علیه	یوم النضوب	علیه
ابن الصراط	المتقی	صراط الذین	الغنی	علیه	یوم النضوب	علیه	والانضاب
المتقی	صراط الذین	الغنی	علیه	یوم النضوب	علیه	والانضاب	علیه
اسرافیل	نقش عزیزی				نقش		

و نقش دوم عدوی می نویسم عزیز باید داشت و عدد این سوره جمله نه هزار دو صد و یازده صحیح مطلق هستند و آن را نقش خماسی مقرر است و این است که در هر مقام خیر اثر تمام دهد بارها تجربه آمده است و نقش معظم و مکرم اینست

۲۳	۲۲	۰۵	۲۲	۹	۲۳	۲	۲۳
۲۳	۲۳	۰۱	۲۳	۹۶	۲۲	۰۸	۲۳
۲۳	۲۳	۰۳	۲۳	۱۱	۲۳	۹۶	۲۳
۲۳	۲۲	۹۸	۲۳	۹۹	۲۲	۳	۲۳

و مصطفیٰ شود و باید که این جموعه آیات مع برود و اسماء جانین نوشته تعویذ نموده در روز کیش
 یا شنبه و رگور کینه افتاده بر سینه مرده تا بیکدست قریب استخوانش دفن کند و بار دیگر همون رو
 یا پنج بدن از آن مرد و کسان شویده نیلگون رنگ کنایده در سیاهی قدر سه سر که انداخته
 بر آن زن آیات دهم برود مع اسماء مادرانش نوشته در کوزه نو داشته قدر سه رالی
 بر آن انداخته بر لب دریا تا یک دست کندیده دفن کند که قریب آب باشد انشاء الله تعالی
 قاطبه بین برود واقع شود مجرب است اینست

یا قاضیا یا تخیثا العداوة والبغضاء الی یوم البیة من از ازل کلت الارض زلزله و آخرت
 الارض اقالها و قال الانسان ما لها العداوة والبغض بین فلان بن فلان و فلان بن
 فلان

نوع دیگر عمل بغض و العداوة از امیر امام بخش صاحب میرزاده حضرت سید اشرف
 کچھ جو جو بدست این تحیف آید هر چند که این فقیر گاهی نیاز موده الا عجب است و آرموده
 همان بزرگ ست باید که دو عدد ماسیان که قوم روم به باشند در عروج ماه بروز کیشنه بیارد
 و شکم هر دو پاک کند و بر دو پارچه کاغذ این آیات دهم برود و اسم غیب بنویسد و نیز نام مادرانش
 بنویسد و در هر دو شکم ماسیان برود و پارچه داشته از سوزن شکمها پرورد و بر لب دریا سه
 روان یا تالاب فلان برود و قدر یکدست و بطول زن کنایده برود و ماسیان را بصورت
 خواجهدین کج بدارد یعنی برود و راسیل دریا نزدیک باشد و در پیش رو بروی نباشد داشته
 خاک بر آن اندازد و دفن کند و میاید بوقت سه پره عدد برگ بنیر سبز بیارد و بر آن همان
 آیات بدست و بر هر یک بنویسد و قدر سه آتش گرفته بر پشت ماسیان رفته آتش روشن
 کند و آن هر یک را جدا جدا دم کند و در آتش انداخته باشد و آتش آنچنان روشن کند که کرف
 آتش تا به ماسیان برسد و عمق دفن ماسیان تا شش انگشت باشد زیاده نباشد پس هر روز
 تا شدن جنگ در میان محبان رفته ده برگ نوشته دم کرده فی سوخته باشد انشاء الله تعالی

و آن شهید و طعام انداخته و آمیخته بهم را با هم بخورند بکرم الهی با هم متفق و محب شوند شک
نیارد و نیز در آیات معظم اعدا بسم الله بسم شریک اندازا هم ضرور بنویسد چنانکه من نوشته
برین طریق بنویسد و تاثیرات به بیند آیات معظم و مکرم این اند مع اعدا بسم الله
۷۸۴ ان الذین کفروا سواء علیهم انذرتهم ام لم تنذرهم لا یؤمنون و الحب فلان بن
فلان علی حب فلان بن فلان ۷۸۴ اللهم احفظنی الحمد لله حیات شهید الموده سلونی
هم اذ اخوان حفظ لا اله الا الله بحق ایاک نعبد و ایاک نستعین .. نو عهد دیگر عمل حب
جرب از امیر صاحب موصوف الصدر بهم سیده مجرب و آزموده است باید که پارچه بهیم درخت
ریخته بر روز کیشنه بیارد و بوقت آوردن نیت کند که بر اے حب می برم پس آن بهیم را
از درخت شکسته در سایه خشک کند چنانچه شعاع آفتاب بر و نه افتد چون خشک شود
بر روز کیشنه یا بخشبه در ظروف گلی نهاده پارچه پارچه کند و یک صد و یکبار این آیت بر او دم
کند و آتش داده خاکستر کند و بر آن خاکستر بکشد و یکبار باز آیت موصوف دم کند اما با و نگو
ایه معظم را بخواند و آن خاکستر را پیش خود نگذارد و هر کس را که در عشق خود میقرار گردانند
منظور بود قدرے برای یک رتی در شیرینی آمیخته از دست خود بخورند مطیع و بیقرار گردند
و بهر کسیکه بدین شهر بزن و زن بشوهر اثر تمام به تختد اینست و اذ قلنا للملئکه اسجدوا
لادم فسجدوا الا ابلیس ابی و استکبر و کان من الکافرن

نو عهد دیگر در باب حب از همین میر صاحب موصوف بالا ممکن شد مجرب برای امیری و محقق
و بهر ظالمی که از خود غافل و دشمن باشد پس باید که بر روز کیشنه یا چهار شنبه روزه بدارد
و بوقت شب بعد و پیر دو رکعت نماز استجابت قربت الی الله بگذارد و بهفت پیل در از خار دارش
خود داشته و قدرے بخور و آتش میش خود بند و اول روز بهفت مرتبه بر هر پیل مذکور آیه موصوف
دم کرده و نام آنکس گرفته می سوخته باشد و بر روز دوم نه بخشبه باشد روزه دارد و بدستور پیلها
یازده یا زده بار دم کرده بسوزد و بر روز سوم که جمعه باشد بدستور روزه بدارد و بهر پیل

وکیاردم کرده سوخته باشد و بسوی مطلوب آن هم دم کند اگر خدا خواهد صبح آن مطلوب حاضر شود و اطاعت کند اگر در صوت حاضر نشود چون چهارشنبه دیگر آید سه روز بطریق بالا مذکور بدستور عمل کند مطیع شود و اگر احیاناً مطلوب حاضر نشود بار سوم بدستور مذکور عمل نماید بیشک و برحق مطیع و منقاد شود آیات معظم و مکرم که برپیش باید خواند این هستند

وَالْقِيَتُ عَلَيْكَ عَجَبٌ مَنِي وَلَتَصْنَعُ عَلَيَّ عَيْنِي أَذْكَشِي اخْتِكِ فَقُولِ هَلْ أَدْلِكُمْ عَلَيَّ مِنْ بَيْغَلَةٍ فَجَعَلَا إِلَى الْمَكِ كِي تَقْرَعِينَهَا وَلَا تَحْزَنُ وَقُلْتَ لَفَسَا فَتَجِيئَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَقَتْنَاكَ فَنَوْنَا -

نوع دیگر در باب تسخیر خلق و حاجت روائی از نموده بارها هست خطائی ندارد یعنی اگر کسی را مسخر کردن خواهد باید که دو سیت بار بوقت زوال آفتاب بخواند یقین است که در غرضه سه روز خواندن آن کس مطیع گردد هر حاجتی که پیش و اگر دو آیه معظم و مکرم اینست -

اللهم انت القادر وانا المقدور فمن يدع المقدور الا القادر يارب يارب يارب -
نوع دیگر مجرب در باب پابندی سفر اگر کسی آزرده شده قصد سفر کند باید که سنگی از آن راه که آن از آن طرف خواهد رفت برداشته بر آن سنگ این آیه معظم بنویسد مع نام آن کس و نام مادرش و در چاند از دو مادام که آن سنگ در آن چاه بماند هرگز آن مرد عودم سفر نکند اگر آن سنگ از چاه بر آرد البته روان شود آیه معظم و مکرم اینست

۸۶ قالوا يا موسى انالن ندخلها ابد ابادا موا فيها فاذيب انت وربك فقاتلانا ههنا

قادر وانا

نوع دیگر این آیه معظم در باب دفع درد شکم مجرب و آزموده این فقیر است که بارها تجربه نموده ام اگر کافی مطلق کسی را بدر شکم مبتلا سازد این آیه شریفه را بنویسد و بخواند نه الحال در موقوف شود آیه موصوف اینست عزیز باید داشت - اللهم انت الباسط وانا المبسوط فمن يدع المبسوط الا الباسط يا الله يا الله يا الله - عمل حصار

مغرب از میرمنور علی صاحب اگر پیش قاهر و جابر کسی را رفتن باشد خواهد که آن جابر مسخر

گرد پس این عمل بصدقه سفت مرتبه برنود خوانده دم کند و نزدش برود مطیع و مسخر گردد
این عمل عجیب و غریب است و این است لا اله الا هو الحی القيوم یا اله الاولین هر که
مار ابد گوید زبانش بند شود و ضربت علیهم عصاء موسی بر جگر او و آیه حضرت زکریا بر تن
او و کرمان حضرت ایوب در دهن او و مهر سلیمان بر زبان او و تیغ رجال البغی بر
جان او و قبر خدا بر آن مقهور کن یا بدوح یا بدوح یا بدوح و الله المستعان
على ما تصفون یا الله یا الله

عمل دیگر در مقدمه نفاق - غایت فرموده جناب میر احمد علی شاه صاحب پیرزاده
مغرب و آن نموده باید که بر روز شنبه ابتدای روز بوقت دوپهر سه مرتبه نموده غسل کرده جای
تنها نشسته رو بجنب جنوب نموده چهل و یک دانه سترغف یا رائی پیش رو نهاده بر هر دانه
چهل و یکبار سوره کوثر خوانده دم کرده باشد یعنی هر بار تلف زده باشد چون بجای هو الاثر
آید گوید فلان اتر همچنین طریق تمام کرده کسی آن دانه مارا بد که در خانه انقسم انداخته آید
انشاء الله در عرصه هفت روز بیشک انقسم تباه گردد بلکه آن مقام که رائی انداخته است
از جا برکنده شود اگر در عرصه هفت روز اتر نه بخش چهارم روز کند و اگر در چهارده روز نشود
بست و یک روز کند و خواندن موقوف نه نماید پس در بست و یک روز خطائی ندارد
مغرب است نوع دیگر - سوره انا اعطینا را بر ابراهه استخوان شتر بر روز یکشنبه یا شنبه
یکصد و یک مرتبه خوانده دم کند و در خانه دشمن اندازد و تباه و برباد شود اگر در میان
دو محبان جدائی انداختن منظور باشد بجای هو الاثر نام هر دو بدین نوع بگیرد که در فلان
و فلان جدائی و نفاق هو الاثر هو الاثر انشاء الله تعالی در انداختن سه روز برابر
جدائی افتد و جدائی واقع شده تباه شوند عمل دیگر سوره القارعه - اگر میان دو کس
جدائی انداختن منظور باشد این نقش بر شست خام از سیاهی طیب و طاهر بنویسد و در
دریای بهر روز انداخته باشد انشاء الله تعالی در عرصه هفت روز اگر محب جانی باشد بغض

و عداوت واقع گردد که دشمن جانی شوند و یکی دیگر را برای کشتن خواند نقش نیست

الْقَارِعَةُ الْقَارِعَةُ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ يُومُ يَوْمُ
النَّاسِ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِصَى -
الْمَنْقُوشِ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَبُؤْسُ مَا فِي بَيْتِهِ رَاضِيَةً
وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُمُّ يُكُوفِهِ وَمَا أَدْرَاكَ
مَا يَوْمُهُ نَارُهَا مِثْلُ الْبَغْضِ وَالنَّفَاقِ وَالْعَدَاوَةِ بَيْنَ فُلَانٍ
بَن فُلَانٍ وَفُلَانٍ بَن فُلَانٍ

عمل نفاق جوب و آزموده عنایت جناب شیخ نجف علی شاه صاحب
تجربه کار باید که بر روز شنبه اول خاک از هفت مسجد در یک پُریه بیاورد پس
بوقت نیم شب غسل کند و متصل قبر کسی شهید رفته نیاز بناب پیغمبر صلعم دهد
بعده دو نماز به نیت جدائی دو کس یا تنباه کردن دشمن استاده شده او انعام باین طریق
که در رکعت اول بعد فاتحه سوره انا اعطینا یازده بار بخواند و در رکعت دوم بعد الحمد سوره
انا انزلناه یازده مرتبه بخواند و در مقام اتبر در سوره کوثر نام عدد گرفته باشد و نماز را تمام کند
پس متصل قبر رفته استاده شده هفت صد و هفت بار طمعه طیب بطریقیکه در ذیل نوشته
است بخواند و بر خاک دم کند بعد اتمام کلمه و دست خود بر قبر زنند و بگوید که فلان را
تنباه کنند یا جدا کنند نیاز شما خواهم داد بعد آن خاک را هفت پُریه سازد و بخانه خویش
بیاورد بصبح یک پُریه بدست کسی دهد یا خود ده بخانه عدو انداخته بیاورد بوقت دوپهر بر
روزی یکصد و یک مرتبه همون کلمه بخواند و بسوئے عدو تلف زند انشاء الله دشمن
تنباه شود از شهر بیرون رود و جدائی در میان مجبان واقع گردد و کلمه که برای خواندن

است اینست لاله لگاوی الا الله سگای محمد رسول الله فلانے سے
فلانے کو جلاوے جلاوے جلاوے نو عید مگر در مقدمه حب نجرب و آزموده -
عنایت در ویش تارک الدنیا کامل اکمل اگر خواهد که کسی را حب خود گرداند و در عشق خود
میقرار گرداند باید که این سوره معظم را بر شکر بدستور یک در عبارت آن نوشته است و
کرده بخواند انشاء الله مطیع فرمان گردد و اگر او را خواندن نتواند بموچکان بخواند اثر
تمام بخشد سوره معظم اینست

الم تر کیف بستم خواب و غور فلان افسون فلان بن فلان علی حب فلان بن
الفلان فعل ربک باصحاب الفیل الم یجعل لکم بستم خواب و غور فلان
بن فلان علی حب فلان بن الفلان - فی تفسیل و ارسل علیهم طیر ابابیل تر میهم
نحجارت من یجمل یجمل محضف ماکول بستم خواب و آرام فلان بن الفلان علی
حب فلان بن الفلان

نو عید مگر نجرب در باب طلب مطلوب در حب خویش باید که یک پله اختیار کند و در
عروج ماه روز اول وقت شب غسل کند و اول و آخر در وضو است و یک مرتبه بخواند و
چهل و یک عدد سیاه سرچ گرفته این عبارت بر هر مرتبه کلمه طیب دم کرده همان جفا
سخته باشد انشاء الله تعالی در عشره و بیفته مطلوب مطیع و مسخر گردد کلمه که بر هر چهار
مذکوره بالا خواندن آنها کفایت می اینست

لا اله الا الله ان ملائیس محمد رسول الله محمد بن فلانے کو چین نیست چین ندیس
نو عید مگر بر اے تخلیس مجوس نجرب و آزموده شده در سوره یوسف علیه السلام که این آیه
معظم هست بر اے قیدی در بر نماز پنجگانه صد مرتبه تا بهفت روز بخواند انشاء الله مجوس بشک
خدا می شود آیه مکرم اینست - یا بنی لات دخلوا من باب واحد و ادخلوا من البواب مفرقة
وما اخنی عنکم من الله من شی ان الحکم الا الله علیه توکلت و علیه فلیتوکل التوکلون یا

خالص یا مخلص نو حدیگر عمل آیات برای قبض محل باید که چهل و یک رتبه سرتاپا
زن بیمن کرده چهل و یک بار درود و بر تمام گنده باز آیه موصوف دم کرده موم جامه کند
و در کمر زن بند انشاء الله تعالی محل قایم ماند این عمل عنایت میرحم علی صاحب اکن
باره است مجرب است و قدرے شکره ازین آیت دم کرده و بدفت روز بخورد آیه نیست
یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحد و خلق منہا زوجها یا حفیظ یا حافظ
یا نصیر یا ناصر یا قریب یا وکیل یا الله یا الله یا الله

نوع دیگر در باب تنجیز امیر و فقیر باید که این آیه معظم که عنایت فرموده برادر میز بخش صاحب
است ده بار بر روغن خوشبودار یا عطر دم کرده بر روی خود یا بر که بآلود و پیش امیر رود
نزد او معظم و مکرم باشد و با احترام باز گردد آیه موصوف اینست عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ لَكُمْ
فُلَانٌ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادْتُمْ فُلَانٌ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ هـ -

نوع دیگر برآه ماندن محل نوشته بخوراند حکم خدا محل ماند آیه 'معظم این است اذ قالت امرأه عمران رب انی نذرت لک مافی البطنی محررا فکفیل منی انک انت السميع العظیم بحق یا مادی یا مادی یا مادی یا مادی یا مادی یا مادی ه نوع دیگر اگر کسی را محل خام میرود آن زن را این آیه نوشته برآه بستن و بدهد اگر خواسته است محل قایم ماند آیه اینست یا حنیظ یا مالک یا مالک ذو الجلال والاکرام خا الله خیر حافظا و هو احسن الراحمین نوع دیگر برای جب سوره الم نشرح بفت بار بر یک خوانده وقت شام در آتش اندازد انشاء الله تعالی آن کس مبتلا گردد نوع دیگر برای دفع تب هر قسم این ترکیب را نوشته بخوراند یا کند بر ریحان سوت درست کرده و به از فضل خدا تعالی تب هر قسم که باشد دفع

فردا نیست بسم الله الرحمن الرحيم الی محرمت حضرت شمس الدین تبریزی این
تجاری بگریزی والان درگور قاضی رشوتی گرفتار شوی لاحول ولا قوة الا بالله العلی
اعظم تو عدد گیر عمل آیات عنایت میزبخش صاحب نخر ب و آزموده در باب روشنی چشم

هر کسی که از هر نوع در چشم بصارت کم داشته باشد یا عیب شب گوری و پچولی و جاله و غیره در چشم بود باید که این آیات شریف را حفظ کند و بعد هر نماز اول و آخر در دو یک مرتبه بخواند و آیت های ممدوحه سه مرتبه بخواند و بر پنج انگشت جمع نموده دم کرده انگشتان دست راست را بر چشم چپ بمالد و انگشتان دست چپ را بر چشم راست بمالد سه نوبت همین طور بکند ان شاء الله تعالی در عرض چند روز رفته رفته روشنائی در چشم باز آید و عوارض مذکوره چشم دفع خواهند شد آیات این است -

یوسف ایها الصدیق اذهبوا بقمیصی هذا فالقوه علی وجدانی یات بصیر او اتونی بالکم جمعین فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدیث فر دناه الی امر کی تقر عینها ولا تخزن و التعلم ان وعد الله حق و لکن اکثرهم لا یعلمون و ما امر الله الا کلهم البصر او هو اقرب ان الله علی کل شئ قدير يا الله

نوع دیگر عمل آیات در باب مال در دیده باید که این آیه معظم را مع هر چهار اسماء موکلات یک لاکه و سبب قنچ هزار بار بخواند و لازم است که بوقت خواندن یک وقت مقرر نموده شکر و لودیان و صندل سفید با یک ساخته دود آن می داده باشد و در عرض چهل روز تمام کند و پر سیز از گوشت و ماهی خیز کرده باشد چون تمام شد عامل گردد هرگاه که اسم دزد را معلوم کردن منظور باشد باید که بر دوشنبه یک استره از حجام گرفته بهفت مرتبه آیات مع آیات و اسماء موکلیں بر روی استره دم کرده قدری شکر بر رویش مالیده بر باندی مثل جمجمه برادر و بوقت صبح آنرا گرفته باز بهفت مرتبه آیه معظم دم کرده بنام هر یک مشتبهان بالران نوشت از راست و چپ بتراشد ان شاء الله هر دوی که باشد موئے سرش خود بخود حراشیده خواهند شد آیه موصوف مع اسماء موکلیں اینست

علیقا بلیقا مسلطا خلقا فالقی السحرة ساجدين قالوا انما رب العالمین رب موسی و هارون - نوع دیگر عمل آیات بنابر مال در دیده این آیه معظم که در سورۃ واقع است این

آیه هزار مرتبه با طهارت تا به چهل روز بخواند و هر روزه در وظیفه خوشبویات روشن کند چون
 فارغ شود پس عامل شده برگاه که مقدمه دزدی پیش آید این آیه مبارک را بر زبان روغنی
 که بطهارت تمام پزاینده باشد بخواند و چندی با یعنی سفت بار جا بجا از هر گوشه بر آن نان بسپارد
 و ملیده ساخته یک یک کف دست بهر یک مشتبه بخواند انشاء الله تعالی هرگز از دهن دزد
 نخورده نشود یعنی از گوی دزد فروزد و دزد صاف پیدا شود اکثر این فقیر آزموده است
 اگر بدون زکوة دادن کند هم تاثیر ظاهر خواهد شد و آیه موصوف برای بلاکی دشمن نیز یکا می
 آید این است **قلوا اذا بلغت الحلقوم وانتم حينئذ تنظرون** درین آیه ظفر
 یابی بر دشمن نیز هست - نوعدیگر - این آیه را اگر کسی آن زن را که حمل نمی ماند چهل روز در
 پیاله چینی نوشته بخواند و یکی در کاغذ نوشته در کمر آن زن به بند انشاء الله تعالی بار
 و ر شود این عمل از یک عابد و زاهد که معلم بودند بدست این نجیف رسیده است
بسم الله الملك السموات والارض تخلق من يشاء انا و هیب لمن يشاء الذکور
 و یز و هم ذکر انا و انا و یصل من يشاء عقیما نه علیم قدیره یا الله
 نوعدیگر عمل آیات بنا بر مال دزدیده این آیه معظم کلام الله که در مقدمه دزد حکم خدا تعالی
 شده است این را در پرچها که از اسماء مشتبهان باشند همه را جدا جدا بنویسد و آن پرچه ها را
 گولی بسته در کاغذ زرگر برابر وزن کرده در ظرف گلی آب پر کرده هر یک را گولی علیحدہ علیحدہ
 در آن آب باندازد و هر گولی پاکه از همه گولی با بر آب تر شده بریزد و هرگز غرق نشود همان
 محسوس و همیشه باشد مجرب است و آزموده است آیه معظم و مکرم مذکور این است
الساوق والساوقه فاقطعوا ایدیهما جزا بما کسبا کالا من الله والله غفور حکیم
 نوعدیگر هر آن عورت که بد روزه مبتلا باشد و هرگز بچه پیدا نمی شود باید که این آیت
 شریف را یکی نوشته در آن چپ به بند و یکی نوشته در قد شربت نموده بنوشاند و بچم
 آلهی زود بچه پیدا شود مجرب است آیات معظم اینند -

اذا السماء انشقت واذنت لربها بوقت واذا الارض مدت والقت ما فيها وعلت لانيه توب
اصحاب النار واصحاب الجنة هم الفائزون لو انزلنا هذا القرآن على جبل لارتد
فانما مقصد عام خشية الله وتلك الامثال انصرا بالانها احلية تفكرون

نوع دیگر آیات کلام الله در مقدمه روزی هر سیکه محتاج مطلق باشد این آیت شریف را
در هر خانه پنجگانه یا زده بار اول و آخر در وقت روزه مداوم میخواند باشد ان شاء الله تعالی
در خص چند عنقریب رفع عسرت او گردد از بزرگی باین نحیف بطریق دیگر مجرب رسیده که این
عمل و تجربه آن بزرگ آمده بود اینست آن طریقه از عروج ماه من یوم یکشنبه علی الصبح
بر خاسته یک لنگی پاک بنبه غسل کند و مع آن لنگی ترا ز آب که هست سمت قرص آفتاب
ایستاده شده آیت این را بابت و کیبار مع ماشاء الله و هو العلی العظیم بخواند و بطرف
آفتاب دست خویش برداشته بگوید که ای آفتاب عالمتاب جهان تاب آنچه که از طلوع
بسامده بول و قوت الهی در عنقه چهل روز آن کس بلا شک بهر صورت امیر کبر
گردد اگر تواند در ایام امارت هم جائز و مقرر بر خود بدستور خواندن دارد اگر موقوف

شود دولت کم گردد مجرب است آیه معظم این است

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ
ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شیء قدرا ه این قدر عبارت ازین آیه جداست ماشاء
الله و هو العلی العظیم

نوع دیگر اگر کسی میل دوستی داشته باشد این آیت شریف را هر روز هزار بار مع آن آ
که در آخر نوشته است خوانده بر شیرینی دم کرده دهد یا بر گلاب دم کرده دبد که آن کس را بخواند
یا بشناند بیشک مطلوب مطیع فرمان گردد و خبر بست و این طریق از پی زاده بهر سید اینست
والله المستعان علی ما تصفون یا رفیق یا شفیق نجی من کل ضیق

نوع دیگر بدانکه صفت سوره الم انشرح درین باب سابق نوشته ایم و برای دفع تب لرزه و

و میگردانند باین نحیف رسیده محروبت عزیز باشد چنانچه اگر کسی مریض است
 از زنده داشته باشد باید که قبل از آمدن لرزه او را بوقت یک پاس روزه برآمده خواهد یک
 پاس روز یا قیامده مریض را بر زمین استاده کرده از کار و سایه آن را از سر تا به پا تمام
 بر روی یعنی بر بزد و در هنگام بریدن سایه سوره الم شرح از زبان خود جاری کند چون
 نسبت بریدن تابه پارسه تمام کند همین نوع تابه سه روز تواتر بر بداند ان شاء الله تعالی و
 هر صبح دو سه روز مریض صحت یابد بحرب ترست و این سوره مدوحه خواص بسیار دارد اگر
 در غل آرد بکار آید و الا نه بدون غل هم این قدر اثر کند که اگر از دست کسی معاند بدگو و
 غیبت کننده عاجز باشد برای زبان بندی سه مرتبه سوره مدوحه برداند گندم خوانده دم
 کند و در آخر نام آن معاندین مع نام مادرش گرفته باشد یعنی باین طریق که دستان زبان
 فلان بن فلان از بد گوئی پس آن دانه را پیش مرغان اندازد که بخورند همان روز
 زبان از بد گوئی باز ماند اینقدر ترکیب عمل این سوره معظم باین نحیف رسیده بود که نوشته شد
 نوحه گیر ترکیب الحمد و نقوش آنچه که این فقیر را رسیده بود سابقا نوشته شد الا این عمل
 برای دوستان درین اوراق می نویسم که این عمل مجرب از مرزا ابیر بیگ صاحب بزرگ
 باین نحیف رسیده است و در عمل مرزا مدوح آمده بود اوصاف آن چشم خود دیده ام و این
 عمل برای تسخیر است باید که در عروج ماه بروز یکشنبه و ادلی اینکه شب جمعه و روز یکشنبه باشد
 غسل کند و جامه پاک پوشد و هر قدر خوشبویات و بخورات که میسر آید مهیا ساخته و درونان
 را غنی بنماید و دولت شیرین بر آن نهاده و عطرها و گلهای خوشبو را همراه گرفته بوقت
 شب که کماره دریاست روان رفته در آن گوشه نشیند که آواز مردم نرسد و کسی متعرض
 حال نشاید این تمام اسباب رو بروی خود داشته و بخورات سوخته گرد خود یا سوره
 الفاتحه را آنکه کسی حصار کند باین طریق که از انگشت تر گردد اگر دخواست حلقه کشد بعد از
 مرتبه در و خواند و یک هزار و یک مرتبه سوره الحمد مع اسماء مولات که در میان عبارت

الحمد است بخواند و اگر در میان خواندن صورتی داشته که بنظر آید هرگز خوف را در دل راه
ندید و نه ترسد و آنچه از آن اشیاء که نهاده است کسی طلب کند از در میان حصار حواله کند و
بعد ثانی وظیفه آنچه که شیرینی و نان و غیره باشد همو بخواند انشاء الله تعالی بر روز ششم یا روز
بنقعه صورت چهار زبان پیش عامل حاضر آیند با حسن و جمال و لباس آرایش پیش آیند و از آن
عامل را زود بیاورند که هرگز تا تمام شدن وظیفه راغب با دشان نشود و بعد تمام نمودن وظیفه
هر چه منظور ظاهر باشد از همان زمان بگوید و برای خود روزی بر قدر که صرف کردن در یک روز
تواند مقرر کند همیشه تمام عمر خواند رسانند انشاء الله تعالی در صورت اگر در عرصه هفت روز
زمان حاضر نشوند در عرصه چهارده روز حاضر خواهند شد و الا نه در عرصه سبست و یک روز
حاضر خواهند شد حلی ترک نکند خطای ندارد و مجرب است و عامل کامل باید که بدستور تدبیر
کرده خوانده باشد بدیبر که روز اول نوشته ایم به همان تدبیر باید خواند مشقت هرگز ضایع
نخواهد شد و ترک حیوانات و لذات هم ضرورت است و ترکیب الحمد باین طریق است الحمد لله
رب العالمین الرحمن الرحیم یا حی یا قیوم یا رؤف یا غفور یا علیهم السلام یا محمد یا
یا مقتدر یا حکیم یا علیم غیر المغضوب علیهم ولا الضالین این ه دیگر آنکه چون در باب
دوم اسما الهی و آیات کلام الهی آن قدر که باین نجف رسیده بود نوشته و آدم صرف بر
خاتمه اسناد بسم الله باقی بود آن هم ترقی می نمایم و این عمل از مولوی غلام مرتضی صاحب
مشهور است باید که از عروج ماه برای بر طلبی که بسم الله را وظیفه مقرر کند بیشک مطلب
چنانچه در رکعت نماز اول گذارد بعد از دوازده هزار بار بسم الله اول و آخر درود بخواند و در هر
جلسه بخواند انشاء الله صحیحی مراد بر آید اگر در یک روز و در هر روز یک بار بخواند
بخواند بیشک مطلب بر آید و اگر این قدر خواندن نتواند هر روز در رکعت نماز اول
مرتبه قل هو الله در رکعت اول و همین قدر در رکعت دوم بخواند و یا زده بار درود و یا زده
بار بسم الله بخواند در عرصه هفت روز مطلب بر آید الحمد لله که این باب مجموعه آیات کلام

اللہ ہر قدر کہ باین بحیف رسیدہ و در تجربہ خود یا استادان دیگر آمدہ بودند بوجہ احسن
مشروعاً نوشتہ دادم کہ بیچکس عاملے این لغت عظمیٰ ندیدہ بود این فقیر بطبع و دعای
خیر نوشتہ دادہ امید کہ مارا بہ فاتحہ فراموش نہ کنند

باب سوم کہ مجموعہ نقشیات و علامات و عملیات و ترکیب پر کردن و کشیدن نقش ست اینست

اول ترکیب پر کردن و کشیدن نقش باید دانست کہ وقف اعداد بر دو نوع
ست کامل و ناقص پس لازم ست کہ معرفت مصطلحات کہ موضوع این فن ست پذیرد و آن
و انستن شکل بود کہ در آن اعداد نہادہ شود بطریق تام و ناقص و فرد و زوج و پنداشت
آنکہ شکل صحیح ست یا نہ و دانستن خلط و قطر و سطر و عواشی و بطنی و ذیلی و عدد و عدل و عدد
طبعی و غیرہ اما شکل کامل و تام آزا گویند کہ در شکل شکلی مندرج باشد و ناقص آنکہ در آن
شکل دیگر پیدا نہ آید چنانچہ مثلث و مربع حقیقی پس درین شکل یک خاصیت باشد بخلاف
مخمس کہ در آن شکل مثلث و مسدس کہ در آن شکل مندرج ست و چند خاصیت دارد و
مربع و مستطین سہ چند علیٰ ہذا القیاس اما دانستن صحت شکل برین وجہ است ضلع با ضلع
و سطر با سطر و قطر با قطر برابر آید بدانکہ شکل صحیح ست والا نہ دریافتن عدد عدل بر این
سندست کہ عدد بیوت یک سطر از رذات همان عدد ضرب کند و یک عدد دیگر حاصل ضرب
بیمیزاید تا آن عدد عدل باشد و این براسے استخراج عدد طبعی لا بدست و ضرورت کہ
عدد بیوت سطر را تنصیف نمودہ عدد عدل را در آن زند کہ حاصل ضرب وقت طبعی باشد
پس در پر کردن ہر شکل کم از وقف طبعی ہرگز نیاید اگر عدد ہفت یک سطر از رذات خود
زہ یک عدد از آن کم نماید باقی را در نصف عدد بیوت سطر زند حاصل الضرب عدد سطر
باشد کہ از مجموعہ اعداد اول طرح باید داد و باقی را موافق اعداد بیوت یک سطر قسمت

مساوی کرده از یک سطر قسمت پر کردن آغاز کند چنانچه در مثلث حقیقی که بیوت یک سطر است
 و یک سطر که سه است آن تریضیف کردم یک از نیم آمد و عدد عدل که در آن ده است زدیم یعنی
 دورا بسبب یک دو نیم شدن ده و پنج کردم پانزده آمد و انستیم که در مثلث حقیقی لابد است که از
 پانزده عدد کم نباشد و اگر زائد بود رواست و پنجمین در مربع حقیقی که عدد بیوت سطر چهار است
 آنرا در چهار زدیم شانزده شدند یک عدد عدل افزودیم هفده شدند و چهار را که اصل عدد آمد
 آن را نصف کردم دو آمدند پس هفده را دو چند کردم سی و چهار شدند پس این عدد وقف طبعی
 اند در مربع حقیقی کم از سی و چهار نه آیند زیاده را مضاعف نیست و عدد مطروحه در مثلث سه را
 در سه زدیم و یک عدد کم کردیم هشت ماند هشت را در چهار امتزاج کردم بحساب یک و نیم
 دوازده آمدند و در مربع چهار در چهار زده یک عدد کم کردم پانزده ماند آن را در دو که نصف
 چهار است زدیم سی آمدند و انستیم که در مثلث دوازده و در مربع سی از اعداد مجموع طبع باید
 کرد آنچه باقی ماند در مثلث سه حصه کردم پر کند و در مربع چهار حصه نموده بقسمت برابر شروع نماید
 و یک عدد در هر هفت بقیه را تا تهی شود و اگر کسر واقع شود در مثلث هرگز رفع نکرد و هیچ وجه
 از هر چهار طرف برابر نیاید و در مربع بقایا بر آید از برای کسر از خانه که مخصوص برای کسر
 است یک عدد دیگر افزاید پس کسر از سه واقع شود از خانه پنجم و اگر دو بود از نهم و اگر یک
 بود از سیزدهم یک عدد افزاید و در مثلث بر اے دو از چهارم و بجهت یک از هفتم
 یک عدد دیگر افزاید تا ر است آید و تفصیل اشکال اینکه اشکال بر سه قسم اند اول فرد
 دوم زوج الفرد سوم زوج الزوج شکل فرد آن باشد که عدد بیوت سطر نصف صحیح باشد
 باشد چنانچه که نصف سه گان یک و نیم و بخش که نصف آن دو نیم آید بمبرین قیاس آن
 شکل را شکل فرد گویند و اگر نصف صحیح بی کسر است پس نصف را باید نگرست اگر فرد بود
 شکل مسدس که نصف آن سه بود که فی نفسه و ذات فرد است چنانکه زوج هم دارد پس آن شکل
 را زوج الفرد گویند و اگر نصف صحیح بی کسر در پس آن نصف را باید نگرست اگر آن

زوجه است مثل مشن پس آن را زوجه الزوج گویند و چون این قدر گذار شد بهین
طوری که در شکل نموده بر سه ضلع و قطر و حواشی و لطنی ایماے دهم در حواشی لقاط یعنی خیالی
گذاریم تا در ایام تعلیم دریافت کنی و هر اسم را که خواهی تا تکسیر کنی و در شکل حساب نموده
پیر کنی پس اول در شکل باید رفت بدین صورت

پس در شکلها سه فرجه بود
کامل و ناقص مثال اول

عدد مثل مثلث حقیقی
را پیدا کنیم یعنی عدد خانه یک سطر که سه باشد در سه ضرب کنیم نه اند و یک عدد بر سه ضابطه
افزودیم ده عدل عدد بر آمد چون این عدل را در نصف عدل بیوت سطر که یک و نیم
باشد زدیم پانزده عدد وقف طبعی شد پس آن پانزده را از هر ضلع باین طور پر کردیم که
دوازده عدد مطروحه طرح دادیم سه ماندند آن را سه حصه کردیم یک ماند اینست

۷۸۶				۷۸۶				۷۸۶			
۸	۱	۶	۴	۹	۲	۸	۲	۸	۲	۸	۲
۳	۵	۷	۲	۵	۳	۷	۱	۵	۳	۷	۱
۴	۹	۲	۸	۱	۸	۶	۶	۶	۶	۶	۶
۵	۱۵	۱۵	۱۵	خاکی	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵

پس هر چهار قطر گذاشته از هر ضلع که خواهد
آغاز نماید بدین قانون که بیست و دو است
و رخ دو فرزین باز رخ گیر شده آخر مثلث
راست تدبیر و می باید که چون عدد در خانه
اول پر کند یکبار بگوید اطمینان دور

آبی	۸	۳	۴
	۱	۵	۹
	۶	۷	۲
	۱۵	۱۵	۱۵

خانه دوم چون عدد پر کند و بار گوید بططبیال و در خانه سوم سه بار بوقت عدد شصت
 بگوید حططبیال و در خانه چهارم چهار بار بگوید و ططبیال و در خانه پنجم پنج بار
 بگوید حططبیال و در خانه ششم شش بار بگوید و ططبیال و در خانه هفتم
 هفت بار بگوید و ططبیال و در خانه هشتم هشت بار بگوید حططبیال و در
 نهم نه بار بگوید ططبیال و هر روز چهل و پنج بار نقش بهین طور نوشته باشد تا چهل و
 پنج روز طریق زکوة است و طریق شاه مغرب بهین بود اما طریقه پر کردن مربع چهار در چهار زدیم
 شانزده شدند یک عدد بر آن افزودم هفتمه شد آنرا در دو که نصف سطر اول بودند دیم سی
 و چهار شدند پس عدد وقف طبعی حاصل شدند پس ازین شانزده یک کم کردم پانزده شدند آنرا
 دو چند کردم سی گشتند آنرا موطوحه پیدا شتم طرح دادم باقی ماندند چهار چهار را چهار حصه نمودم
 یک حاصل گشت از یک نقوش را پر کردم اما ازین شانزده خانه مربع را خاصیت جدا گانه
 است که در بیان زکوة دادن مثلث و مربع را بیان خواهد آمد این جا نقش می نویسم
 خاصیت هم نویسم و طریق پر کردن نوشته

۷۸۶

دوم بدین صورت	بیت	اسپ	قرین	ونج
باز اسپ	قرین	اسپ	گیر	فیصل
هر طرف	دور	بند	یر	و این چهار خانه
یکه آتشی	ویکه خاکی	ویکه بادی	ویکه	
آبی است	و از هر چهار	آغاز بهین	تسل	

است پس برای هر کار از هر خانه آغاز نماید تا بمقصود رسد و این نقوش را نقش
 اجل گویند و مثلث را نقش حوا و ترکیب کسر دادن اول مذکور شد فاما بطور مثال
 نمایندن مرتز یک نقش اینجا می نویسم و آن مثال
 اینست پس هم برین طریق از یک صد و یک

پیر کردن تندرستی و این نقش	۷۸۶				و کرو پر کند و در خانه ترکیب اینکه خانه اول برای و صحت و محافظت است خانه آتشی است این است
	۱۰	۱۴	۱۷	۱	
	خانه کسریک ۱۶	۲	۱۹	۱۵	
	۳	۱۹	خانه کسرو ۱۲	۸	
					۱۸
					۴
					خانه کسره ۱۳

خانه اول برای صحت خانه دوم برای محبت خانه سوم برای لذت

۷۸۶				۷۸۶				۷۸۶			
۱۴	۱	۸	۱۱	۱۱	۸	۱	۱۴	۸	۱۱	۱۴	۱
۷	۱۲	۱۳	۱۳	۱۲	۱۳	۱۲	۷	۱۳	۲	۷	۱۲
۹	۶	۲	۱۶	۱۶	۳	۹	۶	۳	۱۶	۹	۶
۴	۵	۱۰	۵	۵	۱۵	۴	۲	۱۰	۵	۴	۱۵

خانه چهارم آبی برای خوف خانه پنجم آتشی برای امان غرق خانه ششم خاکی برای بیماری
وامان از دشمن شدن سرخ باد

۵	۱۰	۱۵	۴	۴	۹	۷	۱۴	۱	۱۴	۱۱	۸
۱۱	۸	۱	۱۴	۱۵	۶	۱۲	۱	۱۲	۷	۲	۱۳
۲	۱۳	۱۲	۷	۱۰	۲	۱۲	۸	۹	۹	۱۶	۳
۱۶	۳۰	۶	۹	۵	۱۶	۳	۱۱	۱۵	۴	۵	۱۰

خانه هفتم بادی برای زیارت مال خانه هشتم آبی برای جدائی خانه نهم آتشی برای فتنائی جنگ

۵	۱۶	۲	۱۱	۱۴	۷	۹	۴	۴	۱۵	۱۰	۵
۱۰	۳	۱۳	۸	۱	۱۲	۶	۱۵	۱۴	۱	۸	۱۱
۱۵	۶	۱۲	۱	۸	۱۳	۳	۱۰	۷	۱۲	۱۳	۲
۴	۹	۷	۱۴	۱۱	۲	۱۶	۵	۹	۶	۳	۱۶

سرخ

۹۹

۹۹

خانه دهم خاکی بر اصول علم

وزن واصل دوست صلح و تقاضای دشمن

۱۱	۴	۱۴	۵	۹	۶	۳	۱۶	۱۶	۲	۶	۹
۸	۳	۲	۱۰	۵	۷	۱۳	۲	۲	۱۳	۱۲	۱
	۲	۶	۱۰	۳	۱	۸	۱۱	۱۱	۸		۱۴
۱۴		۹	۳	۳	۳	۲	۵	۵	۱۰	۱۵	۴

خانه سیزدهم آتشی برای دفع
زراعت و برکت - شش مردمان و او را شش

۴	۱۵		۵	۵	۱۰	۱۵	۴	۱۰	۵	۴	۵
۹	۶	۳	۱۶	۱۶	۲	۶	۹	۲	۱۶	۹	۶
۵	۱۲	۱۳	۲	۲	۱۳	۱۲	۵	۱۲	۶	۵	۱۱
۱۴	۱	۸	۱۱	۱۱	۸	۱	۱۴	۸	۱۱	۱۲	۱

خانه شانزدهم آبی برای روی بادشاه و ملوک و عاقبت کار و سلامتی نفس

۱۵	۹	۵	۱۶
۱۲	۵	۲	۱۳
۱	۱۴	۱۱	۸

وزن و ثوابی تدبیر و صلاح
کار بدستی رسیدن و
بهتری امور

بیان شکلهاست که مخمس که منسوب بر سره است چون اصل آن -
 مخمس بود پس پنج را در پنج ندیم بست و پنج حاصل شدند یک عدد اول اضاف کردیم
 پس بست و شش شدند پس آن را در سطر اول که چون پنج را نصف کنیم دو نیم میشود
 این بست و شش را در آن دو نیم بست و پنج شدند و استم که در شش کم از شصت و پنج
 نخواهند آمد و چون خواستیم که اعداد مطروح بر آرم از بست و پنج یک کم کردیم بست و پنج
 یا چهار شدند آن را در دو نیم زدیم شصت شدند پس این را طرح کردیم باقی ماند پنج
 از پنج حصه کردیم از یک حصه نقش پر کردیم و ترکیب روش مخمس اینگونه است

قرار واقعی باید کرد که یک و هفت و سیزده و بیست و چهار و پنجاه و شش و دوازده برابر خواهند بود و سیزده و نوزده و بیست و پنج برابر و ده و چهار و ده برابر و در سطح و اضلاع خواشی افتاده اند در بر شکل و باقی اعداد در بیوت خواشی انبساط بروش مزبور خوب یاد کند و محسن ناقص بی تامل صحیح بر کند و ترکیب دیگر بیاض مثل مربع روش پندارد یعنی طول اسپ و پنج و دوا سپه و غیره با چنانچه من یک شکل به هم

۱	۱۴ طول	۲۲	۱۰ طول	۱۸
۲۵	۸	۱۶ رخ	۳ طول	۱۲ طول
۱۹	۲ اسپ	۱۵ اسپ	۲۳	۶ رخ
۱۳ دوا سپه	۱۲۱ اسپ	۱۹ اسپ	۱۷	۵ اسپ
۷ دوا سپه	۴۰	۳ اسپ	۱۱ طول	۲۴

و درین شکل چهار ضلع و چهار قطر واقع شدند بدین ترتیب که ضلع فوقی یعنی ضلع بالا و ضلعیکه مقابل آنست از اضلاع تحتی گویند و ضلع که در دست راست است ضلع یمنی گویند و ضلع که سمت چپ است ضلع یساری گویند و در هر ضلع سه خانه میباشند که مجموعه آن دوازده خانه شدند و چهار قطر و آن قطر مراد گویند همه شان زده شدند باقی نه خانه ماندند و این نه خانه شدت از چهار است و اینها بهین ترتیب از هر خانه نقش را پر کنند و من بر آکمال چند نقوش می کشم اینست

۱	۲۵	۱۶	۱۳	۷	۷	۱۳	۱۹	۲۵	۱
۱۴	۸	۲	۲۱	۲۰	۲۰	۲۱	۲	۸	۱۴
۲۲	۱۶	۱۵	۹	۳	۳	۹	۱۵	۱۶	۲۲
۱۰	۱۴	۲۳	۱۷	۱۱	۱۱	۱۷	۲۳	۱۴	۱۰
۱۸	۱۲	۶	۲۵	۲۴	۳۴	۵	۶	۱۲	۱۸
۱۹	۱۸	۲۱	۴	۳	۳	۴	۲۱	۱۸	۱۹

معمول کنند پس در مقدمه محبت و تسخیر و فتوح و صحت بیماری آتشی را اجراء دارد و در مقدمه
 جنگ و فتح و خمر خسته و دفع بکار و آسیب خانه و قلعه و محاصرات و بیماری کهنه و غیره بادی
 را اجراء دارد و در مقدمه محبت زن و موصلت و کندین چاه و تیاری بانج و رفتن
 پیش امیر و تسخیر عالم نقش آبی را اجراء دارد و در مقدمه نفاق و جدائی دو کس و زبان بندی و
 دفع مسدودان و کفیل مال و مسافرت عمارت و رفتن بسفر و تیاری ساقان نشسته ادویه
 کیمیا و غیره از خانه ناکا اجراء دارد و که اثر تمام بخند و اکثر جایجاد و عملیات استادان این
 یک نقش را نوع نوعی طریقه از کوه نوشته اند و چون اینک هر کس را هر یک وجه که از استادان
 خویش رسیده آن طریق نوشته شده و هیچ است آنچه که خاصیت باشد باعث استعجاب نیست زیرا که
 استادان این فن و دانش اجل و خواستند استادان را که پیش فقی داشته اند
 از این نقش را در مقدمه و در فقره چهارم این فقیه ششم خوانده است و باید دانست
 که نقش آتشی را موکل عزرائیل است و نقش بادی را موکل جبرئیل نقش آبی را موکل
 میکائیل و نقش خاک را موکل اسرافیل است و همین طور موکلات هر خانه در مرجع
 این موکلان و ترکیب است که در این نقش آتشی نقش راسی و پیکار نوشته در آتش کند و
 راسی را چنانکه در این نقش است و ترکیب محسن اینک در ساعت زهره ۵۵ نقش نوشته
 بخورات روشن کرده در آینه گوی بسته ریاضت و پنج روز رسانیده باشد و درین
 زکوة از هر کدام نقش بریزد که لذات و حیوانات ضرورت پس اینقدر نقش نفوذ
 کرده و آدم که در دوستان این عالم نقوش که از بزرگان باین کیفیت آمده است
 بر روی نگارم و از ناظرین کتاب طبع دارد که فقیر را در جلسه خلوتی مع الله وقت یادگار
 و بدعا خیر آمرزش این کیفیت است اجابت پروردگار بانه التوفیق و نقوش را از
 نقش سیم الله آغاز نمایم که سیم الله کلام الله است و آغاز همه کار ازین بهتر است
 نقش سیم الله عجیب نقش است اگر کسی این نقش را در خانه و در بی نوشته

بدارد و از قاعده اعداد چهل روز بدین تدبیر کند که چهل و یک نقش خجارت و چهل و یک
نقش اعداد هر روز علی الصبح با وضو در یک جلسه نوشته در آرد و گوی بستر یا سینه
باشد عامل این هر دو نقش گردد و در هر مقدمه که بگوید اثر تمام بخشد و مخصوص مقدمه و بعضی اگر
هر روز هر دو نقش نوشته شسته بنوشاند روز صحت یابد اگر کسی را مرض غنی که از دهن چنان
برمی آید یا از شکم خون آمده باشد نوشته سه روز متواتر بنوشاند شفای مطلق یابد و اگر بر
سفر و جنگ و قضیه رود هر دو نقش نوشته بر بازوی نویسد به بند و فتح و نصرت باز آید و
این نقوش بسیار است و دارند اگر عامل باشند بظهور آید نقوش غنی و عدوی هر دو ایستند

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

ر ر ر ر ر ر ر ر ر ر

ب ب ب ب ب ب ب ب ب ب

ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح

س س س س س س س س س س

م م م م م م م م م م

م م م م م م م م م م

ن ن ن ن ن ن ن ن ن ن

ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا

ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل

ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل

ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل

ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه

ر ر ر ر ر ر ر ر ر ر

ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا

ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح

ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل

ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح

ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل

و این نقش عدوی بصورت اعداد این است و اعداد بسم الله صیغ ۸۶ ۷۸

نوید که نقش سوره یسین هر چند که در باب
دوم صفت این سوره معجز بسیار کرده ام
آن اسناد آیات بود که در آن باب توضیفات

۲۶۳	۲۵۸	۲۶۵
۲۶۴	۲۶۲	۲۶۰
۲۵۹	۲۶۶	۲۶۱

اینکه کرده بودم چون این باب سوم که پر از نقشیات است و ابتداء از نقش لبم الله کردم و
نقوش اله و اوجا و انا اعطینا بصورت و بمناسبت ذکر و عبارت در باب دوم نوشته شد
اما این نقوش سوره السین بهر از مشقت و تلاش بهم رسانیده و صحیح نموده برای عاشقان
این علم نوشته دادم که اگر ضرورت تمام السین را نوشتن بود آنجا موقع نوشتن مطول نباشد آنجا
نقش سوره مذکور که از پناه پاره اندک زیاده است این نقش مثل در یاد یک کوزه هست
باید نوشت و نصف کردن این نقش زبان ندارم که بیان کنم اگر چهل روز بکنار دهم و درباره
شغل کرده این نقش یک روز در شر و آرد گوی بسته به میان میداده باشد و چون چای تمام
شود آن روز شنبه پنج یک کوزه تیار کرده نیاز موکلات و نیاز سیخ صاعم دانه قدری بقدر شش
خود بخورد و باقی را بیدر با تاباساق رفته بگذارد و همان روز عالی این نقش خواهد شایس در هر مقدمه که
این نقش بخوبی رسید اثر عظیم دارد و در میان کتوره اگر نویسد بنام دزد کتوره جاری شود و اگر نوشته
بیش خود دارد و خون از دست خود شده باشد و پیش بادشاه برای خوانده رود و خون بیشک
معاف شود و در جنگ بفتح و نصرت باز آید و هر یک که از پنجاه ساله رفته بود و خبر زندگی و مرگ
هرگز نباشد اگر این نقش معظم و مکرم نوشته و جامه طاهر پوشیده بعد نماز عشا زیر سر داشته و در
پشت نقش اسم آن غائب مع مادر نوشته بدارد بیشک آن غائب در خواب آمده تمام کیفیت
خود بیان نماید و اگر نقش مذکور برای آمدن غائب زیر بار گران تهد غائب هر جا که باشد بیدار
شود حاضر شود اگر معشوق یا شوهر از زن و یا زن از شوهر یا هر یک که جدا شده باشد این نقش
با سنگ و زعفران نوشته و عطریات مالیده در روغن خوشبودار بر وزن خیشنه با طهارت تمام
بر آغ روشن کند و روی او سمت مطلوب کند و سه قلینته انشاء الله مطلوب حاضر شود اگر
بر کسی که شمس بخود شده باشد یا از خود آزرده خاطر باشد سه نقش نوشته در قند آمیزه با و
بنوشاند صبح گردد اگر زنی عقیم باشد چهل روز بر روزه یک نقش در گلاب و کیوهره شسته
خوراند جامه گردد اگر بر کسی دخل سحر شده باشد این نقش سه روز نوشته بنوشاند بیشک محبت

و اگر مرض قریب هلاکت باشد و این نقش نوشته بر روزه در آب تازه بنوشند از خواسته
 خداست و زندگی باقی باشد در ساعتها صحت و آرام یابد و روزه بر روز صورت صحت
 پدید آید اگر نخواهد که در میان دو کس جدائی و خصومت واقع شود این نقش بمشتم و حکم
 در دو ترکیب بنویسد یک بوقت ساعت مرغ دریافته بر پارچه کهنه سفید از پوشش از آن
 پرویک را بود بر روز شنبه بر و بنویسد و بر پشت نقش بنویسد عبارت بنویسد -

و لبغض و العداوة بین فلان بن فلان و فلان بن فلان واقع شود حق سوره هذا
 پس آن پارچه را در گور کهنه دفن کند و آن گور که از بام خویش افتاده بود بر سینه مرده
 کندیده دفن کند و نقش دیگر نوشته در آنجوره خرد داشته باین ترکیب بکناره دریای
 دفن کند که در سیاهی سرکه کهنه آمیخته بر جامه آن دو کسان عمر و زید هر که باشد بر روز
 شنبه بنویسد و در کوزه مسطور نهاده قدری رانی بر نقش بمهند و دهن کوزه بسته
 بر لب آب دریا دفن کند انشاء الله تعالی در عرصه چند روز خود بخود در میان آن هر دو
 کسان آشتیان نزاع پیدا شود که قاتل جانین شوند و اگر نخواهد که کسی را در کج خود از
 این نقش سه بار در قند و شکر مع نام خود و نام او بر پشت نقش نوشته بنوشند از خود بخود
 نکاح را حتمی شود کرد اگر کسی را مردی بسته باشد بر ظرف چینی از گلاب و کیور و شکر
 و صفت روز بنوشند انشاء الله تعالی مرد گردد اگر زبان بندی جانتی منظور باشد سه
 روز باین نقش نوشته در چاه بیندازد آن همه کسان چون بنوشند زبان همه از بند بگویی
 باز ماند اگر مسافری سفر کند و پیاده باشد که این نقش نوشته در ران راست بر بند و
 لاکن ظاهر باشد و تمام راه با وضو رود اگر بخاه فرسنگ در یک روز رود هرگز مانده نشود
 و در منزل فرود آمدن بکشد اگر آسیب زده و مجنون شده را سه روز نوشته بنوشند
 صحت یابد اگر در مکانی که دخل آسیب بر دیوار بکشد آسیب از آن

مکان گیران شود اگر حمل حامله قایم نمی ماند تعویذ نوشته در کمر بند و بنفشه قایم ماند تا ملت اینجکه
 پیدا نشود و هر یکا یک آسب کافح می اندازد نوشته بدیوار هر طرف یکپانصد سنگ از آید اگر کسی را
 مال در درفته باشد این نقش را نوشته در زیر بر بوقت جفتن بد در صورت در خوابی بنظر آید و بر
 مار گزیده نوشته بنوشاند اثر تمام بخشد و اگر در زیر اعت خود دفن کند زراعت بخیر شود و اگر
 بجال خود همیشه دارد مال هرگز کم نگردد و برکت زیاده شود و این نقش و این ترکیبات فقیه را از
 بزرگی و مکان بهم رسیده است اسناد او اکثر اند اینجا نوشتن کتاب مطول میگردد و لهذا بایجاد کوششیم و باید
 که در هر مقدمه اسماء و کلمات هر چهار که برگوشه نقش نوشته اند بر صورت باید نوشت و اعداد
 این هر چهار موکل یعنی جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل بر آورده برگوشه نقش نوشته
 شده اند که هر چهار موکل حاکم این نقش اند بدون هر چهار گویان اجرا کار این نقش دشوار
 است و اعداد تمام سوره موصوف و دو لک پانزده هزار شصت و پنجاه و سه اند و کامل
 اعداد هستند و عدد اسماء و کلمات برین عدد میزنند و بیرون این نقش اند و این سوره جان تمام
 قرآن و این نقش جان سوره ممدوح است زیرا که عبارت قرآن مثل تن است و عدد آخر و
 مثل روح در قالب هستند پس بزرگی روح میریزد تن باشد عزیز باشد داشت نقش اینست

۳۱۱۸	۳۱۴۳	۳۱۳۷	۳۱۳۱	۳۱۲۵
۳۱۳۲	۳۱۴۵	۳۱۱۹	۳۱۲۹	۳۱۳۸
۳۱۴۰	۳۱۳۴	۳۱۳۳	۳۱۲۶	۳۱۲۰
۳۱۳۵	۳۱۴۱	۳۱۴۱	۳۱۴۵	۳۱۲۹
۳۱۳۶	۳۱۴۰	۳۱۴۳	۳۱۴۱	۳۱۴۲
۳۱۴۲				۳۱۹

نوع دیگر نقش آیه الکرسی مجرب و آزموده در صفت آیه ممدوحه نقش بهم رسانیده ام -
 زبان در صفت این نقش قاصداست که آیه شریفه حصار صفت افلاک و زمین است
 تا بصیبت نقش عدوی و غزلی از حد نبرد است اندک از آن مینویسیم اول اینکه هر زنی را که حمل
 ساقط میشود یا بچه زنده فوت میشود این نقش عظم را بر لوح نقره ساعت شتری در گلوئی بچپ بندد
 ان شاء الله تعالی از مرض محفوظ ماند و چپک و ام الصبیان و آسیب و تشنگی و دهن و تشنج
 عروق و دانه کون نمود این شیم و آنچه امراض الاطفال اتفاق میشوند مصون و محفوظ ماند و اگر
 و اگر بر کانداز مشک و زعفران نوشته در کمر حمله بندد بر گز حمل ساقط نشود و نیز اگر گنده چهل گره با
 آیه الکرسی خوانده مع آن نقش در کمر بندد حملش قایم ماند و اگر آنکه گزندش یا بچه پیدا نشود و اگر در
 بازوی بر طرف عربی و طرغی عددی هر دو نوشته بندد در هر چنگ و قضا یا که رود در حفظ حافظه امانی
 باشد و اگر زن حامله بندد بالفرض اگر از بام بیفتد حملش ساقط نگردد و چون شش ماه حمل شود گنده بکشد
 و بدارد و قتی که بچه پیدا شود نیا بچه صلیح و پابنده در گلوئی بچپ بندد از محفوظ ماند و در هر مرض که سه روز
 شسته بخوراند صحت یابد و در دل بر کسی که از طرف خود دشمنی و نفق باشد نقش میدوید و نوشته
 و بر پشت نقش این عبارت بنویسد فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان و آنکس بنوشاند
 بیشک از خاطر آنکس دشمنی بدر رود نقش ممدوح اینست

۴۸۶

۳۵۱۷	۳۵۲۰	۳۵۲۳	۳۵۱۱
۳۵۲۲	۳۵۱۲	۳۵۱۶	۳۵۲۱
۳۵۱۳	۳۵۲۵	۳۵۱۸	۳۵۱۶
۳۵۱۹	۵۱۴	۳۵۱۴	۳۵۲۴

و بعد نقش عدوی آیه الکرسی نقش عربی نگاشته می آید و نقش عربی بر آن خاصیت که عدوی
 دارد این هم دارد بلکه اکثر از آنست و نقش عدوی نوشتن سهل است که در مطالب باطنی بکار

نی آید و نقش عربی مطول و دشوار است و در ظاهری مقدمات مثلن بیماری و جنگ و غیره
بکاری می آید و آنچه صفات عدوی نوشته ام این را نیز در آن کار جاری کند خطا
ندارد و عزیز باید داشت نقش اینست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

میکائیل

جبریل

684

[illegible]

نوعدگر نقش قل هو الله عددی و عزنی اینست بدانکه عمل قل هو الله در باب دوم مع
نقش معنوی و ترکیبات بحرب و نقش حاضرات آنچه که باین فقیر رسیده بود نوشته و ادا

چون این باب از زیور نقشیات آراسته است از بوجه اینجاقش عزلی و عددی که خطا
فرموده حضرت شاه اجنبی ساکن سورت ممبئی ست بر مینگارم و جمعت این هر دو نقش
چه آدناکیم و از کجایان ملک آرم بهیچ تأثیری نباشد که درین هر دو نقش بنود اگر مرض
مرض سیت دق را و انداختن خون از دهن و شکم و جذام و هر مرض که لا دوا باشد بدارد و این
نقش عزلی چهل نقش نوشته در چهل روز بنوشاند بیشک صحت یابد بشرطیکه با وضو باشد آن
وقت نقوش بنویسد و اگر نیز بر پوست آبو که در شکم اندرون او باشد بر روز پنجشنبه نوشته
بر بازوی محبوس به بند بیشک رهایی یابد و اگر شخصی که مالش بدزدی رفته باشد نوشته در
کلام مجید بداد صورت در در خواب بیند اگر شخصی اندجاه سال گم شده باشد و هیچ نباش
نرسیده باشد اگر از مشک و زعفران نوشته با وضو در زیر سر نهاده بخشد او را با کیفیت تمام در
خواب بیند و اگر حاله را حمل ساقط میشود نوشته در کمرش بندد و فوراً خون و درد موقوف شود
اگر غائب را طلبیدن منظور باشد نوشته در میان دو سنگ گذارد و متصل آتش دان یابد
سایه آفتاب بداد بیشک باز گردد حاضر شود و در هر مقدمه که نویسد بکار آید و در مقدمه محبت
نیز هدف ست به ترکیب که از عقل خویش اجرا کند اثر تمام بخشد و خدا صامت نقش عزلی و
عددی یکسان ست و در عمل فقیر روزمره به کثرت تمام همیشه هر دو نقش که سریع التاثر اند جاد
مهند و بدانکه اگر از هر دو نقش زکوة بدین نوع باره چهل روز در عامل هر دو نقش باشد
موجب است و در هیچ مقدمه هیچگاه خطا نکند و طریقه زکوة دادن اینست که از خروج
ماه زائد النور هر روز چهل نقش عزلی خواه عددی با وضو بنویسد و هر روز در اردگونی
بدریارسایند باشد و روز تهای شیر پنج بخته از دست خود با احتیاط تمام فاتحه داده بدریار
رساند و آنک از آن خود بخورد پس عمال شود نقش مدوح که اکنون او را

به نهایت کوشش در جان فانی کثیره بیان کردم

قال بادست غنیمت آید و با اهل نماید دانشمند

جبرئیل	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	میکائیل
۱۳۰ قل	هو الله احد	۴۲ یلد
هو الله احد	الله احد	۴۶ ولم
الله احد	الله الصمد لم	۵۰ یولد ولم
الله احد	الله الصمد لم	۴۶ ولم یولد
الله احد	الله الصمد لم یلد	۸۰ یکن
الله الصمد لم	یولد ولم	۲۵ له
لم یلد	ولم یولد	۱۰۷ کفوا
ولم یولد	یکن له	۱۳ احد
اعداد کل ۱۰۰۲	عزرائیل	

و نقش عددی قل هو الله که نیز ارحمت پیراسته است اینست نگاہ باید داشت مراورا

۷۸۶

۲۵۰	۲۵۳	۲۵۶	۲۴۳
۲۵۵	۲۴۴	۲۴۹	۲۵۴
۲۴۵	۲۵۸	۲۵۱	۲۴۸
۲۵۲	۲۴۵	۲۴۶	۲۵۷

نوع دیگر نقش قل اعوذ ب الفلق از بزرگی هم رسیده مجربست و آزموده اگر کسی در خواب نرسد یا خواب بد نظری آید یا در مکان خوف پیدا شود باید که این نقش نوشته در گروی خود بندد از خواب بد و خلاف نجات یابد اگر بر بازوی خود برون بختنه بندد مجبوس زد و خلاص شود و هر کس را که وسوسه شیطان مثل خفکان در مزاج باشد سه روز نوشته شسته بخورد و صحت یابد و هر کس را که احتلام زیاده میشود این نقش برابر دل دارد از وسوسه احتلام محفوظ ماند و بر هر کس که سحر کرده باشد یا زده نقش نوشته یازده روز بنوشاند و یکی در بازو و یکی در بطن بنهد و صحت مطلق یابد و نیز بچنین مجنون اچهل روز نوشته بنوشاند صحت همگی یابد مجربست و نقش نه این ست به صحت تمام

۷۸۶

۲۵۴	۲۵۷	۲۴۰	۲۴۶
۲۵۹	۲۴۷	۲۵۳	۲۵۸
۲۴۸	۲۴۲	۲۵۷	۲۵۲
۲۵۶	۲۵۱	۲۴۹	۲۶۱

اعداد ۸۲۱۷

نوع دیگر نقش کلمه طیب که پراز نور وحدت الوجود و ایمان کل المؤمنین ست و اذن عمل این نقش باین فقیر در خواب از طرف بزرگ شده است و این نقش ایمان اول

و جان قرانت و قفل جنت چنانچه در حدیث آمده من قال لا اله الا الله محمد رسول الله دخل الجنة ه - پس بدان ای عزیز که این چنین نعمت متکافره بر اے هر مسلمان داخل این کتاب کرده ام بگیر و این فقیه را بدعای خیر یاد کن و توصیف این نقش چگونه یا دکنم که صفات این نقوش هر دل عزیز بر خاطر فیض مآثر بر امیر و فقیر و ضعیف و لایع اند و آنچه که لذت این معنی در دل صوفی جایافته خدایش آگاه باشد و خدا متعالی نصیب هر مومن کند و عدد تمام کلمه طیبش صد و بیست اند و بر وایتی بسمع این فقهر آمده که پیش بر کسیکه این نقش باشد ششصد و بیست ملائکه همراه آن کس باشند و دام آن کس فراخ روزی و کامل الایمان باشد و هیچ نوع دخل شیطان بر و نه آید و در هر مرض مریض را نوشته بنوشاند صحت یابد و در هر جنگ که رود دارندۀ این نقش حرم هرگز نخورد و با قبح و نصرت باز آید و آنکه میگویند که مهربوت بر پشت صلعم بود الی غیره بنیشک همین نقش بر پشت آن صلعم بود که مهربوت مشهورست و هر که این نقش بر روز چهل عدد نوشته در شکر و آرد کندم گوی بستم بدریار ساینده باشد بنیشک جناب رسالت مآب را در نوم زیارت کند و همان روز عامل این نقش مکرر گردد و برای هر طلبیکه این نقش ۳۰ روز بنویسد و در آرد و شکر آیمته گوی بستم بدریار آفکند مطلبش بر آید و در دل هر کسیکه دشمنی باشد اگر سه نقش نوشته او را بنوشاند بنیشک آندش محب مطلق گردد و اگر در میان زوجین الفت نگردد ای نوشته زن پیش خود دارد و کی نوشته در گلاب و قند شسته بمرد بنوشاند و نام هر دو بقاعده دستور بر پشت نقش نوشته دین تا شوهرش مطیع گردد و هر مقدمه که بعمل آرد اثر تمام بخشد هر که شک آرد که اگر در دهن نقش عددی و عربی برود نوشته ام که هر دو خاصیت یکے دارند آن اینند

جبریل	۷۸۶	۷۸۶	۱۵۸	میکائیل
۱۳۷	۱۶۱			۱۵۷
۱۵۹	۱۵۳		۱۵۸	۱۶۰
۱۵۲	۱۶۲		۱۶۲	۱۶۹
۱۲۲	۱۵۰		۱۵۱	۱۵۷
اسرافیل				عزرائیل

نقش عربی اینست ۷۸۶			
لا	الله	الا	الله
الله	الا	الله	محمد
الا	الله	محمد	الرسول
الله	محمد	الرسول	الله

نو محمدیگر نقش عجیب و غریب حامل صفت زمین و آسمان برای صفت این نقش و کلمات
اسناد آن زبان طالع و قلم قدرت می باید که بیان نماید این ذره بمقدار راجه یار که
توصیف بر زبان آرد و خواص اسماء الهی که در میان این نقش با موقع و مناسب عدد
سطابق داخل هستند و حروف مقطعات کلام الهی که مشخون برکت و با عظمت تمام تر
هستند داخل این نقش اند و آیات کلام الله که چهار آیات معظم هستند و آن آیات
اینچنین هستند که اگر ازین یک آیت بدست کسی می باشد و آن را در انگشت
بکند اند و پیش خود بدارد هرگز محتاج نشود و زیاده صفت این نقش چه میان نماید
الازبانی بزرگ شینه ام که این نقش را مشکل کشا میگویند امتیانش در کلمه
گو سپند بستانه شمشیر زنده یقین است که رحم نه افتد و هر یک که خون کس کرده باشد و غونی
مقدد باشد اگر بر بازوی آن خونی بسته باشد مدعی خوشن بخشیده دهد و اگر مسافر در کمر
بندد اگر در یک روز صد فرسنگ راه رود مانده نشود و در مقدمه محبوس و روزگار
بهر ترکیب که عامل از عقل خود راه دهد یقین است که تیر بهدف باشد ای برادر نقش
مشکل کشا را بیا عزیز و پوشیده دهری و از قدر کمیاز زیاده قدر پنداری اگر چه
قابل نوشتن کتاب این نقش نبود الا به نعمت که داخل این کتاب کرده ام پس بر

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد و آله الطيبين
الطاهرين
الارزقي

این نقش چه بخل نمایم بناچار می نوشته دادم اگر صاحب علم و عمل باشی خود با صاحب قدر
این نقش پنداری و از نا اهل پوشیده داری و زکوة این نقش همین که چهل روز با صوم
باشی و افطار با شربت نمائی و هر روز آن قدر طعام بخیه نمائی که خود نخوری و یکی در دیش
نیاز موکلات این نقش و ادۀ نخورانی پس بعد چهل روز عامل شوی نقش این ست

یا جامع		ن ق ح محقق	
بسم الله الرحمن الرحيم لا اله الا انت ما شاء الله سبحانه اني كنت من الظالمين	بسم الله الرحمن الرحيم و افوض امرى الى الله ان الله بصير بالعباد	بسم الله الرحمن الرحيم سبحانه و نعم الوكيل على الله توكلنا	بسم الله الرحمن الرحيم سبحانه و نعم الوكيل على الله توكلنا
۳۹ ۳۳	۱۲ ۶۹	۲۶ ۷	۳۹ ۳۳
۲۹۳	۱۲ ۷	۲۶ ۷	۲۹۳
۱۳ ۷	۳ ۹۳۶	۲۶ ۷	۱۳ ۷
طس یس ص حم عسق ق ن ام			

نوع دیگر عمل نقش شجر دست غیب و کشایش رزق این نقش مع اسماء الهی قبل
از طلوع آفتاب از عروج ماه اول زکوة بدین طریق و بعد که چهل نقش هر روز تا به یک
چاه نوشته در آرند گندم گوی بته بدیارسانیده باشد و هر روز یکصد و شستاد بار این اسماء
الهی قبل از نقش نوشتن میخوانده باشد و پیریز بازگ حیوانات صرف داشته باشد چون
برین منوال چهل روز تمام کند عامل شود پس بر روز یک نقش نوشته و حبیب یاد همیان ز
یاد رعله هر قسم باشد بین از دو یکصد و شستاد مرتبه این اسم بر روز وظيفه دارد و ان شاء الله
همیشه کیسند او از نذر پیرماند هر چند که صرف کند نمائی نشود و هر چند غلام که در اصراف آید

تمام شود و بر روزه نود اقل شده باشد تمام عدد این اسم یک هزار و شصت صد و هفتاد و یک عدد است
و این نقش باین نحیف از امیر انام بخش صاحب پیر زاده اولاد سید اشرف جهانگیر قدس سره
سره در مقام از وله بهر سیده و از موده شده است الا بغیر دادن زکوة بعل نمی آید اسما
که قبل نوشتن نقش خوانند ایند یا مقصود فتح بالخیر و نقش اینست

یخانه را خالی باشد	۴۸۴		
داشت	۴۷۰	۴۷۷	۴۷۷
عدد بالا نویسد			
۴۷۱	۴۶۱	۴۶۶	۴۷۳
۴۶۵	۴۷۴	۴۶۸	۴۶۲
۴۷۵	۴۶۴	۴۶۳	۴۶۹

نوعدیکر نقش در باب گزینته هر کس که باشد خواهد برده بود یا کنیزک و من بر چند کرد
باب دوم از آنچه که آیات کلام الله شریف بود درین مقدمه نوشته دادم و لیکن
درین باب اتمت از و خاص کرده به نقشیات است لکن نقش نوشته میشود
پانچ این نقش اگر برده یعنی غلام یا کنیزک گزینته باشد یا هر کسیله از زده
خاطر از خویشان خود در دست باشد نوشته از درخت بر سیمان سرخ ابریشم
بر بند و چون با و خاص آن نقش را به جنبه آن کس که رفته باشد بپیک
پیش آن دادم شده و باز گردید آنست الله تعالی نزه مالک یا پیش ولدین
آید این نقش مجرب و آزموده است و این نقش از غایت و مهم بانی نقش سید
بزرگ و اکل و متصل می باشد زمانه علامه که در مقام امیرام پور ساکن بودند
سبقت به بار آوریدند آن موده شده است و چون آن کس باز آید بر آن درخت
که نقش بر آنست سبقت به بار آوریدند آن موده شده است و چون آن کس باز آید بر آن درخت

نو عدد گیر در مقدمه زبان بندی کیسه حاسد و بگو باشد این نقش که از اسم الهی است و در وقت
بر آورده نوشته مجرب است و صفت این نقش در باب اول این چنین است فقیر رسید به بود و خیر است
ام پس این نقش در باب اول بدان مای نهاده و دانش بنکرده و سوزن دوخته بدین انداز
انشاء الله زبان آن نام بسته کرد و نقش معظم و مکرم و صلح اینست
نو عدد گیر نقش اسم شانی عنایت میرزا بخش صاحب رمال در
باب مریض بهر نوع یکا مریض داشته باشد کی نوشته در گلوش بند و چهار
نقش نوشته بنوشیدن در عرصه چهار روز صحت یابد و نقش مکرم و معظم اینست

۷۸۴

ش	ا	ن	ی	نو عدد گیر برای دفع چپک
۷۹	۱۱	۲۹	۲	عنایت فرموده میرزا علی شاه
۸	۷۸	۳	۲۸	بچه را که در موسم چپک اندیشه بر
۴	۲۱	۹	۷۷	آدن چپک باشد یا تپ چپک

در وجود آن کودک مستولی شده باشد پس دوسه نقش نوشته کی در چار پایی
سر به بند و یکی در بازوی آن بچه به بند و یکی نوشته بنوشاند بکرم الهی هرگز چپک بر
آید و اگر بر آید هرگز آن بچه اندا هم نرسد مطلق آسان گردد و خطای ندارد و نقش اینست

۷۸۵

یا ابراهیم	یا سیم	یا رحمن	الحمد لله رب العالمین
یا برهان	یا دیان	یا منان	یا حنان
بر حمتک	یا قیوم	یا حی	یا سلطان
حمید	الرا	حم	یا ابر

تو عدد یک نقش در مقدمه تسبیح فتوح من عنایت میر بهادر علی شاه صاحب ساکن هاشمی
 بمسار محراب و آزموده مطلق اگر این نقش در ساعت شتری بامشک و زعفران
 بطهارت تمام بنویسد و در کیسه زر بدارد انشاء الله هر روز در آن کیسه زر نوبه داخل
 شود و هر چند که اصراف کند زیاده تر آید و اگر غله بدارد و در روز غایتی جل و علایک
 فراوان ارزانی فرماید یعنی اگر غله صرف شود باز آنجا جمع گردد اگر در میان زمین
 زراعت دفن کند غله بسیار پیدا شود و اگر در دست خود بجای کلافی بر بندد دست هر
 روز پر از مال ماند محراب و آزموده است و اینست

۲۴۵	۹	۱	۶	۱۰۱
۱۱	ع	ع	ع	۶
ع ۱	۱۲	ع	ع	ع ۱
ع ع	۸	۳	۱۶	۱۶
۳۸۲			۳۱۹	

تو عدد یک نقش در مقدمه بغض و حسد اگر خواند کسی رتبه کند یا دیران کند سه روز و
 است و یک یک نقش بنویسد و بر پشت نقش مذکور اسم او و مادر او بنویسد و هر روز
 بوقت دو ظهر در جای تنهانشته همه نقش را در آتش تزیین بر آتش ساکن و بسوزد و از
 اعطینا میخوانده باشد و بجای لفظ تترسه بگوید که فلان هو الا عتره هو الا عتره هو الا عتره
 در عرصه سه روز بوجود دشمن آید خوانند اقتاد و تنه خواند شد اگر همین نوع سه روز نوشته
 بوقت دو ظهر بکناره دریای روان استاده شده اما اعطینا بطریق مذکوره بخواند و یک
 یک نقش بر ریای روان کرده باشد بیشک در عرصه هفت عشره آن کس از خانه نهد

ویران و تباہ گردیده او را دشت حرامان گزیده مجرب است و عنایت میر بهادر علی شاه
است چون به مطلب خود برسد یکبار بر روغن و شکر نیاز حننه ت عزرائیل دایم در بنا
آتش بسوزد و نواه بدریاند از دوالانه و بال بنو و خوابه افتاد بسیار فهمیده بکار نقش
معظم و کرم این است

۸۶

۱	۵	۷	۷
۶	۶	۱۷	۱
۹	۲	۱۲	۸
۶	۱۶	۲	۱۱

نو یک نقش حروفی معروف از بزرگ مجرب و آزموده در مقدمه بکار آید و این
نقش را برایتی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت می کنند از بزرگی باشد تا می
نیک است عزیز باید داشت و مع عبارت حنی و اسما و کل فی نویسد و بکار می برند
در مقدمه حب و بغض و تباهی دشمن و پیغمبر عالم عبارت مختلف نویسد بدین ترکیب که
من نوشتن ام اینست

۸۷

م	ح	م	د	ص	ی	ح	ت
ت	م	ح	ی	ح	ن	م	د
د	ت	م	ی	م	ن	ح	ح
ح	د	ح	ت	س	ی	م	ا
م	ح	م	و	س	ی	ح	ت

نخست علیکم و اقمتم علیکم یا رومانیل و یا شریحانیل و یا اعجمون انشفوا فلان بن
 فلان بحق اسم اعظم المجیبی و الصبور القوی فلان بن فلان فی قلب فلان بن فلان
 و در صورت حب عبارت مرقومه بنویسد و در صورت بغض کجا حب این
 بنویسد بغضوا فلان بن فلان بحق اسم اعظم المجیبی و الصبور بغضوا علیه بغض فلان
 بن فلان فی قلب فلان بن فلان و بر اسم شیخ عالم این عبارت
 بنویسد سخرونی قلب فلان بن فلان و بر اسم شیخ نیز عدد این کلمات که نوشته
 میشود برابر عدد شغفها جنانا الزاها فی ضلال مبین و ازین اعداد یک
 صد و سبست طرح دهد از باقی چهارم صد بگیرد و از خانه اول پر کند چهار در خانه بیفزاید
 و همراه این نقش اول بکار برد مثلاً ما عددش بر آوردم جمله دو هزار و هفت صد
 و نود و سه شدند ازین یک صد و سبست و یک طرح دادم باقی مانند دو هزار و سبست
 صد و هفتاد و سه صد چهارم آن گرفته شش صد و نود و سه شدند یک باقی ماند
 پس در هر خانه چهار چهار افزوده کرده بدین صورت نقش پر کردم و این است

۷۸۶

۷۹۳	۷۴۶	۷۳۳	۷۲۱
۷۳۷	۷۱۷	۷۹۷	درین خانه یک افزودم
۷۱۳	۷۲۵	۷۵۴	کوک باقی مانده بود
۷۵۰	۷۰۵	۷۰۹	۷۰۱
۲۸۹۳	۲۸۹۳	۲۸۹۳	۲۸۹۳

پس درین نقش بشمارید که جمله اعداد باوجود افزون چهار چهار در هر خانه دو هزار و هشت است

طهارت تمام نوشته بر آن نوشتن و در یک نقش نوشته بر بازوی یا در گلوئی
مرا این بر بند انشاء الله تعالی در اندک عرصه صحت مطلق یابد و باید که نقش مذکور
بسم الله نوشته بکار برود نقش معظم و مکرم این است

قلنا یا ابراهیم	و اما ما علی ابراهیم	و اما ما علی ابراهیم	و اما ما علی ابراهیم	فجعلنا هم الاخرین
۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶
۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶
۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶
۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶
۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶
۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶
۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶
۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶
۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶	۷۳۶

اے برادرین نقشها که بر دامن و دامن زکوة نوشته ام پس زکوة شین است که اکثر
جا بکثرت تمام نوشته میدی و کثرت درود شریف خواندن بینائی و هر یک که با تقوی و
طهارت باشد همیشه موقوف اقامت و روزه باشد و عبادت گذارد احتیاج در روز
زکوة با نقش نباشد الا بعد و زاهد شدن شریف است نوع دیگر این نقش
مغرب و از موده برای گریه کودکی است که کسی را کودک بسیار گریه و ناله کند و شب
و روز ناله باید که این نقش معظم نوشته در گلوئی آن طفل بر بند افضل
الهی گریه آن کودک موقوف شود و کثرت بسم الله و مکرم رابع اعدا بسم الله و تر کسیر
ایه شریف زیر آن نوشته است بسم الله و این خیال درین نقش گریه
درست نیاید و چند سکه گردانند نقش نیست

کتاب الحسین کتبات الحسین ۱۳۷۳ باب سوم

۷۸۶			
۷	۳۴	۱۳	۸
۱۷	۳۴	۶۱	۳۴
۱۷	۱۳۴	۷۱	۱۲۳
۷	۹	۹	۱۲

لَا يَرْوَنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا
 نو عدد گیر این نقش مجرب با سماء الهی براس هر مرض و آسیب و غیره بکار آید
 بهتر ترکیب که بنویسد اثر تمام بخششک نه آرد و چند بار در مقدمه مریض از موده
 این نجف است و در مقدمه حب نیز بکار آید نقش معظم و مکرم اینست بهین ترکیب بنویسد

بسم الله الرحمن الرحيم
 یا غفور یا غفور یا غفور ام ع ف ح ج م ا ع یا سید
 اشر ف جهانگیر بحق اسماء هذا و الجبرئیل

۷۸۶			
۲۳	۲۶	۲۹	۱۶
۲۸	۱۷	۲۲	۲۷
۶۸	۳۱	۲۴	۲۱
۲۷	۲۰	۱۹	۳۰۰

نو عدد گز نقش مجرب در مقدمه در دعوت اگر ز فی در در گرفتار باشد و کسی نوع
 بچه پیدا نمیشود باید که این نقش نوشته در ران چپ به بند و فوراً حکم آبی بچه پیدا شود
 لیکن بعد وضع حمل زود بکشد و نیز اگر کسی را بول بند شده باشد این نقش را نوشته
 در خدی آن بسته دهد بفضل الهی بول کشاده گردد این نقش را بسیار عزیز باید
 داشت و اگر قیدی که در قید شده باشد بر بازویش به بند داند الله زود را

یابد نقش معظم و مکرم اینست
 عزرائیل

نوع دیگر

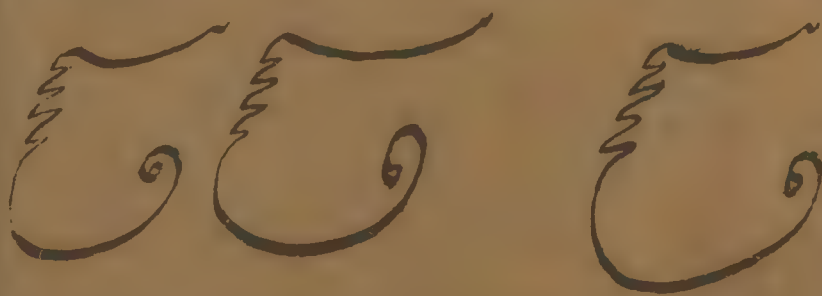
جبرئیل

۷۸۴

صورت این علامت بر آست
 دفع تب لرزه بسیار مجرب است
 باید که بر برگ پیل این علامت
 را بنویسد و بر مفت برگ بنویسد
 و همه را ایساند تب لرزه دفع گردد
 و اگر این علامت برای مصروع

ح	۱	و
۸	۱	۶
ح	۵	ز
۳	۵	۷
و	ط	ب
۴	۹	۲

میرکائیل
 اسرافیل از خون مرغ سپید بر برگ
 پیل نوشته در مصروع بند بچول و قوت الهی جل شان و اعظم نواله نضرع
 دفع دور گردد و این نقش مجرب و آزموده شده است از استادان فقیر رسیده اینست



نوع دیگر نقش مجرب در مقدمه کودک و محل خام که هرگز راحل خام میرود و یا محل در حقیقت قایم نمی ماند باید که این نقش نوشته یک به نوشتیدن دهد و دیگری را در گلو بند و یا این نقش را نوشته در کمر بند و نقش معظم و کرم بطوریکه نوشته است نوشتند

جبریل	آلهی محرمت عبد الکرم و نوح کریم	میکائیل
آلهی بخت عبد الجلیل را یا عبد الجلیل	<p>یا محمد یا محمد</p> <p>یا قیوم</p> <p>یا قایم یا قایم</p>	آلهی بخت عبد الرشید یا عبد الرشید
آمین	آلهی بخت عبد الرحیم گویند	آمین

نوع دیگر نقش برای آنکه هر کس را که کودک گریه بسیار کند و هرگز قرار نمیگیرد باید که این نقش چهار عدد نوشته یک در گلو و کودک به بند و دیگر سه عدد دست بنوشاند بفضل آلهی طفل قرار گیرد و از هر آسیب و سحر و نظر بد و غیره محفوظ و سالم ماند و این نقش را مضاعف اجل گویند زیرا یا خواص دارد هر که عامل باشد قدرش داند اگر وقت ولادت بعد تولد فرزند نقش نوشته و موم جامه کرده در گلو طفل بینداند و هرگز آن طفل حکم خدا نتواند و در مرض آم الصبیان و جموکه و غیره مبتلانه گردد و مادرش نیز اگر آنرا نویساند بر دیوار طرف نرسپانند کرم آلهی از هر وقت از هر آفت محفوظ ماند نقش کرم اینست

۷۸۶			
۸	۱۹	۲۲	۱
۲۱	۲	۷	۲۰
۳	۲۴	۱۷	۶
۱۸	۵	۴	۲۳

نوع دیگر این الفاظ را بطوریکه نوشته اند بهین صورت بنویسد و برای آماس گلو و آما سیکه در زیر گوش میشود بر آن ورم بر برگ پیل نوشته آن برگها را بر آن آماس بندد

انشاء الله آماس و درد هر دو موقوف شوند الفاظ ممدوحه که بسیار مجرب و آزموده اند باین نوع دیگر و مقدمه حب مجرب و آزموده غایت میر بهادر

علیه شاه صاحب ساکن هاشمی بنسار هر کسیکه بر شخصه عاشق یا اینکه تسخیر مرد یازن خواهد پس باید که این نقش را که هشت در هشت است در عروج ماه از اقبال روز دوشنبه

۷۸۶	
عق	عق
بیک	بیک

بکناره دریا روان رفته با وضو غسل نموده دوازده نوشته چهارده نقش بنویسد و هم بخاد اراد و شکر گوی بسته در دریا با میان دهد و باید که هر نقش مع اسما طالب و مطلوب بنویسد تا به سیزده روز شود از بهین طور نوشته و زحر اندازد چون روز چهارم و پنجم رسد بخانه نمود غسل نموده قدری برنج تنه تیار ساخته و ظرف گلی که نوباشد در آن گرفته برابر آن شکر و برابر آن روغن زرد و برابر آن موم و یک مرغ سفید همه را گرفته از کسی غن نگفته بکناره دریا اندک و رفته اول مرغ که باواز بلند بگوید که بگوید فوج کند و مثل دجیله شرمیه فوج کند و تمام اسباب مرغ زرد داشته فاقحه بر همه بنام موکلان این نقش و بنام پیغمبر صلعم دهد و بعد به دستور نقش نوشته و هر یک نقش را گوی بسته تا به سیزده نقش یک پیش خود دارد و دیگر در دریا اندازد و نیز بر آن نقش اسما طالب و مطلوب نوشته باشد و چون از نوشتن و گوی بستن فارغ گردد آن اسباب فاقحه مع مرغ و غیره هم بخادقن کند اگر بگذارد و هر که بخورد و شیک دیوانه خواهد شد و کار سال بر آید لهذا قن کند و گویا را در دریا انداخته باقی نقش را گرفته بخانه باز آید و آن نقش را طالب بر بازو بندد انشاء الله بیک ساعت مطلوب پیش او حاضر شود و اطاعتها کند و اگر آید دیوانه و مجنون گردد و در حصه چهارده روز پیریز جلایی و جمالی کند تا راست آید نقش معظم و مکرم اینست

جبرئیل ۷۶۶ عزرائیل

۱۲۰	۳۲	۳۰	۸۰
۳۸	۷۲	۱۲۸	۲۳
۹۶	۵۶	۱۶	۱۰۴
۸	۱۱۲	۸۸	۶۴

میکائیل ۲۷۲ اسرافیل

خوشبود گلها و غیره میباشند است و چراغ مسی اگر تیار کنند و در آن روغن کنند نهایت بهتر

و خود پیش روی چراغ نشیند و در روشنی آن نقش که در آخر عهد نوشته ام بنویسد چنانچه فلیته که

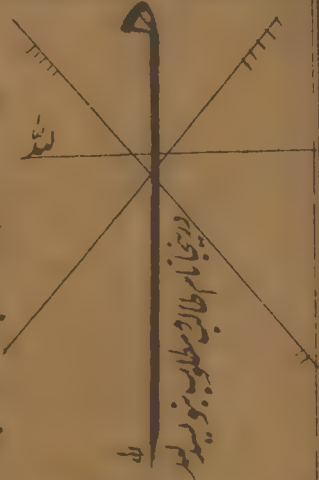
۷۸۶

روشن خواهد شد اینست

۱۰	۱۵
۱۵	۱۰
اسم مطلوب	اسم خود
اسم مادر مطلوب	اسم پدر خود

پس در روشنی همین فلیته نقش **بسم الله الرحمن الرحيم** اسماء الطالب مطلوب بنویسد و گوی بستر در آتش که لوان در آن سوخته است بیندازد همین طور سه نقش بسوزد و آن نقش مذکور بدین صورت

پس بعد سوختن نقش یکصد و یکصد و بیست گرفته بر سر
 پنج قل هوانه خوانده دم کرده در آتش بیندازد و در سنگام -
 انداختن میج گوید الساعة الساعة الساعة العجل العجل العجل
 بگردان زبان دول فلان بن فلان و اشغف دل زبان
 محبا پس بهتر میج را به همین نوع بسوزد و چون فلیته تمام شود
 بر خیزد و تا چهارده روز همین طور کند پس مطلوب مطیع و مسخر شود
 محرابست نو عدد دیگر طریقه دعوت نقش بسم الله بقاعده دیگر



از استاد می هم رسیده یا نقش مرعج که باین قاعده نوشته ام باید نوشت پس عامل بسم الله خواهی
 شد و این قاعده از همه بهتر است پس باید که بر روز پنجشنبه یا دوشنبه در ایام زاهد النور عشته اول
 آغاز نماید و در شب بعد از غروب پنجشنبه و بقیه مرتبه باین نوع بخواند واجب یا جبرئیل بحق
 بسم الله الرحمن الرحيم و بعد از نماز فجر نو و در آن نقش بر کاغذ سفید بنویسد و همه را جمع کرده

در دریا روان بیندازد و عزالت اختیار کند و در حجره اکثر نشسته باشد چون ضرورت باشد بیرون آید و نیز ترک حیوانات جلای و ترک لذات کند تا یک چله بعد تمام شدن عامل شد در هر مقدمه که نقش نوشته بکار برد و اثر تمام بخشد و اگر چیزی که از زبان هفت مرتبه دم کند شفا بخشد چون عدد سیم الله جمله مقصود و شستادوش اندازان عدد نقش مربع که از استاد در دعوت بدین صورت مقرر است این است نوع دیگر بدانکه نقش است

۷۸۶

۱۹۶	۱۹۹	۲۰۲	۱۸۹
۲۰۱	۱۹۰	۱۹۵	۲۰۰
۱۹۱	۲۰۳	۱۹۷	۱۹۴
۱۹۸	۱۹۲	۱۹۳	۲۰۳

در بستان در جهان هزار ترکیب مشهور است لیکن بصحت نرسیده که کدام صحیح تر است و نقش بستان در بستان عدد اسم بدو ح است و اکثر مردم مثلث پنج ترکیب بنویسند چون به دوسه طور باین فقیر این نقش بهم رسیده است و اکثر استادان معتبر بنیافته اند لهذا در اینجا یاد کردم و نوشتم اگر کسی بنویسد اثر دهد بجائی استعجاب نیست طریقه اول نیست - طریقه دوم اینست فافهم

۷۸۶

۱۰	۹	۱
۶	۲	۱۳
۳	۱۱	۵

۷۸۶

۴	۱۰	۲
۵	۱	۳
۶		

و باز این نقش معروف بستان در بستان از شاه غلام حسین صاحب

در گویا موباین فقیر رسیده حجر بستان اینست

۷۸۶

۸	۲	۱۰
۵	۷	۳
۳	۱۱	۶

دیگر آنکه نقش بستان در بستان چهار گوشه دارد این را در چراغ مسی بکنند و تمام مطلب آنچه که داشته باشند نیز بکنند و چیزی نیاز جناب یغمر صلح یا امام رضا را نموده چهل روز روشن کنند انشاء الله بمراد و نقش مدوح است

طریقه دعوت اسم بدو ح نقش بستان در بستان

۲۰	۷	۶	۲۰	۷
۲۰	۸	۷	۲۰	۴
۲۰	۵	۶	۲۰	۹
۲۰	۲۰	۲۰		۲۰

مربع پس باید که پنجاه روز با صد چهل توبخ بار باین طریق بخواند (احب یا جبرئیل حق یا بدو ح) و بعد از نماز فجر چهل نقش یا بدو ح بنویسد و یکبار کرده در دریا اندازد تا چهل روز همین طور حید کند بعد

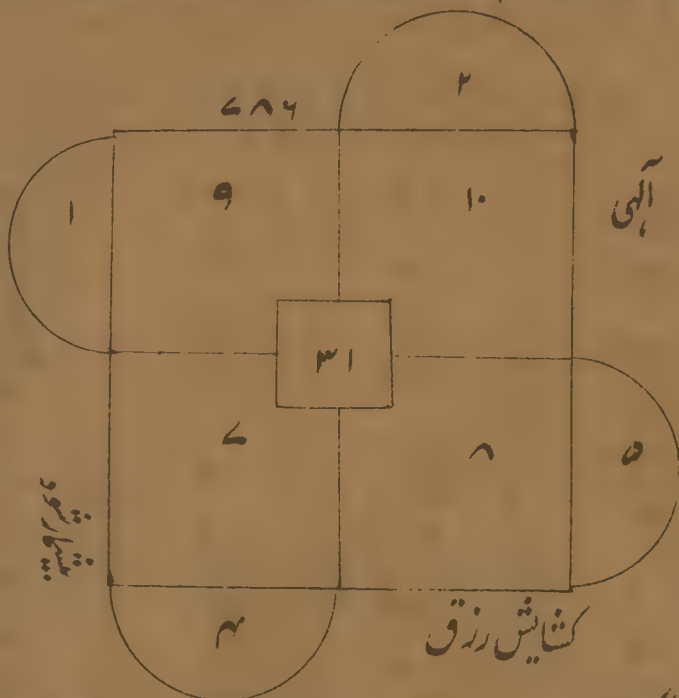
نصاب پنج یاده بار وظیفه نوشتن نقش مدام و همیشه دارد و هر یک را جمع کرده در دریا
و باید که چله از پنجشنبه در عشره اول شروع و آغاز کند پس چون بعل آید در هر
مقدمه آسیب و فتوح نویسد اثر تمام بخشد نقش اینست

۷۸۶

ب ۲	و ۴	و ۴	ح ۸
ح ۸	و ۴	و ۴	ب ۲
و ۴	ب ۲	ح ۸	و ۴
و ۴	ح ۸	ب ۲	و ۴

نوع دیگر نقش ثبت در سبت مجرب و آزموده است باید که این نقش را
بدین ترکیب بعمل آرد که تا سبت و یک روز به کناره دریا یا روان نشسته بنویسد
هر روز به باغش بویات و طهارت تمام سبت و یک نقش نوشته در آرد گوی سبت
سبت نقش در دریا یا روان اندازد و یک نقش باقی مانده را بر بازو
خوش به بند پس بر روز دوم آن نقش را که بر بازو خوش بسته است کشاده
یعنی از بازو خود کشاده در آرد گوی سبت به دریا یا اندازد و باز سبت و یک
نقش به نویسد و سبت را بدریا گوی سبت بینه اند و یک را بر بازوی خوش به بند
و هم چنین یعنی بطریق مذکور تا سبت و یک روز کند روز آخر نقش آخری بر بازو
خوش بسته دارد انشاء الله تعالی از بسیار و بیشتر آرد و فتوح در هر

مقدم یعنی در هر قسم رود و برای هر کار که بخواهید اثر دهد مجرب است و اینست



نو عدد گیر نقش حب مع آیات کلام الله اگر کسی پیش اینم نظام رفتن خواهد پس مراورا باید که آیه امظم را نوشته مثل تعوید سیاهی بالا کرده در موم پیچیده زیر زبان بمقام که دصا راست نهاده رود و کلام کند بیشک آن اینم نظام و حاکم مسخر شود و جسم گردد و همین آیه موصوف را عدد بر آورده نقش ربع بکند و اگر آن نقش نوشته مع اسم پدر مطلوب هر که را بنوشاند آن مطیع گردد و اگر آن نقش را بر بازو و غویش بسته

دارد عزیز خلاق گردد اینست

و تمت کلمه ربک صدقا و عدلا لا مبدل لکلماته و هو السميع العليم ط
و چون عددش بر آوردم دو هزار و هشت و هفتاد و شش عددش ندان را
حصه کرده نقش بر کردم بدین طریق نقش اینست

۷۸۶

نو عدد دیگر اگر کسی را اطلاق

۷۱۸

۷۲۲

۷۲۵

۷۱۱

عمل بود و او را امید فرزند
بود پس این تقوید را که بخشید

۷۲۳

۷۱۳

۷۱۷

۷۲۳

جناب محمد باقر شاه متقدّست

۷۱۳

۷۲۷

۷۲۰

۷۱۷

دو من شاه درویش مرحوم اله

ییا مزدست دو تقوید را بر

نگارند یکی را بر شکم زن به

۷۲۱

۷۱۵

۷۱۴

۷۲۶

بند و دیگری را در آب

شته بنوشاند بفضل تعالی مطلبش حاصل خواهد شد نقش معظم و مکرم اینست عزیز باید
داشت و از نا اهل پنهان باید داشت اینست

۷۸۶

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

صراط الدين
انعت عليهم
ولا الضالين
يعفران بآية

مالک یوم
الدين ایت وایک
المستقیم
الصراط

نوع دیگر از شیخ بهاء الدین آملی علیه الرحمة منقول است که این طلسم را هر کس که بر
مدار که آن برگ رزوده باشد بنویسد و در آتش اندازد مطلوب مطیع شود اینست

نوع دیگر این نقش

ط ط ط ط ط

احرق و اخذت

فلان بن فلان علی

حب فلان بن فلان
بالمحبة والسققة العجول

۱۳ الی ح ۱۲ الی ح ۱۱ الی ح ۱۰ الی ح ۹ الی ح ۸ الی ح ۷ الی ح ۶ الی ح ۵ الی ح ۴ الی ح ۳ الی ح ۲ الی ح ۱ الی ح ۰

ط ط ط ط ط

آیه شریفه در ب

لا تذر فی فردا

وانت خیر الی

است هر که را

اولاد نباشد

این نقش معظم

هر روز یک صد

و یک نوشته در آرد

گندم گولی بستره بدیاری سازد انشاء الله فرزندینه در خانه آنکس پیدا شود نقش اعداد آیه به این صورت اینست

نوع دیگر این نقش جناب فضیلت

ناب مولانا اسم الله صاحب سکنه

پهانی است و حضرت مولانا

صاحب مغفوره و مرحوم فرزندان

سید محمد حسین جاه بودند مولانا

را در عالم خواب بر سر

نقش را بخشیده و عشرت پشاور

۸۰۵	۸۱۸	۸۱۵	۸۱۲
۸۱۶	۸۱۱	۸۰۶	۸۱۷
۸۱۰	۸۱۳	۸۲۰	۸۰۷
۸۱۹	۸۰۸	۸۰۹	۸۱۴

که این نقش دولت متکثره است و صاحب دولت و افروخته است که هر که نزد خود دارد صاحب دولت شود و تخیر قلوب بر کس نماید نقش سمر و این ست عزیز باید داشت

نوع دیگر بر اے برده گریخته این
نقش نوشته زیر سنگ گران هنر حکم
الهی گریخته باز آیفش معظم این است

	224		
17	21	22	11
22	12	12	22
12	24	19	14
20	10	12	00000

4	6	8
1	5	9
3	7	2

تو دیگر نقش بر آب زبان بندی باید که این طلمسم را نوشته بر بازو خورش
بندد از بدگونی حاسدان محفوظ ماند نقش امنیت

هـ حاد ع ع ع ع بالله
لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

که علی مرتضی در دسریین طلسم نوشته بر سر بند در دفع شود و آن طلسم این است

نوع دیگر برای برده گرفته است.

نقش را که طاسمی است بنویسید

۱۲ ۹۱ ۹۱ ۱۱ ط ۱ و در مرتبه منقلب در کتبه

انشاء الله تعالی پرده گرختہ در عرصہ دوسہ روز باز آید نقش معظم و مکرم این است

نوع دیگر نقش عجیب

غریب که در عین تجربه و

کمال از مرزا خانی صاحب

معتقد حضرت دھومن شاه

صاحب در عین عنایت

بهم رسیده است

این نقش نادیدہ و نا

شنیدہ است برائے

ہر حاجت و ہر مرض بکار

می آید عامل خود قدر آنرا خواہد پنداشت ما را نوشتن بیچ ضرورت نیست پس نقش مکرم و معظم اینست فافهم

بسم الله الرحمن الرحيم

حق حق حق موجود

کشتگان	خنجر	تسلیم را	ہر زمان
خنجر	تسلیم را	ہر زمان	از غیب
تسلیم را	ہر زمان	از غیب	جانے
ہر زمان	از غیب	جانے	دیگر است

بقی ها صا حو صو می می آنچه کند بنده ضعیف البیان چه کند واضح باد که این عبارت
بر قومه زیر جدول آخر نقش بنویسد آنچه که به سطر اول است -

تو عدیکر این نقش معظم بر آید بر ده گریخته است اگر کسی را بر ده گریخته باشد نقش
موصوف را نوشته بر آنجا به بند که در باد متحرک شود انشا الله گریخته باز آید اکثر
بخت بر رسیده آید که در مربع خود نام گریخته بنویسد اینست

تو عدیکر بر آید

الله الرحمن الرحیم

حب از کرامات

است و گاهی

خطا نه کرده اکثر

در تجربه دوستان

آمده بایست که این

علامت را که مثل

نقش ست صحیح

مطلق بنویسد

که خطا بخورد و در

نوشتن به نوع اختیار دارد خواه بر پارچه کاغذ نوشته

عطر یا بت و شهادت بر کاغذ

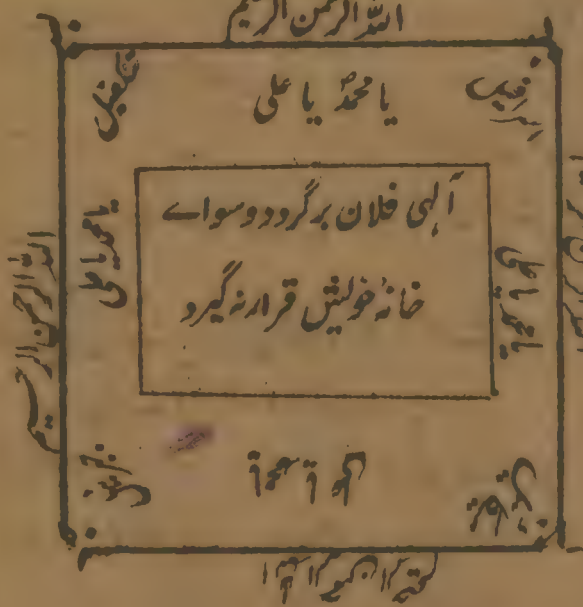
مالیده قیله ساخته در روغن خوشبو و در پنبه طاهر پیچیده و در چراغ نو نهاده روی

چراغ جانب مطلوب کرده روشن کند و خود حاضر ماند اگر قیله علی القوت از قیله شب روز یا هفته

روشن دارد مطلوب بقرار شده بیاورد ترکیب دم اینک بر شانه گوسفند نوشته شهادت مالیده

زیر آتش دفن کند آتش هر وقت بماند مطلوب بقرار گردد ترکیب سوم اینک در سفال آب نا

رسیده بنویسد و در زیر آتش بدارد مطلوب بقرار شود این عمل از فراطون ست و نیست



نوع دیگر این نقش
برای محبت و پیوسته
نمودن بنویسد
و در کوزه نهاده
قدری شکر بر آن
هند و آن کوزه
را زیر آتش دغن
کنند چندان که گرمی
آن آتش بوی

۶	۱۸	۱۱	۱۸	۱۱
ک	۱۸	۱۱	۱۸	۱۱
۱	۱۹	۱۱	۱۸	۱۱
لا	۱۸	۱۱	۱۸	۱۱
ه	۱۸	۱۱	۱۸	۱۱
۱	۱۸	۱۱	۱۸	۱۱
۸	۱۸	۱۱	۱۸	۱۱
۸	۱۸	۱۱	۱۸	۱۱
فلان بن فلان	ع	حب	فلان بن فلان	ع

رسد پس بعد از رسیدن آتش بر آن کوزه مدقونه انشا الله تعالی
مطلوب بے قرار شده حاضر گردد اینست

نوع دیگر این نقش را
بر که نزد خود دارد حق
تعالی آنرا از وبا
و بیماری طاعون
محفوظ دارد و نیز حیات
این امراض این نقش
را اگر نوشته در آب
تازه شسته بنوشاند

۳۷۲	۳۷۵	۳۷۹	۳۷۵
۳۷۸	۳۷۶	۳۷۱	۳۷۶
۳۷۷	۳۸۱	۳۷۳	۳۷۰
۳۷۷	۳۷۹	۳۷۸	۳۸۰

از کرم البان مریض شفا یابد و نیز صراحت این نقش از نظر بد و آسیب در حفظ خدا تعالی بود اینست

نوع دیگر این نقش برای بوا

خونی و بادی مجربست و عنایت

فرموده مرزا باقر صاحب

ساکن محله جامه بافان است

هر که نوشته در تقوید نقره نهاده

در دست بپندد بکرم آری از

۷۸۴

۷	۲	۹
۸	۶	۴
۳	۱۰	۵

بوی سیرانید اورا نرسد و اگر تقوید نقره ممکن نبود در مار نقره پیچیده بپندد اثر تمام بخشد اینست

۷۸۴

نوع دیگر این نقش

اعظم برای بوا سیر مجرب و کامل است

هر که این نقش را نزد خود دارد و به

طریقیکه اول مذکور شده است حق

تعالی از بوا سیر خونی و بادی قسم

شفا یابد و غلبه و ایداس بوا سیر مطلق غانده بکرم و فضل الهی نقش مدوح اینست

نوع دیگر این

نقش از عزیزان معروف

و مشهور است هزار بار

کس ازین صحت پذیر

شده اند برای بوا سیر

کامل ترست هر که بکرم آید صحت

شود نقش مدوح اینست

۷۸۴

۱۳۳۸	۱۳۴۲	۱۳۴۵	۱۳۳۱
۱۳۴۴	۱۳۴۲	۱۳۳۷	۱۳۴۳
۱۳۴۴	۱۳۴۷	۱۳۴۰	۱۳۳۷
۱۳۴۱	۱۳۳۵	۱۳۳۸	۱۳۴۲

این صبح آن رفته آن شیشی مذکور بیاورده در رگدز آن بر دو میان برده بشکند نشان
فورا قاطبه دشمنی شود نقش مدوح این است

۴۸۶

نوع دیگر قاعده عمل نقش حوالی بطرز

۴	۱۴	۲
۴	بحق یا مدوح فلان	
۴	بن فلان جدا شوند	۱۵

و طایق دوم از استاد ی بهر سیده
است و بغایت معتبر است یعنی این
نقش آتشی حوالی که بروش اسپ
و به یک چال فرزند تمام کند یعنی
تمام نقش بطوریکه زرد و چال اسپ

فرزند تمام کند نوشته باشد پس باید که به کنار دریا و روان علی الصباح
به سخن گفته رفته غسل کند بعد کعبه و نوشته چهل نقش مذکوره بنویسد و
آن هر یک را در روغن زرد و شکر و آرد گولی بسته جدا جدا بدین انداخته و بعد از آن
نقش را بخواند و یازده شب عزیمت بخواند چنانچه عزیمت این ست بدین طریق قافیه

اِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَ جَلَّ كُلَّ طَلٍّ عَطَا الْمَطْلُوْبَ

چون چهل روز بدستور تمام کند شخصی موکل حاضر آید و غرض پرسد چه مطلب باشد
عرض نماید اگر در عرصه چهل روز موکل حاضر نه آید و سه روز باز رفته آن نقش را کنار
روغن کند پس موکل زود حاضر شود اگر دست غیب طلب کند بدست آید و اگر
حوال حب نماید عمل حب آید الا منع مسکرات و زنا تمام عمر است فقط نوع دیگر
ترکیب همین نقش آتشی که ذکر رفته بطریق عمل دیگر بدست آمده که این هم معتبر است
اگر است باید که از عروج ماه تا چهل روز چهل نقش باین ترکیب بنویسد یعنی هر روز
چهل نقش محافظت عدد و اسم بنویسد یعنی بمقام عدد الف اسم موکل حیال

گوید و بجای عدد (ب) که دو عدد دارد بابت حیا لا گوید و بر عدد (ج) که سه عدد دارد
اسم جت حیا لا گوید و بر عدد چهارم (د) و ت حیا لا گوید و عدد پنجم که (ه) است
بهست حیا لا گوید و بر عدد ششم که (د) است بهست حیا لا گوید و زیر نقش اول
اسم یا حیطفورش بنویسد بدین طور که شک چشمه کشاده نماید و بر دز پنجم بهست
گولی بسته بدیر یا انداخته باشد بر اے قروح و حب و هر مطلب که بعد زکوة جاری کند
بلا شک اثر تمام بخش چنانچه نقش آتشی که بر اے هر دو طریق گفته ام این است

۷۸۶

نوع دیگر بر اے نان خور ایند

دزد این آیه شریفه بنویسد

دفلو لا اذا بلغت الحلقوم وانتم

حیث تنظرون ، باید که آیت

محکم نه نویسد که بی ادبی است

این نقش مرکب آیت مذکور

ست خواه تقوید در پنج خواه

۸	۱	۶
۳	۵	۷
۴	۹	۲

نقش بر نان بنویسد تا بی ادبی نه شود نقش نوشته نان را ملیده سانه دزد

را بخوراند هر که دزد باشد از حلق فرو میرود و نقش مذکور اعداد آیه شریفه اینست فاقیم

۷۸۶

۱۳۳۴	۱۳۳۵	۱۳۳۸	۱۳۳۷
۱۳۳۹	۱۳۳۵	۱۳۴۰	۱۳۳۷
۱۳۳۹	۱۳۵۰	۱۳۴۲	۱۳۳۷
۱۳۴۲	۳۳۸	۱۳۳۷	۱۳۴۲

نوع دیگر این نقش را نوشته در آب تازه شسته هر یک شش بهار بنوشند انشاء الله
هر کس که در دبا شد از آن روز تا یک هفته بیمار شود و جگر سست و نقش مضطرب اینست

۷۸۴

۲۰۸	۲۰۲	۳۱۰
۲۰۹	۲۰۷	۲۰۳
۲۰۲	۲۰۱	۲۰۴

نوع دیگر نقش اصل از مثلث بهر عضو است

و این نقش را نقش دل گو اگر کسی این چهار

نقش را زکوة دهد بدین نوع که تاسی و چهار

روز عزت گیرند و هر یک نقش راسی و چهار

بار هر روز نوشته گوی بسته بدیاری سازد و درین

چله پریز جلالی اختیار کند پس عامل شود و برای هر کار که بنویسد اثر تمام بخشد نقوش

۷۸۴

۷۸۴

۸	۱۲	۱۲	۱۳	۷	۱۵
۱۲	۱۱	۷	۱۲	۱۱	۹
۱۰	۹	۱۵	۸	۱۲	۱۰

۷۸۴

۷۸۴

۱۲	۱۲	۸	۱۰	۱۲	۸
۷	۱۱	۱۲	۹	۱۱	۲
۱۵	۹	۱۰	۱۵	۷	۱۲

نوع دیگر نقش کلام الله شریف صحیح الاعداد و براه تبرک نوشته میشود هر که نزد خود دارد
حق تعالی از جمیع آفات دینی و دنیوی او را محفوظ دارد عدد جمله قرآن صحیح مطابق چهل و

یک در و نو و نه لک و شصت و چهار هزار و شصت و هشتاد و شش از چنانچه نقش اینست

۷۸۶

۲۱ ۱۰۴۹۸۱۲	۲۶ ۱۰۴۹۸۱۲	۲۱ ۱۰۴۹۸۱۲	۲۶ ۱۰۴۹۸۱۲
۲۱ ۱۰۴۹۸۱۲	۲۶ ۱۰۴۹۸۱۲	۲۱ ۱۰۴۹۸۱۲	۲۶ ۱۰۴۹۸۱۲
۲۱ ۱۰۴۹۸۱۲	۲۶ ۱۰۴۹۸۱۲	۲۱ ۱۰۴۹۸۱۲	۲۶ ۱۰۴۹۸۱۲
۲۱ ۱۰۴۹۸۱۲	۲۶ ۱۰۴۹۸۱۲	۲۱ ۱۰۴۹۸۱۲	۲۶ ۱۰۴۹۸۱۲

این هر دو نقش ترکیب دو الکتابه نوشته شد که هر کس را سهل شود و با اختلاف اعداد اگر خوانند نقوش پر کنند بدین صورت اینست

۷۸۶

۷۸۶

۹۸۹	۲۰	۳۰۸	۷۲	۵۲	۹۲	۴۷	۲۵۹
۳۷	۷۳	۴۸۸	۲۰۱	۴۶	۲۶۰	۵۲	۹۳
۷۴	۳۰۱	۱۹۸	۲۸۷	۲۶۱	۴۹	۹۰	۵۱
۱۹۹	۴۸۶	۷۵	۳۰۹	۹۱	۵۰۰	۲۶۲	۴۷

نوع دیگر این بر سه نقوش را بر اے اینکه هر کسی را که فرزند در خرد سالی می برد این را
نوشته بر روز چھٹی در گلوے بچہ بیند از حق تعالی جلشانه او را از هر آفت و بلا
مخوف دارد و عمر زیاده عطا کند نقوش ممد و ماینند فافیم

۷۸۶

۷۸۶

۷۸۶

۲۳	۲۷	۳۱	۱۷	۸	۲	۱۱	۲	۱
۲۹	۱۸	۲۳	۲۸	۹	۷	۴		
۹	۳۲	۲۵	۲۲					
۲۶	۲۱	۴	۳۱	۳	۱۱	۶	۳	۶

نوع دیگر در جموگ دعوت سفت مرتبه بر هر طفل که خوانده دم کند یا نوشته دهد بفضله تعالی
رفع شود و باد دیگر در گلویش اندازد بکم خدا تعالی هرگز نه شود دعوت نکور اینست
- علیقا ملیقا خالقا مخلوقا کافعا شافعا رقصی رقصی بحق یا بدوح و تنزل من القرآن
ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لایزید الظالمین الا خسارا بحق اما سانا سالا سالا سالا
کبیرا بحق جمع حق یا الله یا الله یا الله

نوع دیگر بر اے در جموگ بر لوح مس یا آسن یا قهره یا بر زمین این نقش کرده یا بر کاغذ
در گلویش بندد ان شاء الله تعالی جموگ دفع شود و بکرم الهی باز خلل آن نشود نقش این است

۷۸۶

۳۳۳۰	۳۳۳۵	۳۳۳۷	۲۳۳۳
۳۳۳۱	۳۳۳۰	۳۳۳۴	۳۳۳۱
۳۳۳۶	۳۳۳۹	۳۳۳۳	۳۳۳۵
۳۳۳۹	۳۳۳۲	۳۳۳۲	۳۳۳۳

تو عدد یک چیز نقوش دست غیب مع نقش باسط محرب و نهایت معتبر تجربه نمود و از نمود
را بر منی نگارم اگر این همه نقوش را یا یک نقش را چهل و یک روز چهل و یک مرتبه هر روز با ترک
جیوانات بنویسد و آب روان هر روز انداخته باشد و خوراک غله نکند یا آرد و
بے نمک بخورد و بعد از مدت مذکور هر وقتیکه خواهد نقش مذکور را پر کند بفضل اله عامل گردد و
دوازده روپیه از غیب با و رسد نقش نامه معظم و مکرم اینست عزیز باید داشت
اجب یا رقمائیل حق یا باسط ۷۸۶
اجب یا جبرئیل حق یا واجب ۷۸۶

۶	۴۸	۱۸	۱	۸	۳
۳۶	۲۴	۱۲	۶	۴	۲
۲۰	خانه مطلب واجب	۴۲	۵	خانه مطلب واجب	۷

۷۸۶

۱۷	۹	۱۳	۱۵
۳۲	۱۴	۱۸	۸
۱۳	۲۹	۱۱	۱۹
۱۰	۴۰	۱۲	۳۰

۷۸۶			
باسط	تقاح	رزاق	منعم
۳۰۹	۱۹۹	۷۳	۳۸۸
۱۹۸	۱۳۶	۳۹۱	۷۴
۳۹۰	۷۵	۱۹۷	۳۰۷
۷۸۶			
ب	د	د	ح
ح	د	د	ب
د	ب	ح	د
د	ح	ب	د

تو عید گیر برائے بنہ شدن گل رفته اگر خون اسقاط جاری باشد برشته سرخ
برابر قد که از انگشت پائے چپ تا کچک سر بر پیچوده باشد بر آن هفت مرتبه این
اسم مع کلمه طیبہ خوانده گره دهد و بر هر گره هفت بار خوانده باشد و در کمر زن بربندد
از کرم الہی حملش برقرار ماند و هرگز نیفتد اینست

الصبروس لا اله الا الله محمد رسول الله

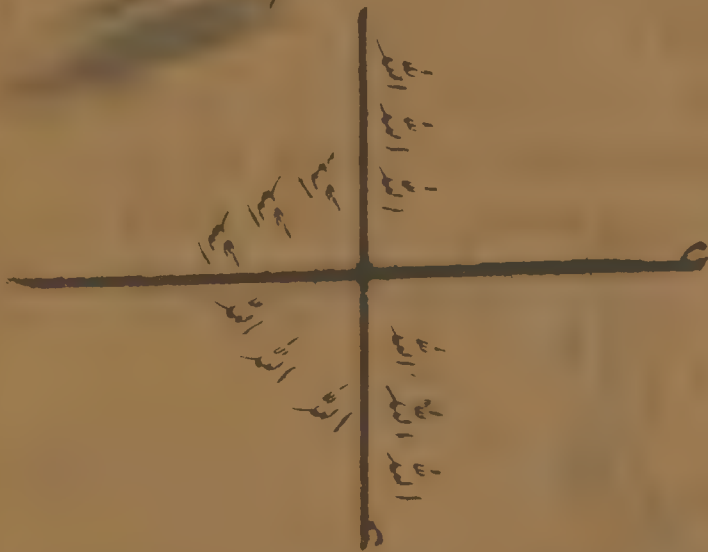
تو عید گیر برائے خلاصی مجبوس اول و آخر سه مرتبه درود یک صد و چهار مرتبه این

دعوت بخواند مجبوس زود رهایی یابد این است

یا غیاثی عند کل کرب و محیی عند کل دعوة و منادی عند کل شدة و ربانی
حین تقطع حیلتي فقط

تو عید گیر این اسماء را به طهارت تمام چهل روز چهل و یک بار بخواند شش تنگ
از غیب اور برسند اسماء مذکوره اینست

و پیکر بغض بر اے جدائی نوشته در گور کهنه دفن کند و در میان ظرف گل نهاده دفن
کند و ز بر تو یزد این آیه معظم بنویسد و باید که این عمل در آخر پاد بتای بخش در عمل آرد
نقش و آیه معظم اینند بدین صورت و شکل



قَالَ لِيَا فِرَاقَ يَمِينِي وَبَيْنَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ
الرَّحِيمُ

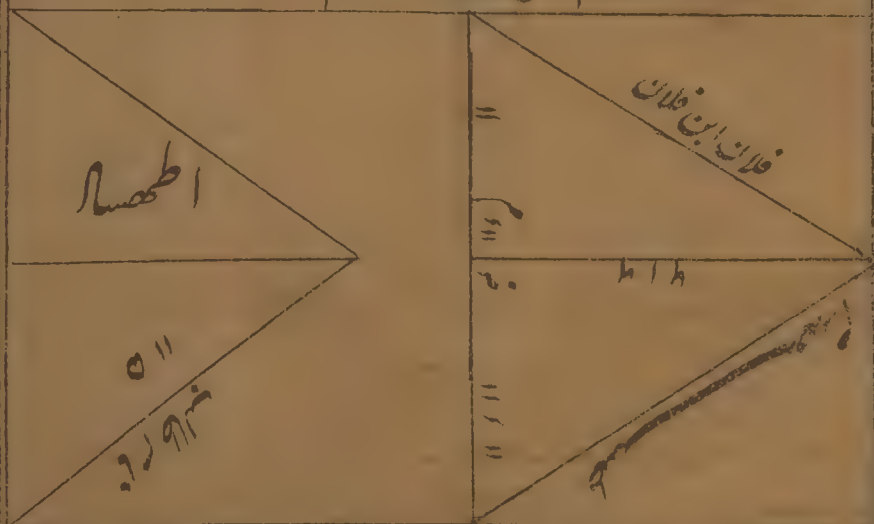
الحب مجرب باید که بر سفال آب ناریس و سه بار یافت بار نوشته آن سفال از روغن
نوشه و در پر کرده روشن کند و یا بر کاغذ خلیقه کرده از روغن ماده گاو یا روغن
عیلیل بسوزاند الله تعالی مطلوب بقرار شده حاضر آید و آن این است

ط ۶۱۱۶ ح

ط ۶۱۱۹ ح

فلان ابن فلان علی حب فلان ابن فلان بقرار گردد بحق الحب

این الفاظ را بر پایه کاغذ نوشته زیر سنگ گران بند و به پنج وقت نماز بر آن
 کاغذ پنج پنج کفش زند از قدرت خدا بر آن کس که نام او بر وقت کفش زدن گرفته
 باشد بر آن کس کفش خواهد افتاد و به پنج وقت این اسماء را هم خوانده باشد و بعد از صد
 بار یک نقش از زیر سنگ بر آورده کفش زند این عمل از کتب مقدس نوشته شده آزموده است
 این است (سر سابر صا سار سار ساطی آخر سا) و اگر نام مطلوب اسمای بزرگ
 نباشد بنویسد دیگر الحُبُّ بر سفال آب ناریده نوشته روغن خوشبودار بر کرده روشن کند
 یا بر کاغذ خلیقه کرده در چراغ نور روشن کند و روغن چرخ جانب خانه مطلوب کند و در
 خانه که نام طالب خواهد نوشت باینطور بنویسد که علی حب فلان بن فلان مجرب است
 و طلسم مدوح این است فافهم



تو به یکر عمل حب و تنجیم بن خواهی که کسی را حاضر کنی دانه بکش چنانچه نموده شد به
 بشک و زعفران بر پوست آب بنویسد و بنمونه کوچک بر هر حرف فرد بر این اسم از
 مجربات است و باید که این هم بخواند یا بدوح انشاء الله مطلوب بقرار شود و حاضر
 شده اطاعت کند نقش مدوح اینست

نوع دیگر چون برده کسے گریخته باشد باید که
هفت مرتبه سوره یسین بخواند چون بایه
مَنْ الْمَكْرَمِينَ رسد نام گریخته یاد کند و بر قفل
قف زند و به بند و قفل را در هوا اندازد
سرگردان شده باز آید خبر بست و آرزو
نوع دیگر برای عقد حل تا هفت روز مرد
وزن هر دو روز به اندازه وقت افطار این

۷۸۶			
ح	د	و	ب
۲	۳	۶	۵
۴	۸	۲	۷
۶	۲	۸	۷

مرح را بشک زعفران نوشته بخواند امید است که در عرض هفت روز حاکم شود این مست

بسم الله الرحمن الرحيم			
ط	س	ا	ب
۱۲	۳	۳۸	۱۹
۲۳	۴	۲۷	۱۸
۲۵	۵	۶	۲۳

نوع دیگر برای محبت در قند گوی بسته در آتش بسوزد و قف این است فافهم
و بعد ۹۹ و باید که برای محبت این بزر نقش بهم نوشته گوی در قند کوبسته
بخوراند محبت و الفت از طریق اول بسیار زیاد شود و چون دورا نور ایندن
تواند حرف و سخن را بسوزد و نیست

۷۸۶

۲۴	۸۲	۲۴	۸۶	۲۴	۸۹	۲۴	۷۵
۲۴	۸۸	۲۴	۷۶	۲۴	۸۱	۲۴	۸۷
۲۴	۷۷	۲۴	۹۱	۲۴	۸۴	۲۴	۸۰
۲۴	۸۵	۲۴	۷۹	۲۴	۷۸	۲۴	۹۰

۷۸۶

نو عدد گیر اگر خواہد کہ کسی را منفر کند
پس این شکل را بنویسد و در هر
قطب عدد این بر چهار اسم
ثبت کند آنچه کہ در آن وقت
اسماء طالب و مطلوب باشند و
این اعداد را در خانہ نامے بطریقیکہ

۸	۱۱	۹۹	۱۲	۱
۹۹	۱۱	۲	۷	۱۲
۳	۹۹	۱۴	۹	۶
۱۰	۵	۴	۹۹	۱۳

اضلاع و اقطارش راست باشند تمام وزن و خود نگاہدار و مطلوبش منفر شود اینست

۷۸۶

نام طالب	۱۶	۱۴۷	۴۰۴	مادرش فاطمہ
طالب				
۴۰۵	۱۳۶	۱۱	۱۲	۱۴۸
۱۳	۴۴	۴۰۶	۱۳۷	۱۱۴
۱۳۸	۱۳	۱۴	۱۴۵	۴۰۲
مطلوب عالم	۴۰۳	۱۳۴	۱۱	مادرش ضمیرا

تو عذیر که این نقش را در باره عداوت بنویسد و بر پاره کاغذ نوشته بشود و از
تنبان هر دو یکی را بخوراند چون آن شخص بخورد در میان هر دو جدائی افتد و قیامت قائم اینست

۲۵	۲۱	۲۲	۲۱	۵۵	۹
لا	ده	۶۴	۹۳	۷۵	۷
۴۲	ک	۶	ع	ه	۹۳

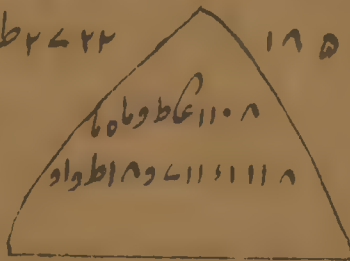
تو عذیر که این طلسم بر اے حب بسیار مجربست باید که این را در ساعت آفتاب
بر نشانه گوسپند بنام هر چهار کس نوشته در زیر نور یا دیگران دفن کند و در آتش بسوزد
در همان ساعت مطلوب بقرار گرفته و دیده حاضر شود طلسم اینست

۱۶۵۰۰۲۰۵۱۷ ط ۲۷۲۲

باب ۱۵

۱۱۲۵۱۱۱۱۱۱۱۱

ج



س

عذیر فلان بن فلان علی حب
فلان بن فلان

تو عذیر که این نقش را در باب حب بسیار مجرب و آزموده است اگر مطلوبان و فاراض
گرفته است یا محبت و التفات با و نمی کند پس باید که بساعت مثل زهره یا مشتری
و غیر آن این معطر نقش را بر پاره قرطاس با خنیاط نویسد و تعویذ موصوف را در
لوان و بخورات داده طالب بر بازو و خولیش به بند داند الله تعالی مطلوب

مطیع فرمان گردد نقش اینست

۷۸۶

نو عدد گیر بر اے خرابی دوکان اگر
خواهد که دوکان کسے از فرونت کردن
بند کند پس این صورت را نوشته
بدوکان او که اراده بدی نسبت آن
وارد و فن کند دوکان او مسدود خواهد
شد افضله و کرمه تعالیٰ صورت مذکور
اینست که در خانه که انقض روزگار است

۴۳۹	۴۳۲	۴۳۷
۴۳۴	۴۲۶	۴۳۸
۴۳۵	۴۳۱	۴۳۳

در خانه که نطق نام است
آنجا نام دوکاندار
بنویسد

آنجا پیشه دوکان دار بنویسد
و در خانه بنویسد
بند شود
ط
۵

ع ۱	نام	۱۳	روزگار
۱۶	بند	۱۷	۱۸

نو عدد گیر عمل حب مجرب و آزموده باید که بر روز پنجشنبه در اول ماه شهری این
نقش نه عدد بنویسد و در آرد گنم گولی بسته در دریا اندازد و در نیمی رشت
نوشته و گولی بسته در دریا راند و آن انداخته باشد و در آرد گنم گولی بسته
۷۸۶

۴۰	۳۲ ۶۷	۱۳۰۳
۲۴۶	۱۶۳	۳۳۴
۲۰۳	تمام مطلوب فلان بن فلان الحب فلان بن فلان	۲۶۶

کسی را که عشق خود قرار
داده این نقش را
بر پیشانی بنویسد و روز
پنجمه بنویسد و بر
شانه گرمی آتش

برسان بروقت گری شانه منسوب ببقیر از نوایر شد انشاء الله تعالی نقش این ست

نوعدیکر برای زبان بندی این

طلمسم را نوشته در کلاه خود بدارد

از فضل خدا تعالی زبان جمیع بد

گویان بسته شود و آن میطیع شوند

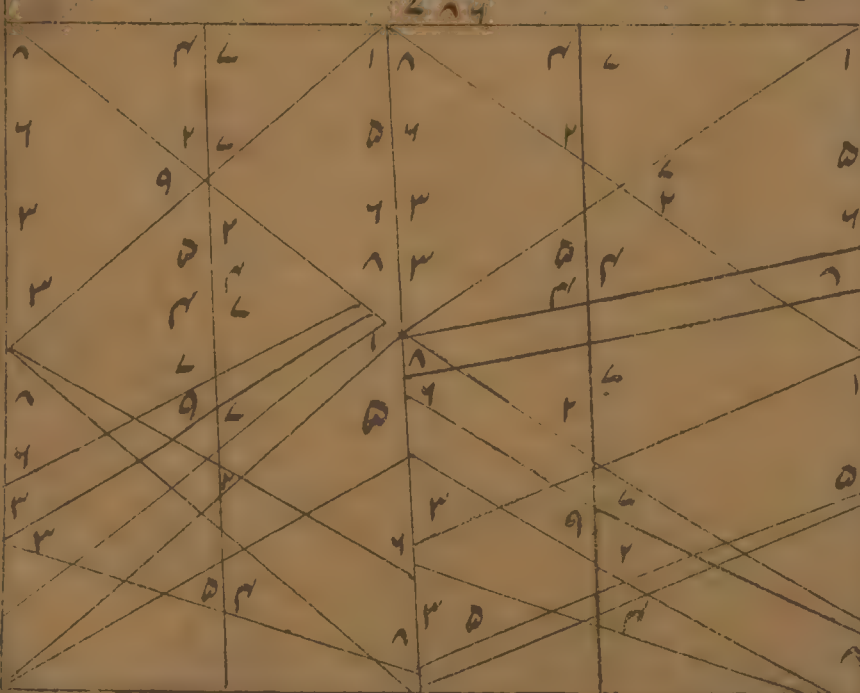
طلمسم موصوفه این ست قافهم

۲	۵	۴
۹	۵	۱
۳	۴	۸

۸ ۱۱ ۱۱ ۸ ۹ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۲ ۱۱ ۸ ح

ح در س ص ط ع ک م

نوعدیکر از امیر پناه علی صاحب در باب گرختیه و گم شده مجرب و آزموده است این
نقش نوشته در زیر سنگ گران بار نهند بیشک گشت باز آید نقش معظم و مکرم این ست



نوع دیگر این نقش محکم و مکرم را اگر زکوة دهد قدرش پندار هزار با خواص دارد و بر
صورت دیدن زرد در خواب بسیار مجرب است باینکه اول یک لک و البته و
پنج هزار نقش نوشته در اردگولی بسته بترسانند تا عامل شود هرگاه که زرد در ریاضت
منظور باشد این نقش نوشته بر کف دست راست نهاده کفید هر که زرد باشد صورتش
در خواب باین نقش محکم و مکرم اینست

624

۲۰۰۹۱	۲۰۰۹۲	۲۰۰۹۳	۲۰۰۹۴
۲۰۰۹۵	۲۰۰۹۶	۲۰۰۹۷	۲۰۰۹۸
۲۰۰۹۹	۲۰۰۹۰	۲۰۰۹۱	۲۰۰۹۲
۲۰۰۹۳	۲۰۰۹۴	۲۰۰۹۵	۲۰۰۹۶
۲۰۰۹۷	۲۰۰۹۸	۲۰۰۹۹	۲۰۰۹۰
۲۰۰۹۱	۲۰۰۹۲	۲۰۰۹۳	۲۰۰۹۴

نوع دیگر این نقش بر اے عشق مطلوب عنایت فرموده میر علی پناه صاحب الزخاوی
که کسی را در عشق خود به قرار کنی این را بنام چهار کسان نوشته و زیر آن نقش
دقن کند ان شاء الله تعالی مطلوب بقرار شود نقش نیست

۷۸۶

۳۲۱۶۸۰	۳۲۱۶۸۳	۳۲۱۶۸۶	۳۲۱۶۸۳
۳۲۱۶۸۵	۳۲۱۶۸۸	۳۲۱۶۸۹	۳۲۱۶۸۴
۳۲۱۶۸۵	فلان بن فلان طحطی ۳۲۱۶۸۸ فلان بن فلان	۳۲۱۶۸۱	۳۲۱۶۸۸
۳۲۱۶۸۲	۳۲۱۶۸۷	۳۲۱۶۹۰	۳۲۱۶۸۷

تو عدد گیر این نقش معظم و مکرم از اعداد سوره الیسین علیه السلام است به کار
که بنویسد اثر تمام بخش سابق ازین نقش محض نوشته ام این بدیگر طور بهم
رسیده اعداد جمله ۵۰۶۵۳۲۱ نقش اینست

۷۸۷

۵۳۹۱۳	۵۳۹۱۶	۵۳۹۱۹	۵۳۹۰۵
۵۳۹۱۸	۵۳۹۰۶	۵۳۹۱۲	۵۳۹۱۷
۵۳۹۰۷	۵۳۹۲۱	۵۳۹۱۴	۵۳۹۱۱
۵۳۹۱۵	۵۳۹۱۰	۵۳۹۰۸	۵۳۹۲۰

تو عدد گیر نقش سوره الیسین صلی الله علیه و سلم غایت فرموده جناب طوفانین العابدین

صاحب و از حافظ صاحب ارشاد است که درین نقش استادان در اعداد و اختصار اکثر کرده اند اما مجرب ترست در هر مقدمه حب و بغض و شفای مرض و علوم را تب و دفع سحر اثر تمام دارد چنانچه اعداد و سوره از طریق خود جمله ۶۷۹۲۳ نوشته اند اینست

۱۶۹۷۲	الله	۱۶۹۷۴	الله	۱۶۹۸۲	الله	۱۶۹۸۴	الله
۱۶۹۷۳	الله	۱۶۹۷۵	الله	۱۶۹۸۳	الله	۱۶۹۸۵	الله
۱۶۹۷۶	الله	۱۶۹۷۸	الله	۱۶۹۸۶	الله	۱۶۹۸۸	الله
۱۶۹۷۷	الله	۱۶۹۷۹	الله	۱۶۹۸۷	الله	۱۶۹۸۹	الله
۱۶۹۷۸	الله	۱۶۹۸۰	الله	۱۶۹۸۸	الله	۱۶۹۹۰	الله
۱۶۹۷۹	الله	۱۶۹۸۱	الله	۱۶۹۸۹	الله	۱۶۹۹۱	الله

تو عید گیر چون این نقش را زیر بالین خود نهاده بختی صورت دزد و در خواب ببیند اینست

۱	۷	۳	۶	۱	۷	۳	۶
۵	۷	۲	۷	۵	۷	۲	۷
۶	۲	۹	۷	۶	۲	۹	۷
۶	۴	۵	۳	۶	۴	۵	۳

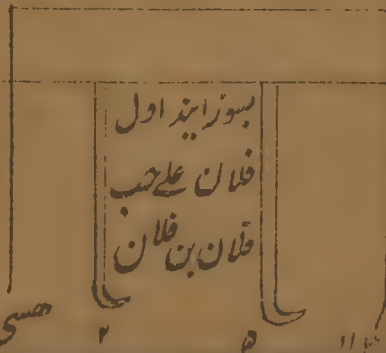
۷۸۶				۷۸۶			
۸	۴	۷	۱	۸	۴	۷	۱
۶	۲	۷	۵	۶	۲	۷	۵
۳	۹	۲	۶	۳	۹	۲	۶
۲	۵	۴	۸	۳	۵	۴	۸

تو عید یار عنایت میزین العابدین صاحب بطریق فلیته در ساعت عطار و دوشتری
نوشته بروغن خوشبو دار روشن کند و روئے چراغ بجانب خانه مطلوب
کند یقین است که در هر فلیته مطلوب زود بقرا گردد و دیده آید فلیته انیت

۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰

صراط

طریق



۶۸۱۱۸۶

نوع دیگر این نقش بسیار مستحکم و محرب در باب زبان بندی کامل الطریق عنایت جناب
زین العابدین صاحب یابد که این نقش مدوح را بر پاره کاغذ سیاه نوشته مع
هر چهار اسم زیر سنگ گران بابر تذهیب یک زبان حاسدان بنگردن نقش معظم و مکرم اینست
نوع دیگر عنایت فرموده لا اچند

۷۸۶

صاحب در باب ایندادن
دزد و دزدی و غیره باید که این
نقش را سه عدد یا سفت عدد مثل
قلیته ساخته در چاغ روشن کند
صاحب مال کند یا سه تعوید نوشته

۱۴۵۸	۱۴۵۱	۱۴۵۶
۱۴۵۳	۱۴۵۵	۱۴۵۷
۱۴۵۴	۱۴۵۹	۱۴۵۲

در آتش بسوزد یا در سکوره نوشته در آتش دفن کند بیشک دزد را ایند اچنان برسد که مال
دزدیده باز دهد و اگر نه دست آیند و بیار مطلق خواهد شد نقش مذکور و معظم این است
در صورت اگر برین صورت

۷۸۷

مال بدست نه آید باید که سوره
اِنَّا اَعْطَيْنَا رَابِعًا وَبِکَ مَرْتَبَةً
اول بر سه سون یا رانی دم کند
و بدستور نسبت و یک مرتبه
سه بار دم کند و در لوبان
سه سون سلامت
آمیخته در خانه نماحب
مال دود کند سه روز
بیشک دزد را ایند ارسد

۱۱۱	۱۲۴	۱۳۱	۱۱۸
۱۲۲	۱۱۷	۱۱۲	۱۲۳
۱۱۹	۱۲۶	۱۲۳	۱۲۴
۱۲۵	۱۱۴	۱۱۵	۱۲۰

ولیکن بجای هو چنین گوید بواسطه مال فلان ابرتر ابرتر و اگر بدین صورت سه روز بتاریخ ۲۶ - ۲۹ - بر خاک دم کرده در دوکان و مکان دشمن اندازد و بیشک دشمن و دوکان و خانه اش ویران گردد و مجرب است

نوع دیگر سوره اذ از زلزله الارض زلزله ها را بر بنوله چهل و یک مرتبه بر بنوله یک مرتبه خوانده دم کرده بدین تدبیر و هد که در آخر سوره هر بار گفته باشد که فلان در حب من سقیر شود مع بسم الله هر بار خوانده باشد پس هر مرتبه بنوله را در آتش بیندازد پس انشاء الله تعالی در عرصه است و یک مرتبه بیشک دشمن حاضر شود

نوع دیگر برای قنوجات این نقش را نوشته هر روز دو نقش را در دریا اندازد انشاء الله در عرصه هفت روز فائده آن بیند و ترکیب دوم این نقش را یک یک نقش هر روز نوسه مع آسم در چراغ روشن کند یعنی که در عرصه سه روز فائده آن بیند نقش این است

نوع دیگر عمل بغض مجرب است

که هفت عدد کنکر ملک طعام

گرفته بنام هر دو کسان

مع اسم مادران شان این

ایه معظم خوانده دم کند و در

آتش بریزد از بیشک جانی

افتد باید که بر هر کس هفت

بفت مرتبه دم کند

ب	۲۱	۲۲	۱۶
۲۳	۱۴	۵	۳۰
۱۲	۱۸	۳۶	۹
۲۴	ح	۱۰	۲۰

و هر بار در آتش افکند هر روز شنبه یا شنبه بود مجرب است و این و جملات من اینیم

و من خلقهم سدا فاعشیا هم فهم لایبصر و نوع دیگر در باب خب چند بار

شد باید که بروزی که شب یک چنگ طلبیده درج کرده در خون او این نقش بنویس

و همان روز او را بر ششم سرخ بسته بد رخت بیاویزد اگر خواسته خداست معشوق
آز رده چند سال حاضر شود نقش مذکور اینست

۷۸۶

۳۷

۲۷

فلان بن فلان

در جب فلان بن فلان

مقرر شده حاضر شود

۱۱

۱۱

۱۱

نو عدد بگیرد ای حُب باید که بد روز یکشنبه گل از چاک بیارد که از کلال باشد و از آن
گل لوح بسازد و بر آن لوح مذکور نقش پر سازد و صورت مطلوب بر هم کشد و آتش بگذارد
بسوزاند و چهل و یک فلفل گرفته بر هر فلفل چهل و یک مرتبه قل غویز برب الناس بخواند و اگر
نخواند هفت مرتبه بخواند و در آخر سوره گفته باشد که سوختم دل و جان فلان بن فلان را و اول
فلان بسوزان و چشم گیر کنان تا آنکه فلان مراد بنید قرار آورد و نباشد پس هر فلفل را در آتش
انداخته باشد و لوح را زیر آتش چنان ببرد که بر نگذرد نقش آتش باشد عین خود
نباشد ان شاء الله تعالی مطلوب حاضر شود و اطاعت کند نقش که بر لوح
نوشته میشود این است

۱۱۷

۱۱۶

۱۱۵

۲۲۲

نام مطلوب اینجا بنویس و لوح را

۱۱۴

بسیار کلال ۱۱۸ باید ساخت

۱۱۵

۱۲۰

۱۱۹

نمودند یک نقش بر اے زبان بندی مجرب و کامل ترست باید که دو نقش نوشته یکی را
 بر قریب بجا بست دست راست مرده دفن کند و یکی بر بازوی خود بندد زبان بدگویان بسته شود
 اینست
 نو عدد یک بر اے زن که فرزند نشود باید که سه

تعویذ از مشک و زعفران بر روز یکشنبه بولید
 و از شب جمعه در شیر شسته تا سه روز مردوزن شود
 و بر سه روز باجم موصلت نماید انشاء الله تعالی بحیه
 صحیح و سالم پیداشود مجرب و آزموده است و بار بار بجزیه رسید نقش این است

۳۶	۳۵	۳۳	۳۲
۳۴	۳۱	۲۸	۲۷
۲۲	۲۹	۳۲	۳۱

تو عذرا بگر مراے دفع درد شکم از منی واسپ رعیه و بنوایید و شستنه بر است نوشین
و بد بفضلہ تعالی در روز دفع شود نقوش بر و آیند

604

یا خیر	یا ہے	یا قیوم	یا احد
یا حمید	یا عزیز	یا بصیر	یا لطیف
یا کریم	یا باری	یا غنی	یا قریب

6 7 8

1	5	2	1
1	100	10	1
190	4	12	11
11	11	199	1

نوعدیگر این ترکیب براسه سبتن خواب بخراب است باید که بر کاغذ نوشت یک شیخ
بناجمید و زیر بالین خود بدارد و بخسپد خواب مطلوب بند شود ترکیب مذکور اینست
سم الله الرحمن الرحیم الحمد لله بستم رویش رب العالمین بستم مولیش و بستم دلها و جگرش
بستم لباش الرحمن بستم گوشش مالک یوم الدین بستم سینش علی حب فلان بن فلان
ایک بغم بستم شکمش و ایک نستعین بستم زانیش ایضا بستم دستهایش صراط
الدین بستم پایش اعنت علیهم غفرلهم غیره و الاضالین امین از

یعنی در میان دیوانه پران مستقیم شمایز به بندیه تان کشایم تا آنکه کشایید محبت
 احببنا اشرا حیا فلان بن فلان العجل العجل العجل العجل العجل

الیوم الیوم الیوم

نوع دیگر برای دفع جو که روز تولد فرزند در گلوے فرزند ویکی در گلوے
 مادرش به بند و تا چهل روز در گلوے بسته بدارد الفاظ مذروه و موصوفه اینند
 و مجرب تر اند فافهم بسم الله الرحمن الرحیم حلیو بلیوس مرلوش رلوش
 معلوش مرلوش میلومالیش ایسا و مادر یا فسر و یا جون

ایونون

نوع دیگر برای عجب بروز یکشنبه بر نان نوشته سگ را بخوراند چون سگ
 برگاه بنگ کند آن کس بکس قرار گردد و فریفته و فرمان بردار شود و اگر برای
 محبت زن کند ماه سگ را بر نان نوشته بخوراند اینست

لا ع بد ع لا ع

حسین

نوع دیگر برای زبان بنای و کینه

این عمل نوشته با خود دارد جایگزین

از بیگونی محفوظ ماند یا اینست فافهم

دیا قاهر و البطش الشدید است

لا اطلاق انتقامه و عقده

اللسان فلان بن فلان

علی حب فلان بن

۱	۱۱	۶	۶
۴	۱۸	۵	۳
۱۰	۰	۷	۱۷
۱۹	۷	۲	۸

نوع ششمی برای زبان بندی این را بقیه چهار
 هم نوشته با خود دارد زبان به بند

۷۸۶

ف	ت	ا	ح
ح	ا	یا ایفیا قح	ف
ت	ف	روزی از غیب برسد ح	ا
ا	ح	ف	ت

نو عدیگر این طلسم را
بر پارچه کاغذ مهر دار
از زر عفران و مشک
نوشته در طعام
آلوده و مخلوط کرده
به مطلوب بخوراند
و یکم نوشته پیش خود
دارد ان شاء الله تعالی
مطلوب مطیع

اگر در این است

ا د ا د ده ا ا ۰ ۹ ا د ا د م ا ا د ده ۹

را ح ا د م ا ا ۰ ۹ ا د ا د م ا ا د ده ۹

علی حب فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان -

نو عدیگر این طلسم بر جامه مطلوب نوشته در چراغ
او بقرار و بتیاب شود طلسم این است

ا د ا د ده ا ا ۰ ۹ ا د ا د م ا ا د ده ۹

اسم فلان

فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان
نو عدیگر این طلسم را بر وزدوشن بیاغت
اول نوشته و آتش بیندازد ان شاء الله تعالی

۷۸۶

۱۰	۴۵	۳۴	۷	۱۱	۱۲	۴۶
۹	۱۹	۳۴	۱۷	۲۰	۳۵	۴۱
۸	۱۸	۲۴	۲۳	۲۵	۳۲	۴۲
۴۹	۳۷	۲۹	۲۵	۲۱	۱۳	۱
۴۸	۳۶	۲۲	۲۷	۲۶	۱۴	۲
۴۷	۱۵	۶۱	۳۳	۳۰	۳۱	۳
۴	۵	۶	۴۲	۳۹	۳۸	۴۰

نوع دیگر اگر این نقش نوشته در بازوی خود به بند و برگزبان خدا تعالی
مفلس نگردد و خبیث او از غیب برسد اینست

هو الرزاق — على الاطلاق ۱۱ ۹ بسط ۱۱ صا

ولع

نوع دیگر برای محبت بقید چپا را اسم بزرگ هر درختیکه باشد بنویسد و زیر آنش بنویسد

ط ع ا ص س

احب يا تكفيل بحق يا قيوم

يا حي الالهواحي القيوم ططط
٥٥٥

نوع دیگر برای در دیستان این نقش منظم نوشته شده بنویسند و یکی در
گمردن اندازد و دفع شود نقش این است

گمردن اندازد و دفع شود نقش این است

نو حکم گیر بر اے تنہا لڑو امین

نقش کمر را نوشته در بازویش بندد

کینش نوشت ابدان

مکتوبہ

474

1	10	14	2
14	7	2	12
4	10	14	3
14	2	0	11

684

106	14.	142	10.
142	101	104	141
102	140	103	100
109	102	102	142

نوع دیگر برای دفع درد سر این نقش معظم را بنویسد و در سر بندد و این است

۷۸۹

۱۷	۲۸	۲۷	۲۸
دب	۲۱	۱۶	۷
ک	۳	۲۰	۱۷
۲۹	ح ۱	۱۹	۱۳

نوع دیگر برای دفع درد نیم سر این نقش نوشته هر روز در آب تازه شسته
 بوقت صبح بنوشد ان شاء الله درد نکورد دفع گردد اینست

نوع دیگر برای دفع درد نیم سر
 این نقش معظم و مکرم را به ساعت
 سعید بنویسد و در سر به بندد به کرمه
 نقاشی عزوجل درد نکورد دفع
 گردد اینست

صلح			مولوس
یابو ح	یابو ح	یابو ح	

عزرائیل ۷۸۹ جبرئیل

۱۶۴۴	۱۶۴۷	۱۶۵۲	۱۶۴۷
۱۶۵۱	۱۶۴۸	۱۶۴۳	۱۶۴۸
۱۶۴۹	۱۶۵۴	۱۶۴۵	۱۶۴۲
۱۶۴۶	۱۶۴۱	۱۶۴۰	۱۶۵۳

اسرائیل میکائیل

نوع دیگر برآی دفع آسیب این نقش نوشته در گلوے بر بند و باذن خدا تعالی
آسیب از مریض دفع شود اینست

نوع دیگر بر زنی را که حمل بر بار سقط میشود
باید که این نقش نوشته در زبان حمل در کمرش بندد
بفضل خدا تعالی حملش قایم ماند و فرزند زربینه
پیدا شود نقش مذکور اینست فافهم ط ط ط
نوع دیگر برآی محبت اگر این نقش را نوشته
در شربت شسته مطلوب را بنوشانند

در محبت بقرار شود

نقش اینست ط

۷۸۶

۷۸۶			
۱۷	۳۱	۳۷	۲۴
۲۸	۲۳	۱۸	۳۰
۳۲	۲۵	۳۳	۱۹
۳۲	۲۰	۲۱	۲۶
۷۸۶			
۶۵	- ۵	۷۵	۷۲
۷۶	۷۱	۶۶	۷۷
۷۰	۷۲	۸۰	۶۷
- ۱۱	۶۶	۶۹	- ۳

۵	۱۸	۱۵	۱۲
۱۶	۱۱	۶	۱۷
۱۰	۱۳	۲۰	۷
۱۹	۸	۹	۱۴

نوع دیگر برآی کشاوران بول خواد مردم خواه
یوان این طلسم بر هر چهار دست
وپای نوید بولش کشاده گردد اینست

عطس بر دست راست و بر دست چپ عطسیت و بر پای راست
عبطوسا و بر پای چپ عطس چون بول شود نقوش را محو کند مجرب است
عزیز باید داشت و رکاش اینکه بهر کس یاد داند

نوع دیگر برآی برده گر بخت این نقش معظم را نوشته بساعت سعد بر درخت
کلان بمقام بلند بند تا از باز بجنبه و اگر سمت گر بختن معلوم بود روے نقش
به همون سمت کند انشاء الله تعالی اگر بخت زود باز گردد نقش معظم و مکرم این است

۷۸۶

۲۴۹	۲۵۲	۲۵۷	۲۴۲
۲۴۶	۲۴۳	۲۴۰	۲۵۳
۲۴۴	۲۵۹	۲۵۰	۲۴۷
۲۵۱	۲۴۶	۲۴۵	۲۵۸

نوع دیگر را سبزه برده گریخته این نقش نوشته بر چرخه بند و منقلب گردش دهد
گریخته سرگردان شده باز آید اینست

۷۸۷

۲۵۹	۲۶۲	۲۶۷	۲۵۲
۲۶۶	۲۵۳	۲۵۸	۲۶۳
۲۵۴	۲۶۹	۲۶۰	۲۵۷
۲۶۱	۲۵۶	۲۵۵	۲۶۸

نوع دیگر را سبزه برده گریخته این نقش معکوس نوشته در چاه بیندازد چون نقش
گذاخته شود گریخته بقیه را گردد و زود به سمت خانه منعطف گردد و باید که تا آمدن او
نقش در چاه انداخته باشد اینست

۷۸۶

و	د	۶
د	ع	ر
۴	س	۸
ع	۲	رست

نو عدد پیکر این نقش را بر آذوقه جمو که بنویسد
 و در گلوے کودک بیند از دمج رحمت انشاء الله
 تعالی مرض مذکور دفع خواهد شد نقش

اینست

۷۸۶

ع	ع	۹	۳
۲	بدر	ع	۱۵
۱۲	سر	رو	۱۷
ع	الا	۱۸	بر

نو عدد پیکر هر کس را که ناف رفته باشد
 این نقش نوشته در کمر ببنده ناف
 رفته بجای خویش آید نقش این است

۷۸۶

ا	ب	ج	و
ر	و	ا	ی
ر	در	م	۴

نو عدد پیکر بر اے خرید و فروخت
 و اجر اے دوکان بر روز قریبش
 خواه شتری خواه زهره قبل از
 طالع آفتاب این نقش را
 به نویسه و در دوکان خود

بدان شاء الله تعالی خرید و فروخت بسیار شود نقش این است
 نو عدد پیکر بر اے درد گلو و آماس

۷۸۶

۱۲۰	۱۲۳	۱۳۰	۱۲۷
۱۳۱	۱۲۶	۱۲۱	۱۳۳
۱۲۵	۱۲۸	۱۳۶	۱۳۲
۱۳۵	۱۲۳	۱۲۴	۱۲۹

گلو این نقش را بنویسد و بجای
 آماس به بند انشاء الله آماس
 و در موقوف شود نقش اینست

سوطیل

وطیل

وطیل

وطیل

نوع دیگر برای استحکام محل و دفع درد شکم حامله و اجزای خون حامله را بسته کردن
باید که بر برگ تنبول این طعم را نوشته برای خوردن ذره انشاء الله حلق نماید این است

نوع دیگر از چشیرنه خورد این آیه
شریف را نوشته در گلویدارند ان شاء الله

شیرخواهد خورد این است ای شریف
را نیا صغوا کید ساحر و لا

يفتح الشاكريه

اتنے اہو امما ہونا اثر

هونا اھيا اشرافيا

تو دیگر برات دفع کنه و در دین تسلیم را بنویسد و بر موضع درد به بندد
انشاء الله تعالی درد به شود اینست

ع

تو عدو گیر بر اے محبت و عشق بر نعل اسپ سبزنگ نوشته در آتش بیند آمد
انشاء الله تعالی مطوب بقرار شود و طمس نیست

22 0 0 19 22 III 9 III II

اللهم احرق قلب فلان بن فلان على حب
فلان بن فلان حاضرته مسخر گردد -

" " . 11 • 6 6 11 11 6 1 6 1 6 4 9 6 ad

نوع دیگر اگر این نقش که از اعداد سوره الم نشرح است بنویسد و برای هر روز در دو
جگر به مریض شسته بنوشاند بفضل الهی جل شانہ شفایابد و اگر الم نشرح بر آب یا بر برگ
تنبول دم کرده بخوراند نیز شفایابد نقش این است فافهم

۷۸۶

نوع دیگر اگر کسی مکان جنات یا

یا جنیبات سنگ انداخته باشد

باید که این نقش در رگانی نوشته رکابی

را در چوب بسته بلند سازند بیشک سنگ

آدن موقوف خواهند شد حجر لبست و

اینست ۷۸۶

۴۰۲	۳۹۷	۳۹۲	۴۰۴
۳۹۶	۳۹۹	۴۰۷	۳۹۳
۳۹۶	۳۹۹	۴۰۷	۳۹۳
۴۰۶	۳۹۴	۳۹۵	۴۰۰

۱	۱۳	۱۰	۸
۶	۸	۱۵	۱۲
۱۴	۴	۵	۹

نوع دیگر برای دفع این دشمن این هر دو

نقش را بر پشت خام بنویسد و از کار بنویسد و در چاه عدو اندازد یقین است که در

مدت و عصه نبیند و یک و یا چهل و یک روز عدو تباه گردد و او اینست

۷۸۶

۷۸۶

۱	۹۲۹	۹۲۶	۸
۹۲۷	۷	۲	۹۲۸
۶	۹۲۴	۹۳۱	۳
۹۳۰	۴	۵	۹۲۵

۷۲۲	۷۱۷	۷۱۴
۷۲۳	۷۲۱	۷۱۹
۳۱۵	۷۲۵	۷۲۰

نوع دیگر که بدست ظالمی گرفتار باشد یا در یک زراغ کلان کوهی و او را بکشتن و از

خون او این طلسم را نوشته در خوابگاه و شمشیر و فن کند و دشمن زود هلاک گردد
 اینست ۱۴ ۱۳ ۲۶ ۱۷ ص ۱۱ ۵۷
 این شایسته هوالاتره

نوع دیگر در باب حب مجرب اگر خواهد که کسی را بر خود مبتلا گرداند باید که یک نان
 گندم ببرد و آن نان را یازده پارچه کند و بر هر پارچه این نقشها را جدا جدا بدستور
 نوشته اند یکی بعد دیگری بنویسد و از اول تا آخر تمام کند پس اگر برای زن محبت میجوید ماده
 سگ سیاه را بخوراند و اگر برای محبت مرد خواهد سگ زرا بخوراند که سیاه باشد
 اگر یک سگ تمام پارچه بخورد مطلب زود بر آید و اگر چند بخورند از دیر بسیار بر آید و
 بدستور نوشته اول پارچه اول بار دوم را بمرتبه دوم علی هذا الترتیب بخوراند تا
 اثر تمام دهد و نامطلوب را م نه شود هر روز ضرور بر ضرور بخوراند باشد بحیرت
 و به ترتیب تمام نقوش این اند

۴۸۶-۴	۳۰۴۸۶	۲-۴۸۶	۴۸۶۰۱
۴۸۶			
حسین	معدون	لغره	عود
۸-۴۸۶	۴-۴۸۶	۶-۴۸۶	۵-۴۸۶
عط	محروم	دستور	۴۶۱۰
	۴۸۶-۱۰	۹-۴۸۶	

صها

خط

کل هو

نوع دیگر این نقش را از اعداد اسم الله که مبین اسم اعظم است و اگر این نقش را یک
 تک و بست و پنجاه مرتبه نوشته در آرد کندم گوئی ایستد بر دریا ساینده باشد غل نقش معظم گردد
 پس هر کار که نویسد بیشک تیر بهر فایده و اگر بر آب و ریافت مقدمه لاجل نوشته زیر این
 نهاد و بخشد جواب هر سوال از غیب در خواست یا به خطای ندارد و عجربست ایست

۷۸۶

۱۶	۱۹	۱۳۲	۹
۲۱	۱۰	۱۰۶	۲۰
۱۱	۱۱	۱۷	۱۳
۱۸	۱۲	۱۷	۲۳

نوع دیگر در باب زاینده شدن طفل باسانی و سهولت لبرعت تا مآثره باید که این اسماء
 اصحاب کهف که هفت اسم از سوره البقره و یک نوشته ام در مرکز آن به بند و فی الفور
 بچه از شکم بیرون آید چون خلاص شود تعویذ نموده این اسماء را در گلوی بچه بر
 اندازد که طفل از هر بلا محفوظ ماند ایست

الهی بجزمت یلینا یکسملینا کشور فط شولس از رفظ
 یولس یولش یوس

نوع دیگر اگر مرد را سرعت انزال باشد این عمل بکار آید باید که این نقش را در کوفه

ایستد بر دریا ساینده باشد غل نقش معظم گردد
 پس هر کار که نویسد بیشک تیر بهر فایده و اگر بر آب و ریافت مقدمه لاجل نوشته زیر این
 نهاد و بخشد جواب هر سوال از غیب در خواست یا به خطای ندارد و عجربست ایست

قرن خواه سمش در آب تا که استاده بنویسد خواه بر تختی سیسه بکند و بر پشت خویش بر بند منزل
نه شود چون بر ناف نقش را آورد و زال خواهد شد نقش معظم و مکرم این است

۷۸۶

نو عدد گیر اگر خواهد که مرد دیگر بر زن

قادر نشود باید که این مهر در عین مهر

در عقب در میان آب تا که

استاده بر مس نشان کرده بیا

و اید از آن آنرا کنده کنند پس

بر فصرج بر عورت که مهر کند است

گردد و لیکن آن روز خود هم منزل

نشود و چون خواهد که بکشد این مهر از پیش بپای کرده بکشد و دیگر مهر کند یعنی اگر اول

بر رخ فرج مهر کرده است الحال زیر آن مهر کند که بکشد و بکشد بدین ای عزیز مردمان

نزد در مال از هر قسم آمده سوالی میکنند پس برای آن این چنین نقوش نوشته دادم

که عامل را تلاش بجای دیگر نیفتد و در دوران کتاب بزرگ ضرورت و گنجایش این

نقوش نیست لهذا مهر که گفته ام نیست که کتب بطریق

نو عدد گیر نقش مجرب و آزموده

عنایت میر محمد امیر صاحب در باب

حب باید که بر روز و یوالی در یک بند

و طاس روی و چراغ دیوالی چهل و پنج نقش آدم بنویسد و پانزده نقش حوا آلتی به

نویس و آنرا فلیت ساخته در دو عین شیرین روشن در کوه پستی مرده فاحل کشد و آن

بوده را در چشم کشیده با هر کس که میسر داشته باشد و بر دست آن برود آن کس

بیان نظریه او کند مطیع و فرمانبردار گردد و آنرا الله و بوقت فلیت روشن کردن

دو ح ک ل م د ف

تا اتمام شدن فلیته اسم یا درودی خوانده باشد مجرب است و نقوش این اند
نقش آدم ۴ ۷۸۶ ۷۸۶ ۷۸۶
نقش حوا ۴ ۷۸۶ ۷۸۶ ۷۸۶

۶	۱		۱۶	۱۱	۱۸
۷	۵	۳	۱۷	۱۵	۱۳
۲	۹	۴	۱۲	۱۹	۱۴

نوع دیگر نقوش مجرب در باب نفی و حسد جانین اگر خواهد که باد و کس جدائی و بغض و
حسد در پیش آرد باید که یک تان بطهارت تمام تیار کند و چهارده پارچه کند
و بر هر پارچه این نقش بنویسد و ادل نوشته بالا را به سگ خوراند و نوشته آخر را به
گربه بخوراند اگر یک هفته بدستور عمل آرد بیشک جدائی فیما بین بوقوع انجامد این
عمل بخشدۀ میرمنور علی صاحب است و آزموده است است

سگ را بخوراند	گربه را بخوراند	سگ را بخوراند	گربه را بخوراند
عجس	مخلصا	علس	دهلسا
سگ را بدید	گربه را بدید	سگ را بدید	گربه را بدید
هوکار	سطرون	باهمی	عحسار
سگ را بدید	گربه را بدید	سگ را بدید	گربه را بدید
محسا	سرافقا	مسهجه	کحلسا

سنگ را بدید

گرچه را بدید

ملو

مسلح

نوع دیگر نقش هوا بر روش و طرز دیگر مزاج بادی در باب بغض و اتفاق مجربست
اگر در میان دو کس یاد و خاتمان یا چند کسان جدائی و اتفاق منقول باشد بهم
این دو نقش در کاغذ بنویسد مع اسم گرداگرد و در گور کهنه دفن کند بیشک
جدائی افتد مجرب غایت فرموده میرمنور علی صاحب است

یا قهار یا قهار یا قهار

۲	۷	۶
۹	۵	۱
۴	۳	۸

آب دو ح آب دو ح

آب دو ح آب دو ح

آب دو ح آب دو ح

اجهزط اجهزط اجهزط

و نقش دیگر بروش ثانی بنویسد و گرداگرد آن بدین طریق بنویسد مکرر نوشتن چه
ضرور این نقش بروش دیگر من حی نویسم عبارت طالب برگردا و حسب دستور بنویسد
اینست پس مثل نقش اول عبارت گرد نقش ثانی هم بنویسد
نوع دیگر عمل نقش مجرب عطیه بزرگی قاسم علی شاه معرفت
میان الهی بخش بهم رسیده در باره ایذا دادن

۸	۳	۴
۱	۵	۹
۶	۷	۲

و بلاک نمودن دشمن تیر بهیض است باید که روز سه در عروج ماه عدد آیه مغلظه
 مکرم (فی قلوبهم مرض) قرادیم الله مرضا و اجم غلاب الیم) و عدد اسم آن کس
 که با و خصومت دارد بر آورده در نقش مربع پر کند و اگر عدد را بیمار داشت
 منظور باشد نقش نه گوی را از خانه ششم پر کند و اگر ملاکت عدد منظور باشد از خانه
 هشتم پر کند و در گور کند و دفن کند اما دفن بر روز سه شنبه باشد و خود از همان روز آیه
 بنده موصوف بقدر تعداد عدد بر آورده میخواند باشد بوقت نصف النهار انشاء الله و هر چند
 چهل روز عدد بیمار شود یا ملاک گردد و عجلست و عدد آیه مغلظه مذکوره چهار
 هزار و سی و دو عدد اسم دشمن در آن وقت هر چه باشد در آن اعداد ارقام کند
 و نقش مربع پر کند چنانچه من مثال آن را فی نویسم تا بقیم نزدیک باشد اینست

عدد آیه مذکوره ۴۰۳۲
 عدد اسم عدو فداحسین
 همه چهارم ۱۰۵۳ - کسر نقص آن
 ۷۸۶

۱۰۵۸	۱۰۴۳	۱۰۶۸	۱۰۵۶
۱۰۶۸	۱۰۶۱	۱۰۶۳	۱۰۶۷
ازین خانه ملاکت		ازین خانه بای عیار	
۱۰۵۴	۱۰۶۶	۱۰۵	۱۰۶۲
۱۰۶۹	۱۰۵۵	۱۰۵۹	۱۰۶۳

پس از هر خانه اعداد ارقام شده سه هزار بقصد و پنج در دست آمدن همین طور نقش پر

گند و آنچه از او نام گردان اسم عدو در آید حاصل شوند همان مقدار آیه را بخواند
و اگر آید فرستاده باشد بخند و عدو اسم عدو بخواند الا تاثیر این قدر کم بود که عدو
صرف بیمار خواهد شد تو عذر دیگر خواهی که از نظر دشمن محفوظ مانم باید که این نقوش را
به این صورت بنویسد که بر نقش بجانب پشت از نقش دیگر بنویسد و بر بازو راست
است بهر جا که خواهد بود و از غرض ستاره العیوب از نظر دشمن محفوظ ماند این نقوش
تجربه نموده مرزا آقاجی صاحب آله و آله موده دیگر اشخاص هم اند و این اند

۴۸۶

۹۸۵	۹۸۸	۹۹۲	۹۷۸
۹۹۱	۹۷۹	۹۸۴	۹۸۹
۹۸۰	۹۹۴	۹۸۶	۹۸۳
۹۸۷	۹۸۲	۹۸۱	۹۹۴

و نقش دیگر بر پشت این نقش بنویسد چنانچه نقش پشت این است ۵۵

۱۸۷	۱۹۰	۱۹۴	۱۷۹
۱۹۳	۱۸۰	۱۸۶	۱۹۱
۱۸۲	۱۹۶	۱۸۸	۱۸۵
۱۸۹	۱۸۴	۱۸۳	۱۹۵

نوع دیگر برائے افزون شیر زن این نقش معظم نوشته شسته سه ایام بخوراند از
فضل الهی شیر زیاد شود این است

۷۸۶

۱۴۶۰	۱۳۷۴	۱۴۷۱	۱۴۶۷
۱۴۷۲	۱۴۶۶	۱۴۶۱	۱۴۷۳
۱۴۶۵	۱۴۶۹	۱۳۷۲	۱۴۶۲
۱۴۷۵	۱۴۶۳	۱۴۶۴	۱۴۷۰

باب چهارم در بیان عزیمت و نقیسات دفع آسیب حصار و فلیتها مے مجرب و غیره

آنچه که طالب درین امر طالب کند درین باب تلاش کند بسیار عملیات و فلیتها و آیات
از جایجا بهم رسانیده از مجربات نوشته ایم یقین ست که اگر در تمام کتب ازین اعمال
جمع کند ازین باب بیرون نباشد امید که ازین کتاب بهره یافته عاصی مصنف کتاب
را بدعای خیر بایند نمایند چنانچه ابتدای این باب از حصار کرده ام که در حاضرات کردن
و بروقت عمل خوانی آنچه که اول مذکور شدند حصار گرد خود کنند این است حصار که
در هر عمل بکار آید باید که این حصار را حفظ کند و چهل هزار مرتبه در یک چله بخواند و
پرمیز از خوردن گوشت بز و گوشت ماهی بکند پس عال حصار خواهد شد هرگاه که برائے

خواندن و دادن زکوات نشیئه حصار گرد خود بکنند و در هر مقام خطرناک و هر جایی
خوفناک و رفتن رو بروی پادشاه ظالم و امیر و جبار و جنگ و جدل هم مفید است
حصار کرده بروانشاء الله فحیاب گردد هیچ حضرت اورا نرسد و هر روزه هر صبح بعد از
یکبار برنودم کرده باشد از سر بلا محفوظ و این حصار عنایت فرموده میر تقی علی صاحب
ساکن کونل جلیسرست و مجرب است غزیر باید داشت و حفظ باید نمود این است
بسم الله الرحمن الرحیم پیش محمد پس علی دست راست امام حسن و دست چپ
امام حسین علیه السلام و او قتل سلیمان بن غیر نگهبان پاک ذات

لا اله الا الله محمد رسول الله یا حافظ یا حقیق یا ناصر یا نصیر یا رقیب یا وکیل یا الله یا الله
علیقا صلیقا خالقا مخلوقا کافعا شافعا مرتضی بحق یا بدوح و تنزل من القرآن
یا شفا و رحمة للمؤمنین صلا لوسا و رضاتن دود عوة در ربیة در رجال الغرب
بحق محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم کھلا کھلا ارحم ارحم ارحم
ترحم عقد تم عقد تم قوفیس یا الله کو سلیمان بن داود علیهما السلام

بند شو

بند شو

بند شو

حصار در و صلوة تنجینا از هزار حصار بهتر که در هر جلسه و در هر وظیفه و در هر دعوة
و هر جایی که آغاز نماید اول بست و یک مرتبه این درود بخواند و اگر خود دم کند و بعد اتمام
وظیفه یا دوه مرتبه بخواند و این درود شریف هم حصار و هم دعاست بسیار نفع میکند
از کائنات و به هیچ بلا گردد عامل نگیرد و هر ادا که داشته باشد از دعا و تقالی روگرداند و محافظ
عامل ملائکه این درود معظم خوانند شد درود شریف اینست

اغوث بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم اللهم صل علی سیدنا و مولانا محمد
صل علی سیدنا و مولانا محمد علی آل سیدنا و مولانا محمد صلوة تنجینا

بجایان جمیع الاهیات و الاوقات و تقضی لنا بها من جمیع الحاجات و نظیرها
بها من جمیع السیئات و ترفعنا بها عندک لعلی الدرجات و تبلغنا
بها قصی الغایات من جمیع الخیرات فی الحیوة و بعد الممات انک
علی کل شیء قذیر

و بعد این درود باید که هر چهار قل میخوانده باشد و طهارت تمام درین حصار هم کرده باشد
نهیر که این درود دعای حاجت برادر مطلق است از چهل روز متواتر یکبار مرتبه در یک شب
بشب میخوانده باشد قسم کلام الله در یک جلسه حاجت پیشک بر آید شک نه آرد که شک
کردن عادت کفارت حصار دیگر بهر وقت و بهر غایت که خواندن آغاز کند در زکوة
دادن و حضرات کردن اول این حصار بهفت مرتبه یا یازده مرتبه خوانده بر خود و بر گرد خود
دم کند و براس در و سر هم اگردم کند صد اخ دفع شود و این حصار عنایت فرموده یونیا
و فاضل الافضل عال کامل امام الدین صاحب ساکن رتیک و جهمرست که در وطن
خویش از راه عنایت بخشیده بودند چنانچه حصار اینست

بر ساسیدو ساسا دیسا سور سا جلسه و رسا مردلعا مشار شو بحق شیخ عبد القادر
بیدانی شینا بشه اعثنی باذن الله بحیرت محمد ابن عبد الله صلی الله علیه و سلم یا
الله یا الله باید که یازده مرتبه بر کار دے که دست سپید داشته باشد خوانده دم کرده بر
وقت جلسه دعوت و حضرات گرد خود خط کشیده رو بر وے خویش خوانده دم
کرده کار دایسته کند حصار دیگر معروف و مشهور که اکثر بزرگان از قدیم در امر اجرا می
بر وقت حضرات و دادن زکوة اول میخوانند پس باید که آیه الکثری و هر چهار قل یعنی
قل یا قل هو الله و معوذتین بخواند و بعد از آن آیه اشریفه امن الرسول با انزل الیه من
ربہ المومنین آه بخواند و بر خود و بر گرد خود دم کند و بهر چه مریض و آسیب زده باشد گرداد

دوم کرده و ده تا آنکه بر سر او اگر آسیب حاضر شده است از حصار کردن بلا اجازت هرگز
گزر نخواهد کرد

عملیات و محاضرات مجرب عنایت بزرگان از نیجا آغاز کرده
می شوند عزیز باید داشت

عملی محاضرات عنایت فرموده مولینا امام الدین صاحب فاضل و عامل کامل متوطن
قصیه مهم که از راه تفصلات چند عمل مجربات بخشیده بودند چنانچه برای دفع دیو و پری
و بلائای دیگر اول بار و اح حضرت اشرف جهانگیر شیرینی نیاز کند بعد از این فلیتور
چراغ روشن سازد آسیب سوخته شود فلیتور این است

۱	۲	۳	۴	۵
۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰

حق احمیا اشرا حیا علیقا

۶۶۵۶۶۷
۶۶۵۶۶۷
۶۶۵۶۶۷
۶۶۵۶۶۷

ح	ح	ح	ح
"	"	"	"

نکته

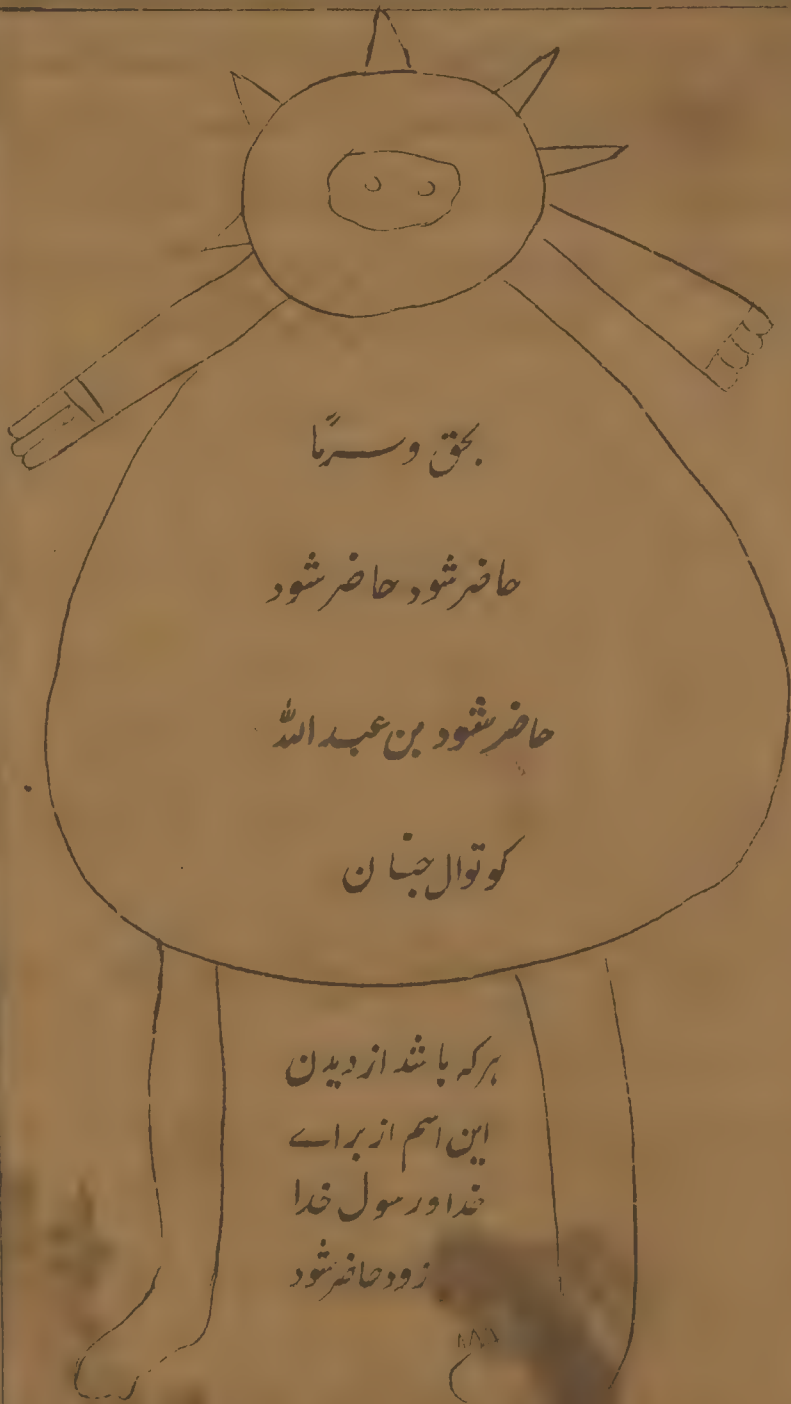
حق ملیقا ملیقا طلیقا انت تعلم مانی قلوبهم

۶۶۶۱	۶۶۶۵	۶۶۶۵	۶۶۶۸
۶۶۶۲	۶۶۶۶	۶۶۶۶	۶۶۶۲
۶۶۶۶	۶۶۶۹	۶۶۶۶	۶۶۶۲
۶۶۶۵	۶۶۶۶	۶۶۶۵	۶۶۶۵

۶۶۶۵۶۶۹۵۱
۶۶۶۵۶۶۹۵۱
۶۶۶۵۶۶۹۵۱
۶۶۶۵۶۶۹۵۱

۶۶۶۵۶۶۹۵۱
۶۶۶۵۶۶۹۵۱
۶۶۶۵۶۶۹۵۱
۶۶۶۵۶۶۹۵۱

چو شیل حری مری مسان مسان بخت



فلیته و حضرات عنایت فرموده پیرزاده ردولی اولاد حضرت شاه عبدالحق
قدس سره العزیز مجرب و آزموده که این حضرات را پیرزاده مدوح حاکم
مطلق بودند و بعنایت باطنی باین کجیف بخشیدند و اکثر در تجربه فقیر هم آمده است
باید که اول این نقش را در چراغ نو بنویسد بعد فلیته که همراه این چراغ
است باید نوشت نقش چراغ اینست فافهم

۳۳۹	۳۴۳	۳۳۶	۳۳۲
۳۳۵	۳۳۳	۳۳۸	۳۴۴
۳۳۳	۳۴۸	۳۴۱	۳۳۷
۳۴۲	۳۳۶	۳۳۵	۳۴۷

امه همه معنی اشراصیا احیا احیا

هر باب و آیه و غیره که در وجود فلان بن فلان مستولی

شده باشد یا دیگر سخت کنایه باشد بمجد روشن شدن بحمت

نقش معظم و مکرم و چراغ در آید و نایه و خاسته شود حق کعبه ص.....

ح محقق

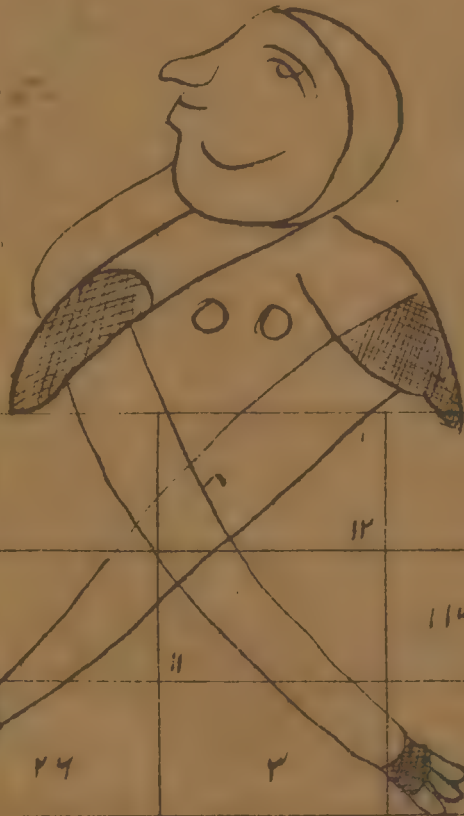
بر کاغذ نویسد فلیته اینست

ک صعیص

پس بعد نوشتن چنانچه این فلیته

المرافق میطایل
عسره ایل

نیز



العجل العجل

۱۱

۱۲

۱۴

الوفا الوفا

۲

۱۱۶

۷

الساعة الساعة

۲۶

۳

۹

الح ح ل

۷

۱۰

۷

۴

فلان بن فلان ستولی باشد
یا دیگری سخت کرده باشد بجز درون
شدن فلیته زود خانه شود

جمله آفت المیس و
شیاطین و ارواح
از بیع آسیب

چون فلیته نوشته تیار کند سه شاخ از درخت انار طلبیده زمین را از گل پاک ساخته
 بخورات مهیا ساخته بسوزاند و آنچه شیرینی و غیره باشد بر آن نیاز حضرت غوث الاعظم
 قدس الله سره داده اگر مرض قابل غسل دادن باشد غسل و مانده پارچه پاک پوشانیده
 عطریات مالیده حصار گردد اگر دوا کرده چنانچه که نوشته است شاخ انار را بطور کف
 بسته بر آن پراخ داشته فلیته را در روغن خوشبو دار روشن کند و همان غنیمت که برید
 تقوید نوشته است خواندن شروع کند و بر آبش دم کرده بر مریض مالد و از بند انشاء الله
 تعالی زود بر سر مریض آسیب حاضر خواهد شد اما بعضی آسیب بسیار سخت میباشد
 باید که بروز دوم هم این حاضرات کند تا موکلان او را بسته نزد عامل
 حاضر کنند اگر در مزاج عامل آید بسوزد یا قید کند یا اقرار گرفته
 را کند اختیار دارد والله اعلم بالصواب

فلیته چند که از هر بزرگ باین نحیف رسیدند و بهر کار در مقدمه آسیب زد و نوقش
 دود دادن در بینی آسیب زده و در پراخ بر روغن تلخ و شیرین روشن کند و در فلیته
 آسیب و ضحیت و جنان و غیره همه بکار می آیند و می باید که در هر یک فلیته بخورات
 هر قدر که میسر شود فلیته دارد و خواهد بر سر مریض آسیب را به طلبید خواه در
 روشنی فلیته و بر لو آن طلب کند و بهر نوع که حکم خواهد کرد بعمل نوانند و اور مجرب
 هستند و این فقیر فلیته نه را به بسیاری تلاش و سعی فراوان و به مشقت
 بی پایان بهم رسانیده است عزیز باید داشت و دیگر اینکه اگر شوق عملیات
 داشته از کسی استاد کامل شاگردی اختیار کرده از آن اجازت گرفته بسیار
 اختیار نموده بر این کار مبادست انداز شود زیرا که اگر قدری ترکیب نوشته
 فرق خواهد افتاد و در چله کشتی به پرهیز و غیره سهو کند بیم جان و دیوانگی است
 پس احتیاط لازم است فلیتهما اینند

وقال جعفر بن محمد بن الحسن بن ابي اسحاق



فقال كذا ان لو من تير طر فک افشا الله تعالى ان باي نيك

۱	۲	۵	۶	ح
ح	۶	۵	و	ح
د	۲	ر	ح	ا
ع	۲	ا	ر	ا

و او هر چه این کس می خواند و بگوید

چونند چونند چونند

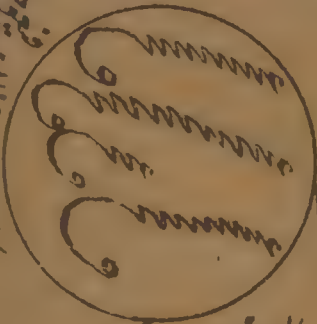
۲	۶	۲
۶	۵	۱
۲	۲	۲

یا جعفر بن محمد بن ابراهیم

یا انا مردمانی شک در دل بجا خدایا
تو خدا تعالی تو در نیکی بیست پندت ما را دادی

است

وانه لضم اوله و ان یضم انهم



العظیم

لا حول ولا قوة الا بالله العلی

بخی یزیدنا ویشانی ویشو

ویدیهو جادهو جادهو جادهو جادهو

سکین بر سر رفیق

یا قاذره و المبطش الشدید انت الذی لا یطاق
انتقامه من غیره و البرق یخاطف مانند برق بهرست آسیب

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

وان و کتاب س م

ال روح ی

۲

بجوه

ال ه ج م

جنان

۱

۶	۱۱	۴
۳	۷	۹
۱۰	۲	۵

سلیمان بن
داود علیهما
السلام



بحق ما بدوح

بادافع يلعوا



۹۰۰

11

م	ی	ر	م
م	د	د	ح
ی	ح	م	د
ا	م	ح	ی

المیس بلین فرعون قارون بلان

يا جبرئيل يا ميكائيل
يا عزرائيل يا اسرافيل
يا تكفيل

يا جبر
يا عز
يا ت
يا ع

2	7	5
9	0	1
2	2	2

یا مہر فیما ئیل
بمجرد روشن

شدن این

علامت سپیدان بن

ابو بکر یادر او تیل

وَأُورِدَ إِلَى حَاضِرِ مَاغْدِلِي

الوحا الوحانت تعلم ما في قلوبهم عني في الدنيا والآخرة

احمد احمد محمد الساعه الساعه

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

سليمان
بن
داود

عليها السلام

1	11	12	1
13	2	3	14
5	15	6	7
17	18	8	19

5	2	1				
4	2	1	14	14	10	13.
1	3	4				
8	1	1	9	2	4	13.
			5	11	10	7

卷之四

حق یا باد حق.

پیر در وجود

نَحْقُ ابْنِ ابْلِيسَ وَنَحْتِ



五

三

حق نامدو

مجلس درویشی در آن خلافت نداشتند از روز و ماه

تسبیح



۸	۱۱	۱۲	۱
۱۳	۲	۳	۱۲
۳	۱۴	۶	۷
۱۰	۵	۴	۱۵



کتاب

وفا

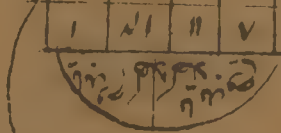
زود حاضر شود

آنچه در وجود فلان بن فلان است

بجای رسیدن آن بن در آن خطبه

۱۴۷۱	۱۴۸۳	۴۸۶	۱۴۷۲
۱۴۸۵	۱۴۷۳	۱۴۷۱	۴۸۶
۱۴۷۲	۱۴۸۹	۱۴۸۱	۱۴۷۶
۱۴۸۲	۱۴۷۹	۱۴۷۵	۱۴۸۸

۵۱	۵	۱۰	
۶	۶	۱۱	
۱۱	۶	۱۲	
۱	۱۱	۱۱	۷



تسبیح

تسبیح

بن مکیل

صالح

بحق جبرئیل

یابدوح

یابدوح

یابدوح

بحق بادشاه	یکتا نوس	بحق بادشاه سلیمان	بن داود علیهما السلام
نمود لعین	شاد لعین	قارون لعین لعین و مردود	امان لعین
فرعون لعین	لعین صنفو	ابو جبرئیل لعین	جالوت لعین
خثیت لعین	دقیانوس لعین	بحق آصف بن برخیا	اسلام و خاتمه

بحق الساعة والجل والرحا

هر بابی که در نظر است که در وجود
فلان بن فلان و هر آیه که در
دیو و پری و چریل و هر شی
که در وجود فلان بن فلان دخل
کرده و مرا حمت رسانیده
باشد

درین بنده آمده سوخته گردد

5

1

A simple line drawing of a smiling face with curly hair. The face has two small, dark eyes and a wide, open mouth showing a tongue. The hair is represented by several thick, curved lines that swirl around the head. The drawing is done in a dark ink or paint on a light-colored background.

الحق

عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

سالا سا لوسارو و نصا تن و ورجا ل الغيب

محقق باید روح علما ملقا انت تعلم ما فی

ملوك ملوكنا طر فيها عليا مليقا

انوحنا الوحنا الوحنا الوحنا الوحنا

الوحى الوحى الوحى

نمسا النمسا النمسا







الكتاب الثاني
من

بن الصادق
عليه السلام

بیرکت میا شرف جهانگیر
حاضر شود و بسوزد و بر آتشکده در وجود
فلاط

مطابق

ع	ص	س و	ا
هـ	ذ	د	س
مر	مح	ظ	هـ
هو	هـ	و	ح

این فلان مستولی شده باشد بجز در روشن شدن فلیت‌ها

حق یاب و حق آصف بن برخیا
اصحاب سلیمان علیه السلام



حق سلیمان
بن داود علیهما السلام

شیخ زید
شیخ

ایمانین . حق یاجهیل

ون	فر	ش	مان	حاله
۴۹۴	۵۰۰	۴۹۷	۴۹۲	۵۰۱
۴۹۷	۴۹۳	۴۹۶	۴۹۵	۴۹۰
۴۹۸	۵۰۳	۴۹۸	۴۹۱	۴۹۹
۴۹۹	۵۰۴	۴۹۹	۴۹۰	۴۹۸

و بنی جمیع ابن ادریس

علیقا یلیقا طلیقا انت تغدافی
قلوبهم آینه در وجود فلان بنت
فلان یا فلان بن فلان المیسر
جن و بیوت و دیو و پری باشد
روغن فایده در آمده حاضر شود
و بسوزد

بنی جمیع ارواح

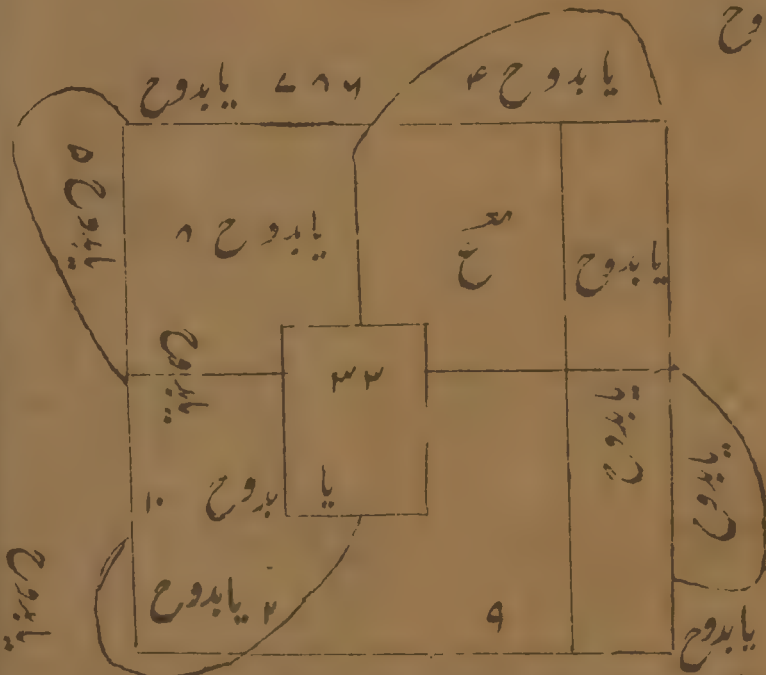
فلیته ثانی در باب آسیب زده عنایت فرموده میرپناه علی صاحب مجرب باید که این
 فلیته را نوشته و بر ریمان نیلگون پیچیده باشند و باید که آن ریمان یازده تار باشد پس
 یک سوچه را سرگون داشته بر آن گل تازه نهاده در چراغ نو فلیته انداخته بر آن گذاشته
 روشن کند و مریض را قریب نشاند که گوید که نظر بر چراغ کند پس دفعتاً آسیب حاضر
 آید و کلام کند از و قول و اقرار نموده اگر خواهد او را قید کنند یعنی فلیته را روشن
 دارد آسیب سوخت گردد و اگر عامل پیش مریض نرود این فلیته نوشته به
 که بدست تورند نور روشن کند و دوسه فلیته علی التواتر روشن کنند در عصر سه روز
 ناکه در روشن شیرین خون پدید آید و هرگاه که خون پدید آید آسیب قتل شده و دیگر فلیته
 کعب صورت است اگر خواهد که آسیب مریض را زحمت میرساند برشش بصورت مہیب
 حاضر آید و خود را بنماید همین نقوش اسما ندکور نوشته در روغن شیرین رو برویش
 روشن کند یقین است که بیماریا بلایات در آن فلیته بنیز و آن فلیته را چون روشن
 نهاده دارد بلایات بسوزند و دفع شوند و مریض صحت یابد پس بصحت مریض حاضر آ
 کند یعنی گلمای خوشبو و شیرینی آنچه که ممکن بود از مریض طلب کرده و جای آن گل پاک نمود
 مریض را غسل داده آنجا نشاند بر شیرینی نیاز موکلان داده به طفلان دهد و آنچه که
 و رثاے مریض عامل را دهند شیر مادر است در صرف خود آرد او را احلال است و باید
 دانست که آنچه در حضرات عامل را از مریض ممکن بود بے تامل در صرف خویش
 آرد الا در حرام نه اصراف کند و قدرے نیاز موکلات ضرور دایند باشد این
 فلیته بسیار مجرب اند و آموزده میرفتا موصوف اند عزیز باید داشت اگر بوقت بر نوشت
 این عمل خواهی نمود لذتها خواهی یافت و این فقیر صرف طمع دعا کنز تخمین نعمتها را برادران
 ایامی نوشته و او پس بمقتضای بیت هر که خواند طمع دعا و ایم نه زانکه من بنده گنهگارم
 فلیتهای مذکوره آنچه که گفته ام اینست فافهم

فرعون	ابلیس لعین	یامان لعین	هوا
لعین	و مردود		
رهنما	ابلیس	یامان	عمت
			هوا
			حصرل
		یامان	ابلیس لعین
هوا	فرعون	ابلیس قار	یامان بین
هوا	ابلیس لعین	یامان	فرعون
ابلیس لعین	فرعون	هوا	ابلیس لعین
فرعون	یامان لعین	هوا	ابلیس لعین
هوا	ابلیس لعین	فرعون لعین	یامان لعین



عمل دیگر در باب آسیب زده باید که این نقش را نوشته اول در زیر دندان مرئی
 بجانب چپ هند آسیب بر سرش حاضر آید و کلام کند و اگر نه آید طرف راست زیر دندان
 نهیشک آسیب حاضر آید و کلام کند قول و قسم گرفته دفع کند و اگر زود فلیته این
 نوشته مع اسما و هر چهار و کلان روشن کند آسیب روز چنانچه نقش که بر آن زیر
 دندان نهادن گفته ام اینست فافهم

یا بدوح



که گفته ام بر سوختن اینست بطریق مذکور روشن کند

یعنی

ایس ابو جیل نامان فرعون قارون ملعون

شهادت خود و مرزود

بنی اسرائیل

اسرائیل عزرائیل

عمل ثانی حروف توراتی بر آن دفع آسیب مجرب اند اگر صحیح مطلق نوشته کرده بدید
که در بروی مریض روشن کنند انشاء الله تعالی آسیب دفع شود حروف این اند

کے ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱
۸۲ ۱۱
۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱
۸۲ ۱۱

قائمه دیگر از بزرگے کامل باین نحیف رسیده اول باید که وضو بکند بعد از آن
دو گانه نماز ادا کند و جاسے از گل آفریده آراسته کرده سبک بر او و اثر گون نهاده
بر آن چراغ فلیته نهاده از روغن تلخ پر کرده فلیته را روشن کند و مریض را بگوید
که جانب چراغ نظر کند و خود عامل بخواند حاضر شود غیبان یا حضرت سید
و شیخ محی الدین بعد از عبارت فلیته نه که در و روشن میکنند

اینست بسوخته درین پلیته و چراغ دان دیوان و پریان و عفرین

و بات کافران و عورتان و جوگیان و کفتاران سیابانی سار

و سمر سران ماکیان و جمیع شر شیطان شیطین فلان بن

فلان مستولی شده است و درین پلیته و درین چراغ دان آمده

بسوزد و خاکستر شود و زود بیاید بعد نوشتن این عبارت فلیته

به نویسد این است



عمل ثانی در مقدمه آسیب و غیره هر که این عزیمت بر خود انگه دارد یا در گلو
پیچ اندازد یا در گردن نابالغ اندازد از جادو و آسیب دیو و پری و بدیث و کفتار ایمن
باشد و هیچ زیان او را گاه نرسد عزیمت این است

۹۹۹

۱۸۸۱۵ ط

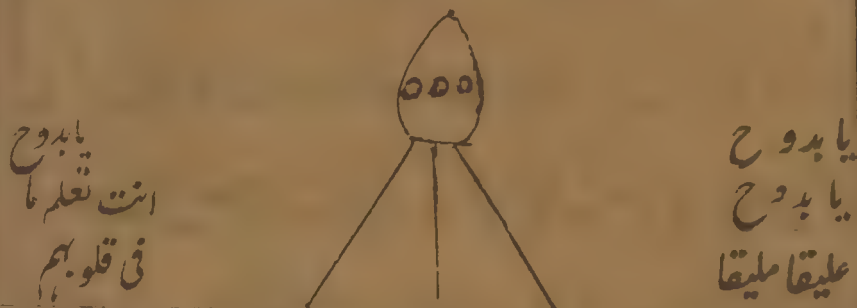
ح ا و ا م ر ه م ر ل ا ط ط د ا ر ی ا ح ا ق ط

یا حی یا قیوم لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعا
متصدعا من خشیة الله و ملک الامثال نصر بها للناس لعلهم
یتفکروا ان الله اشغف من له البلاء الصابح حق و نزل من القرآن
ما هو شفاء و حرمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خسارا کھلا کھلا ارحم ارحم
ارحم ترحم ترحم عقدهم عقدهم

فرقیس فرقیس العجل العجل

نوع دیگر پلیته از جانب حضرت غوث قدس سره باید که این فلیته پیش مرص آسیب
زده در چراغ نور روشن کند و در چراغ روغن تلخ بیندازد روغن خوشبودار کبند
بسوزد و هر چه که شیرینی و نیاز حضرت مدوح مکن باشد بدید بعد از آن فلیته را
روشن کند جن و دیو و پری هر بلائی که باشد دفع گردد و خود عامل در
هنگام روشنی فلیته این عزیمت بخواند

عزمت علیکم و اقمتم علیکم یا عبد الصمد یا عبد الرحمن یا عبد الواحد
زود حاضر شود حضرت میسر می الدین قاسم سره و این غزمت دم
کرده باشما بر بیض میزده باشد ان شاء الله تعالی هر چه بر سرش باشد در
پلینه آمده بسوزد و خاکستر خواهد شد چنانچه فلیته که ذکرش رفته اینست بحسب

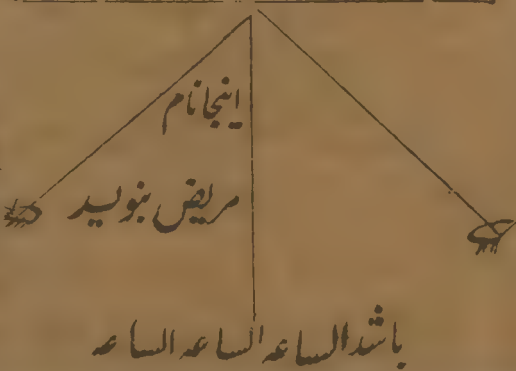


شاد و فرعون نامان البیس

۱	ع	ع	۲
۱۲	۶	۷	۹
۸	۱۵	۱۱	ع
۱۳	۳	۲۰	۱۴

سوم دیوان و دیان جیش و جیان و سحران و حر و سل
رویان در وجود فلان بن فلان کستولی شده

سوم دیوان و دیان جیش و جیان و سحران و حر و سل



و ترکیب دادن زکوة این غنیمت و در عمل آوردن اینست که در یک پله کوهی ماهی
را تر ک کرده بپزارد و یکصد بار هر روز یک وقت معین نموده بانه شلویات و غیره بنویسد
هر چه میسر آید بخواند باشد و بروز آخری نیاز موکلان و باینده تمام کند پس عال گردید
و این اسماء که در فلیته هستند اسم موکلان اند

نوع دیگر برای دفع دیو پری و مری و دفع ام الصبیان و دفع مرض مهلک که
منسوب به کودکان است این علامت معظم بنویسد و در گلو و مریض بنهد
باز آل مریض نیاید علامت معظم و مکرر این است



نوع دیگر از فلیته حضرت غوث قدس سره الغیر باید که این پایتیه بنویسد و بنخورد و پیوسته
چهار آتیه هر یک که میسر شود و شیرینی تلخیده با خوشبویات نیاز حضرت مدوح دهر و
تلخیده را در دست پیچیده و این را بجانب شمال و جنوب بکشد و این فلیته را حمل کند
کریه از ستر مقدم مریض گردد و باینده در سفال نونهاده بر وزن شرف انداخته روشن
کند و اول گرد مریض و چراغ آیت الکرسی و چهار قل با آیه های دیگر خوانده

از کار و منہ نہ کشد ہر جا کہ خطش تمام شود کہ راستا نہ کند و فلیتہ روشن کند و مرین بجای
 چپ چراغ میدیدہ باشد و دو سوس و دیگران نیز در حصار برائے نگہبانی مرین
 بنشینند تا در چراغ مرین دست درازی و بے اعتدالی کردن نیاید بکول و
 قوت آہی ہر چہ بلاے کہ باشد سوختہ گردد و تمام عمر باز نیاید چنانچہ فلیتہ کہ ذکر رفتہ

بدین ترتیب است

	۱	۱۳	۱۱	۷	
()	۱۲	۷	۲	۱۳	()
	۶	۹	۱۶	۳	
	۵	۴	۵	۱۰	
۸	۱	۱۳	۱	۱	
۱۵	۱۰	۷	۲	۱۳	
۹	۱۶	۳	۱۶	۱	
۲	۷	۱۲	۱۳	۱۳	

الہی بجزرت خویش
 و جلال خویش
 و عظمت خویش
 بر او منتر کے

و ہر دلوے و حیثے و ہر پری
 و ہر بھوتے و ہر اکسے
 و ہر جو گئے و ہر سحر
 و ہر دسوا سے

اول طفل اشرف که زیاده از دوازده سال نباشد غسل داده و جایز قل پاک
کند و بر او شویات و شیرینی و غیره میسر آید بهم رساند و آن طفل را چادر پاک که نو
باشد بر آن بنشاند و مریض اگر طاقت غسل داشته باشد غسل آب مریض نیز دهد و جامه پاک
پوشاند و نیاز جناب پیغمبر صلعم و حضرت عوث قدس سره داده طفل و مریض هر دو را
بنشانند بعد از آن قلیته بر وزن آلتخ روشن کند و طفل را بگوید که بجانب قلیته نظر کن
و عامل اول گیرد طفل و مریض و چراغ این عزیمت خوانده و صابر بکند عزیمت نه کور
اینست - عزیمت - عزیمت علیکم و اشمیت علیکم ایهاکان سلطان ابن والا
احضروا من جانب المشارق و المغرب و الجنوب الشمال بحق -

سلیمان بن داود علیهما السلام بحق لا اله الا الله محمد رسول الله
این عزیمت هفت بار حصار کند و بر ماش خوانده باشد ابر سمت منتشر کند و بر طفل
هم ماش می زند و هر دم درود بخواند پس طفل را در قلیته جاروب کش و فراش و مقه معلوم
خوانند پس آنوقت عامل یا قتاح یا قتاح گفتن گیرد که بادشاه حاضر شود یا
چون بادشاه حاضر شود نام خود و به نشان خود سلام گوید یعنی این فقیر مرید یا شاگرد فلان
سلام علیک میگوید بجه از طفل مطلب بگوید که فلان کس را چه آزار است
که ام است که این آزار میدد اگر بادشاه به زبان طفل گوید که آسیب
یا سحر است زبانی آن طفل بگوید که سواران را بفرسند که آن را گرفتار کرده
بیارند و دوسه مرتبه بتکرار بگوید که این همه آسیب را پانزنجیر کرده بیارند پس
بادشاه حاضر شود و او موکلانش آسیب را گرفته خواهند آورد بگوید که این را قتل کند
مثل خواهند کرد آن همه را رخصت کند و نیاز و سامان حاضران خود بگیرد و
قلیته که ذکر شده است اینست

یا طهور یا بوس
یا یوسا یا فرعون
یا نرود یا شداد



یا بروح

یا ایس یا کینوس یقی علیها
یا علیها فاما تعلم

۸	۲۹۴	۲۹۷	۱
۲۹۶	۲	۷	۲۹۴
۳	۲۹۹	۲۹۲	۶
۲۹۳	۴	۵	۲۹۸

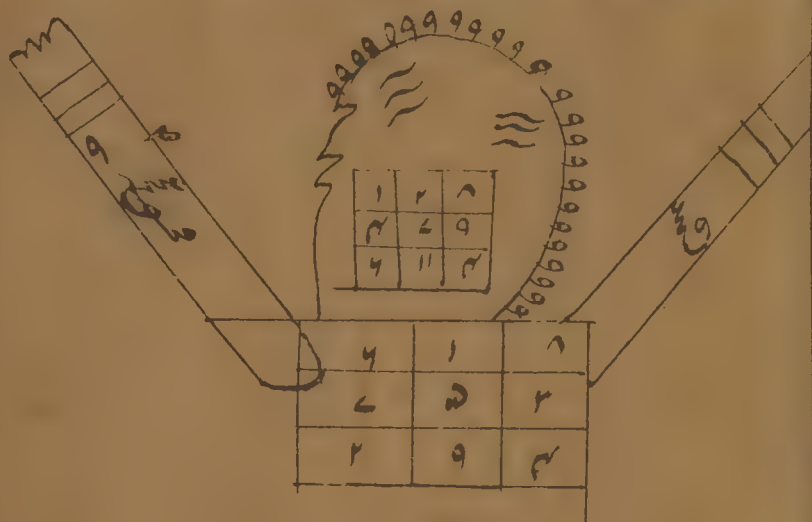
اصبات هر چه در وجود فلاں بن
فلاں باشد حاضر نمایند و بسوزانند
و خاکستر آن کنند یقی

الساغدا لوالوالوالوالی ایما انرا صبا

یا قوما یا علی بن الحسین یا علی بن الحسین



نوع دیگر این فلیته مجرب عنایت بزرگ باید که این فلیته رو بروی آسیب زده
 یوقت شام روشن کند و آنچه بخورات همیا باشد پیش فلیته لبوزند و عامل هر غنیمت که
 یاد داشته باشد بخواند آسیب سوخته گردد و آن ایست



۸	۱۱	۱۵	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۴	۹	۶
۱۰	۵	۴	۵

سختیم
 بهر حرمت
 عیقا یلیقا طلیقا قلبان بادشاه
 آنچه در وجود
 غلام آسیب زده باشد سوخته گردد

میزرین العابدین است در حال بکار آید اینست ۱۲

این فلیت غایت

فرعون
لعین
ابلیس

فرعون
لعین
ابلیس

فرعون
لعین
ابلیس

ماروت
لعین
ابلیس

فرعون
لعین
ابلیس

نمرود

فرعون
لعین
ابلیس

ماروت
لعین
ابلیس

ماروت

ماروت
لعین
ابلیس

فرعون
لعین
ابلیس

نمرود
لعین
ابلیس

ماروت
لعین
ابلیس

نوع دیگر این بر سه نقوش در مقدمه آسیب معین کرده اند اگر فلیت را احتیاج نباشد
 این نقوش نوشته شود در پنی مریضی و در کام جسم مریض بدید و نیز تعویذ نموده در گوش
 اندازد و هم شسته بنوشاند انشاء الله مفید خوانند افتاد و این نقوش اکثر در مقدمه
 آسیب و غیره بکار می آیند الا چهل روز در چله چهل نقوش نوشته بای
 و در ریاضه اردگونی بسته بیندازد که عامل نقوشهای مذکور گردد و این نقوش
 در حافظت بکار آیند بسیار مجرب اند و آن نقوشهای این اند

۷۸۶

۸۲۹۵۵	۵۵۹۲۲	۵۵۹۲۲	۵۵۹۲۲
۵۵۹۲۲	۵۵۹۲۲	۵۵۹۲۲	۵۵۹۲۲
۵۵۹۲۳	۵۵۹۲۲	۵۵۹۲۲	۵۵۹۲۲
۵۵۹۲۲	۵۵۹۲۲	۵۵۹۲۲	۵۵۹۲۲

۷۸۶

۷۸۶

۶	۱	۸
۷	۵	۲
۲	۹	۳

۸	۱۱	۱۵	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۹	۴
۱۰	۶	۳	۱۵

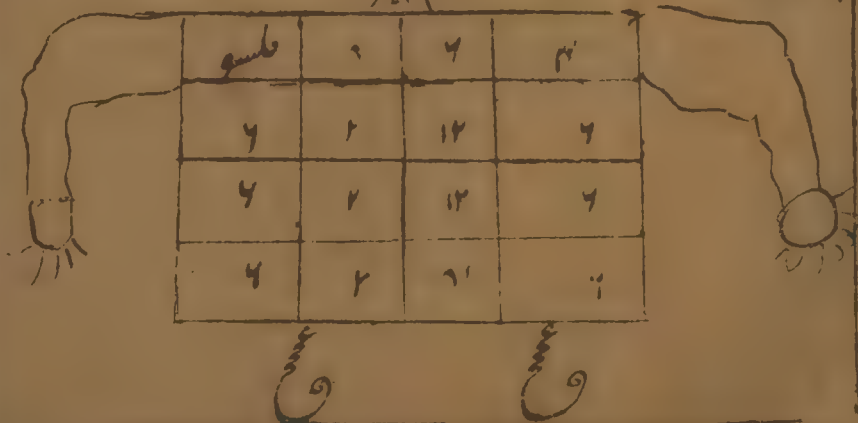
نوع دیگر در مقدمه آسیب اگر قبل از تولد شدن فرزند این نقش نوشته در دیوار
مکان چسباندند و در چاه زن را نظر و آسیب و کودک را ام الصبیان و غیره دخل
داد و این نقش از اعداد و سوره الم تر کیف است شان چهاری این را میگویند
در مقدمه بکار می باید اینست ۷۸۶

۱۶۶۹	۱۶۶۳	۱۶۸۶	۱۶۷۱
۱۶۸۵	۱۶۷۳	۱۶۷۱	۱۶۸۴
۱۶۷۳	۱۶۸۶	۱۶۸۱	۱۶۷۷
۱۶۸۲	۱۶۷۶	۱۶۷۵	۱۶۸۷

نوع دیگر در مقدمه آسیب در کسکه مکان خشت یا سنگ می اندازد و این قلمبه تو
رخ بجانب کعبه شریف کرده بدیوار بچپانند هرگز سنگها باز نه آیند این اند

بسمت این سنگها
باز نه آیند

نقش و شکل هذا



تو عید مگر برای اینکه اگر آسیب کسی به آتش میدید یا خشتی اندازد باید که این نقش
مغضمه نوشته در کوزه آبی انداخته و آن نقش را شسته در مکان و بام و هر جا
که مناسب باشد بپاشند هرگز باز غل آسیب نشود نقش مغضمه و کرم اینست

۲۶۶

ب	ا م ا ع	ع	دی
ف	ل	ک	ـ
ک	د	م	ق
ه ح ا	ـ	بدوح	بدوح

تو عید مگر حضرات در شنی که جنات به نظر می آیند

باید که اول باب از گل بلید و لعین آسیب زده را غسل دهد اگر پوشیده و لایق غسل
باشد و اگر طفل را وکیل او کند و طفل نابالغ زیاده اندوزده سال نباشد پس آن را
غسل داده و جامه ظاهر پوشانیده بر چادر نوشته اند آنچه بخورات خوشبو یا بت باشد بنور
و گردن و دگر در مریض و کودک حصا را بر صاحب را بچه که بالاند کور شد بکند و
نیاز بر پیشانی آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم بدید این فیتله نوشته بدست
طفک بدید آنجا که سیاهی پاست نگاه کند و عامل این عزیمت بخواند باشد در هرگز
بیم را در دل راه نهد پس آن عزیمت را خوانده بر ماش دم کند و بر سر کودک و مریض
میزده باشد انشا الله جن در سیاهی یا بر مریض یا کودک حاضر خواهند شد عامل نیز است حدیثی که در

نواه قول و قرار گرفته را کند خواه بسوزد چنانچه عزیمت که براس خوانند گفته ام
 اینست یا صابت الصفا یا جامع الاشتات و محزج النبات
 یا منته الرقاب یا شاه پری یا بدیع الجمال حور پری راج من

الاعظم ه و فلیته که بدست طفلک میدهند این است



ما کهن	ع و	۳۱	۳۱
یا بدوح	ل ا	ن	۱۱
یا بدوح	پ ا	ن	۱۱
حاضر شو حاضر	ع ۲ ع		۱۱

العجل

الساعة

العجل

الساعة

تأخر

توشه دار میا بود پیش روی چراغ نهد و فرش نو مقابل چراغ و این همه اسباب
 نهاده خود هم لباس پاکیزه پوشیده و طفل بدست آن نقش در شنی دادن منظور باشد
 پوشاک پاکیزه و اگر ممکن باشد نو پوشانیده و سطر بر سر و بر پیشانی طفلک مالیده و نقش
 در شنی بدست آن دهد که بیند و به هر کسی که بر او باشد نیز قریب بنشانند و خود
 و قبله رو نشسته عزیمت نمایند شروع نماید چنانچه اول غیثه که برای روشن
 کردن گفته ام بنویسیم و آن مع عبارت اینست

سزایو لرزخی بوسا منو تا عالم طیب ساسا ایلین سلینا ملقونا بحق
 یا ۲۰ ۵ ۱۰ ۷۰ ۹۰ و بحق ۱۰۰ ۴۱۰ ۷۰۰ بحق یا به روح یا
 طیبور یا دیوسا الیفه در مدح اسد اصطفی و لا طور
 و اطوان العین و بان و احرب یا طیطوما یا طیب ساققا و
 سلما یا طیطوسا قنوا یا طیبوا یا طیطوسا قنوا
 فرعون بنو و دشتاد امان و تارون عباد
 ابو جهل ابلیس ابلیس ضحاک دقیا نوس در ماکتها
 بیرون هونت کلوا و غیره و عه شیاطین
 انهم الله تعالی و الناس اجمعین ه ه ه
 عزمت علیکم و قسمت علیکم یا بر میا یا غفصا یل
 یا صد عا یل یا عینا یل یا حطای یل یا
 وردا یل یا رمت یل بحق سام ساسوم و
 او دوم سانوم شد شوس جروس هومال
 یا همکب یل بحق یا همکب یل بحق یا ۱۰۰ ۵۱۰ ۷۰۰ یا به روح

بر مچ در روشن شدن فیه جلد من البرق خاف مثل سج اصفا
 من جانب المشارق والمغرب والجنوب والشمال در نظر
 بیننده در شنی با چراغ صاف در آیند و کلام بکنند و جواب بگویند
 و همه بادشاهان را حاضر کرده هر چه آسیب در وجود فلان بن
 فلان باشد او را گرفتار کرده بیاورند مخصوصاً شیخ سید دوزین خان را
 مع مادر اش بسته و توابعان و لواحقان او بدون حکم
 سر مرخص آمدن نیابند و اگر بیابند زبون و رام شده
 فرمان بردار کرده آرند و در صورت آمدن بر سر مرخص
 کلام سخت از عامل کردن نتواند و هر چه عامل گوید بگوید
 و بدیه بزور بگیرند و اگر نمانند نیابند و او را ایند رسانند و شرف
 خوانده بر دوزیند و بسوزید و حکم مایان بجا آرید و هر که بجان آورد
 بر و شیر مادر حرام و سه طلاق و قسم پنچتن و چهارتن و جمیع انبیا و اولیا
 مخصوصاً قسم سلیمان بن داود علیهما السلام و پیغمبر
 حق قسم شرعی هر چه هست بشمال آن هفت کمال در حال رخ

ل ی م چو ل این فلیته نوشته تمام کن داین هر دو نقش زیر آن فلیته بنویسد و اگر
بریشانی فلیته نقوش بنویسد اولی است و زیر آن عبارت مر قومه بنو اسید مع اسماء
موکلان بدین گونه احب یا کلکائیل

۵۹۵	۵۸۷	۵۹۱
۵۸۹	۵۹۱	۵۹۲
۵۹۰	۵۹۶	۵۸۸

عزیز یا عزیز

عزیز یا عزیز

نور حق یا بدو یا بدو یا بدو

عزیز یا عزیز

علیقا ملیقا طلیقا انت اعلم یا
حقیقا

احب یا عصقائیل

فی قلوبهم ملیقا طلیقا
و قیقا

۶۵۱۷	۶۵۲۳	۶۵۲۷	۶۵۲۳
۶۵۲۸	۶۵۲۳	۶۵۱۸	۶۵۲۹
۶۵۲۲	۶۵۲۵	۶۵۳۲	۶۵۱۹
۶۵۲۱	۶۵۲۰	۶۵۲۱	۶۵۲۶

عزیز یا عزیز

وصف یک یک یا عزیز یا عزیز

حق یا بدو

عزیز یا عزیز یا عزیز یا عزیز

بعد نوشتن خلیفه و همه شروط مسطورہ بجا آوردن بر کاغذ نقش در شنی نوشته در آئینہ
و عطر درختہ کہ سیاهی پر کرده است مالک چنانچہ تر گرداند و بدست طفل مذکورہ آن
را بدہد کہ نظر کند و خود در خواندن غنیمت مصروف گردد و ماش بر سر طفل میزدہ باشد
تا پردہ حجاب از چشم طفلک برداشته شوند و جنات مح باو شاہان متعقین نظر آیند
پس ہمہ احوال از زبان طفل بگویند و جواب گیرد و نقش در شنی کہ کمال صحت آمد اینست

۷۸۶

۸	۱۹	۳	۱۵	۱۷	۱۵
۱۵۲۰۷	اللہ اللہ اللہ	اللہ اللہ اللہ	اللہ اللہ اللہ	اللہ اللہ اللہ	اللہ اللہ اللہ
۳	۲۰	۱۸	۱۱	۹	۲
۱۵۲۹۹	۱۵۳۱۵	۱۵۳۱۸	۱۵۲۰۵	۱۵۲۰۳	۱۵۲۰۵
۱۲	۱۶	۱۲	۴	۲	۲
۱۵۳۱۶	۱۵۳۱۳	۱۵۲۰۶	۱۵۲۹۹	۱۵۲۹۷	۱۵۲۹۷
۱۵	۱۳	۶	۵	۲۲	۲۲
۱۵۲۰۹	۱۵۳۰۷	۱۵۲۰۰	۱۵۲۹۸	۱۵۳۱۷	۱۵۳۱۷
۱۲	۷	۱	۲۳	۱۶	۱۶
۱۵۲۰۶	۱۵۲۰۰	۱۵۲۹۸	۱۵۳۱۷	۱۵۲۰۱	۱۵۲۰۱

بعد آئینه دادن بدست طفل حامل گرد خود و گرد طفل حصار بکند بر ساسیر سا آنچه که اول
نوشته شد بعد طفل هر عزیمت کند یا داشته باشد بخواند و یازده بار بخواند و بعد از آن
یازده مرتبه این عزیمت بصحت تمام بخواند اینست

عزیمت علیکم یا معشر الجن والانس واصحاب الارواح فتقن فتقن
جیبک جیبک اللهم اللهم صفکا صفکا الّا بلسا بلسا طلسا
طلسا سودرا سودرا کھلا کھلا فصل فصل سلا سلا
حاضرا حاضرا سخینا سخینا سدی سدی سلیمان بن
داود علیهما السلام و بعد این عزیمت یازده مرتبه این الفاظ
بخواند بسیار بسیار یک از تجی مزتی حبس بیری ارم
مین و بعد این یازده بار این عزیمت بخواند - احضروا یا اصحاب
الجن والشیاطین و احضروا الوساوس من جانب المشرق
والمغرب و الجنوب و الشمال حق خاتم سلیمان
بن داود علیهما السلام و حق لا اله الا الله محمد رسول الله -
و بعد این درود بخواند اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و احسن
والانس باسماک الحسنی

و این درود مختصر را باید که قبل از خواندن عزیمتها هم بخواند و بعد اتمام هم بخواند ان شاء الله
تعالی پرده ای قباب از چشم طفل برداشته خواهند شد تمام احوال بعامل بیان خواهد کرد حاصل را

اختیار است بهر طوریکه مناسب داند بعل آرد خواه قید کند یا از آن باو شاه نوشته گرداند
 نوع دیگر برای آسیب زده بسیار مجرب است اگر آسیب از مریض هرگز کنه نمیکند
 و مریض را نوبت بجان رسیده باشد پس باید که بر روز پنجشنبه بطور حاضر از آنچه سالان
 بالاند کورشته همیا کرده مریض را آنجا بخسایند و این نقش را نوشته دو در تمام حجم آن
 بدو نقش دیگر که بعد از این نقش است ششتر بهر طوریکه ممکن شود بنوشانند و نقش سوم را
 خلیقه کرده خواه در چراغ تو نقش مذکور نوشته روشن کند و مریض را همونجا خسبیده باز
 و احتیاط کند که دست درازی بر چراغ نکند و نقوش بر سه مجرب و آنز موده فقیر

این اند غریز باید داشت

۲۵۲۶۵۱	۲۵۲۶۵۲	۲۵۲۶۵۳	۲۵۲۶۵۴
۲۵۲۶۵۵	۲۵۲۶۵۶	۲۵۲۶۵۷	۲۵۲۶۵۸
۲۵۲۶۵۹	۲۵۲۶۶۰	۲۵۲۶۶۱	۲۵۲۶۶۲
۲۵۲۶۶۳	۲۵۲۶۶۴	۲۵۲۶۶۵	۲۵۲۶۶۶

ونقش دیگر که برای نوشتن گفته ایم اینست

۱۵۳۲۴	۱۵۳۲۶	۱۵۳۲۰	۱۵۳۱۶
۱۵۳۲۹	۱۵۳۱۸	۱۵۳۲۳	۱۵۳۲۸
۱۵۳۱۹	۱۵۳۳۲	۱۵۳۲۵	۱۵۳۲۲
۱۵۳۲۶	۱۵۳۲۱	۱۵۳۲۰	۱۵۳۲۱

ونقش سوم که فلیته کنند یا در چراغ نویسند اینست

۱۸۵۲۴	۱۸۵۲۶	۱۸۵۵۰	۱۸۵۳۶
۱۸۵۲۹	۱۸۵۳۶	۱۸۵۲۳	۱۸۵۲۸
۱۸۵۳۵	۱۸۵۵۶	۱۸۵۲۵	۱۸۵۲۳
۱۸۵۲۶	۱۸۵۲۱	۱۸۵۲۹	۱۸۵۵۱

بدان ای عزیز آنچه که مقدمه عزیمت و نقوش و فلیته و غیره در باره آسیب بودند درین

باب نوشته دادم انصاف فرما که چه قدر برای طالبان راه عملیات صاف و روشن کرده ایم که هیچ عامل گاهے چنین دولتها و نعمتها نمی بخشد پس این تحریف را دعا کنید
بند فرماید و به فاتحه مار اید کنند که حق ما بر تو همین است

باب نجم مشتمل بر کیفیت ساعات و وقت نوشتن و دادن
زکوة نقوش و شرح پریمیز جلای و جمالی و تسخیر کواکب و شناختن
طالع و غیره

بر راء بیضا ضیاے ارباب علوم سماوی مخفی مباد که بر سموات هفت کواکب
و دوازده بروج هستند چنانچه من اول بر آنیم بنیاد دایره بروج نویسیم و آن اینست

حل ۱	میکه	ثور ۲	یکه	جوزا ۳	متهن	سرطان ۴	کرک
اسد ۵	سنبله	۶	کیناک	میزان ۷	تلا	عقرب ۸	برجھیک
۹	۱۰	۱۱	۱۲				
قوس	دھن	جدی	مکر	دلو	کنجه	حوت	مین

و همچنین هفت کواکب که آن را سبع سیاره گویند و دو کواکب مطیع با خواص
زحل و مریخ و آن را راس و ذنب گویند و تفصیل کواکب اینست

زحل	مشتزی	مریخ	شمس	زهره	عطارد
فلک هفتم	فلک ششم	فلک پنجم	فلک چهارم	فلک سوم	فلک دوم
		فلک اول آسمان دنیا			

را س متعلق زحل و ذنب متعلق مریخ و بعض این تفصیل را چنین گفته اند که بعض کواکب
فوقی اند و بعض تحتی و آن تفصیل چنان است فاقم شمس مالک چارم فلک خسوف
سیارگان سیاره اول است پس فلک پنجم و ششم و هفتم بر بالائی فلک چهارم
اند مالکان این افلاک مریخ مشتری زحل سیاره فوقی اند و فلک سوم و دوم و
اول تحت فلک چهارم اند مالکان آن زهره و عطارد و مریخ سیاره تحتی اند پس تمام مقدمات
و نیابگردش این سیارگان است و معیت این با عناصر هر چهار در هر فعل و امر بسیار
خواص این کواکب است زیرا که ایزد تعالی در کلام مجید خویش این بروج آسمانی و
کواکب را یاد فرموده که بمصدق و السماء ذات البروج و در یک جا فرموده
که جعلکم النجوم لتهتدوا بها فی ظلمات البر و البحر و یک جا ارشاد کرده که تبارک الذی
جعل فی السماء بروجاً و جعل فیها قمرین پس ادراک رسیده که در ساعت بروج
کواکب هستند لهذا عل شایق را باید که ساعات کواکب با بروج در یاق نماید و
هر امر که آغاز نماید در ساعت کواکب موافق مزاج آن آغاز کند تا راست آید
و هر گاه که نشیند بر آس و دعوت عمل ساعت نیک و بد دیده و دریافت کرده نشیند
که خطا نه افتد پس آدم بر سر مطلب باید دانست که این دو کواکب یعنی اول شمس
و دوم قمران همه سیاره میرنج تاثیر و همه روز تابع این اند چنانچه تفصیل روز را

روز و اوقات

روز و قسم

یکشنبه و سه شنبه و پنجشنبه

دوشنبه و چهارشنبه و جمعه و چهارشنبه

و بعضی باین حساب رفته اند که تفصیلش اینست و این حساب

ظاہری است و بیان کردن اورا حاجت نیست و آن اینست

نام ستاره	زحل	مشتری	مریخ	سمش	زہرہ	عطارد	قمر
نام ایام	شنبه	پنجشنبه	شنبه	یکشنبه	جمعہ	چهارشنبه	دوشنبہ

و دریافت باید کرد کہ این علم مثل دریاست و عامل ناخدا کشتی و جهاز تقوی و طہارت و راہ ناپید کنار دین امر پس ناخدا را بجز شناختن کواکب کشتی پریشان و مثل باد تند سوکوان عمل مہتند و بمصدق این معنی آیہ شریفہ کلام الہی است کہ اعلمات ج و بالغم ہم یستندون ، ہذا لازم افتاد کہ در عملیات حساب نجوم عال یاد کند و عامل بمکالم کرد و درین علم حکما کیونان بسیار تالیفات و تصنیفات فرمودہ اند ما را کو یار کہ شرح دہم اما بقدر ضرورت عملیات بنویسم کہ طالب را در تلاش وقت نہ گرد و آن اینست کہ از ابتداء سال حساب کنند تا انکو اکتب ہر روزہ و ساعتہاے شب و روز را دریافت کردہ ہر کار آغاز نمایند پس اول دورہ آفتاب را یاد کنند و آن دورہ از ابتداء ہج محل تا برج حوت در یک سال میشود و در یک برج بہ یک ماہ چیزے کم و بیش میشود و ہرین طور ہمہ سیارہ در ہر برج دوہ می کنند چنانچہ دائرہ سیر کواکب این است

نام کواکب	زحل	مشتری	مریخ	سمش
تعداد یوم	دو سال و شش ماہ	سیزدہ ماہ و چہل و پنج روز	یک ماہ	
نام کواکب	زہرہ	عطارد	قمر	
تعداد یوم	بست و مہت روز	یک ماہ	دو روز و چہد ساعت	

اما پنج ستارہ را کہ زہرہ و عطارد و مریخ و مشتری و زحل را حمسہ متحرکہ میگویند زیرا کہ این گاہی عقب آفتاب باشند و گاہی پس آفتاب باشند و از ہر برج رجعت و استقامت دارند ازین جهت حساب سیر این سیارہ بدون زریح دریافت

شدن ناممکن است بلکه دریافت کردن آن بوقت ضرورت عامل پیره و تیری
و تقویم مار ایند و آفتاب و ماهتاب را بسیار ضرورت دین علم است بنا بر این سیر
این هر روزه تبصره شرح تمام بنوسیم چنانچه در بروج دوازده دوره آفتاب چنان
میشود از آن دایره آفتاب را دریافت باید
کرد دایره سیر آفتاب

جوزا بادی	ثور خاکی	حمل آتشی
ماه اساره قدم دوم نیم	ماه جیطه قدم ۶ و نیم	ماه بیساکه ۳۱ یوم
۳۳ یوم کب	۳۱ یوم لا	چهار نیم لا
سنبله خاکی	اسد آتشی	سرطان آبی
ماه کنوار قدم سه نیم	ماه بهادون قدم دوم نیم	ماه ساون قدیم یک نیم
۳۱ یوم لا	۳۱ یوم لا	۳۱ یوم لا
قوس آتشی	عقرب آبی	میزان بادی
ماه پوس قدم هفت نیم	ماه آگن قدم ۶ نیم ل	ماه کاتک قدم
۲۹ یوم کط	۳۰ یوم	چهار نیم ۲۹ یوم ل
حوت آبی	دلو بادی	جدی خاکی
ماه چیت قدم ۶ نیم	ماه پهاگن قدم ۸ ۳۰	ماه ماکه قدم دوم نیم
۲۰ یوم ل	۳۰ یوم ل	۲۹ یوم کط

و استادان سیر آفتاب را ازین بیت حساب گیرند بیت لا ولاب لا ولا لا شش
است لک کظ و کطل شهر کوه است پس دوره آفتاب چنین باشد که نوشته شد و ما
مقرر یک ماه همه بروج سماوی طی میکنند برین حساب دوازده دوره در هر ماه شدند و در هر
دور و روز و چند ساعت می ماند پس طریق دانستن این امر که امروز مقرر بکدام برج است این
معنی را ازین ابیات که مخرج را در کوزه آتش خفته خواهد نصیر الدین طوسی علیه الرحمة باید دریافت

ابیات

آنچه از ماه شد مضاعف کن پس به برجیکه آفتاب دروست	پنج دیگر فرود و بر سر آن بکن آنرا پنج به پنج بر آن
هر کجا شته شود عددش آنچه از پنج کسر می ماند	ماه آنجا بود یقین میدان بر سرش میروی و زوج بخوان

وقایع این ابیات چنانست که ابتدا از پروا دوج که هندو آن را بتاینج سلخ هر ماه پروا
دوج میشود میکنند مثلا کسی پرسید که امروز مقرر کجاست پس بتاینج ماه را خیال کردم از پروا
روز گذشته بودند ده دیگر بر آن افزودم بست شدند پنج بر او دیگر افزودم بست و پنج شدند
آن وقت آفتاب را دیدم که بکدام برج است معلوم شد که در سنبله است پس اعداد مقرر
بالا را تقسیم کردم پنج سنبله را دادم و پنج میزان را و پنج عقرب را و پنج جدی را دادم
بست و پنج تمام شدند پس جواب گفتم که قبر آخر و جدی برت جدیست لهذا بهمین طور مقرر حساب
گیرد لیکن ابتدا از پروا و ضرور کند ورنه غلطی خواهد افتاد و این طریق برای دریافت مقام
بود بیان سیرش که مقرر است از لی مقرر کرده اند و هم منزل را خالصت داده اند و نام منازل
نختر است و هر نختر را نه چرخ داده اند که ازین جدول اسمی بختر و تعداد چرخ مفهوم خواهد شد

جدول سیر مقرر در برج

حمل	ثور	جوزا	سرطان
استی بهرنی کرکا	کرکا روینی مرگرا	مرگرا اردی ابرلس	پزلس پیکه اثنیکا
۱۴۴	۲۴۳	۲۴۶	۴۴۱
شرطین بلین	دیران ثریا بقعه	بقعه شغه وزاعه	وزاعه لمر طرفه
۱۴۴	۲۴۳	۲۴۶	۴۴۱
اسد	سنبله	میزان	عقرب
لکا پوریا انزا	انزا لکلی هست چتر	چتر اسوانی بسا کها	بسا کها ازاد با شغه
۴۴۱	۲۴۳	۲۴۶	۴۴۱
طرفه جهه دیره	دیره صرف عمو	عمو اسماک غفره	غفره زبانا اکیل
۴۴۱	۲۴۳	۲۴۶	۴۴۱
قوس	جدی	دلو	حوت
سوانی با کها ازاد کها	ازاد کها شرون و حنشا	حنشا بلبا پو با بجا و رید	پو با بجا و رید پو با بجا و رید
۴۴۱	۲۴۳	۲۴۶	۴۴۱
۴۴۱	۲۴۳	۲۴۶	۴۴۱
کلی قلب سله نعایم	نعایم بلده دایح	دایح بلعه سعود	سعود اخیه مقدم موخر شا
<p>پس این سیر قیود که ترقیم رفت فلما خواصات مختصره و خواصات سیارگان را ترک نموده که در کتب منجمان بسیار خواص ایشان اندو عامل را ضرورت نیست و دیگر همه مختصر را جوگ منجمان پسند مقرر کرده اند و اسما جوگ بدین تفصیل اند ازین جدول دریافت باید کرد فافهم</p>			
اسماے جوگ			
سویجن ۱	انگنڈ ۲	سکرمان ۳	دہرت ۴
شول ۵	گنڈ ۶	برودھ ۷	

دبر ۸	بیاضات ۹	هرکهن ۱۰	بجر ۱۱	سده ۱۲	بقیات ۱۳	بریان ۱۴
پرگه ۱۵	سده ۱۶	یشو ۱۷	ساده ۱۸	شبه ۱۹	شکل ۲۰	ایند ۲۱
بیدهرت ۲۲	بسکبه ۲۳	پریت ۲۴	ایوکهان ۲۵	سوجاگ ۲۶		۰

و این هر یک جوگ هم خاصیت دارد الا بیاض باعث طوالت کتاب است و عامل را در عملیات
چندان ضرورت نیست الا اینکه رضو درست که ساعت نیکت بیند و طالع سائل و مسئول نگاه
کند و تا تفصیلش آینه درین معنی خواهم نوشت انشاء الله تعالی الحال قاعده باهم بیان نمایم
قاعده در دانستن سنکرات چون این همه گفته شد که دوره آفتاب در هر برج
بمدت یک ماه چیرس کم و بیش میشود پس چون آفتاب را تحویل از برج در برج دیگر
باشد آنرا سنکرات گویند و این دانستن که کدام وقت سنکرات خواهد شد بدین طریق است
که سال شمسی را به چهار حصه منقسم کند هر چه از چهار باقی ماند آنرا در جدول بهیند مثلاً کسی
پرسید که امسال کدام وقت سنکرات شده است پس سال شمسی را چهار حصه کردم و
طرح دادم یعنی چهار و چهار و چهار حساب کردم باقی ماند یک پس در جدول دیدم ماه اپریل
که ماه های شمسی است و اگر بزرگ این ماه با مقرر کرده اند مردمان واقف ازین ماه تا
غروب اند و ماه فروری اردی بهشت را کم دانند از پنجبت گفتیم که در ماه اپریل بتاریخ
یازدهم بعد ۲۲ گھڑی و ۲۲ سنکرات گل یعنی سید خواهد شد بمبرین قیاس حساب کنند
و چون چهار حصه کنند و جدول هر خانه تا چهار است در آن نگاه کنند اگر یک عدد باقی ماند
در خانه اول پسند و ماه را حیال کنند در بر ماه که خواش باشد آنرا نگاه فرموده گھڑی
و پل و تاریخ دریافت کنند و چون دو عدد باقی بماند در جدول دوم نگاه کنند و چون
سه عدد باقی ماند آنرا در خانه سوم نگاه کنند و تاریخ و وقت دریافت نمایند و در صورت چهار
عدد باقی ماندن در جدول خانه چهارم نظر کنند و اوقات سنکرات دریافت نمایند و چون
سنکرات محل معلوم کنند آن وقت از نگاه دارند که او در حساب ساعت بسیار مفید

خواهد افتاد زیرا که اگر خواهند که بدانند که درین وقت آفتاب در کدام برج و در کدام دهم و دقیقه است پس از شکرات حساب کنند تا راست و در افتد جدول این است

جدول برای دریافت شکرات

خانه اول ۱

نام ماه انگریزی	شمار ماه	نام شکرات	تاریخ	گھڑی	پیل
اپریل اول	۱	حل میکہ	۱۱	۲۲	۲
مئی دوم	۲	ثور برکہ	۱۲	۱۹	۴
جون سوم	۳	جوزا متھن	۱۳	۳۵	۳
جولائی چہارم	۴	سرطان کرک	۱۴	۲۲	۵۳
اگست پنجم	۵	اسد سنگہ	۴	۵۲	۶
ستمبر ششم	۶	سنبھہ کینان	۱۴	۵۲	۳۱
اکتوبر ہفتم	۷	میزان تلا	۱۵	۱۷	۵۰
نومبر ہشتم	۸	عقرب برھیک	۱۴	۱۰	۳۳
دسمبر نهم	۹	قوس دھن	۱۲	۳۹	۱۳
جنوری دہم	۱۰	جدی مکر	۱۱	۴۲	۳۵
فروری یازدہم	۱۱	دلو کنبہ	۱۰	۹	۲۵
مارچ دوازدہم	۱۲	حوت ین	۱۱	۵۵	۵۴

خانه دوم ۲

نام ماه انگریزی	شمار ماه	نام شکرات	تاریخ	گھڑی	پیل
اپریل اول	۱	حل میکہ	۱۱	۲۷	۳۴

دوم	۳۵	۳۴	۱۳	برکه	ثور	۲	مئی
سوم	۳۵	۳	۱۴	متن	جوزا	۳	جون
چهارم	۳۵	۳۸	۱۵	کرک	سرطان	۴	جولائی
پنجم	۳۸	۷	۱۵	سنگه	اسد	۵	اگست
ششم	۳	۸	۵	کینان	سنبله	۶	ستمبر
ہفتم	۲۲	۳۳	۱۴	تلا	میزان	۷	اکتوبر
ہشتم	۵۰	۱۶	۱۳	برھیک	عقرب	۸	نومبر
نہم	۴۵	۵۴	۱۱	دین	قوس	۹	دسمبر
دہم	۶	۵۸	۱۰	مکر	جدی	۱۰	جنوری
یازدہم	۱۶	۶۵	۱۲	کبھہ	دلو	۱۱	فروری
دوازدہم	۲۶	۵	۱۲	مین	حوت	۱۲	مارچ

خانہ سوم ۳

نام ماہ	انگریزی	شمار ماہ	نام سنکرات	تایچ	گھڑی پل
اپریل	اول	۱	حمل	میکہ	۱۱ ۵۲ ۵
مئی	دوم	۲	ثور	برکہ	۱۲ ۵۰ ۶
جون	سوم	۳	جوزا	متن	۱۳ ۱۶ ۶
جولائی	چهارم	۴	سرطان	کرک	۱۴ ۵۳ ۵۶
اگست	پنجم	۵	اسد	سنگه	۱۵ ۲۳ ۹
ستمبر	ششم	۶	سنبله	کینان	۱۵ ۲۳ ۳۴

اکتوبر	۷	میزان	تلا	۱۵	۴۸	۵۳	هفتم
نومبر	۸	عقرب	برجییک	۱۴	۴۱	۴۵	هشتم
دسمبر	۹	قوس	دهن	۱۳	۱۰	۱۶	نهم
جنوری	۱۰	جدی	مکر	۱۲	۱۳	۳۸	دهم
فروری	۱۱	دلو	کبھ	۱۰	۴۰	۴۸	یازدهم
مارچ	۱۲	حوت	مین	۱۲	۳۰	۵۸	دوازدهم

خانه چهارم ۴

نام ماہ انگریزی	نام سنکرات	تاریخ	گھڑی	پیل	شمارہ		
اپریل	۱	حمل	میکہ	۱۱	۸	۲۸	اول
مئی	۲	ثور	برکھ	۱۲	۵	۳۸	دوم
جون	۳	جوزا	مہتن	۱۲	۳۱	۳۸	سوم
جولائی	۴	سرطان	کرک	۱۴	۹	۲۸	چهارم
اگست	۵	اسد	سنگھ	۱۴	۳۸	۴۱	پنجم
ستمبر	۶	سنبلہ	کینان	۱۴	۳۹	۶	ششم
اکتوبر	۷	میزان	تلا	۱۵	۴	۲۵	ہفتم
نومبر	۸	عقرب	برجیہک	۱۲	۴۷	۹	ہشتم
دسمبر	۹	قوس	دھن	۱۲	۳۵	۴۸	نہم
جنوری	۱۰	جدی	مکر	۱۱	۲۹	۹	دہم
فروری	۱۱	دلو	کنبہ	۱۰	۵۶	۱۹	یازدہم
مارچ	۱۲	حوت	مین	۱۲	۴۶	۲۰	دوازدہم

قاعده در بیان دریافت لکن

پس چون سنگرات بدیافت رسید اگر دریافتن لکن منظور باشد بهینند که آفتاب کدام برج است لهذا در برجیکه شمس رایانده تا یک ماه یعنی تا تحویل در برج دیگر هر روز بوقت طلوع شمس لکن همان برج خواهد شد و چون شبانه روز از شصت گھڑی میشود ازین جهت شش لکن در روز میشوند و شش لکن در شب می شوند پس حساب آغاز از طلوع شمس کند مثلاً آفتاب در برج حمل تحویل کند پس تا تحویل برج ثور بر صبح لکن برج حمل خواهد شد پس اول لکن حمل دوم ثور تا سنبله روز را تمام کند و بعد از آن شش برج که باقی ماندند آن را بر شصت قسمت کند تا آنکه در آخر شب تا صبح لکن برج خواهد شد و می باید که این امر را خیال که گاه شب و روز کم و بیش یعنی گاه شب دراز و گاه کم میوم دراز می شود پس این کشتی و بیشی را ملحوظ خاطر دارد در تعداد ده از ده لکن کم و بیش کند و من برای کمی و بیشی لکن دایره بنویسم تا بدین طور لکن حساب کند و طالب را در قیام کردن تعداد لکن وقت نیافته دایره ایست

حمل خانه ۱۳ گھڑی ۸ ۲ پیل	خانه ۲ ثور روز اول گھڑی ۱۱ پیل	خانه ۳ جوزا روز اول گھڑی ۳ پیل
خانه ۴ سرطان همان روزه گھڑی ۳۳ پیل	خانه ۵ - اسد همان روز گھڑی ۴ پیل	خانه ۶ سنبله همان روز گھڑی ۲۸ پیل

خانه ۹ قوس همان شب ۵ گهر طی ۳۳ پیل	خانه ۸ عقرب همان شب ۵ گهر طی ۳۷ پیل	خانه ۷ میزان اول شب همان روز ۵ گهر طی ۳۸ پیل
خانه ۱۲ حوت تا طلوع سحر ۳۸ گهر طی ۳۹ پیل	خانه ۱۱ دلو همان شب ۵ گهر طی ۱۱ پیل	خانه ۱۰ جدی همان شب ۵ گهر طی ۳۳ پیل
قاعده دشتن آغاز روز		

در محل و عقرب و دلو و حوت درین چهار برج آفتاب از وقت طلوع تا تمام شب
قائم می ماند و در قوس و سرطان و ثور درین سه برج از نیم آخر شب شروع میشود و تا
نیم شب تمام و در میزان و جدی و جوزا و اسد و سنبله درین پنج برج با طلوع آفتاب از روز
شروع و ازین وجه شب و روز گشتی میشود چنانچه دایره کی ویشی بدین صورت است

حوت و حمل هر روز	دلو و ثور هر روز	جدی و جوزا هر روز
هفت و نیم پیل کم	هشت و نیم پیل کم	۱۰ پیل کم

سرطان و قوس و عقرب و اسد و سنبله و میزان
هر روز زیاده پیل کم می شود

قاعده و التفتن منسوب بمروج

حل و عقرب	ثور و میزان	جوزا و سنبله	سرطان
خانه مرج	خانه زهره	خانه عطارد	خانه قمر
قوس و حوت	جدی و دلو	اسد	
خانه مشتری	خانه زحل	خانه شمس	

و مادرین علم یک جدول عریض و طویل بنویسیم طالب ازو بهره وافی گیرد و منسوبات بعض
و سیالگان بیشتر از ان جدول مفهوم خواهند شد و بسیار مختصر جدول است اما علامت
شناخت مقام جدول از حروفی است چنانچه این ابیات اول یاد گیرد بعد
از ان جدول بیند اینند ابیات

از محل صفو الف ز نورشان
از اسد کاف و سنبه پستان
قوس است و جدی از صفرست
بے زنجیر او نیم از سرطان
و ازمیزان و رے یعقوب خوان
دلورانی و یازحوت نشان

جدول منسوبات سیارگان و مجموع این است

تعداد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
بروج	ح	ث	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ق	ر	ک
حروف الهجایی	۰	ب	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ق	ر
صاحب خانه	م	ز	ق	م	ع	ع	ز	م	ع	ع	ز	م
و بال سیارگان	ز	ی	ز	ز	م	م	ز	ز	م	م	ز	م
شرف سیارگان	ق	ق	ز	ز	ع	ع	ز	ز	م	م	ز	م

بقية جدول

[illegible]

اول ساعت زحل ۰۲ - گھڑی	دوم ساعت مشتري ۰۲ - گھڑی	سوم ساعت مريخ ۰۲ - گھڑی
چهارم ساعت شمس ۰۲ - گھڑی	پنجم ساعت زهره ۰۲ - گھڑی	ششم ساعت عطارد ۰۲ - گھڑی
هفتم ساعت مر ۰۲ - گھڑی	هشتم ساعت باز زحل ۰۲ - گھڑی	نهم ساعت مشتري ۰۲ - گھڑی
دهم ساعت مريخ ۰۲ - گھڑی	يازدهم ساعت شمس ۰۳ - گھڑی	دوازدهم ساعت زهره ۰۲ - گھڑی

پس روز شنبه آخر شد و شب آنرا بهمين دور خيال کنند يعني بعد زهره عطارد و فافهم

اول ساعت شب عطارد ۰۲ - گھڑی	دوم ساعت شب مر ۰۲ - گھڑی	سوم ساعت باز زحل در شب ۰۲ - گھڑی
چهارم ساعت مشتري ۰۲ - گھڑی	پنجم ساعت مريخ ۰۲ - گھڑی	ششم ساعت شمس ۰۲ - گھڑی
هفتم ساعت زهره ۰۲ - گھڑی	هشتم ساعت عطارد ۰۲ - گھڑی	نهم ساعت مر ۰۲ - گھڑی

دوم ساعت	یازدهم ساعت	دوازدهم ساعت
زحل ۰۲ گھڑی	مشتری ۰۲ گھڑی	ناتلوغ شمس مریخ

پس شب آخر شده روز یکشنبه رسیده و در ساعت به شمس رسیده و یکشنبه به شمس منسوب است لهذا اول ساعت شمس دوم ساعت زهره سوم ساعت عطارد چهارم ساعت قمر پنجم ساعت زحل ششم ساعت مشتری هفتم ساعت مریخ هشتم ساعت شمس نهم ساعت زهره دهم ساعت عطارد یازدهم ساعت قمر دوازدهم ساعت زحل پس روز یکشنبه تمام شد شب آمده همچنین دور سیارگان هر هفت روز و شب قیاس کند و حساب گیرد تا آسان گردد و وقت سیارگان ازین الفاظ و ریاضات نایلینج شهید روانکه از روز سه شنبه و ی ه ل ش ر خ چون شب افروز است ش یکشنبه رد و شنبه خ سه شنبه و چهارشنبه ی پنجشنبه ه جمع ل شنبه پس این همه قاعده با دانستن ساعت بود که نوشته و ادم اما بعضی بروج خاصیت دارند و سیرج تاثیر متبند هرگاه که در آن بروج آفتاب باشد و کاری آغاز نماید زود مطلب بر آید و تفصیل بدین طریق است

قاعده دانستن خاصیت بروج

چهار لکن اول	تبر لکن دوم	و سه و لکن
بر آهرگاه بسیار خوب	بر درجه اوسط نه نیک نه بد	بسیار بد در هرگاه

حکمرطان میزان جدی	ثور اسد عقرب دلو
اگر آفتاب درین بروج باشد لکن بسیار خوب است	اگر درین بروج آفتاب باشد لکن اوسط است

بوز اسبله قوس و حوت

اگر درین بروج آفتاب باشد و سها و کسب بدست
 قاعده بدانکه بعضی بروج با بعض دوستی دارند و بعض با بعض دشمنی دارند و
 بعض بروج با هم مساوی اند و دوست و دشمن پس باید که این همه مقدمه را نگاه کند
 و قیله براس دوستی و حب عمل را ابتدا کردن خواهد اجتماع طالع سائل و مبلون بیند اگر
 کوکب در بروج دوستی باشند و نظرات دوستی دارند آغاز عمل کند و اگر مقدمه بغض و نفاق
 باشد دشمنی را از بروج و کوکب طالع نگاه دارد و در میانیکه ستارها در بروج مخالف باشند
 ابتدا عمل کند تا راست آید و یا بروج و کوکب هر دو دوستی و دشمنی شرح دهم تا بتوسل گردد اینست

حمل و اسد	ثور و عقرب	بوز او قوس و دلو
با هم دوست بدرجه مبالغه	با هم دوست بدرجه اوسط	هر سه با هم دوست بسیار
سبله و حوت	میزان و حمل	ثور و سبله
با هم دوست	با هم دوست بدرجه اوسط	با هم دوست بدرجه مبالغه
بوز او میزان	سرطان و عقرب	اسد و قوس
با هم دوست بسیار	با هم دوست بدرجه اوسط	با هم دوست بدرجه مبالغه
سبله جدی	اسد و حوت	حمل و سبله
با هم دوست بدرجه اوسط	با هم دشمن بدرجه مبالغه	با هم دشمن بدرجه اوسط

حل و عقرب	ثور و میزان	حمل و ثور
با هم دشمن بدرجه اوسط	با هم دشمن بدرجه اوسط	با هم دشمن بدرجه اوسط
دائرة دوستی و دشمنی کو اکب		
آفتاب و مرتخ	زهره و زحل	عطارد و آفتاب
با هم دوست بسیار	با هم دوست بسیار	با هم دوست بدرجه اوسط
عطارد و مرتخ	قمر و میرخ	شمس و زحل
با هم دوست بدرجه اوسط	با هم دوست بدرجه اوسط	با هم دشمن متوسط
مشتری و قمر	عطارد و زحل	عطارد و زهره
با هم دشمن بسیار	با هم دشمن بدرجه اوسط	با هم دشمن بدرجه اوسط
پس این همه قواعد را باید که آنرا بر یاد کند و مارا باید که لون طبع هم نویسم تا طالب از جملگی حال رواج و کو اکب آگاه باشد و هیچ دقیقه از این کتاب بیرون نباشد و لون طبع را و ایزه نویسم تا از آن دریافت کنی این است		
حمل	ثور	جوزا
۱	۲	۳
رنگ زرد و مرتخ	رنگ سیاه و سبز	رنگ سفید مائل به
و شیرین طبع	تلخ و تیز طبع	زردی تلخ و شور طبع
جهت مشرق	جهت جنوب	جهت غرب
		جهت شمال
		سدرطان
		۴

اسد ۵	سنبله ۶	میزان ۷	عقرب ۸
رنگ زرد و سرخ شیرین طبع جهت مشرق	رنگ سیاه و سبز تلخ و تیز طبع جهت جنوب	رنگ سفید گوندر شور طبع جهت مغرب	رنگ سفید مطلق طبع شیرین جهت شمال
قوس ۹	جدی ۱۰	دلو ۱۱	حوت ۱۲
رنگ زرد و سرخ شیرین طبع جهت مشرق	رنگ سیاه و سبز تلخ مطلق تیز طبع جهت جنوب	رنگ سفید و سبز شور و تلخ طبع جهت مغرب	رنگ سفید مطلق شیرین طبع جهت شمال
سمت و طبع و رنگ بر وجه برای این جهت نوشته ایم که عال را بوقت نوشتن نقشه که آتش باشد سمت مشرق نشسته بنویسد و همچنین طریق پر مزاج که نقش نویسد آن جهت نشیند و موافق رنگ برج سیاهی یا سرخی نوشتن نقش باشد تا راست آید بموجب آن او نمک خواه اشیای تلخ و شیرین و غیره در دهن خویش داشته باشد و نقش کشد و همچنین خواص هر کوکب را نیز مهت یعنی ایشان را هم طبع و رنگ و جهات اند چنانچه دایره کوکب با طبع و جهات و رنگ نیست			
آفتاب	قمر	مریخ	
طبع گرم جهت مشرق لذت شیرین جلالی سعد اکبر	طبع سرد جهت شمال لذت شیرین مشترک سعد اکبر	سرخ مطلق طبع گرم جهت لذت بکین بخش اصغر جلال	

عطارد ۴	مشتری ۵	زهره ۶	زحل ۷
رنگ بزمیایی مائل	رنگ زرد مطلق گرم	رنگ زرد سبز	رنگ سیاه مطلق
طبع مسرور و لذت شور	طبع لذت شیرین	آهنی طبع سرد	طبع گرم لذت شور
ذو جبین سعدی	جهت مشرق سعدا	جهت مغرب لذت	جهت جنوب
ممتزج در هر کار و غرب	جلالی	شیرین سعدی	جلالی محسن اکبر

این دایره محض برای تقسیم طالع طالعیان نوشته ایم که از هر خاصیت آگاهی باشند و اجرا
کار خود نمایند و باید که طالع سائل و مسئول هر دو دریافته کار کنند اگر طالع سائل مشغوب
مرح و کوکب آتش و منفرد تب بود پس آن را در ساعت و کس آتشی آغاز کنند و
کوکب سعدا بگیرند و نقش از خانه آتشی بکنند و اگر طالع بیرون است باشد همچنان بدستور
در محل آزند و نیز بخارات هر کوکب به تقسیم موسوم که اگر ببران آتشی که مقررند بسوزند و
جایگاه بر آه کوکب مذکور بخورست پس این آتشی را هر قدر که تواند طوطا طرد آتشی بکارد ازند
یا درست آتشی بنایند و از بخارات هر کوکب این است فاضل قسم

زحل ۸	عور	زحل	گوگل
عطرد و عنبه و مشک	صلد سرخ	اکره لوبان و حب الفار	
بزرغفران زرد	و صندل زرد	و مشک	
عور و قفل	لوبان و سندر	جوز و گوگل	
عور و صندل سفید	جوز و عنبه و زعفران	لوبان و سندر	
و سمن و عطر	و مشک		

بقیه دایره

زهره ۵	عطر سهال و مشک	صندل سرخ و سفید زعفران و لوبان	شکر و جوز و اگر و گلاب نوشبودار
عطارد ۶	خود و عنبر	لوبان و تاج	قشور الکندر
متر ۷	کافور	عطر و عطر گلاب	لوبان و عود

باید که در وقت پختن سوختن و خواندن عمل موافق طالع طالب و مطلوب ازین بخور
 دو کنند اگر ستاره طالب و مطلوب با هم بالعکس باشند یعنی صدیت دارند یعنی آتش طالع
 و دیگرانی طالع است درین صورت عدد هر دو اسم بر آورده و دوازده گانه طرح دهند
 آنچه باقی ماند بر وجه تقسیم کنند هر جا که عدد هشتی شود آن برج و آن ستاره که بآن برج
 باشد غورات روشن کنند و چون بر فراز اول ابتدا دعوت آسم و عمل باشد شیرینی و میوه
 و هر چه غذا موافق طبع نقش و عمل و دعوت و موافق طبع کواکب او باشد به نیت ناسبت
 آید و بعضی عمل چنان هستند که هر روزه از گوی آن نقش بسته بدیاری اندازند و بعضی
 عمل آن چنان اند که هر روزه در ویشان را دعوت و تصدق آید و میبازند و بعضی چنان
 اند که خود آن غذای موافق طبع عمل در استعمال خود از دیس باید که این همه ترکیبات و غذا
 و تصدق و دعوت و کلمات و نذرانه حاکم آن عمل بموجب مزاج و کواکب و کواکب و
 دعوت باشد و مالک نقش بود ازین قاعده دریافت نمایند مثلاً عمل و طبع او آتشی پس باز
 آن کواکب مشتری و عطارد و آفتاب باز هر که مانند این موافق غذاست این کواکب
 هر که اختیار کرده است نذرات و صدقات و غذاست اجزای کار نماید تا بر مسخر
 عمل شوند و دایره اخذ نیز کواکب که براس تصدق و غیره است اینست

۱۰۰	امباب	برنج زرد شیرین	میوه های ولایتی	شیرینی خوشبودار	دال نخود و گلاب	عطر و غسل خالص
۱۰۱	قمر	برنج سپید و شکر سپید	شیر و برنج شیر خالص	روغن زرد و دوغ مات	میوه هندی که شیرین باشد	کیوژد و گلاب
۱۰۲	سینج	گوشت دان غیری گلاب	برگهای ساگ سرخ برج	روغن سرخ	دال عدس و میوه کاترش	خوشبو تند و تیز
۱۰۳	عطار دوم	برنج و دال موزک	میوه های هندی و ولایتی	پسته سبز و چار مغز	انگور نار و پره اطفالان	خوشبو مجموعه
۱۰۴	مشرقی	شیر برنج و زرد	میوه های ولایتی شیرین	عسل خالص و مصری	شهد و شکر و نان شیرین	عطر گلاب و عطر
۱۰۵	زهره	شیر برنج و زرد	لوزیات و غیره	حلوائے عسل خالص	دال نخود و برنج	عطر سهاگ
۱۰۶	زر جل	کچور و ماش	کنجد سیاه	بادنجان	میوه کاتلخ	عطر گل یعنی مش

قاعده سنت برنج مطابق ماه جمادی

اول در اثره سیر کوکب هندی نوشته ام بحال برای خاطر طالبان این گرمی فن ماه
ماه جمادی را در اثره نویسم که بسیار بکار می آید یعنی اگر طالع شخصی از مروف تهی عدد به
آورده دریافت است لهذا این قواعد از کتب علای دین است که موافق طالع انشی بود

آبی و خاکی ماه جلالی دریافت نموده آغاز وظیفه و دعوت و زکوة و اذن نمایند با بقاع
عربی بسیار آسان افتد و تماش از ماه های بندی مطابق گردن ماههای عربی را نه اف
و ابتدای حساب ماههای جلالی در هر مقدمه از ماه محرم الحرام بیاشد و طایفه قدسین غره
محرم را نیز روز و روزگومند و کیفیت تمام سال از همین روز گفته اند و این سنه مقدمه بحر
جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله و آفاق نور و تحسیم اکثر حالات مطابق بهمی آید پس برای آسانی
ماه جدلی را دانه نوشته شده و آن دانه مذکوره بالا این است فاقه

ماه محرم الحرام	ماه صفر المظفر	ماه ربیع الاول
منسوب به برج قوس طالع آتشی و زراست	منسوب به برج ثور طالع خاکی و ماده است	منسوب به برج جوزا طالع بادی و زراست
ماه ربیع الثانی	ماه جمادی الاول	ماه جمادی الثانی
منسوب به برج سرطان طالع آبی و ماده است	منسوب به برج اسد طالع آتشی و زراست	منسوب به برج سنبله طالع خاکی و ماده است
ماه حبیب المرحب	ماه شعبان المعظم	ماه رمضان المبارک
منسوب به برج میزان طالع بادی و زراست	منسوب به برج عقرب طالع بادی و ماده است	منسوب به برج قوس طالع آتشی و زراست
ماه شوال المکرم	ماه ذی قعدة	ماه ذی الحجة
منسوب به برج جدی طالع خاکی و ماده است	منسوب به برج دلو طالع آبی و زراست	منسوب به برج حوت طالع آبی و ماده است

پس باید که عاشق عمل بطایع بروج کند اگر عشق آبی طبع باشد در ماه آبی عمل آغاز نماید و اگر
 مطلب تنجیه از دعام است هر جم طالع آبی و آتش و خاکی و بادی او افتد بیت باشد بر
 آن عمل کند تا از تمام بخش اما در هر ماه از حدیث پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و نیز بقول
 منجان تاریم نهائس و سعد اندر آن تاریخ نیم کار آغاز نمودن خطاست پرنیز باید کرد و آنچه
 بر کار مثل آغاز نمودن دعوت عمل و دادن زکوة و آغاز و طائف و دعا و شوق نقش
 و رفتن بدریاد تاریخ خوش بهتر نمود اگر در آن ماه چله تاریم نهائس افتد مضائقه نیست اما
 ابتدای کار را نباید کرد چنانچه حسب ارشاد منجم صادق صلعم در تمام سال است و چهار تاریخ خوش
 اگر از چوین کسب در آن تاریخ متولد شود زنده ماند و اگر زنده ماند زنده بماند و اگر بکند و اگر بکند شود
 بهتر نگردد و اگر جنگ رود کشته گردد اگر تجارت کند تاراج گردد اگر دشت نشاند بار و زنگرد
 اگر زاعت کند آفت رسد اگر آغاز عمارت کند تمام نشود اگر بر سواری سوار شود بر زمین افتد
 اگر کار نیک مثل نکاح و دعوت بلی آرد کار نیک نیاید اگر سفر دیک جهان تباد شود پس هر
 صورت نیک نباشد و آن تاریخ نهائس خوش این اند باید دریافت و بر آن کار بندد و باید زند
 تا که عیادت راست آید و لیره تاریخ خوش این است

مهر	صفر	ربیع الاول	ربیع الثانی
جمادی الاول	جمادی الثانی	ربیع المربع	شعبان المعظم
مضان المبارک	شوال	ذی القعدة	ذی الحجة

قاعده دیگر اگر کتب فضلاء عصر

چنانچه علایق متدینین این تاریخ از منجم خوش اگر بگویند

محرم	صفه	ربیع الاول	ربیع الثانی
۱۲ - ۱۱ - ۱۰	۲۰ - ۱۲ - ۱۰	۲۰ - ۱۰ - ۲	۲۸ - ۱۱ - ۱
جمادی الاول	جمادی الثانی	ربیع الحزب	شعبان المعظم
۱۰ - ۱۱ - ۲۸	۱ - ۱۱ - ۱۲	۱۱ - ۱۲ - ۱۳	۱۳ - ۲۰ - ۲۶
رمضان المبارک	شوال الحکم	ذیقعدہ	ذیحجه
۳ - ۲ - ۲۳	۲ - ۶ - ۸	۶ - ۱۰ - ۸	۲۸ - ۲ - ۸
قاعده دیگر در شناختن این پنج نخوس			
<p>یعنی مطابق بروج طالع ایام نخوس در هر ماه که بر طالع مردمان ست در آن تواریخ پنج هر یک شخص موافق اسماء خود را دریافتی پس در هر کار نمایند که آن تواریخ پنج بر طالع را نخوس است هیچ کار راست نماند و پنج و بدست هیچ دعوت و زکات و نکاح و عمارت و کارهای نیک در آن ایام نباید نمود که آن روزهای دشمن طالع خود را اندر چنانچه آن ایام مذکور را تفصیل بدین طور است</p>			
برج طالع حمل را	برج طالع ثور را		
۲۹ و ۲۸ و ۲۷ و ۲۶ و ۲۵ و ۲۴ و ۲۳ و ۲۲ و ۲۱ و ۲۰ و ۱۹ و ۱۸ و ۱۷ و ۱۶ و ۱۵ و ۱۴ و ۱۳ و ۱۲ و ۱۱ و ۱۰ و ۹ و ۸ و ۷ و ۶ و ۵ و ۴ و ۳ و ۲ و ۱ و ۰	۲۹ و ۲۸ و ۲۷ و ۲۶ و ۲۵ و ۲۴ و ۲۳ و ۲۲ و ۲۱ و ۲۰ و ۱۹ و ۱۸ و ۱۷ و ۱۶ و ۱۵ و ۱۴ و ۱۳ و ۱۲ و ۱۱ و ۱۰ و ۹ و ۸ و ۷ و ۶ و ۵ و ۴ و ۳ و ۲ و ۱ و ۰		
برج طالع جوزا را	برج طالع سرطان را		
۲۹ و ۲۸ و ۲۷ و ۲۶ و ۲۵ و ۲۴ و ۲۳ و ۲۲ و ۲۱ و ۲۰ و ۱۹ و ۱۸ و ۱۷ و ۱۶ و ۱۵ و ۱۴ و ۱۳ و ۱۲ و ۱۱ و ۱۰ و ۹ و ۸ و ۷ و ۶ و ۵ و ۴ و ۳ و ۲ و ۱ و ۰	۲۹ و ۲۸ و ۲۷ و ۲۶ و ۲۵ و ۲۴ و ۲۳ و ۲۲ و ۲۱ و ۲۰ و ۱۹ و ۱۸ و ۱۷ و ۱۶ و ۱۵ و ۱۴ و ۱۳ و ۱۲ و ۱۱ و ۱۰ و ۹ و ۸ و ۷ و ۶ و ۵ و ۴ و ۳ و ۲ و ۱ و ۰		

بقیه دایره

برج طالع اسد را	برج طالع سنبله را
۲۵ و ۲۱ و ۱۶ و ۱۳ و ۶	۱۲ و ۱۷ و ۱۴ و ۱۱ و ۴
برج طالع میزان را	برج طالع عقرب را
۲۲ و ۱۳ و ۸ و ۳ و ۲۸	۲۸ و ۲۴ و ۱۵ و ۱۳ و ۹ و ۴
برج طالع قوس را	برج طالع جدی را
۲ و ۹ و ۱۳ و ۱۷ و ۲۲ و ۲۵	۱۴ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۸
طالع برج دلو را	طالع برج حوت را
۱۱ و ۱۷ و ۲۳ و ۲ و ۲۴ و ۲۵	۲۴ و ۲۹ و ۱۳ و ۱۷ و ۲۲ و ۲۵

قاعده دانستن دوازده ماه ثابت و منقلب و زو جسدین

بدانکه ماه های سعد و نحس و منقلب و زو جسدین در جدول طویل نوشته ام اما تفصیل آن از آن جدول بقیه بندی نخواهد آمد و بنا بر آغاز هر کار دانستن آن بر ضرورت چهره آجب و بعضی و برای کشایش رزق و افزونی جاه و مراتب در آن ایام هر یک قسم را آغاز کنند پس ندانند که در کدام ماه آغاز کنند لهذا آگاه شوند که دوازده ماه در یک سال اند و دوازده برج هم اند پس ازین تفصیل را سه فصل کرده اند ثابت و منقلب و زو جسدین لهذا برای ثبات دولت و افزونی جاه و عزت برای خود یا برای دیگری عمل کنند آن وقت کنند که آفتاب در برج ثابت باشد و برج ثابت چنانچه

اند چنانچه ازین طور بیند - دانه ثابت و متقلب و زوج و جدین

بروج ثابت مطابق ماه	بروج متقلب مطابق ماه
تورچیمه است بجا و ون	گل بیبا که سرطان ساون
عقرب الگن و لو پچاگن	میزان کاتک جدی ماگه
برای کشایش رزق و اخرونی جاه و	برای مقهوری اعدا و بغض و نفاق
مراتبه دین روزه با عمل کنند	درین ایام عمل کنند

بروج و زوج و جدین

بجز اساطیر سنبله کنوار قوس پس حوت حیت
برای حب و تنجیر مطلوب اگر عمل کنند درین ماه ناسی کنند

قاعده در دانستن جهات جال الغیب

باید دانست که رجال الغیب مردان غیب اند که در هر کار حرکت و سلوک شریک کار نیست
پس در هر مقدمه مثل رفتن سفر و آغاز کردن کارهای نیک و خواندن و طالع و شستن
در جلوه و مراقبه و نوشتن تعویذ و غیره اگر رجال الغیب رو برو افتد بد باشد برگز رو
بآن صوب نموده آغاز کار فرمایند زیرا که اگر بر آن دوستی کنند دشمنی پیدا آید هر کار بر
عکس بود یعنی اگر بر شکار رو در خمی شود اگر ملاقات سلطان رو در معشوق و معشوقه
گردش این قاعده را بوجه اسن بخاطر ضبط نمایند و این تحریف برای همین جهت و اعدا
یک جا نموده که موجب نوشته در عمل آرد و در مقدمه جال الغیب بیت عزلی از استادان
مقرر است و آن بیت بر ایماست هر جهات رجال الغیب است یعنی هر حرفه و هر
بهر طرف است از اول تا آخره و نیز در این مقرر است چنانچه اولویت اینست

بیت کانجغ بامش کانجغ یمش

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵

کانجغ بامش کانجغ امش بدانکه

۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰

قاعده این بیت بدینگونه است که هر حرف منسوب به هر جهت است و در این قاعده شست
جهت هستند مشرق مغرب جنوب شمال الگنی نیرت بائب ایسان اول جهات
اند و این چهار گوشه اند پس هر جهت منسوب به حرف شعر بالاست بهر گوشه نیز نسبت
است چنانچه ک اول منسوب به اکتی و ن آن منسوب به نیرت و ج منسوب به جنوب
و غ اول منسوب به غرب و ب منسوب به بائب و ا منسوب به ایسان و
م منسوب به مشرق و ش منسوب به شمال علی هذا القیاس از اینجا اول تا هر روز سلخ
تمام ماه بر همین سی حرف منسوب اند بدانانی باید فهمید و دانه چکر جوگنی اینست برین عمل
کنند عزیز باید داشت

جنوب سوار بر اکی علف ۱۴ - ۱۳ - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰ - ۹ - ۸ - ۷ - ۶ - ۵ - ۴ - ۳ - ۲ - ۱	مشرق ۲۹ - ۲۸ - ۲۷ - ۲۶ - ۲۵ - ۲۴ - ۲۳ - ۲۲ - ۲۱ - ۲۰ - ۱۹ - ۱۸ - ۱۷ - ۱۶ - ۱۵ - ۱۴ - ۱۳ - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰ - ۹ - ۸ - ۷ - ۶ - ۵ - ۴ - ۳ - ۲ - ۱	ایسان سوار بر اکی ۱۵ - ۱۴ - ۱۳ - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰ - ۹ - ۸ - ۷ - ۶ - ۵ - ۴ - ۳ - ۲ - ۱
جنوب سوار بر اکی ۱۴ - ۱۳ - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰ - ۹ - ۸ - ۷ - ۶ - ۵ - ۴ - ۳ - ۲ - ۱	پکر جوگنی	ایسان سوار بر اکی ۱۵ - ۱۴ - ۱۳ - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰ - ۹ - ۸ - ۷ - ۶ - ۵ - ۴ - ۳ - ۲ - ۱
جنوب سوار بر اکی ۱۴ - ۱۳ - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰ - ۹ - ۸ - ۷ - ۶ - ۵ - ۴ - ۳ - ۲ - ۱	پکر جوگنی	ایسان سوار بر اکی ۱۵ - ۱۴ - ۱۳ - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰ - ۹ - ۸ - ۷ - ۶ - ۵ - ۴ - ۳ - ۲ - ۱

و دیگر اینکه قواعد و آئین رجال الغیب ازین ابیات مفهوم نمایند و تا پنج بهر سمت خواهند شد
منظومه رجال الغیب

اگر قیام نمائی بقول اهل کمال
به اول و نهم و شانزده و سبت و چهار
بروم و دهم و هفده و سبت و پنج
سه و یازده و هیزده و سبت و شش
یچارم و دهم و نوزده و سبت و هفت
ب پنج و سیزده و سبت و گزشتان طلبی
پشش و سبت و یک و سبت هشت و گزشتی
به هفت و چارده و سبت و نه و پنج و ای
بهشت و یازده و سبت و شش باشند

بدین طریق شناسی جوانب ابدال
میان شرق و جنوب اندای غمخته تضال
میان غرب و جنوب اندای ملو افعال
سو جنوب بقول صحیح همه حال
چو ماه نو بدر مغرب اند حلقه مثال
میان غرب و شمال اند مردم افعال
مقام مردم غیبی میان شرق و شمال
بسو شرق نشسته ز روی استقبال
سو شمال چو صبح و دوام صبح وصال

پس ای برادران قاعده ابیات و از قاعده شعرو اثره و غیره سب ترکیب رجال الغیب بیان
کردم اگر اندک عقل را راه دهم تقسیم آن قریب ترست چون این قاعده در یافتی حال خود را
عقرب دریافت کردن باید و نیز دوره سبع سیاره را دریافتن چندان ضرورت نیست و دیگر
اینکه باعث طول کتاب هم است اگر طالب آگاه باشد بهتر و اگر آگاه نباشد نقصان در علم است
نیست اگر آگاه شود این قدر فائده است مثلاً در شرف مشتری از مشتری از نقش کنده کنند
و پر کردن نقش هم نافع تر است اگر برای عداوت در شرف میخ نقش نولید مؤثرتر خواهد
بود پس دیگر قاعده براسه عامل نیست منجم را براسه حکم کردن باید که علم نجوم بخواند و اینک این
نسخه بر از علمیات است همین قدر عامل را بس بود که نوشته دادم اما قمر و عقرب هم در کار
نقدمان میدهد بدین جهت نوشته می شود و عامل را ضرورت ترست یاد کردن آن زیرا که
در عرصه قمر و عقرب که دو روز چند ساعت در آن برج میماند هیچ کار آغا زنه نمایش

دعوت و زکوة و چله بیج گل را پیش کردن خطاست اگر در میان چله افتد مضائقه نیست
و نیز باید که علاوه آغاز کردن عمل سفر هم نکند و نکاح نماید کرد و همچنین بنا به عمارت
و زراعت کردن هم نباید کرد لهذا این قاعده را هم اساتذہ بصریق نظم بیان کرده
اند و قمر در غربت بحر شراکت شهور سندی و شهور فارسی مفهوم نمی شود و صورتش اینکم
در نظم بیج ما بهای غنی و اندو ماه را سندی فهم کند شد مصرع آن ایات رخ یازده اند
اساطره و هشت اندر ساون است - چنانچه بتایج یازدهم ماه غنی در آن زمان که ماه
اساطره باشد علی هذا القیاس هم برین طور بداند ایات این اند

هر کار که میکنی در وجه او آرد زیان
شش به جادون سه به آسیت گالک تخان
بست و سه درگاه به بست و یک به گنجان
سیزده در بیٹھ باشد گر نمیدانی بدان

عقرب آمد هر من و نیم روزه آرد گران
یازده اندر اساطره و هشت اندر ساون است
بست و هشت آید به گن بست و آید بپوس
هیزده در حیت بشمر شانزده بسیار که دان

قاعده دالستن طالع هر شخص سه نوع در سندی و فارسی

که بسیار مفید و یکار آمد هست

بدانکه طالع هر شخص در یافتن در علم غیایات ضرورت از قاذیر که بدون در یافتن
طالع بیج امر است نه آید اگر تمام مقدمات تسخیر و نفاق و مرض هر هم ظاهری مقرر کنند تا
موافق یافتن زیرا که اسم را قیام نیست اکثر مردم اسم خود را تبدل کنند چنانچه بعضی در
روزگار کردن بدل کنند و بعضی در مقدمات دیگر اسم اصلی پنهان کنند مثل اینکه دختر خانه مادر را
دیگر دارد و در خانه شوهر خطاب دیگری میابد اسم او بدل شود لهذا حقیقت اسم ظاهری عامل نداند
و طالع را بطور خود استخراج کند و عمل آغاز نماید و آن اینست که اول طالع معتبر و تعیین آن باشد
که اسم مادرش میگیرد و یا پدرش اسم داشته باشد عدد آن اسم بقاعده حروف تہجی برانده و جمع کند

در آرد و گانه طرح دهد آنچه باقی ماند بر برج تقسیم کند بر هر برج که عدد شتی گرد همان طالع او باشد
 و این را طرح بر وجه گویند مثل نقطه عدد بر سرطان تمام شد طالع او سرطان است و مزاج آن
 کس آبی ست پس هر سیکه مزاج خاکی داشته باشد محبت تمام باشد و غل جب اثر کند زیرا که آب
 و خاک با هم موافق اند هر تعویذ که نویسد از خانه خاکی نویسد و ساعت ستاره آبی یا خاکی گیر و تادیر
 مزاج اثر تمام دهد و دوم طالع اینکه هر شخصی که در هر ساعت هر کوب متولد شود یعنی ساعت زحل
 مشتری یا مریخ پیدا شده باشد همان ستاره که ساکن برج باشد طالع آن کس باشد و این معنی
 را بوجه حسن از بزرگان دریافت نماید که بکدام روز و بکدام پاس این شخص متولد شده است
 یا از جنم کندل و زانچه رطل و تقویم که داشته باشد دریافت کند آن هم طالع معتبر است و
 اگر وقت نه معلوم شود باید که اسم او و اسم مادرش را عدد از قاعده تجوی بر آورده و همه را
 جمع کرده هفت گانه طرح دهد آنچه باقی ماند بر ستاره تقسیم کند هر جا که عدد شتی شود همان
 ستاره طالع اوست و این طریق را طرح کوکب میگویند پس علمی و دعوتی که در مزاج
 و ساعت آن دریافت آغاز نماید درست و مطابق خواهد افتاد و باید که عدد اسم مطلوب
 هم برین طریق مذکوره بر آورده و طرح داده طالع را استخراج کند و مزاج هر دو ببیند
 اگر یکی مزاج آبی و دیگر خاکی و از ویکی آتشی و دیگر بادی دارد عمل اثر بسیار خواهد کرد و اگر
 یکی آبی ست و دیگر آتشی طالع را ضدیت ست بعض و جدائی را عمل برین کسان مؤثر نیز خواهد
 شد سوم طالع را دریافتن اینکه هر کس که از نام خویش شهرت تمام دارد و از خواب بیدار میشود
 و عزت و ذلت و شوکت از همه زن نام می یابد و گواه آن اسم و در جهان هزارا اند آن
 اسم را از قاعده نجوم براس ببیند از هر راس که اسم منسوب بود آن راس به برج و ستاره
 که نسبت دارد همچون برج و طالع او باشد و منجمان طالع راس نامند و حرف راس مطابق
 بر برج بقاعده نجوم از اسم هر کس که مطابق آید از الخور تمام ببیند و طالع استخراج نماید
 و این قاعده بوجه حسن می نویسیم تا عامل را تلاش نه افتد چنانچه دایره راس مع مختصر

و باید دانست که بر راس را این کلمات شریک نیستند درین دایره فاما علیحدّه نوشته شد
یعنی لامیکه راس او یا بر کمر راس و مها کرک راس کا چها کرک راس تانی
سنگه راس پا چها کینان راس بجا و مها دهن راس بجا متقی من راس این
قدر الفاظ و کلمات را اند براس احتیاج نوشته داده شد پس ضرور باید که بغیر دریافت طالع
سیحکس را تعویذ نوشته نهد و پنج کار آغاز کند برای کشتن عد و اگر عد و زحل طالع بود لعل سیفی و
سوره که معکوس اند در ساعت مرغ و شمس و عطارد باید کرد که این کواکب دشمن زحل اند
و برای دوستی طالب است و مطلوب زحل طالع باشد علی ساعت زهره باید نمود که زهره دوست
زحل است اثر تمام خواهد بخشید و در میان مردم که دوستی و دشمنی میشود بیشک از خواص
کواکب میشود و اینکه گاهی به بد اختلاف چون دوستی یکسے میشود اغلب که در ساعت
تولد آن هر دو اتفاق کواکب شده است یا در اسم آن هر دو فرق است بیاطن و
الاندر مخالفت کواکب دوستی ناپایدار است و در اکثر اتفاق معامله دنیوی مثل نکاح
و تجارت و غیره نفاق آخر ظهور میرسد و اگر گاهی مجمع سبع سیاره در یک برج
افتد و سیر با هم ایشان را موافق افتد در آن سال آفت در میان و ملک پیدا میشود و
فتنه و طوفان ظاهر گردد و پادشاه ملک و امرا همه تباه شوند و با آید علی الخصوص
اگر پنج زحل در یک برج سیر کنند و همقران شوند امر او سلاطین بگیرند و خلل و
بافاق و قحط افتد و کشته کاران را زریان رسد و چهار پایان را خطر جان بود و درین
شش بروج قران زحل و مرغ بسیار بد است سنا حوت است
قوس تور عقرب باقی بروج را قران اینقدر بخش نبود حاصل این همه امور
و دقائق برای طالبان نوشته دادیم تا بر عملیات خرم و احتیاط اندست نه دهند و این نیز آنچه
که ذکر کرده ام که در بعضی عملیات پر سیز جلالی کنند و در بعضی عملیات پر سیز جمالی نمایند
الحمد للّٰه شرح پر سیز جلالی و جمالی و با شراط تمام و ترک حیوانات و ترک لذات مطلق و

ترک حیوانات جلای و جمالی همه بامیوسیم تا بکار عال آید و در کس مقدمه عاجز نشود
و فقیه را در جلسه و خلوت بدعاے خیر یا دعا نداید و بر دحم ثواب فاقه برساند و انصاف کند

قاعده دسنتن پرمیز جلای و ترک حیوانات و غیره

بدانکه اگر آیات جلای و علیات جلای بخواند این قدر پرمیز کند که گوشت و ماهی و بیضه
و غسل و مشک و آبک صدف و استعمال آب مشک و دلوی چرمی و جامه پشمینه و
اریشمی و هر چیزیکه از حیوان پیدا میشود نکند و کار دوسته دندان فیل و دسته شیر ماهی
و دسته شمشاد و کفش و موزه نمیشد و موی سبز تراشد و ناخن نگیرد و جماع نکند و
بعض اساتذہ دال عدس و برگ تبول را خوردن منع کرده اند و بر بستر غنی نه نشیند
از دیگرے مس نشوند و سرکه و پیاز و ترب و انگور و مک علی و خرما و عنبر هیچ نخورد و
وقت با وضو باشد و اگر قوت داشته باشد هر روز روزه اختیار کند و هیچ میوه نخورد
زیرا که گسها بر میوه نشیند و چرکین می کنند و روغن کبچر و روغن سر سفید نخورد و الا بشواید
آنکه بجز روغن زرد و روغن با احتیاط تمام از روغن کمره که مسلمان باشد باین نوع بکشاند
که کبچر گرفته در آب بیندازند هر کبچر که در آب غرق نشود و بر بالای آب شنا کند آزاد و
دور کند زیرا که آن کبچر اگر مخراب کرده است پس باقی را روغن کشانیده اگر احتمال
کند مضائق نیست و هر کس را که در زمان چله برای خدمت بایزند آنکس مرو پینه کار و نمازی
باشد و گاهے حرام نکرده باشد و خود دایم غسل باشد و جامه بغیه دوخته پیر شمشاد و گندم
که خون گاهے نه چیم نه بایند و در فقیه شیراز آن بری آید برگ آن نشکند و شمشاد گل میوه
و میوه از دست نخورد نشکند و بعضی نوشته اند که موی سنت مثل لعل و نیل و پاکی و
ناخن به تراشند و باقی موی را نگیرند و بر اسب و فیل سوار نه شوند این قدر پرمیز
جلای بوده که نوشته داده شد

شرح پرستش جمالی

و پرستش جمالی اینکه گوشت ماهی و سبزه و پیاز و نون نخورند و جماع نکنند و طهارت جامه
 هر وقت بدارند و بشیر و خجرات هم نخورند و دیگر میوه دروغن کیند و سرشرف اگر استعمال
 عند الضرورت کنند مضایقه ندارد و برنج و دال عدس و مونگ در استعمال خود دارند
 و حجامت کنند و ناخن تراشند و جامه دوخته پوشند و بر اسپ و فیل سوار شوند این
 بود پرستش جمالی و جمالی که گفته شد الحال طریق و اندن عملیات که اول گفته ایم که نصرخ
 نخواستیم نمود یاد گیرند و آن اینست که اول عامل بداند که که ام وقت و کدام روز و
 کدام ماه عمل بخواند و برای حجب چه باید کرد و برای بغض و هلاکی دشمن کدام ستاره
 و وقت باید کرد چنانچه این همه صراحت نمودم الحال باید که عمل تسخیر کواکب که هر روز است
 آن می شود کردن ضرورتی نیست و این معنی را بشرح تا متر می نویسم واضح اینست که بدو
 بجا آوردن همه شرط عملیات عمل راست نمی آید اول این همه اقوال را ادا کند بجز آن
 قدم درین بادی نه چنانچه قاعده تسخیر کواکب و قاعده نشستن در چله برین تدبیر است که
 اول آیات کلام الله که مسخر مفت زین و نه آسمان است با تسبیح اسم کوب و اسم موکل حاکم
 کواکب مفت ایابا ترک حیوانات جمالی بخواند و آیات معظم و مکرم که برای خواندن است اینست

بسم الله الرحمن الرحیم

ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی ستره یا مریتم استوی
 علی العرش یغشی الیل النهار یطلبه حیثا والشمس والقمر والنجوم
 مسخرات بأمره الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین پس باید که بزود
 جمع بوقت شب یکصد و یک مرتبه اول درود بخواند و بعد از هزار بار این آیه مع کواکب زهره
 و نام موکلان بخواند و بعد تمام است و یک مرتبه درود بخواند آن عمل اسما زهره که همراه آیه

اینست - اَللّٰمُ عَلَیْهِ یازمهره یا خلیج یا امومایل - بعد آن صبح روز شنبه روزه بدارد
 و بعد نماز عشاء بدستور درود بخواند و همراه آیات مذکوره با اسم زحل و کوب و موکل که هست
 بخواند السلام علیه یا زحل یا ارقائیل یا طبع باز بر روز یکشنبه روزه بند و بوقت عشاء درود
 مع آیه شریفه بخواند بعد از آن آیه کریمه مع نام کواکب و موکل ان بخواند - السلام علیک یا شمس
 یا کلینا یل یا طحشب روز چهارم نیز روزه بدارد و بعد نماز عشاء اول درود بخواند بعد آن آیه
 شریفه همراه اسم کوب و موکل بتعداد مذکور بخواند - السلام علیک یا قمر بالقوائیل یا نقد -
 روز پنجم نیز روزه داشته بوقت مذکور بطریق اول همراه آیه اکرم بخواند السلام علیک یا
 میخ یا بیهیائل هصد - روز ششم که چهارشنبه بود نیز روزه داشته بوقت نماز بعد درود
 بخواند السلام علیک یا عطار دیا اشکا ایل یا فکوة - روز هفتم که پنجشنبه بود روزه بگیر و بعد
 نماز بعد درود همراه آیه بندگان نام مشتری و موکلش بخواند - السلام علیک یا مشتری یا
 بخرا یل یا علیم یا کریم پس تمام شد تنجیه کواکب چیزی نیاز جناب پیغمبر صلعم و همه موکلات با
 بخورات مع همه کواکب بدین ابعادین برعل و دعوت که آداب و نقش در هر ساعت که
 کند اثر مانجشد و بانصرام خواهد رسید و لحاظ در هر کار بدین طور کند که گفته می شود -

قاعده دالستین شرط طاهر

مثلاً شخصی بلاکت دشمن میخواهد پس بر آن خواندن عمل زبان بندی و تخریب عرو و غرض و
 نفاق و بر آن مقابله حریف و دفع آسیب و هر چه که متعلق به بدی دارند این همه را حاکم
 کواکب زحل و میخ اندوز زحل خاک گوشت و نفاق آید و میخ را کار قتل و قمع و جنگ
 و جدال و خونریزی و خون بر آوری از شکم است و همه آفت ارضی و سماوی را
 متعلق باین هر دو کرده اند پس برای این همه مقصود اول درود آفتاب بر بیند که در کدام
 برج است یعنی آفتاب در روح منقلب باشد و آفتاب و مانتاب در آن روز که از نظرات

طالع بروجی از خود و از عددی در هشتم و دوازدهم و ششم باشند و منج در هفتم و مقبله
 دشمن خود باشد و او را هفتم خانه نکبت و وبال ست و کوب زحل یا منج را از طالع خویش
 شرف باشد یا این از طالع خویش در خانه قوی باشد و از طالع عدو بخانه ضعیف یا بنظر دشمنی باشند
 که خانه هشتم و ششم و دوازدهم است و یوم شنبه یا شنبه باشد و ساعت زحل باشد و آفتاب
 لکن بچرخ بود و همه اسباب بخورات زحل میا باشد و جانماز و پوشاک عامل سیاه مطلق باشد و
 اندک اشیاء تلخ و تیز عامل در دهن پدار مثل مرج سیاه و تاکو خشک و برگ نیب و در بخورات
 گوگل و عود و رال باشد و تاریخ از تاربخهای ماه عزلی از دایره سابق الذکر مخالف به
 طالع عدو باشد و اغذیه مطابق دایره اغذیه برای نیاز مومل زحل و و برک عامل نباده
 باشد و ماسک جلای نیز مخالف عامل و عدو بلند و رو بچانب رجال لغیب کند از پس پشت
 بگیرد و قمر در عقرب نباشد و از طالع عدوی خود قمر در عقرب بود بهتر است یا قمر از طالع ششم
 و هشتم و دوازدهم باشد پس این قدر شرائط بجا آورده اول تسخیر زحل و منج کند بعد استخاره
 برائے عمل آغاز نماید اگر راه دهد دعوت و زکات شروع نماید هر عمل که برای نفاق بدین
 ترتیب کند تیر بهدف یابد و اگر بدین صورت نکند عمل را چه گناه

شرائط علمائے محبت و تسخیر

اگر کسی برائے اتصال مطلوب و بر تسخیر عمل خواندن یا نقش پر کردن خواهد اول این همه
 شرائط بجا آورد یعنی آفتاب در برج ذو حیدین باشد و کواکب زهره و عطارد و قمر از
 نظرات طالع بروجی خود در طالع معشوق در خانه یازدهم و پنجم و سوم و نهم
 منج و زحل بنظر دوستی از طرفین بجای نیک در برج سوم و پنجم و نهم و یازدهم باشند و اگر کواکب
 زهره یا قمر یا عطارد در اشرف بود بهتر است و آفتاب را لکن چه باشد پس آن وقت
 ساعت زهره بگیرد و در جمیع چهارشنبه و پنجشنبه و دوشنبه بود و نواریهای ماه عربی سعد

باشند و از حساب طالع نجوم مطابق بوند از دائرة توارنج و بحساب حدیث هم تا پنج سعد
اکبر بود و رجال الغیب رو برو دست راست نباشند و ماه جلالی باشد و قمر در عقرب نباشد و
یوشاک و جانناز و همه اسباب عامل سبز باشد یا صندلی یا سفید مطلق و غذا کو اکب براسه نیاز
موقوفات رو برو نهند چنانچه در دائرة اغذیه براسه عطار و دوزیره و قمر نوشته ام مهیا بود و بخوار
این کو اکب بسوزد بعد از آن عمل تسخیر این هر سه کو اکب بخواند و آتخاره کند و برای حب و غیره عمل
آغاز کند اثر دهد و دوستی پیدا آید و اگر این طریق را فرو گذارد باز عمل و نقش را گفتن که اثر
نمیدهد خطای عظیم و غلطی خود است عمل را چه گناه است هر گاه در تدبیر فرق شده است

شرائط عملیات علودرجات و فتوح و تسخیر کردن امرا و سلاطین را و برای دفع امراض

پس اگر کسی عملیات فتوح و نعمت و مال زیاده شدن و بادشاه را تسخیر کردن و زبان
امرا را بسته کردن خواهد و همچنین قسم عمل خواندن و زکات دادن و نقش نوشتن میخواهد
یا دفع امراض مهلکه را علاج از عمل جوید او را اول باید که شرائط عملیات بجا آرد یعنی
اول آفتاب را بیند اگر در برج ثابت باشد اولی است ماه تاب هم در برج ثابت باشد
از ماهها جلالی ماه نیز باشد و آفتاب و قمر مشتری از طالع خود و طالع آن امیر که تسخیر
میخواهد از نظر بر وجه با هم در پنجم و نهم و یازدهم باشند و کو اکب محض مثل زحل و مریخ و زحل
و زنب از نظرات طالع عامل یا آنکس که تسخیر او میخواهد به نظر دوستی در برج
نشسته باشند یعنی در پنجم و نهم و یازدهم بوند و آفتاب و مشتری را شرف باشد
بهتر است پس اول ساعت آفتاب یا مشتری گرفته در روز یکشنبه یا پنجشنبه که در
لگن چسبیده و تا پنج سعد باشد از طالع خود بحساب نجوم و از طالع خود بخت
حدیث و رجال الغیب بر دست راست و رو برو نباشد براسه عمل خوانی نشیند

و پوشاک و چنانچه عامل حسدنی و زرد رنگ باشد و میوه و جنس و غیره مطابق اغذیه آفتاب
و مشتری باشد برای نیاز و مکملات رو بروی و نمرد و بخورات کوکب آنچه که مذکور شد بسوزد بعد
این بشرط بجا آوردن عمل تسخیر آفتاب و مشتری بخواند آیات مذکوره بالا و من بعد
استغاره کند اگر بهتر آید هر چه عمل دولت و فتوح غیبی باشد آغاز نماید اثر عظیم بخشد و زودتر
شود چون دعوت بانجام رسد پس این قدر تشریح در عملیات برای طالبان کرده شد اگر چه
نوشته من عمل کنند گاه خطا بخورند و هیچ محنت ضائع نخواهند شد و اگر مطابق این عمل نه
کنند خطا باید که خورد زیرا که عمل برداشتن و وقوف عامل محتاج است چنانچه عمل حب
اگر بساعت میخ و زحل نماید بجای حب بغض بسیار و اگر عمل بغض بساعت زهره و عمل تسخیر
بساعت زحل کنند بجای بغض حب پیدا کند و بجای تسخیر ذلت و مانند خدا را چنین نمایند
و براس این همه طریقه را درین کتاب که ذکر کردم احتیاج شاگردی یکس نیست زیرا که
شاگردی این کتاب کافی است و چون راس و ذنب را ذکر اینها بنمایا و مردم باعث این بود
که آنرا اساتذه کوکب نه گفته اند بلکه در اقطاب شمالی و جنوبی هر دو را خط تصور کرده اند
و آنچه که آنرا کوکب گویند تابع میخ و زحل گفته اند ذنب به راس و راس به میخ پس تمام
خواص هر دو موافق زحل و میخ اند در مقدمه نفاق و بغض و هلاکت بکار آیند بدو
میخ و زحل در هر حال از طالع خود و از طالع دله لحاظ این هر دو نمایند و الله اعلم بالاطوب

باب ششم در عملیات تسخیر از حروف و کوکب آنچه که معتبر و صحیح
از علوی و سفلی به هر سبب نیست این بر چند فصول است
از حب و بغض و غیره

فصل اول در تسخیر پادشاهان و امیران و غیره چون کسی خواهد که قلوب

بادشاهان را تسخیر کند اورا باید که لوح از طلا به خالص بسازد و آن لوح مربع بود و
 زهره و مشتری را تثلیث بود عدد این آیه کریمه برآرد - وَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
 الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ چنانچه اعداد آیه موصوفه امینند صد و سبست پس درین طرح دلویم
 سی هشت صد و نو دمانند از چهار حصه کردم و نقش مربع پر کردم این است
 ۷۸۶

۲۲۹	۲۳۳	۲۳۶	۲۲۲
۲۳۵	۲۲۳	۲۲۸	۲۳۴
۲۲۴	۲۳۸	۲۳۱	۲۲۷
۲۳۲	۲۲۶	۲۲۵	۲۳۷

پس این نقش را در لوح مذکور کند در همان ساعت که ذکر شد و آن اینست که هرگاه
 مشتری در یک برج باشد زهره از مشتری بر درجه سوم آن برج بود یا از آن برج در برج سوم
 یا برج نهم و پنجم بود یا بر درجه نهم و پنجم سوم بود آنرا نظر تثلیث گویند و هم برین وجه هشتاره را بلند اگر از یکی
 دیگری در چهارم بود و نظر تریج است اگر از یکی دیگری در ششم بود و نظر تسدیس است اگر از یکی دیگری
 به هفتم بود متقابل است و اگر از یکی دیگری در دوم است مقابله است اگر از یکی دیگری در
 هشتم است ساقط است همچنین خانه های تثلیث این اند

خانه های تثلیث	خانه های تریج	خانه متقابل
طالع ۱ از طالع ۵	از طالع ۱ از متقابل ۲	از طالع ۷

خانه های تسلیس

۲ - ۱۱ از مقابلہ

خانه های ساقط

۸ - از طالع ۱۲ از مقابلہ ۲

خانه مقارنہ

از طالع

پس همین حساب لوح مذکور کنده بر پشت آن لوح اسم خود مع نام مادر و نام بادشاہ
مع اسم مادر و این ہر چہ اسماء را دو دو کردہ باہر دو یکی اسماء الہی در آن مزوج کند
بدین طویر اینست - یا طہیہال یا مکیال یا دودو یا اصباوث یا اھی یا بدو ح
پس ہمراہ مع مادرین این را بر پشت لوح کنده کند و بروقت کند بدین قدر کشیزی
در سن بداد و آن لوح تا وقتیکہ بسازد با کسی سخن نگویس تیار شود نزد خود بداد و بادشاہ
مطہج فرمائش کرد و مجرب است

تو عید گیر برای تیغہ ملوک و در چشم بادشاہ بزرگ نمایند ان باید کہ لو یک لوح از طلا بسازد
و عدد آیت معظمہ اللہ لطیف بعبادہ یرزق من یشاء بغیر حساب بر آرد و عدد اسم
خویش نیز بر آرد و نقش مزج بر آن لوح در ساعت آفتاب پر کند و این آیت را با
حرف اسم خود ادغام نماید و بر لوح این حرف نایز کند و یکی این اسم از سہمہ بالا
بکند یا کہتمون و این اسم تحت لوح بکند یا علیقوا و با کسی سخن نکند چنانچہ مثال این
نام سائل حامد بیط آن ح ام دادغام با آیت ا ح ل ال م ہ دل ط
ی ف پ ع ب ا د ہ کی ر ذ ق م ن کی س ا ر ب ع ی ر ح
س ا ب پس عدد اینہا گرفتہ دو ہزار و سہ صد و نود و چہار بر آندند سی خد ف

کردم دو ہزار و سہ صد و شصت و چہار مانند از چہار چہار حصہ کردم چہارم آن پانصد و نود
و یک شد پس در ماہ جمیعہ کہ آفتاب در برج ثور بود ماہ ثابت یافتہ کہ برای افزونی جاہ
مفیدست درین ماہ بروز یکشنبہ ساعت اول کہ ساعت آفتاب و نیز یوم آفتاب و شب بخور
آفتاب و ختم و بر غذا منسوب آفتاب نیاز موکلات دادم و بحال الغیب را بر پشت کردم و تاریخ از ماہ

سعد یافتیم در آن ماه پس خاموش نشستم و بر لوح اول اسمیکه بالا نوشته است کنده کردم و بعد از آن حرف تکسیر کنیدی و بعد کندن حرف مذکور عدد که بر آوردم آنرا نقش نوشتم و بکنیدی و بعد نقش اسم دوم در تحت بکنیدی و آن نقش اینست

۷۸۶

۵۹۸	۶۰۱	۶۰۲	۵۹۱
۶۰۳	۵۹۲	۵۹۷	۶۰۲
۵۹۲	۶۰۶	۵۹۹	۵۹۶
۶۰۰	۵۹۵	۵۹۴	۶۰۵

پس چون باین ترتیب که لوح را مثال ساختن گفته شد تیار کن آن لوح مدام نزد خود دارد عزیز گرد نو عدد یک را برای تسخیر بادشاه باید که بساعت مشتری اول وضو کند بعد لوحی از طلا بسازد و اسم خود مع مادر و اسم بادشاه مع مادر گرفته عدد بر آورده در احواد آیه شریفه **سَلَامٌ تَوَلَّاهُ رَبُّ الرَّحْمِیمِ** همه اعداد مزوج نقش مربع کرده پر کند و تنه خود لوح را بدارد عزیز و محترم گردد چنانچه نقش آیه مذکور اینست دین نقش احواد بفرماید

۷۸۶

۲۰۴	۲۰۷	۲۱۰	۱۹۷
۲۰۹	۱۹۸	۲۰۳	۲۰۸
۱۹۹	۲۱۲	۲۰۵	۲۰۲
۲۰۶	۲۰۱	۲۰۰	۲۱۱

نوع دیگر ایمن بودن از قمر سلطین و ایشان را بر خود رحیم گردانیدن باید که بر روز پنجم
روانه بدارد و چون دو ساعت از روز بگذرد یک لوح از کاغذ سپید بگیرد و بر آن از
آب طلا نقش مربع بکشد عدد آیه و مرثیه فضاء السوء و غیره کل دایره آتت اخص
بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم بر آرد و در آن نقش بنویسد و با خود گرفته نزد
سلطان رود اگر خون کرده است سلطان نش معاف خواهد کرد و او را عزیز خواهد داشت
چون از آنجا بیاید آن لوح کاغذی را در قرآن مجید بجا نیکه سوره تبارک الذی ست
بدارد و نزد خود ندارد چنانچه اعداد آیه معظم را گرفته و نقش پر کردم این است

۷۸۶

۱۳۸۶	۱۳۸۹	۱۳۹۳	۱۳۷۹
۱۳۹۲	۱۳۸۰	۱۳۸۵	۱۳۹۰
۱۳۸۱	۱۳۹۵	۱۳۸۷	۱۳۸۴
۱۳۸۸	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۹۴

نوع دیگر اگر کسی را حکم گردن زدن شده باشد پس او را لازم که قمر را به بند اگر خالی از نخوست
باشد لوح طلا بسازد و بر آن لوح این نقش مربع بکشد و قدر شیخی هدی کند و
در من بدارد و لوح گرفته و بر روی شاه برود و خون معاف گردد و محترم شود و این
لوح از پیشتر برای دفع چنین کارها تیار کرده همتا که شاید آنوقت که ضرورت بود و قمر
را نخوست بود پس چگونه تیار خواهد شد و این لوح اگر در جنگ نزد خود دارد و قتیاب گردد

نقش لوح اینست اعداد ۳۴۹۳ کسر
۷۸۴

۸۶۹	۸۷۲	۸۷۲	۸۶۲
۸۷۵	۸۶۳	۸۶۸	۸۷۳
۸۶۴	۸۷۸	۸۷۰	۸۶۷
۸۷۱	۸۶۶	۸۶۵	۸۷۷

نوع دیگر برای تحقیق غضب سلاطین باید که درین نقش نام خود را اعداد بر آورد
شریک کند و بخورد و نقش را نزد خود بدارد و بادشاه را غضب فرو نشیند که در و
عدا اسم بیامیزد آن این است

۷۸۴

۳۲۰۴	۳۲۰۹	۳۲۱۲	۳۱۹۹
۳۲۱۱	۳۲۰۰	۳۲۰۵	۳۲۱۰
۳۲۰۱	۳۲۱۴	۳۲۰۷	۳۲۰۳
۳۲۰۸	۳۲۰۳	۳۲۰۲	۳۲۱۳

نوع دیگر این بودن از شتر سلطان باید که در روز یکشنبه ساعت اول آفتاب بنظر

آنکه قمر خالی از نخوست باشد عدد آیه شریفه سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ
عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ بر آوردن درین نقش ادغام کرده نقش
مربع را در لوح نقره بکند و بخورات بسوزد و در آن نقش را بدو بر بازوی چپ
خود ببندد از غضب سلطان بهر نفع امین باشد هر چند که خطای باشد نقش این است

۷۸۶

۳۱۹۸	۳۲۱۳	۳۲۱۱	۲۲۰۸
۳۲۱۲	۳۲۰۷	۳۱۹۹	۳۲۱۳
۳۲۰۶	۳۲۰۹	۳۲۱۶	۳۲۰۰
۳۲۱۵	۳۲۱	۳۲۰۵	۳۲۱۰

نوع دیگر برای مطیع و مسخر نمودن قلب سلاطین جابر و قاهر باید که بساعت سعد که قمر خالی از
نخست باشد و ماه ثابت بود و لوحی از طلا، خالص بسازد و عدد آیه موصوفه را بر آورد و صراط علی
حق متشکله و نقش مربع کشیده بر لوح بکند و نزد خود دارد و چون نزد بادشاه رفتن خواهد
بخورد بسوزد و همین آیه را هفتصد بار بخواند و بر خود و نزد بادشاه رود و ترکیب دیگر این
عمل اینست عدد آیه شریفه یا ایا الالهة الرفع جلالة نیز از تجوی بر آورد و عدد آیه معظم مذکوره
بالا را درین عدد مزوج کند و هر دو را یک مربع کشیده بچسباند و بر لوح طلا بساعت مذکوره
کنده کند و نزد خود دارد و بادشاه مسخر گردد و چنانچه من عدد آیه اول را بر آوردم بکنیز از حرم
دو سه در بر آورد و عدد آیه دوم را بر آوردم نه صد و هفتاد و سه بر آید پس هر دو را با هم

کردم دو هزار و شانزده برآمد پس هر دو را نقش نوشته دادیم کی از اعداد آیه اول و
دیگری از اعداد غم تا هر که را حاصل خواهد و مناسب دانید بکار برد نقش عدد آیه اول نیست
۷۸۴

۲۵۹	۲۴۳	۲۶۷	۲۵۲
۲۶۶	۲۵۴	۲۵۹	۲۶۴
۲۵۵	۲۶۹	۲۶۱	۲۵۱
۲۶۲	۲۵۷	۲۵۶	۲۶۸

و نقش که با عدد هر دو آیه هست نیست اگر ضرورت باشد این را بکار برد و چون تعالی

۷۸۴

۴۰۳	۴۰۸	۴۱۱	۴۲۶
۴۱۰	۴۹۷	۴۰۲	۴۰۹
۴۹۸	۴۱۳	۴۰۶	۴۰۱
۴۰۷	۴۰۰	۴۹۹	۴۱۲

نوع دیگر برای تشخیص سلاطین بسیار مجرب است هرگاه که آفتاب را شرف بود این
نقش مختص بر لوح طلایی بکنند و بر سر لوح اول کنده کنند بسم الله بسم الله بسم الله
الرحمن الرحیم و در بازوی راست به بند و اگر اعداد آیه شریفه تقدیر کند بر لوح
من انفسکم عزیز علیهم ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین و درین نقش اضافه کند بسیار
نوب است و اگر بترکیب اول کند هم نفع دهد نقش این است

بسم الله بسم الله بسم الله الرحمن الرحیم

۷۵۸	۷۷۱	۷۸۰	۷۶۷	۷۷۵
۷۸۲	۷۶۵	۷۷۳	۷۶۱	۷۶۹
۷۷۴	۷۵۹	۷۷۲	۷۷۴	۷۶۳
۷۷۰	۷۷۹	۷۶۶	۷۸۱	۷۶۲
۷۶۳	۷۷۷	۷۶۰	۷۶۸	۷۸۳

نوع دیگر برای تشخیص پادشاهان باید که در آن زمانیکه آفتاب را شرف بود عت
سعد اول بگیرد و بر پوست آهویا بر پوست اسد این حروف بنویسد و زیر نگین انشتری
ببندد و انشتری را در دست کند پادشاه و سخنر شود آنچه این بگوید بکند حروف اینند فاضل

ح در ص ط ع ک ل م و ه لا

نوع دیگر برای تسخیر سلاطین و تسلط نمودن بران باید که دران زمان که شرف زهره
را باشد بخور زهره بسوزد و عدد آیه کریمه یَعْلَمُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ و یکم یا یرید بر آرد و لوح
از مس بسازد و بران از همین اعداد که بر آورده است نقش مخمس پر کرده کند
کند و بر پشت لوح این اسما بکند اند یا غُطِّيَا ئِیلُ یا مُوْکِیَا ئِیلُ چون تیار شود نزد خود
بدارد و زدام را و سلاطین عزیز و محترم شود چنانچه من عدد آیه بر آورده نقش پر کردم اینست

۱۸۵	۱۹۲	۱۹۸	۲۰۴	۱۷۹
۱۹۹	۲۰۰	۱۸۰	۱۸۶	۱۹۳
۱۸۱	۱۸۷	۱۹۴	۱۹۵	۲۰۱
۱۸۹	۱۹۶	۲۰۲	۱۰۲	۱۰۰
۲۰۳	۱۸۳	۱۸۴	۱۹۱	۱۹۷

نوع دیگر برای تسخیر قلب امرا و سلاطین باید که بساعت اول روز یکشنبه لوحی از طلا تیار
کند و بر و این نقش مربع که انعامه نشان زدیم است کند و باید که با وضو باشد و چیزه
از اقسام جواهر که سوراخ دارد در دهن گذارد و با کسی سخن نگوید و اگر یا قوت
سوراخ دارد در دهن بدارد بهتر است و بر حاشیه لوح آیه کریمه و کفای بالله شهیدا محمد و
رسول الله کند کند و بختیاری لوح چیزه تصدق نماید و لوح نزد خود در باز و بسته

تسخیر امرا و اهل دربار و قلوب سلاطین با او گردد نقش اینست از خانه شانزدهم باید که کند

۷۸۶

۲۲۲	۳۴۵	۲۴۲	۲۴۹
۲۴۳	۲۳۸	۲۳۳	۲۴۴
۲۳۷	۲۴۰	۲۴۷	۲۴۳
۲۴۶	۲۳۵	۲۳۴	۲۴۱

نوع دیگر برای تسخیر از مولینا حسین تبریزی باید که برای تسخیر سباعت زهره لوحی از مس بسازند و نقش ذوالکتابه بطریق مذکور بر او کنند و نیز بر آن نقش که نوشته ام بکنند و آیه معظمه قل اللهم مالک المملکات اگر در آن بکنند و بعد آن لوح را بر موم کافوری ثبت نموده بطریقیه نقش نیز بر شود و بر برکس که سلاطین کردن خواهد آن موم را در پارچه پیچیده در بغل گذاشته و بروی آن شخص رود و حرف زند انشاء الله بهر وجهی که خواهد کرد اگر چه عالمه خون باشد و بر عدو فتیاب و برای تکلیف عدو این را بر موم ثبت نموده از آن موم صولت بسازد و آن صورت را معذب سازد و آنچه در ممبر نوشته بر حاشیه آن لوح محکوس بنویسد و بر پوست حمار این نقش مثلث نوشته در شکم صورت هند و بهر طور که خواهد معذب کند یعنی اگر او را زخم زنده و نیم زخم بر کسی بخواهد خورد و هر عذاب که بر تصویر کند بر عدو خواهد شد آن نقش ذوالکتابه مذکوره بالا و آن مثلث که در شکم بآن صورت بر آید نهادن گفته ایم این اندک فایده

۱۴	۹۷	۸۰۲	۱۶	۲۸	۱۲	۱۵
فیوتیه اجرا	علی نفسه ومن اوفی	ید الله فوق ایدیم	انما یابعون الله	فمن کت فانما ینکت	بما عهد علیه الله	غضا
۱۸۲۷	۱۳۱۹	۱۷۹۶	۸۰۳			
۱۳۲۰	۱۸۳۰	۸۰۰	۱۷۹۰۵			
۸۰۰۱	۱۷۹۴	۱۳۲۱	۲۸۲۹			

نوع دیگر برای تسلط بر دشمن و قتیاب
شدن بر دشمن این دو صورت را در
ووشنه نوشته به بند و گویند که این را کشاید
تا قلع فتح شود یا عد و کشته نکرد پس انشاد
بر و چهارشنبه فتح خواهد شد لوح اند و صورت
که نقش در و بنویسد به نیت

۷۸۶



فصل دوم در باب محبت برآزان و مردان و غیره

اگر خواهد که شخصی را در محبت خود دیوانه سازد باید که در تلبیس زهره و مشتری لوحی مربع تیار
از آهن بسازد و رو بقبله با وضو نشیند و اسم طالب و مطلوب را مع مادرین گرفته
درین نقش اعداد اسماء مذکور بیا میزد و شیرینی در دهن داشته بجای خلوشیند و آهن را
در کاغذ پیچیده در آتش اندازد و این عزیمت بتوجه تمام نسبت و یکبار بخواند مطلوب
حاصل شود این عمل مولانا سید حسین تبریزی است و بسیار مجرب است چنانچه نقش که در
عدد اسماء مذکور بیا میزد و بر لوح مذکور کنده کند و آن این است

عزیمت نوشته شد

۷۸۶

۲۳۷۲	۲۳۷۵	۲۳۷۸	۲۳۷۵
۲۳۷۷	۲۳۷۹	۲۳۷۸	۲۳۷۹
۲۳۷۷	۲۳۸۰	۲۳۷۳	۲۳۷۰
۲۳۷۴	۲۳۷۹	۲۳۷۸	۲۳۷۹

عزیمت هجت الجن علی الشیاطین و هجت الشیاطین علی الجن و هجت الجن الشیاطین
علی الابلیس سید الشیاطین و هجت الشیاطین علی انسان و هجت الابلیس علی اولاد و هجت
الجن الشیاطین و اولاد و فلان بن فلان بمجنه القدره و موده و عشق فلان بن فلان

بن داود علیهما السلام ان تجلبوا و تحرقوا قلب فواد و جميع جوارح البدن و الجسد
فلان بن فلان بحبة و الفة و مودة فلان بن فلان الی القلب الا یام
و منعت الطعام و قطعت النوم حتی طبعونی و تحرقوا قلبها و جسدھا
و فوادھا الساعة بحق و الطوبی و کتاب مسطور فخری مثنوی و البیت
المعظم و السنتیف لرؤوع و البحر المسجور الساعة یا ابلیس یا سید الشیاطین
اطبعونی فی هذه الساعة الساعة الساعة و افعل و جیها فلان بنت فلان
این عمل مولینا سید حسین تبریزی ست و از مخبرات ست عزیز باید داشت نو عدد یکربا
افزودنی محبت از مولینا حسین اخلاطی باید که بساعت آفتاب صورتی از موم بسازد
مشابه بصورت مطلوب بعد از عدد حرف صوامت و عدد اسم مطلوب مع مادرش
بگیرد و درین مثلث بیغز و ده نقش مثلث از همه اعداد پر کند و لوح مربع بنویسد و آن
لوح را در تصویر موم اندرون دهن گذارد و آن تصویر را در خانه تاریک یا در قبر بجای
دهن کلاه ده بدارد مطلوب حاصل شود و براس زیارتی محبت جماعت اسم همه مردمان
زمان جمع نموده عدد آن و عدد حرف صوامت گرفته در مثلث مذکور افزوده سه مثلث
کند پس یک مثلث را بریزه بریزه کرده با خاک مرده آمیخته آن خاک را در میان آن جماعت اندازد
و مثلث ثانی را در کلاه مرده بگذارد و مثلث ثالث را در میان سه که حل نموده و خوش آمیخته
مثل گلاب و عرق بهار و غیره بر عدد مطلوب و اهل آن بهره که باشد پیاشند بهر
حقیف مطلوب حاصل گردد و این عمل براس این است که نسبت کسی به کسی جاقرب است
و باز به همراه شخص دیگر قرار داده شود پس چون این عمل کند همراهِ داماد سابق شود
و همین که براس گرفتن عدد حرف صوامت گفته ام حرف این اند اح د
س ص ط ع ل م و ه ک و مثلث که در عدد این حرف و عدد اسم مطلوب
غیره که براس افزودن گفته ایم این است در هر دو طریق درین مثلث میفرایند

نو عددیگر	۶۷۲	۶۷۷	۶۷۳
همین عمل برای			
عقد اللسان	۶۷۳	۶۷۱	۶۷۹
بسیار مجرب است			
چون قمر در تنزل آید	۶۷۸	۶۷۵	۶۷۰
یا در عقرب بود یا اینکه			

تحت الشعاع بود آنوقت حرف صوامت را که اول ذکر شدند گرفته با اسم آنکس که بدان
 بسنن او منظور است کسیر کند چون زما بر آید آن حروف را معرب سازد و در لوح سرب نقش کند
 و آن لوح را در خانه تاریک بزیرسنگ گران بندد و بوقت گذرن لوح موم در دهن بگیرد و کسیر
 سخن نکند انشاء الله عز و جل برایش بسته گردد و باید که در حاشیه آن لوح مذکور این هم بنویسد بستم
 عقل و هوش و لطف و احساس ظاهری و باطنی فلان بن فلان فی عرض و حق فلان
 بن فلان و این ترکیب هم از مولینا حسین اخلاقی است ترکیب دوم اینکه حرف صوامت
 حرف اسم آن شخص و مادرش و اعداد حرف صوامت و اعداد اسم آنکس و مادر او گرفته و
 این مثلث که بالا نوشته شد در آن اعداد اضافه کرده بر کاغذ بکشد و در مثلث نوشته زیر سنگ
 گران در جای تاریک دفن کند و وقت نوشتن پشت به قبله بود اندک موم در دهن
 بدارد و قمر در عقرب یا در تحت الشعاع این بکند و آنچه که گفته که بنام آنکس حرف صوامت را
 تکسیر کند طریق آن اینست که در مثال گفته میشود باین طور فافسم -

حرف صوامت

نام آن کس که زبانش بسته کند

احم مد علی می راحه علی پاک اح در ص ط ع ل م ده

و امتزاج اک ح ام ح دو ع ر ل س ی ص ط ه ع ول م

طریق تکسیر و صدر مؤخر

ام ک ل ح و اع م ه ح ط د ص دی ع س ر ل ل م ر
 ک س ل ع ع ی و د اص ع د م ط ه ح ا ح م ه ر
 ط ک د س ع ل ص ع ا ح دی و ا و ح ی ل و د
 ح م ا ط ع ر ص م ل ک ع د س ا س و د -
 ح ع ی ک ل ل د م ه ص ح م ع ا ط ا ط
 س ا و ع د م ح ر ع ح ی ص ک ه ل م
 ل د ا و ط ل س م ال د ه ع ک و ص م
 ی ح ح ر ع ا ع و ر ط ح ل ح س ی م م
 ص ل د و ک ه ع ا ع ع ه د ک ر و ط د
 ح ل ل ص ح ا س م ی م ام ع ی ع
 م ه س د ک ح ر ص د ل ط ل و ح

پس اول نام عدد و حرف صموات برآیند برین طور

ا ح م و ع ل ی ط ع ل م د و ص س روح اک

عدد مؤخر تمام گشت و زمام در تخته برآید یعنی سطر اعلى که امتزاج شده بود در آخر

پیدا شد بدین ترتیب ناخفهم

اک ح ام ح دو ع ر ل س ی ص ط ه ع ول م

پس این تمهید گیر را معرب کنده یعنی رباعی یا ثنائی کلمات سازد و بر داء اعراضه باین طریق ناخفهم

اَمَكْلُ حَطِّ مَحَطٍّ وَصَدَى عَثَرٍ
مَطْلُحٌ اَحْلَهْ مَطْرَمٌ كَدَسُحٌ اَصْعَاخِدُ
اَسُوْدُ جَعِيكَ لَدَمٌ يَصْحَرُ مَعَاظُ
اَوَّلُ فَمَانٍ دَهْمِكُ وَفِي حَسَدَتِ
اَعَدَه دَكْرِي طَهْ حَلَّ اَصْحَى سَمِيْمٌ

المَرَكْسِيحُ جِيوُوْ صَعْدُ
اَوْحَى لَدَجْ مَاطِحٌ رَمَلٌ كَعْدَسُ
اَطْسَا وَعَدَمٌ حَرَجٌ يَصْلِيْ لَمَلْ
اَعْدَرُ طَلَحُ حَيْمٌ مَاضِلٌ وُوْدُ كَبِجْ
اَعْدُ عَلَى طَعْلَمٌ دَهْسُ سَرُو حَاكْ

الحکام محمد و غزلش بصیط عدلم

پس هتم تکبیر از حرف رباعی مدغم شده کلمات گردید و معرب ساخته شد این کلمات را در لوح
سرب داخل کردم فاما بهین طریق طالب هتم تکبیر کرده زمام برآرد و معرب کند و آنچه ترکیب
دوم است اینست که بهین تدبیر اعداد اسماء را تکبیر کند و همه اعداد را مجموعه ساخته نقش بر
کرده بکار برد و بهین مثال برای آنکه هر جا که ذکر تکبیر باشد بداند که نوشتن احتیاجی نخواهد شد
کافیست نوع دیگر برای محبت و ازدیاد کردن عشق و مودت باید که بساعت سعد زبهر
لوحی از مس بسازد و بر حاشیه آن لوح این آیه کریمه کند لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ
عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ خَرِيفٌ لَكُمْ مِنْهُ نَصْرٌ وَهُوَ عَلَيْكُمْ كَرِيمٌ بَعْدَهُ اسْمُ طَالِبٍ وَمَطْلُوبُ
بطریق جفر جامع نوشته تکبیر کند و فلیتبه ساخته بران لوح من جراسخ روشن کند و سه
تقوید از بین الفاظ را اعداد برآورده در مربع بکند آن الفاظ این اند -

مَسْتَطِيعُ النُّورِ سَمْعُونِي يَا رَبَّاهُ يَا سَبَّحْهُ اَهُ يَا مَوْلَاهُ اَحْيَا نَوْتَ اِهْيَا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
يَا بَاقِي الْعِظَمَةِ لَيْلَةُ السَّلْطَانِ لَيْلَةُ يَا اِلَهَ الْاَلْبَابَةِ الرَّفِيعُ جَلَالُهُ -

پس آن تقوید را در آرد و پیچیده اگر برای محبت زن است بکار ماده بخواند و اگر برای
محبت مرد دست بکار زن بخواند فلیتبه را که اول ندکورشند در غسل و روغن من روشن
کند آنکه مطلوب تیرا گردد و بهین تکبیر را چون بر سه آدای قرین کند
باید که نام محاسب و آن جماعت که حساب میگیرند بگیرد و بطریق اول تکبیر کند

و عدد آن همه تکسیر بگیرد و درین نقش مربع بیفزاید و نقش بر لوح قرطاس بنویسد و در
 حاشیه آن لوح آیه کریمه لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ
 رَؤُوفٌ رَحِيمٌ بنویسد و زیر آن اسم خود مع نام مادر نوشته در دفتر حساب دفن کنز این
 عمل از مولینا حسین اخلاطی ست و همین بر اے افروند اعداد در نقش مربع گفته ایم اینست
 ۷۸۶

۷۵۴	۷۵۸	۷۶۵	۷۶۷
۷۶۳	۷۶۸	۷۵۳	۷۵۹
۷۶۹	۷۶۷	۷۵۶	۷۵۲
۷۵۷	۷۵۱	۷۵۰	۷۶۶

نوع دیگر بر اے افرونی محبت مطلوب باید که در تثلیث زهره و مشتری لوحی مربع بنسازد
 که از مش باشد و بر آن لوح این نقش کنده کند و آیه کریمه کُتِبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا
 اللَّهُ جَبَّارٌ رَاقٍ فَبِمَا نَسْخَ الْأَنْفُسِ الْأَمْثَلِ الْأَمْثَلِ الْأَمْثَلِ الْأَمْثَلِ الْأَمْثَلِ الْأَمْثَلِ الْأَمْثَلِ الْأَمْثَلِ
 و اسماء مادرین در اعداد آیه شریفه امتزاج داده تکسیر نماید بعد صدر مؤخر در چهار طرف
 نقش مربع نوشته باشد و روغن بدستور فلیته کرده بسوزد و مطلوب حاضر شود این عمل از

عظیمه مولینا صاحب عبد اللطیف گیلانی ست

و آن نقش که در لوح

کنده کردن گفته ایم اینست

لوح را بیا زو راست به بند

۷۸۶

۲۳۷۲	۲۳۷۵	۲۳۷۸	۲۳۷۵
۲۳۷۷	۲۳۷۶	۲۳۷۱	۲۳۷۶
۲۳۷۷	۲۳۸۰	۲۳۷۳	۲۳۷۰
۲۳۷۲	۲۳۷۹	۲۳۷۸	۲۳۷۹

تو عدد گم را بر اسم محبت مطلوب و بتقریر نمودن آنرا باید که در لوح طلا بر وزیر کتب این
نقش را بکند و دو عدد نام مطلوب و طالب با مادرین در آن ساعت تکبیر کند بعد صدر
مؤخر حروف صدر مؤخر را باز تکبیر کند و باین دو اسم حروفش را با حروف مقدم و مؤخر
باز تکبیر کند تا شصت و یک مرتبه تمام شود آنکه مرکب ساخته این را فلیته نوشته در ساعت سعد
در چو اعدان مسی فلیته روشن کند و برابر آن نشسته این عزیمت ثبت و یکبار بخواند
عزیمت عزمت علیکم و اقسمت بکم یا یا الارواح الموحدة کل هذه الحروف
و بحق میطرون و بحق یا الهة الالهة الرفیع جلاله و بحق سلیمان داود
علیهم السلام احرق القلب و الجسد و الفواد و جمیع جوارح البدن فلان
بن فلان لمحببت و مؤدة و الفة فلان بن فلان الساعة الساعة العجل
العجل طبعونی و احضرونی بحق یا ایها النفس المظمئة الرجعة و بحق
که صیص و بحق جمعسق و بحقن و القلم و ما یسطرون و بحق اهیسا
اشرا هی اذونی اصباون یا ملئکة لهذا الحروف و الكلمات المركب من هذه الحروف

والتكسیر احرق القلب الفواد وجميع جوارح البدن فلان بن فلان لعجبة ولفة
ومودة فلان بن فلان الحق وبحق لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليكم
ما عهدكم حرص عليكم بالموثقين رؤف الرحيم ۵ این عمل از حکیم ارسطوس است
و مجربست و بر لوح که نقش میکنند این است

۱۰۴۱	۱۰۴۴	۱۰۴۸	۱۰۴۳
۱۰۴۷	۱۰۴۵	۱۰۴۴	۱۰۴۵
۱۰۴۶	۱۰۵۰	۱۰۴۲	۱۰۳۹
۱۰۴۳	۱۰۳۸	۱۰۴۷	۱۰۴۹

نوع دیگر گردانیدن دل کسی از طرف کسی مسخر کردن دو صورت از هفت جوش یا نه قلعی تیار
سازند برین منوال که صورت کلب یک باشد و دیگری شکل زن باشد برین صورت



و روزیکه طریقه باشد یا قمر در عقرب و آفتاب در برج ذوج بدین باشد این نقش در شکم صورت زن نقش کنند و گرد آن حروف لوح مشتری بنویسند لوح مشتری اینست در پهلوی راست زن بنویسد $\text{سم} + \text{سم} + \text{سم} + \text{سم}$ و در پهلوی چپ زن بنویسد $\text{سم} + \text{سم} + \text{سم} + \text{سم}$ و بر کف پای زن بنویسد یا طیال و بر کف پای چپ بنویسد یا سبطیال و حروف لوح مرغ در شکم کلب بنویسد لوح مرغ اینست یا کفتمال یا منتطیال یا جهمال $\text{سم} + \text{سم} + \text{سم} + \text{سم}$ غبطیال احطرسال بر سر کلب این حروف بنویسد یا کفتمال و در پهلوی راست کلب بنویسد یا منتطیال و بر پهلوی چپ کلب بنویسد یا جهمتیال و در میان کنند که در دست کلب است این بنویسد $\text{سم} + \text{سم} + \text{سم} + \text{سم}$ و بر کف غبطیال و بر طرف دوم کنند این بنویسد احطرسال و در عاشر لوح همین الواح را هم مرکب کنند و نام مرغی و بادشاه یا معشوق را بحرف صوامت بگیرند و مکسیر کنند و آن مکسیر را عدد بر آرد و درین نقش مثلث آن اعداد اضافه کنند

۷۸۶

اینست بعد اضافه کردن اعداد یک

نقش از همه اعداد پر کرده در لوح صورت

نقش نمایند و آن لوح را در خانه معشوق

یا بادشاه یا حاکم بر سر کسی که عمل

کرده اند دفن نمایند و اگر نتوانند در جوار

آن دفن نمایند و بعد از آن صورت

۳۴۸	۳۴۳	۳۵۰
۳۴۹	۳۳۷	۳۴۵
۳۴۴	۳۵۱	۳۳۶

کلب وزن بهر طریق که همان کس نشسته باشد بر تخت یا بر بلندی همون طور این

اشکال را هم بنشانند و در جای محفوظ نگذارند ان شاء الله از شخصی که مطلوب مایل است

بیزار گردد و بعالی منور و مطلوب گردد و نقش که شکم نویسند اینست

۷۸۶

۶۵۵	۶۵۶	۶۶۳	۶۶۸
۶۴۲	۶۴۹	۶۵۴	۶۵۹
۶۵۰	۶۴۵	۶۵۶	۶۵۳
۶۵۷	۶۵۲	۶۵۱	۶۴۴

تو عید یگر برائے گردانیدن دل از کسے و مسخر نمودن با خود پس اگر مرد باشد مطلوب
در ساعت شرف مشتری لوح از مس و نقره و سرب مزوج ساخته تیار کند
و این عدد در نقش مربع بر وی کند و گرد او این علامت خط مشتری بنویسد بدین طریق

حد ایل کنکا ایل

نودا ایل عدا ایل



بعد ایل پس این لوح را بخورد و بد آنچه که مشتری بپست و در بازو راست
بر بندد ان شاء الله تعالی مطلوب از محب خود دشمن شده با این کس که عمل کرد

است دوست و مطیع گردد و نقش مربع که بگرد او علامت مشتری نویسد اینست فایده
۷۸۶

۵۵۴	۵۵۷	۵۶۳	۵۴۷
۵۶۲	۵۵۸	۵۵۳	۵۵۲
۵۴۹	۵۶۵	۵۵۵	۵۵۳
۵۵۶	۵۵۱	۵۵۰	۵۶۳

نو عدد دیگر بر اے تسخیر مطلوب که زن باشد باید که بساعت سعد و صوت بسازد
یکه شکل مرد و دیگره شکل از زن مثل اینصورت که مانتا ایم که هر دو نقل گیر باشند اینند

صورت زن

صورت مرد



پس بر روز نهم در تثلیث زهره و مشتری ساعت نیک این نقش در کم مرو به نویسد

۷۸۶

۷۵۶	۷۶۹	۷۷۶	۷۷۳
۷۶۷	۷۶۲	۷۵۷	۷۶۸
۷۹۱	۷۶۴	۷۷۱	۷۵۸
۷۷۰	۷۵۹	۷۷۰	۷۶۵

و این نقش را در شکم زن برنگارد و آن هر دو را با هم بچسبانند چنانچه هر عضو مرد بر عضو زن باشد و هر دو را در جای که آتش باشد بدارند تا سوزان باشند ان شاء الله مطلوب
بیقرار و بیتاب شود و نقش که شکم زن بنویسد اینست

۷۸۶

۳۴۴۹	۳۴۴۵	۳۴۵۹	۳۴۵۶
۳۴۶۰	۳۴۵۵	۳۴۵۰	۳۴۶۳
۳۴۵۳	۳۴۵۷	۳۴۶۷	۳۴۵۲
۳۴۶۶	۳۴۵۲	۳۴۵۳	۳۴۵۸

تو عدد مگر براسه محبت و مطیع کردن مطلوب باید که تثلیث زهره و مشتری را اول بیند
 تثلیث باشد این نقش را بر پوست آه و روز پنجشنبه ساعت اول مشتری بنویسد و آن پوست
 را در جامه پاک پیچیده در سربار دوش پیش مطلوب برود و سهفت نوبت پیش او بخواند اینست
 یا طیطیلانیل عل و آن نقش که بر پوست آه بنویسد اینست

۷۸۷

۷۵۳۸	۷۵۳۱	۷۵۳۴	۷۵۳۱
۷۵۳۳	۷۵۳۲	۷۵۳۷	۷۵۳۲
۷۵۳۲	۷۵۳۶	۷۵۳۹	۷۵۳۶
۷۵۳۰	۷۵۳۵	۷۵۳۴	۷۵۳۵

تو عدد مگر براسه محبت و میقرار نمودن مطلوب باید که در شرف آفتاب لوح از طلا سازد و در
 آن لوح این نقش مربع کنده کند و نام آنکس و اسم خود نوشته در آتش اندازد و قیقه مطلوب
 حاضر شود لوح به بازوی چپ به بندد و باید که درین عملیات هرگز قصد به حرام نه کند

۷۸۷

۲۷۴	۲۷۷	۲۸۰	۲۷۷
۲۷۹	۲۷۸	۲۷۳	۲۷۸
۲۷۹	۲۸۲	۲۷۵	۲۷۲
۲۷۷	۲۷۱	۲۷۰	۲۸۱

تو عدد مگر عمل قمر بجهت محبت و تسخیر و این عمل قمر نیاب روزگار راست و مثل کبریت احمرو
 تریاق اگر است باید که چون قمر در آن خانه باشد که آنجا او را نخوست نبود و اگر در شرف باشد
 بسیار خوبست پس بزمانه شرف لوحی از هفت جوش بسازد و بر آن لوح این نقش را
 عدد اسم مطلوب بر آورده اضافه کرده کنده کند و نقش را در میان سوره الفجر به
 قرآن مجید بدارد مطلوب بسیار از دل و جان مطیع و فرمان بردار شود نقش است

۷۸۶

۱۰۸۶	۱۰۶۸	۱۰۶۷	۱۰۶۳	۱۰۸۲	۱۰۸۳	۱۰۱۰
۱۰۷۹	۱۰۷۱	۱۰۵۶	۱۰۵۳	۱۰۷۰	۱۰۵۵	۱۰۴۵
۱۰۸۰	۱۰۶۸	۱۰۰۴	۱۰۵۹	۱۰۶۰	۱۰۵۴	۱۰۴۲
۱۰۳۷	۱۰۶۹	۱۰۵۷	۱۰۶۱	۱۰۶۵	۱۰۷۳	۱۰۸۷
۱۰۳۸	۱۰۵۰	۱۰۶۲	۱۰۶۳	۱۰۵۸	۱۰۷۲	۱۰۸۶
۱۰۳۹	۱۰۶۷	۱۰۶۶	۱۰۶۹	۱۰۵۲	۱۰۵۱	۱۰۸۵
۱۰۷۸	۱۰۷۶	۱۰۷۷	۱۰۸۲	۱۰۴۴	۱۰۶۱	۱۰۶۰

تو عدد مگر همین عمل یعنی از قمر اگر این نقش را هفت عدد گذاشته بر کاغذ باری بنویسد هر روز

باعت قمر یکد اضا فیه کرده باشد هفت روز نخواهند شد که مطلوب بیاید اما باید که
بر حاشیه نقش این اسماء یونانی قمر بنو سید و لعل و ونش بقبرستانه عسلی بنو سید و سطح
اول مها غفر فر خود بیج سبج سجوا حافظ و نقش اول نوشته است دیگر اگر همین -
نقش بر لوح هفت جوش بکند اثر عظیم نمشد و چون قمر زائد النور بود این عمل را نوشته -
به قاصد بدید بعد عا حسب دلخواه مراجعت کند و باید که بر روز و شبینه یا آنکه بر روز پنجشنبه
این عمل کند اول غسل نماید و پشت بجانب قمر کند و نقش مذکور را بر کند چون خانه اول
را بنویسد بگوید (والقمر حسنا ذلک تقدیر العیزز العلیم) و چون خانه دوم را بنویسد بخواند
والقمر قد رناه منازل قته عادکا لعمرون القیم و دیگر خانه که بر کند بگوید لا حول
ولا قوه الا بالله العلی العظیم پس بر آید هر شیخ که کند این عمل لفع دهد و بداند که
تشیخ بودن قمر محال بلکه معوم است و هر که عمل از قمر است تیر بهی ف است اگر تشیخ قمر
شود عامل را احتیاج سلطنت بهم نباشد و این تشیخ بر رسول خدا صلعم بود -
نوع دیگر بر آید سرگردانی اگر بکسی محبت باشد و آن کس اراده سفر کند و طالب را
سفر کردن او ناگوار باشد پس باید که در تحت الشعاع این مثلث قمر را بر پوست شغال
بنویسد و آنرا در دهن موش صحرائی نهاده در آنش دوزیده در آب روان اندازد
که آن کس که رفته است سرگردان شود و تا باز نه آید بمنزل مقصود نخواهند رسید
و آن مثلث قمر است فافهم

نوع دیگر همین عمل برای

راه بستن مقتر کرده اند

اگر خواهد که مطلوب ازین

شهر بیرون نرود پس گیرد

نام او و نام مادر او و درین

۴۸۶	۴۸۶	۴۸۶
۳۴۷	۳۴۲	۳۴۹
۳۴۸	۳۴۶	۳۴۳
۳۴۳	۳۵۰	۳۴۵

نقش بیفزاید و در تحت الشعاع یک مثلث از اعداد همه بر کند و در خاشیه آن نقش نام آن کس مع نام مادر او بنویسد و بر دروازه شهر دفن کند هر گز بیرون رفتن نتواند و اگر در طریقه و قمر در عقرب بکند خطای ندارد و آن نقش که در و نام مادر و مطلوب بیفزاید این است و مجرب است

و این عمل برای تسخیر کردن انجماست که منسوب بقبر اند بسیار خوبست و آن اقوام مثل کاوان و سوران و آب بانان و غیره اند عامل خود حقیقت آن در یافتن کار خواهد کرد و الله اعلم بالصواب

۷۸۶

۲۸۱	۲۷۴	۲۷۹
۲۷۶	۲۷۸	۲۸۰
۲۷۷	۲۸۲	۲۷۵

نوع دیگر عمل زهره بر اے افزونی محبت مطلوب باید که بشرف زهره لوسه سازد و در لوح این نقش مخمس کنده کند و آن لوح را زرد بخود بداند و مطلوب مطیع و مسخر گردد و این نقش را که آینده نوشته است در شرف آفتاب بر مس کنده کند و قدر گرمی در ش آن لوح را برساند مطلوب بقرار و بے آرام گردد و باید که درین باتکسیرات به هر ستاره که عمل باشد بخور او بسوزد و شرایط عملیات آنچه که اول گفته ایم همه بحالت هر طریق که عامل بکار بر دیر هدف یابد و ما را دعای خیر دهد و من بر اے برادران ایامی هر طریق بسیار آسان کرده ام این همه نقوش که بر لوح کنده کردن گفتم همه از اعداد آیات و اسماء موکلات اند من اول این را تکسیر کرده ام و اعداد برآورده ام و نقش نوشته ام که عامل را تکلیف تکسیر و صدور مؤخره کردن نه افتد و در آن تکسیر نوشته که قید اسماء و غیره دارد و او را بر وقت باید کرد پس آنرا مع شمال واضح نوشته و آدم که بر یک

آسانی بود اما نقش نمس کبر اے ہر دو طریق گفتہ ام اینست عزیز باید داشت تجربہ

۷۸۶

۳۸۱	۳۶۶	۳۵۸	۳۷۵	۳۶۲
۳۶۰	۳۷۲	۳۶۴	۳۶۸	۳۶۸
۳۶۱	۳۸۰	۳۷۰	۳۵۷	۳۷۴
۳۶۷	۳۵۹	۳۷۱	۳۶۳	۳۸۲
۳۷۳	۳۶۵	۳۷۹	۳۶۹	۳۵۶

فصل سوم برائے علو درجات و افزونی جاہ و مراتب و

رسیدن دولت

اگر برائے افزونی جاہ و دولت عمل کند باید کہ در شرف آفتاب لو سے انطلا بسازد و اعداد سورہ و الشمس لصحت تمام بر آرد و نقش نمس کند کند بر آن لوح و برابر روی راست بر خند و چون صبح صادق روز دوم بر آید قبل از نماز روز پنجاب آفتاب کردہ تمام سورہ و الشمس را بر آمدن آفتاب خواند و چون آفتاب بر آید نظر بر آن نقش طلا کند از برکت این عمل انشاء اللہ بدرجہ شاهی برسد و اگر شاہ باشد جهان داری و کشور ستانی کند و خدا عمر او را دراز گرداند و ہمیشہ مردمان او را مطیع بوند و او را عزیز و داند نہایت مجرب است

نویسنده بزرگ برای افزونی جاه و مراتب و تسخیر نمودن دل امیر و فقیر باید که در شرف آفتاب
 روز یکشنبه لوحی از طلا بسازد و این کفش مربع را بر و کند و این چهار اسم
 گرد او بکند ابرصا صبر صا سار سا سور سا و در گلاب آن لوح را انداخته گلاب را
 در شیشه نهاده هفت روز زیر آسمان نهد بعد از این بردارد و هرگاه کسی مقدمه کیش
 آید گلاب را بر روی مالیده بر اے جوابی رود انشاء الله تعالی اب گرد و باید که در پارچه چیر
 احمر لوح را نهاده بر بازو راست به بند و پنجاه بار همین اسماء مسبوقه ذکر را بخواند
 را بخواند و در بجانب آفتاب کرده استاده شود و گوید اے عظم مقصود من اینست
 بآن مقصد مرا برسان و بخور لبازد و سور و شمس بخواند و بخود دم کند چون چنین کند زود
 تر بدرج اعلیٰ برسد اما در هر مجلس که نشیند آفتاب بجانب راست او باشد گاهی پشت
 کرده نشیند سوائے خواندن نماز و قبل از بر آمدن آفتاب بیدار باشد و در و بر و
 آفتاب استاده شده سور و شمس هر روز بخواند انشاء الله تعالی جاه و مراتب
 بچند روز پیدا آید نقش که بر لوح کند کند اینست فافهم

۷۸۶

۷

ابرصا ۸۱	۹۴	۹۱	صبر صا ۸۸
۹۲	۸۷	۸۲	۹۳
۸۶	۸۹	۹۶	۸۳
۹۷	۸۴	۸۷	۹۰
سار سا			سور سا

نور عبد بکر در باب افزودنی جاہ و دولت باید که اول عدد اسماء این پیغمبران علیهم السلام
 بگیرد یعنی آدم شیش ادریس هفت یونس دوازده سلیمان ایوب ذکر یا یحیی عیسی
 دوازده ائمه شیخ عزیر همدیگر ابراهیم اسمعیل یعقوب یوسف اسحاق
 موسی لوط شعیب هارون یوشع و بعد ازین یعنی بعد از اعداد اسماء پیغمبران و
 اسماء باو شان بگیرد و بنمود چنان کسب حسن و جمشید فریدون نوشیروان پس
 نام طالب را عدد بگیرد و اول حرف اسماء حرف اسم طالب کجا نموده کرد حروف بچیند و
 باقی را تکسیر نماید چون نام بر آید آنگاه ببیند که درین تکسیر حرف کدام به آفتاب منسوب
 اند حرف که باقیاب باشد از بعد از ده حرف نورانی جدا بنویسد پس حرف آفتاب و
 حرف نور را جدا امتزاج داده تکسیر نمایند چون زمام بر آید همه را یعنی تکسیر اول و تکسیر
 شمسی را مرکب کنند و اعداد که اول بر آورده است از آن نقش مربع بر لوح طلا در
 ساعت شمس کنده کرده بر حاشیه آن این تکسیر مرکب از قلم سریانی کنده کنند و لوح
 را در ادم نزد خود بدارند و همیشه دو دیو را آفتاب بدهند انشاء الله جاہ و دولت میسر آید
 و نیز خایه شود و اینکه گفته ام که حرف آفتاب و حرف نورانی از آن جدا کرد و تکسیر
 چنانچه هر ستاره را این حروف تہجی داده اند و من بر اے الفہیم طالب ابجد را گن
 نویسم تا آسان گرد و آن این است

ابجد	هزار و شصت و شش	طیکل	شع
در حل	مشتی	میرج	شمس
فقط	شش	دضطع	
زمره	عطا	و تسد	

و همچنین بر حسب تہجی اول گفته ایم در آغاز کتاب اما آنچه که درین باب

آفتاب را حرف یعنی (ان س ع) آنرا از تکسیر بردارد و حرف نورانی این اند

م ج ف ح ب ر ق د ی ا ل ن

پس این حروف را نیز از تکسیر حیدة کسیر دیگر نماید و موافق نوشته بالا بکار برد تا بمراتب

علیا برسد نوع دیگر برای بلندی مراتب و یافتن نعمت متکاثره باید که لوح از طلا که

وزن چهار صد و هشتاد و چهار مثقال باشد بسازد و یکم طمطم و نه آن طلا درین عمل

مثقال گفته است که بگیرد فاما از سه مثقال کمتر نباشد و شرف آفتاب بر آن لوح

عدد آیه کریمه و شمس تجری مستقر لها ذلک تقدیر العزیز العظیم گرفته و اعداد همه سوره

و شمس ساینده و عدد اسم طالب همه را یکجا نموده و نقش مربع بکند و لوح را نزد خود

بدارد عزیز و مکرم گردد و بمرتبه اعلیٰ برسد از مجربات است نوع دیگر برای

افزونی مراتب و مکرم ماندن نزد و در پیش پادشاهان باید که عدد آیه معظم قل الله

مالک الملک بتابعه خویش حساب گرفته بگیرد و لوح طلا در شرف آفتاب ساخته

و اعداد آیه مذکوره را درین نقش افزوده یک نقش مربع بر لوح مسطور در همان وقت شرف

بکند و لوح را نزد خود دارد و مکرم گردد و نقش اینست

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰
۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰
۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰
۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰
۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰

نوع دیگر از ساختن انگشتی شمسی و قمری چون کسی خواهد که در ششم خواتین
 بادشاهان و منظر بادشاهان گرامی ماند و هر کاری که بایشان رجوع کند رود تریجا آرد
 پس باید که انگشتی باین تدبیر بسازد که یک جانب از نقره و یک جانب او از طلا باشد
 و بر پشت آن هر دو کی صورت خاتون و یک شیه بادشاه باشد و در میان هر دو صورت
 شیه خویش بدارد و بر هر یک شیه یا بر پوست آهو بمیان هر دو بدارد در حاشیه صورت
 خود عدد آیه لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حر لیس علیکم بالمؤمنین روف رحم
 گرفته نقش نوید و بر روی لوح طلا نقش مربع شمس بکند و بر روی لوح نقره
 مربع قمر بکند و آن این اند

مرشمس

۷۸۶

۳۵۷	۳۶۹	۳۶۶	۳۶۳
۳۶۷	۳۶۲	۳۵۸	۳۶۸
۳۶۱	۳۶۴	۳۷۱	۳۵۹
۳۷۰	۳۵۹	۳۶۰	۳۶۵

مربع

۷۹

۲۴۷	۲۶۱	۲۵۸	۲۵۵
۲۵۹	۲۵۳	۲۶۹	۲۶۰
۲۵۳	۲۵۶	۲۶۳	۲۵۰
۲۶۲	۲۵۱	۲۵۲	۲۵۷

و در پشت صورت خویش این نقش بنویسد اینست

۳۵۲	۳۵۵	۳۶۱	۳۶۵
۳۶۰	۳۶۶	۳۵۱	۳۵۶
۳۶۷	۳۶۳	۳۵۳	۳۵۰
۳۵۴	۳۶۹	۳۶۸	۳۶۲

پس هر دو صورت را مقابل داشته همچنین آن شبیه خویش نهاده هر دو را بهم چسباند
چنانکه صورتها بر یک اندرون مخفی شوند و نقش هر دو لوح بالا باشد پس چنان نگیین تیار کرد
انگشتی گردان بسیارند و در دو لوح طلا که شمس است ابرضا صابر صا سار سار و سیاه
و انگشتی گردان باشد مثل آن انگشتی که اهل مغرب انگشتی اند و لوح و اهل هند
از احمط طیار سازند پس آن انگشتی را در دست بر پوشند اما بر وقت جنابت و
فرض حاجت و رفع احتیاج مثل بول و برار و غیبه در دست ندارند اگر کسی هم پیش آید
از پادشاهان و امیران انگشتی را در دست کرده بگردانند و طلا را بالا کنند و سوره
و لشمس را بخوانند و اگر هم از خاتون باشد و روئے نقره را بالا کنند و آیه های چند که
بقمر نسبت دارند بخوانند و انگشتی را سفت نوبت بگردانند و بمزبته بنقش روئے
نقره بیال آید بحال او بگذارد تا آنکه مراد بر آید و بر آیه های این انگشتی را سفته
بنوشاند ان شاء الله شفا خواهد یافت و بر آیه در دزد بر سر زن بزنند و بر آیه طلب

مطلوب این الواح را بر موم کاغذی ثبت کنند و از آن موم شبیه شوق بسازند و سفت
سوزن در هر سفت اعضای او بزنند و این نقش را بر کاغذ یا موم نوشته بر شکم آن
شبیه بچپانند و در یک سروی خویش آن شبیه را آویزان کنند ان شاء الله تعالی
مطلوب بقیه ارشده حاضر شود نقش که در شبیه بجای شکم نهاده است

۵۸۹	۵۹۲	۵۹۵	۵۸۲
۵۹۴	۵۸۳	۵۸۸	۵۹۳
۵۸۴	۵۹۷	۵۹۰	۵۸۷
۵۹۱	۵۸۶	۵۸۵	۵۹۶

فصل چهارم در عملیات بعضی و پلاک کردن عدورا و جانی آنگدن بمیان مجبان

اگر کسی خواهد که عدورا ذلیل کند پس او را باید که در شرف آفتاب لوه بسازد و از زیر
و بر عدور و سور و العصر و سور و الم تر کیف بر آورده عدور اسم عدور مع اسم مادر او بجا
کرده نقش مثلث کند و هرگاه که آفتاب بر آید رو به لوج بطرف مغرب کرده هند و چون
آفتاب بسمت مغرب آید رو به لوج بجانب مشرق کرده هند چند روز همین طور
بجمل آمد ان شاء الله عدور از مرتبه جاه و عزت خود میفتد و ذلیل و خوار شود اما باید
که بروزی که شنبه قرصه شیرینی تصدق نموده باشد این عمل از حکیم جالینوسست لوه عدور
برای فتح شدن ملک و قلعه و ذلیل گشتن دشمن بادشاه باید که در شرف زحل

در شرف نباشد یا جاری بر روز شنبه پیش از برآمدن آفتاب لوحی از سرب بسازد و عدد
 ایه معظمه نصر من الله وفتح قریب انافتح لک فتحا مینا بنا فتح بیتا وین قومنا با
 الحق وانت خیر الفتحین بر آرد و عدد آیه یا نام سورة الم تر کیف وسورة والعصر هم بر آرد
 با عدد اسم عدد که ملک قلعه باشد همه اعدا را از غلام نموده نقش مربع پر کند و بر لوح مذکور کند
 کند و بر حاشیه آن لوح سورة فاتحه معکوس کند و این الفاظ نیز در آن بنویسد و ام
 اچرا بنی ملیکه املیکه ادا به وارینا اسنکا فخر و در تکا و شبکی واری وریا اموا
 ملک ما ملوکا اشبعین کنانه بجانده پس آن لوح را بریز قلعه یا بر دروازه ملک عدد بریز
 خاک پنهان کنند ان شاء الله زود و ملک فتح شود و عدد ذیل گرد مجرب است و عدد دیگر
 همین عمل زحل برای بزرگی یافتن بر قوم مجربست اما برین دستور بکنند که در شرف زحل
 لوحی بسازد از سنگ نیش و عدد آیه معظمه لمن الملک الیوم الله الواحد القهار که قد
 نقش مربع کند کند اما از قلم دور و بیابین طور نقش پر کنند که یک عدد از سرب قلم و یک عدد
 از پائے قلم بنویسد و قفل سیاه در دهن بدار پس آن لوح نزد خود دارد و بر قوم بزرگی
 یابد و دشمنان ذلیل و خوار شوند و هر کس از حکم او سر نخوابد بر داشت -

نوع دیگر همین عمل زحل بر بزرگی نمون بر قوم باید که لوحی از سرب بر روز شنبه
 یا در شرف زحل بسازد و لباس سیاه بپوشد و وقتی که قدر برج جدی باشد در شب
 یکشنبه و روز شنبه یزد بالای ام و سیح و ایند برود و سربینه کرده پلاس سیاه بر سر اندازد و بگوید
 که یا کیوان یا خاتم که برین قوم بزرگی نمایم و این را طبع خویش گردانم پس بعد از آن بفت
 چیز سیاه پیش خود میاد داشته مثل قلع سیاه و سنگ سیاه پستان و قبر و نصیة الشعلاب
 و قد سیاه و سنگانه همه را گرفته بخور کند و بر سر پائے که از چوب آبنوس باشد
 نشسته نوزده بار این عزیمت بخواند عزیمت عزیمت نیکو ای الکواکب المعظمه
 بالنور السالط انظرونی بحق یا الکواکب المعظمه انظرونی حق

باز حل باشد و زحل و قمر در برج نحس باشند و ناظر بنظر نحس باشند آنوقت بریر
سیاه یابد که پاس سیاه که رنگ کبود باشد از سیاهی پیل این نقش مثلث بنویسند
عدد و ششم و دشمن بر آورده در آن اضافه کنند و مثلث نوشته در مسجد یک ویران
و خراب باشد نزدیک محراب دفن کند و سوره لایلاف تمام و کمال دو اذنه صد بار بخواند
عدو ذلیل و خوار شود و تنباه گردد و اگر در شرف زحل این عمل کنند بسیار بهتر و مجرب
افتد و نقش مثلث که در و عدد اسم عدو میفرمایند اینست

۴۸۶

و همین نقش برای بزرگی

قوم در ساعت اول چهار

۴۰۰	۴۹۴	۴۰۲
۴۰۱	۴۹۵	۴۹۶
۴۹۵	۴۰۳	۴۹۸

شبه و ربع نوشته بر سر بداند

عزیز و محترم شود نقش مربع

بدین صورت است و فایده

۴۸۶

۵۲۳	۵۲۴	۵۳۰	۵۱۶
۵۲۹	۵۱۴	۵۲۲	۵۲۸
۵۱۸	۵۲۲	۵۲۵	۵۲۱
۵۲۶	۵۲۰	۵۱۹	۵۳۱

تو عدد یکم برای اینکه کسی غاضبی کرده روزی کسی را موقوف کشاید باشد پس

برای بدست آوردن روزگار رفته این عمل کند که بر روز شنبه وقتی که نعل خوشحال باشد خلوت نشسته دو
 صورت از قلعی بسازد و شکم آن تصویر آن محوف دارد و بر پوست آهوا این نقش مربع نوشته در شکم آن
 دارد و آن صورت را با بنابر مراد خود یعنی هر نوع که روزگار کردن منظور است با آن صورت بنشانند اگر عزت
 افزائی منظور است بر تخت بنشانند و اگر نشی بودن منظور است قلم بکمر آن هند و دو و قرطاس رو برو
 هم بنظر هر روزگار که کردن منظور است آن طریق را نسبت آن تصویر آن بجاء آورد و آنرا گوشه نگه دارد
 و هر روز رو برویش یکبار رفته بر نظر کند و پنج چرخ روشن کرده رو برو آن هند تا اینکه مرادش
 بر آید نقش که بشکم تصویر آن هند نیست

۲۲۰	۲۲۲	۲۲۴	۲۱۳
۲۲۶	۲۱۴	۲۱۹	۲۲۵
۲۱۵	۲۲۹	۲۲۲	۲۱۸
۲۱۳	۲۱۷	۲۱۶	۲۲۸

و همین عمل اگر برای هلاکی عدو کنند تدریش نیست

که بر روز شنبه ساعت اول صورتها از ضرب بسازند و یکی را بایمل نام کنند و دیگر را قایل پس عدد نام بماند
 و قایل گرفته درین نقش مثلث پر کنند و دو صورتها بناده صورت بایمل را از صورت قایل مضرب کنند
 یعنی تیر و پهلوش زنند یا هر عدد که خواهند بنشاند و بدست قایل خنجر یا دیگر اسلحه دهند و
 ضارب نمایند و بایمل را مضروب نمایند و بر سر مثلث آن شبیه که از قایل است اسم سید
 الشیاطین ابلیس بنویسند و آن هر دو صورتها در خانه تاریک سر دایه یاد رگ وجود یا بجای مسخ
 دفن کنند انشا الله عدد کشته خواهد شد و نقش مربع که بالا مذکور گشت بطور مثلث بدین صورت
 ۷۸۶

۲۹۶	۲۹۰	۲۹۸
۲۹۷	۲۹۵	۲۹۲
۲۹۱	۲۹۹	۲۹۴

نوع دیگر برای کشتی گرفتن و بر عدو ظفر یافتن باید که اسم بر
 دو کشتی گیران گرفته عدد بر آرد و عدد آیه کریمه یا الله فوق

ایدهم من نکت فانینکت علی نفسه ومن اوفی بما عهد علیه الله فسیؤتیه اجر اعظم ما وعد
 چهار روز و البطش شدید اندی لا یتطاق انتقام گرفته همه را یکجا کرده نقش مثلث بنویسد و آنرا
 زیر آکهاره کشتی دفن کند انشا الله هر کس که این عمل کند همون در کشتی حریف را زیر کند و هر
 نوع غالب گردد و نوع دیگر برای هلاکت اعدا باید که عدد آیه معظمه از زلزله الارض و عدد
 سوره مکره الم تر کیف را بر آرد و عدد آیه شریفه فرادیم الله مرصدا در آن شریک کند

نقش مثلث پر کند و آن نقش را در کفن مرده بنویسد و در قبر کسی شهید یا مقتول دفن نماید
 نو عدد یک برای هلاکت عدو باید که اعداد اسم یا قمار گرفته در نام عدو آمیخته درین مربع آن عدد
 بیفزاید و همه را یک مثلث بنویسد و آن مثلث را هر روز بر پشت خام نوشته از غده ماه مار و سلم
 و در ریانه افکند باشد انشاء الله عدو برباد شود و بر اهلکت از خانه هشتم نقش بنویسد و بر ا

۷۸۶

۹۱۲۰	۹۱۵	۹۱۴	۹۱۳
۹۱۰	۹۰۵	۹۱۱	۹۱۶
۹۰۷	۹۲۰	۹۱۳	۹۱۰
۹۱۳	۹۰۹	۹۰۷	۹۱۵

بیمار کردن از خانه هشتم نقش بنویسد و آن این است

نو عدد یک برای تملیک عدو باید که نام دشمن را تعداد بر
 آرد و درین نقش اضافه کرده نقش مثلث اگر ممکن باشد

پر کند و تصویر عدو بر کفن مرده از سر که نمک و نوساد و بسیای آمیخته بنویسد و این نقش
 که پر کرده راست در شکم آن تصویر بنویسد و بروقت نوشتن نقش بر سر خانه آینه الکتری خوانده بر
 نمود بدد که این عمل سیف قاتل است و باید که دو صورت از موم بسازد و در دست یکی سهم و قوس
 بدهد و صورت ثانی بمقابل او بدارد و نیز بصورت دیگر که عدو مقرر کرده است پیوسته سازد و این
 مثلث را بر پشت کمان بنویسد و چهار قطره خون هم بریزد و عدو سوره الم تر کیف بر آرد و
 در آن مثلث که اول مذکور شد افزوده در شکم بقره عدو بدارد و بر آن سوره الم تر کیف بخواند
 و چون بتر میهم برسد بگوید شامت الوجوه شامت الوجوه و اشاره بآن صورت بکند و دعا
 علوی مصری اگر یاد باشد برای قتل آن موزی بخواند انشاء الله عدو هلاک گردد و با انواع
 عذاب مبتلا گردد و نقش که در و عدو بیفزایند و دیگر یک بر قوس بنویسند این اند

۷۸۶

۹۱۴	۹۲۸	۹۵۵
۹۰۶	۹۴۲	۹۱۰
۹۳۹	۹۴۷	۹۴۱

۷۸۶

۲۷۴	۲۷۰	۲۷۸
۲۷۷	۲۷۵	۲۷۲
۲۷۱	۲۷۹	۲۷۷

نو عدد یک برای هلاکت دشمن باید که در قدر خفرب عدو نام عدو و اسم مار و ماروت

بر آورده درین نقش مثلث اضافه کرده همه را یک نقش بکنند و در پارچه کبود رنگ دران
پارچه اندک قطعی سیاه و تیل و نمک نیز بچسبیده درون پیاز نهاده آن پیاز را در قبرستان
بهند و آن که آنرا مگس گویند دفن کنند و حکیم طعنظم فرموده که در گورستان جهود رفته در گور
جهودان دفن کنند ان شاء الله تعالی بعد از گذشتن کرد نقش که در عدد و میفرمایند این است

۶۳۹	۶۳۴	۶۳۱
۶۳۰	۶۳۸	۶۳۷
۶۳۵	۶۴۲	۶۳۶

توجه دیگر برای عداوت جانین باید که اول حرف طالع
برج وقت عمل و حروف برج آفتاب که در آن زمان به برج که

باشد حرف برج و حرف برج نام آن پس رتبه و همه را مترج داده بکنند و چون زمان بر
آید در آن تکبیر آنچه که حرف اوایل و ظلماتی بودند آنرا جدا نوشته عدد بر آورده درین نقش
مثلث بیفزایند و همه را یک مثلث از آب پیاز و تیل و سیندر بنویسد و حرف نورانی را گذاشته همه
باقی مانده را تکبیر کرده بر پشت آن مثلث بنویسد و باز همه را مرکب ساخته معرب کنند پس بجای هر
یک خانه موافق بر اعداد آن کلمات را بسیار دو عدد کل را در خانه پنجم رسانند و اگر عدد موافق نشود
اسم امینه یا قهار یا نذل یا صار و در آن اضافه نموده اعداد را موافق کند بعد از آن مثلث را
در سیاه پیاز کبود که بر کپاس تمام باشد قطعی و زنج و آهن سیاه و تیل و نمک و پیاز نهاده همه را
بچسبیده در لیسان سیاه برویند و در گور جهودان یا ترسیان دفن کنند و این عمل بر وزه
شبه کند و این رتبه از اسطوت و بسیار مجرب است اما آنچه گفته شد حرف برج طالع وقت بگیرد
و آن اینست که مثلاً بر وزه شب بوقت سحر بساعت سحر عمل آغاز کرده شد پس بوقت بینه که گن
کدام برج است آن برج را حرف بگیرد و این که گفته شد که در آن زمان آفتاب به برج که
حرف گیرد آن اینست که مثلاً آفتاب در برج ثور بوقت آغاز عمل بود پس برج ثور را حرف
گرفتند لازم شد همین طور به برج که باشد بگیرد و چون برج منسوب به برج محل و محقر است
آن بر دو برج را حرف بستاند و چون نام عدد را مع نام مادر او که آنرا اعداد است و
یک اند و آنده طرح دادیم نه مانند بر بروج شمس کردیم و بر برج قوس نام گشت

پس طالع اود انستم که برج قوس است لهذا برج قوس را حرف گرفته و این همه را آنچه که موایل
اند از نیز جدا نوشتیم و آنچه که حرف باموکلان نسبت دارند آنرا علاوه نوشتیم و من بعد جمله را
اول تکبیر کرده حرف برآوردیم و موکلان را آنچه که حرف بودند از آن تکبیر علاوه کردم و حرف
طالاقی علاوه نوشتیم و بعد از آن اعداد گرفته نقش مثلث که نوشته است در آن افزودیم و دیگر
نقش از همه اعداد پر کردم و بکار بردم پس حرف بروج اینست و موایل بروج را نیز دارم
و دیگر است از آن هر دو باید فهمید و دیگر مثال باز گفته خواهد شد انشاء الله تعالی

حاصل ۱	اجزین	نور ۲	غیر بنائی	جوزا ۳	رماج
حرف بنائی	غیر بنائی	حرف بنائی	د ح ل	حرف بنائی	غیر بنائی
سرطان ۴	اسد ۵	غیر بنائی	سنبله ۶	غیر بنائی	غیر بنائی
غیر بنائی	نجرم	حرف بنائی	اجزین	حرف بنائی	حرف بنائی
میزان ۷	عقرب ۸	حرف بنائی	قوس ۹	حرف بنائی	غیر بنائی
غیر بنائی	غیر بنائی	ک س ق	مناجر	ن ث د	غیر بنائی
جدی ۱۰	دلو ۱۱	حرف بنائی	حوت ۱۲	حرف بنائی	حرف بنائی
رج غیر بنائی	غیر بنائی	ص ط ظ	جرمنا غیر بنائی	ف ت ط	حرف بنائی

دیگر آنکه حرف آتشی و بادی و آبی و خاکی و مشرقی و جنوبی و شمالی را و جلالی و جلالی و غیرهم
التفصیل در آغاز کتاب نموده ام اما آنچه که موایل بروج اند به این صورت اند -

و این بروج و موایل آن

حاصل ۱	نور ۲	جوزا ۳	سر اسبیل	غز اسبیل	سر اسبیل
سرطان ۴	اسد ۵	سنبله ۶	میزان ۷	عقرب ۸	قوس ۹
جدی ۱۰	دلو ۱۱	حوت ۱۲	جرمنا ۱۳	سر اسبیل	سر اسبیل

اول صحیح کابل

حوت ۱۱

فقا یل

پس چون این طریقہ مفہوم گشت باید
که حرف ظلمانی و نورانی را پس از دو ان

ایست که حرف نورانی حرف آتشی را گویند و حرف ظلمانی حرف خاکی را گویند و حرف
صوامت اند نقطه دارند و حرفیکه نقطه بالا دارند فوقی اند و آنکه نقطه زیرین دارند تحتی اند و
حرفیکه در سطر اول نوشته میشوند از ابجد علوی اند و آنچه که زیر آن سطر نوشته میشوند سفلی اند و
حرف که بکواکب جاری منسوب اند آنچه که دایره حرف کوکب بالا نوشته ام ثقیل اند و باقی
حرف خفیف اند و آنچه که متفق العاصر اند مستند و باقی غیر متساوی اند و آنچه حرف که بکوب
سعد منسوب اند سعد اند و آنچه که بکوب کج منسوب اند کج اند و حرف غالب العاصر ظلمانی
اند و باقی جمالی پس چون این همه دانستی اکنون آن مثلث که در حرف تکسیر میفرمایند باین
صورت ست فافهم - و این که همه حرف تکسیر را سوای حرف نورانی مرکب و معرب

کند فاما طریقی مرکب و معرب در یک مثال گفته ایم همین طور هم
هم مرکب و معرب کنند و کلمه تیار شده را به بنید که چه عدد دارد و آنچه
که عدد داشته باشد در خانه نقش نگاه کنند هر جا که آن عدد باشد همو بخان کلمه را بنگارند
و اگر کلمه موافق اعداد نقش نباشد عدد اسماء جباری یا ربی تعالی را در آن اضافه کرده فوق
اعداد بنگارند و بکار برند برای تقنیم همین قدر کافی ست نوع دیگر برای هلاکت اعدا و
این عمل از بنگاله است اول باید که این اعداد بنگاله را با اعداد اسم عدد و جمع نماید و بر کفن
مردہ نقش پر کنند پیش قبر همان مردہ که کفن آنرا برای نقش نوشتن گرفته دفن نمایند عدد
بر باد خواهد شد و هلاک خواهد گشت و اعداد بنگاله اینند ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰
و این را از اول تا دهمانی شمار کنند و حساب نموده جمع نمایند و بکار برند
زیاده این عمل را تشریح نخواهم نمود زیرا که ما را بقسم منع کرده اند چون نسخه از نسخه از یادگار
ما بود برای این نوشته دادم که شاید کسی از این ترکیب را فهم کند و ما را دعای خیر دهد که

بسیار مجرب است نو عدیگر عمل دنبه گذارد این عمل در آنوقت کند که ببیند آن عدو
 اگر زنده خواهد ماند جان ما نخواهد گذاشت و از کشتن آن خلق را بسیار امانست و ما
 چهار از حد بود از دست او آنوقت در درگاه خدا استغاثه کند که آلهی من مرکب این
 گناه بنا چاری میشوم یعنی گوسفند جاندار را سوخته بینایم تو عالم الغیب هستی بر من بخشا
 فاما بعد این عمل هم بدرگاه آلهی تو بکن و ترکیب عمل اینکه بیار دیک گوسفند اسولون
 و آنرا در میان قبر یا سرداب ببرد و آنجا کس دیگری نباشد نه راهرو از آن جانب گذر میکند
 پس نسی صد و سه سوزن فولاد گرفته سوره الم تر کیف یک یکبار بر آن سوزنها خوانده
 دم کرده بر آن گو سپند بگذارد و نیت کند که فلان کس را دنبه گذار میکنم بعد از آن چپا
 بزرگ و فلینة بزرگ تیار کرده روشن کند و در میان طرف آلهی گذاشته این نقش را در
 زیر آن طرف نوشته در خاک دفن کند و صورت عدو نوشته در میان آن چراغ نهاد
 پس آن چراغ را در تهِ آن دنبه نهاده بسوزد و روغنش در چراغ خواهد چکید و از همان
 روغن آن چراغ روشن خواهد ماند پس هر قدر که آن گو سپند را خون خشک خواهد شد
 عدو هم تحلیل خواهد گشت تا اینکه چراغ کشته گردد و عدو نیز کشته خواهد شود و چراغ در آن
 وقت بمیرد که در دنبه روغن باقی ماندن نبود و عدو بنگاله که بالاند کور شد درین نقش
 مثلث هم پیفزاید و مثلث این است نو عدیگر برای ایذا دادن عدو که زن باشد

از عمل سفلی یعنی اگر کسی زن را که دشمن باشد ایذا دادن منظور
 است مثل این که خون جاری شود پایش کشاده گردد پس اول
 زکوت این متر بد یعنی یازده روز در صحرا رفته بر سر چاه که در
 آنجا باشد نشسته یکصد و یکبار بخواند وقت شام باشد پس در همان عرصه پایش کشاده خواهد شد

منتر اینست جل کی مژدی دریا جاسر کحول کمال لہو بہاے راجن بہجن بھوان
 ترجن نازد ٹوٹی فلاتی کلیر چھوٹے نو عدیگر برای بغض و عداوت از قلم نیب ویل

سیاهی کرده و سیاه مسیح در دهن انداخته بر روز سه شنبه مع نام هر دو مجبان و اسما مادران ایشان این پتله نوشته تابست و دور روز میخونه باشد اگر خواسته خداست عداوت قلبی دیگر خود واقع شود تیل از بنگاله است و اینست

[illegible]

نوع دیگر برای بغض و عداوت این اسماء سیارگان که یک روحانی و دیگر جسمانی اند
نوشته دق کند و گویید یا نصرانی یا مجوسی پس اثر فی الفور بخشم نهدن ظاهر شود و این
اسماء سیارگان بهمه کار مجرب تر اند شرح آن خواهم نوشت و آن این اند -

اسماء و روحا نے سپارگان

زحل	بدیها سن طوسی حروش میوش دروش طاعیش دروش طاعنطروش
مشتری	ذابوش درماش بهطش مطش ادرش بهطیش فروش دمندهاش
مریخ	وعدوش ناذیعیش عنوش بمراش اوزو عنوش بهیدیعیش خیراش دمندهاش
شمس	بنولوش مدلاش دهنفاش دهنفاش اطمعاش معنوش غاوش طبعیعا دیش
زهره	اذهرش دهنطارش اباش شمهورش عنقاش انقاش

عطار د نر هوش - امیر اش - هپطلس - شاپیش زامیش بلش دلویش ملعودیش - انیش -
قشر غدنوش لادیش مرادوش لبطاش طیمارش راناش میانونش زغانوش -

اسما جسمانی سیارگان

نر حل	اشرافات نیلاش تانورش کطراطلباش درغاطابات درغاهویش کنابونوشا -
مشری	لشیش کیسازکات دیدوانیا شقود تالیش سبومرکتش بانوورا یا ادد - هطاطوسا -
میرخ	اورو تارای کصاصات کسبیز طور باشیا نالو بساقفتی کبوکرار فیا -
شمس	بیجاکانونه - ثنابی - ثانو - راطیویو - طیو دقتا - نیویو وچناپنا کمالاکی کی شاستوده -
نهره	هوا بریطی از ارغرشا - ورو - قرا هو - فمتا - باوما - بیثیا - ریطوطو - سیمطو - قامو - طیماتی -
عطار د	د - بنای مالامان ثباتیر اکیشتا اهلطاطووش مملینا اطلوسا اطلطو -
قشر	ایامیراطو کنکوماو موصی مابن شتا مابنی قوستره مهادمنا شیرکا طات زافین فراطوماسا -

پس این اسماء هر دو گانه برای محبت و بغض و هر کار که در عمل آری بسیار مجرب یابی اگر خواهی که
معالجه کنی کسی را که اور سحر و سواس و سودا و وبا و آسیب گرفته است پس بنویس اسماء را
بر سنگین زجاج یا بر سنگ رخام و بده صاحب مرض را که نظر کند بر آن و آنرا شسته بنفشه افشانی
کافی هفت جرم کرده بنوشد و چیزیکه باقی ماند آنرا بر سر در و ببالد و قدر بر در و از ده خویش
بجانب چپ بریزد همچنان تا هفت روز هر صبح و شام کند حق تعالی از صحت کرامت فرماید و
برای سحر از مشک و زعفران نوشته بنوشاند و برای تب گرفته همچنین کند و برای صلح کشانی
در میان دو کس این را نوشته در پرده ظلمت بخور مشک و زعفران سوخته دغان بهی و این
از آن برین نظرداری تا اینکه صلح شود میان او شان و برای جیم کردن قلوب سلاطین این
را بنویس بر لوح مس از قلم آهن و آن لوح را در گردن بیاویز پنهان دار و روز سلطانی بر
تا بر تو مهربان گردد و برای عقد اللسان این را بنویس بر لوح زیر یا سیم و قلعی و زیر آن لوحی

خود بنویس از مشک و زعفران و کافور بعد از آن لوح را در حقه نهاده مهر از موم خام بکن پس
آن حقه را نزد خود دار تا زمانی که آن حقه نرزد و تو باشد مردمان ترا دوست دارند و زبان از بدی
بسته خواهد شد و برای حب بنویس این اسم را بر پوست مذبح و باغیت دار و بر وقت نوشتن
یا دکن تمامه که گمانیکه ایشان را دوست داری پس آن پوست را زیر آتش بدار تا تریس
تر شود پس این اسمها چنان تاثیر دارند که گفته شد اینجا باب تکمیل را ختم مینمایم و از ناظرین طمع
دعای خیر دارم ان شاء الله تعالی

باب هفتم در نسخه جات کیمیا آنچه که در تجربه آوردم و دستاویز
امتحانش فرمودند اما گاهی در دست شد گاهی
غلطی افتاد محروم ماندند

هر گاه که این کتاب بخزن اسرار و کثر الحسین را بر آید راست هر رازیکه در سینه خویش داشتیم درین نسخه
بے نظیر ثبت نموده فاش کردم نسخه کیمیا را هم نوشته دادم تا برادران ایمانی را نفع کامل برسد
چنانچه اول نسخه بحرب دیده و شنیده که امیر عیسی پنج هزار روپیہ خرج کرده حاصل نموده بود این فقیه
کیا رتیا کرده الا بار دیگر از خوبی طالع درست نشد اگر حاصل نشد از تقدیر کسی درست شود
عجب نیست و آن اینست نسخه هر تال طبقی دو توله سیاه و دو توله ترکیب و عرق گوشتی که در
ذراعت اندم اکثر میشود و گلش زرد میباشد و آن طوطیان میخورند و رنگش خرمایی باشد و عرق
آن مثل عرق گاو گرد میباشد کپاس کهرل نماید آن اجزاء را که بالا مذکور شدند بعد از آن در لیبی
آن فلوس مددشایی بند کرده مثل گلاب کند پس دو سفال زیر و بالا نهاده و رویش گل کاغذی
پس آنرا در انداز داشته بخت آنرا خواه پانزده آنرا چنانچه از پنج آنرا کم نباشد یا چندی گرفته
آتش دید و من بعد بکشاید و بپزد که آن همه خاکستر شده اند یا نه اگر نه شده اند این ترکیب مذکور

آتش دهد و باز امتحان او کند یعنی ازان خاکستر قدیمی نقره گذاشته بپندازد شمس گردد و اگر
 نشود باز از پاچک صحرائی آتش دهد و امتحان کند اگر اکسیر شود بهتر و اگر در هر سه آتش دادن
 درست نشد بداند که در تدبیر فرق شده است باز از سر نو نسخه نو تیار کند اگر مقدار درست
 است باز اکسیر خواهد و تمام عمر آن خاک کفایت خواهد نمود و روزن ششش ماشه یک رتی اگر
 مسن بیند از شمس گردد نسخه دیگر اکسیر اعظم مجرب که از دست خود تیار کرده بخرج آمده
 الا سه بار تیار گشته باز درست نشده اگر از دست کسی درست نشود مصل من بدست من
 باید که گوگرد اصل اتوله سازجی تمام مالاش نموده بوزن یکتوله بیار و بعد یک کر لاهی آهنی خرد
 خرید کند و یک پیاله آهنی تیار کند اینده آن گوگرد را در آتش دان نهد و زیرش آتش دهد
 و پیاله را لب گردان برابر لبها کر لاهی سازد حتی که برابر سرگش تفرق نباشد از سوهن بهر
 سمت درست کند بعد در کڑی اندک و عرق او نث کثاره خار دارد که در خشکی اکثر پیدا میشود
 و در موسم برشکال از آب باران سوخته میگرد پس آنرا آورده آن قدر عرق او بگیرد و نگذارد
 گوگرد عرق در آن شوند پس گوگرد را پارچه پارچه ساخته بوزن دو دو ماشه در آن عرق
 بیند اندو پیاله آهنی را بر آن سرپوش نماید و آهنگ را طلب داشته گردان از قلعی بند
 کند چون از هر سمت مطلق مسدود شود پس آنرا بر آتش دان نهاده میزرم نرم نرم آتش دهد و
 آب در کڑی بر پیاله پر کند که پیاله عرق شود و آتش زیرین چنان روشن کند که آب بالا
 عرق کرده ساکن گرم شده جوش خورده پس آن آب را دور کند و باز آب پر کند چون آن هم جوش خورد
 آنرا نیز دفع کند از آب را پر کند و هر بار از چادر پاک سپید آب را دور کرده باشد خود هم با وضو باشد
 و از سایه بخشی احتراز نماید فاما چون سه بار پر کرده دفع کند آن کر لاهی را زیر آرد و از آله آهنگر
 که آنرا بمینی گویند پیاله را از کڑی جدا کند انشاء الله روغن گوگرد ماشه تیار شده خواهد بود
 مثل خون کبوتر رنگ سرخ پس آنرا در شیشی بدارد اگر یک قطره پس اتوله گرم کرده بیند از دست
 مطلق گردد ای بله را بخین نسخه سهل دیگر ندیده ام و این ترکیب دول جتر نیز یکی نشینده ام اگر یکبار تیار

نشود بایق است که پنج مرتبه این را تیار کند و اگر در پنج مرتبه تیار نشود بد قسمت است اما
 مهوسى نسا زد و الله اعلم بالصواب نسخه سوم اکسیر یک در تخم بر آوردن است که یک
 شیره کلان صحرانی که کشت بر میوه می برد آورده بکتوله سیاب در دستش انداخته سوراخ
 پنچال آن میزنند ساختن کل حکمت سازد و در پاچک صحرانی پنج انگار آتش دهد پس صبح بر
 آورده بیند که آن سیاب اکسیر باشد و وزن فایم ماند بر مس که اخته اندازد شمس گردد و الله اعلم
 نسخه چهارم جوهره الکر و ستان لعل آوردن الا که این نسخه حرام است باید که کند این سیاب بکتوله
 نقره ۴ ماشه هر دو در کرباسی انداخته یک انگار و یکا و آب اندازد و زیر آن آتش روشن کند و طوطیا آلود
 باریک نموده بر آن آب گاه گاه پاشیده باشد چند آنکه تمام سوخته گردد و لیکن از چوبی که با مخلوط کرده باشد چون
 قدری از آن بر آب گریزی بر آورده از آب صاف پاک کند که زردیش دور گردد و بعد در یک حال بر آید
 جست ۲ توله گرفته زیر آن توشک نیمه کند و بعد بر برگ تلخی بار و بعد آن گولی را تیار کرده بار
 بعد نیمه براده بقیه را حاف کند و سوره دیگر بر آن سر پوش کند و یک کل حکمت باید و در پاچکشتی آثار خواهد
 کم آتش دهنه که جنت نکور خاکستر گرد پس بر آورده خاکستر بت آهسته دو کند و آن گولی را پنج دهد و دو
 بار آب دفع سرد کند و در آب نوساد و شوره هم کرده سرد کنی دست باشد باید که کسی زیور از دست خود تیار
 کرده مثل پوژی یا کرا از سانچ ساخته در بازار فروخت کند اما حرام مطلق است و الله اعلم نسخه پنجم از
 ابرش علی است که آن مهربان سه بار تیار فرمودند و الله که اگر شقت برین نسخه نماید و القلب بند خطای ندارد
 اینست باید که گوردان اوله ساریل بیارد و در صحرائه که در ختها مدار بسیار باشند قیام نماید یا آنکه قریب
 و ختان باشد ساکن شود و هر روز بوقت صبح برخاسته نماز کند و دعا بدگاه جناب الهی نموده پایی
 چینی که در آن گوگرد پاچه پاچه کرده نهاده است برداشته زیر ختان مذکور رفته شیرش
 برنگه گرد و پاچه چند آنکه پاچه با همه عرق شوند پس باز آید و نگاه دارد و صبح باز رود بدستور کند
 هرگاه که شیر بسیار جمع شود آنرا اساف کرده باشد بعد از آن بدستور یک چله در عرق
 مذکور نرند چنانچه تمام شود و روزی در مقام خلوت نشسته و شیشه آتشی پاره های

گوگرد داخل ساخته و سنش از سنگ جارب بند کند هر قدر سنگ که جایبند داخل کند شیشه را گل حکمت از پارچه تپه بسته نماید و گل بسیار و خوب باشد و خشک گردانند پس بسیم الله گفته در یک سبوح آن شیشه را سوراخ برابر دهن شیشی بطور اولگون نهاده ساخته در سبوح مذکور کرسی پاپک صحرائی پر کنند و سبوح را بر سه پای بدارد و در زیرش پایایی بسینی بنهند و آتش دهد و خود حاضر ماند هرگز جاس نرود تا محرم ناپاک سایه نماند از داول قدری آب زردیام خوابد چکید آنرا دور کند هرگاه که قطره های سرخ بچکینه پس گره کشوده شد و تمام گوگرد را روغن کشیده گردید از روغن رنگ دارد هرگاه که آزمایش کند بر تپرس گرم کرده قدری بایند و در آتش نهید طلا را و مجرب است و الله اعلم بالصواب بدان اے عزیز این چنین نسخه از نه خالص که همسان عزیز تر دارند و در دل پوشیده میمانند و هرگز بر سپهرم ظاهر نمی کنند محض بطبع دعای خیر درین کتاب صاف صاف باریب نوشته میدهم که اگر کسی بدو رسلان قادر برین نسخه باشد در حق این فقیر هم فاتحه بخیزد و این نسخه ششم کیما باند که ای برادر آنچه که دیدیم و شنیدیم ام از مردم متبرکه درین کتاب نیز نسیم تا هر چیز که بکار دوستان آید مناسب انب باشد که بنویسد آگاه نماید بایده که اگر مار سفید یک رنگ چنانکه پوست او سیاه شد جشمش بود اگر بدست آید هزار آهتر از آنکه خشک کرده نگه دارد هرگاه که حاجتی پیش آید بوزن دو توله مس که اخته چرخ داده بقدر یک سرخ از آن مار خشک بیند از آن جمله مس شیک طلا گردنخته معتبر و عجیب و غریب بزرگی که از دست خود بعمل آورده باین نحیف ارشاد کرده شک نباید کرد الا بدست آمدن مار سفید کمال مجاز است تلاش باید کرد فقط نسخه هفتم مسکه سیاه از نموده دوستان مجرب و پاکیزه ترست و آن اینست طویلیا اما شمشه نوسا در یک مائه شب یانی یک مائه نمک یک مائه هر چهار ادویه مذکوره را در لنگری آهنی خشک باریک نموده سیاه یک توله و ظرف گلی انداخته در آب غرق کند و بر آن ادویه مذکور را قدری قدر بپاشد و مثل روغن بشوید سیاه بسته گردد و بکار مهوس آید نسخه هفتم

سنگها را اشکفت کردن باید که یک تونه سنگها در شیرندار که دو توله باشد یک پاس -
 کامل کمرل نماید بعد از یک ساخته در یک سبوحه گله اول ریگ نصف سبوحه پر کند و وزن
 قدری را که دانهک نهاده مثل تو شک بران طکیه مذکور بدارد و باز را که
 را الحاف کند و باز ریگ پر کند و دهن سبوحه از سفال بند کند و در زیرش ده اتار میزیم را
 گرفته یک یک را آتش دهد چون تمام شود سبوحه را از دیگ دان فرو داند و ده دهن
 کشوده بداند که همه شب سرد شود چون صبح شود سرد شده باشد آن را از طکیه بر آید
 و یک رتی بر سر گذاخته میندازد شمس گردد اگر بر قلعی بیند از قدر گردن شش نهیم رنگ نمودن
 نقره مجرب عنایت تجربه کار باید که شخرف یک نیم توله در لیدی آنوله کلان یک عدد -
 بدارد و کپڑوی یک ته نموده در کربن پاچک دشتی که یک چپناک باشد آتش دهد همچنین
 اینجا و دوبار آتش دهد انشاء الله تعالی شکفته خواهد شد نقره گذاشته قدری بیندازد
 صورت طلا گردد و در پنج چرخ رنگش سرخ شود مجرب است و آن خاک هم تفع تمام دارد
 نسخه و هم اکسیر مجرب از استادی کامل باین نحیف رسیده و حاصل شده اینست که رخت
 بال بریار نامش میباشد صورتش آنست که برگش برابر قد برگ کاسنی میباشد یا برابر برگ
 خرما که میشود زیر برگش موکامی مثل موئی محلی سفید باشند و در ماه بجا و ن پیدا شود
 آنجا که ترانی باشد و بر دوب آب میباشد بر میخیزد در ماه کنواره کماک بال آن بر آید بال
 باجره خورد و بطور آنکه بال باجره را از آب تر میباشد باشد و زیند اران آن را خشک کرد
 نگه دارند و سیاه مرغ آمیخته بر آید دفع تب و لرز می دهند و در چراگاه آن را گاو میش
 می خورند اگر آن از خوبی مقدار بدست مهوس آید غنی مطلق گردد باید که آن را
 لیدی بار یک حل کرده در لیدیش فلوس مد هوشایی نهاده بند کند و در ظرفی بدارد
 و گل حکمت کرده در پاچک دشتی پانزده اتار آتش دهد آن فلوس خاکستر خواهد شد
 پس آن قدر فلوس که بوزن قایم باشند آن خاک اکسیر مطلق است هرگاه که خواهد بر

مس گذاشته برابر سرگس در پنج خوردن مس بیند از شمس گردد و الله اعلم بالصواب
 نسخه یا زویم که اندر ویشته بدست این نجیف آمده و بسیار توصیف او بساعت من رسیده
 یقین است که صادق باشد و آن اینست که درخت دهنوره که از بنج و شاخ و برگ سیاه -
 مطلق باشد تر و تازه بنج و برگ یکساله بود و اکثر کهنه و نو نباشد بسیار دو یک درخت بکلیا
 مع درخت و ثمر و برگ میار دو در ماهون دسته جو کوب نماید بعد بر سنگ ساییده هر سه ساکنند چون
 لبدی تیار شود ۴ توله سنگهای تیلی که بسیار خوب میباشد گرفته در لبدیش بدارد و غلوه بسیار
 هفت بار بر آن غلوه گل حکمت کند بعد در وقت تاب آفتاب خشک گرداند چون شب
 شود در گلخن رفته گلخن فروز را دوسه فلوس داده تمام ریگ و خاک یکجا در گلخن کرده اندر آن
 آن غلوه را بدارد و تمام شب بدارد و خود متصل آن گلخن بخسید و گاهی بیدار شده قدر
 خاکستر گرم بر آن اضافه کرده ماند چون صبح گردد بر آورده دو پاس صبر کند تا سرد
 شود چون سرد حلقی گردد غلوه را بشکند آن سنگها اکسیر خواهد شد و خاک خواهد شد و وزن
 قایم خواهد ماند پس آنرا بر قلعی پاؤ آثار گذاشته بیند از نقره بچته گردد و محرب است اگر در
 یک بار درست نشود باید که دوسه بار عمل آرد اگر در هر سه مرتبه تیار نشود در نصیب و مقدر
 خود نداند و الله اعلم بالصواب نسخه دوازدهم اکسیر محرب از شخصی کمال که هر
 بنظیر بود بدست این نجیف آمده خطای ندارد باید که سویادشتی که در حقیقت بر گش
 مثل سو یا میشوند و لیکن برگ سو یا استاده باشد و این سویادزین هفته و گسترده باشد
 و رنگ شاخهایش مثل سیاهی میباشد و برگ آن سبز زیاده میشوند و اگر به زبان نهنج
 مفهوم میشود و ذائقه زبان را تلخ میگیرند و اکثر بر جاع بلند و در دامن کوهستان
 می باشد پس در آن بوئی سیما بسم خاکستر می شود و اگر همین نوع بر
 آنکه هم گرم زده عرقش بیند از نقره گردد و محرب است و الله اعلم بالصواب -
 نسخه سیزدهم کیمیا اگر تمسیر بدست آید چهار ماهه گرفته در عرق گوبهی صحرائی برود

مرغ یعنی بقیه راصاف و خالی کرده پر کند و یک بقیه دیگر خالی کرده بران غلوه اول لحاف
کند بعد از آن آن را در آرد ماش بند بعد از آن هفت بار از گل گل حکمت کند چون خشک شود
در پاچک شتی سه پا و آتش دهد که خاک شود پس آن خاک اکسیر خواهد شد و وزن قیام
والله اعلم بالصواب نسخه چهارم اکسیر محجرب از مرد و زن در وین
صحرانشین بدست این نجیف آمده باید که هر تال را که طبعی باشد گرفته و ابرق پرورد از ظرف
گلی داشته بر آن قدری آب چو او شوره به افکند و انگشت را فروخته آتش دهد اگر
آن هر تال قایم ماند بزرگ سبز گردد پس برداشته گیرد و بر مس یا فلوس برهوشای لیسه
آن فلوس را بر آتش گذارد انشاء الله تعالی اطلال گردد و محجرب است -

نسخه یازدهم اکسیر از زنی کامله مهوسه بدست این نجیف آمده باید که اول یک پیاله مسی
تیار کننیزه باشد پس نزد خاکروب که نوک پرورده باشد رفته منت نموده بقدر دو توله
شیر خنیر بگیرد و اگر خنیر شیر ندیده بچه خنیر خرید خود آن را شیر مادر او نوشانیده حکم آتش
چاک نموده شیر بیرون آرد و فی الفور آن را درست کند یعنی آن پیالی را بر آتش نرم
نهد چون پیالی مذکور گرم شود اما چنان گرم نشود که سرخ گردد دفعتاً از هر دو دست یکبارگی کشد
و سیاب بر زمیند از ده که هر دو با هم یک ذات شده گذاخته شوند و سیاب و شیر به نزد هین است که
سیاب شکفته یعنی کھیل گردد و خاکستر شود و وزن قایم ماند پس تمام عمر القدر کفایت میکند هر گاه که
مس گذاخته و جیخ داده بقدر سرنگس در آن گذارد اطلال گردد و الله اعلم بالصواب

نسخه شانزدهم اکسیر باید که گونجی سپید یک توله آنوله خشک کیتوله بلند کلان کیتوله گرفته و بزرگ
قدیم قرمیک کرده بیدی تیار کند و از آن لیدی یک کعبه بسازد و در کعبه گونجی را با یک سایه
نوشک نماید یعنی بنشر بسازد و آن را در سایه آفتاب نهد چون قدری خشک شود -
سیاب را در کرچه انداخته قدری قدری عرق نیب بکینده باشد و آتش نرم نرم دهد
چند آنکه دو توله عرق خشک شود و سیاب پزیده تیار شود پس آن زیق را برداشته در کعبه مسطوره

داخل سازد و قدری بدی نیب مهم داخل کند و هر سه را آمیخته بر آن گهر بر لحاف کند و از هر
سمت بند کرده در پلاس سجیده درخت فیکه عتقش یک دست باشد یک آتار یا یک دشتی بنام دشت
آتش دهد و همه شب بدار دشتی بر آرد و انشاء الله تعالی آن سیاه اکسیر خواهد شد یا نقره
خواهد گردید و الله اعلم بالصواب نسخه هفتم اکسیر مشهور آفاق اگر ساخته و درست
شود عجب نیست و اینست که دو عدد ماهی کلان که قسم آن را بپوشانند بکیر و قدری گوشت
نخه بپس با میان لحم مذکور مساوی الوزن گرفته پارچه پارچه ساخته همه را در میان سبزه انداخته
نگاهدارد چند آنکه گرم افتند و آن تمام گوشت جمله که میبارد و آن زمان هم نگاهدارد و چند آنکه گرم
گرم را میخورند صرف دوسه باقی بماند پس آن را گرفته در یک شیشی زندازد و آن شیشی را
درین آتار بسته در کچتری یا پلاؤم کند چند آنکه آن گرم روغن زرد شوند پس آن روغن را
بر مس گذاشته بیندازد اگر طلا گردد عجب نیست و اگر نشود قدری سیاه اندوزن مخلوط نموده
در گهریه و پیک دشتی آتش دهیقین است که سیاه خاکستر شود و اکسیر گردد و اگر اکسیر نشود آن
روغن طلا گردد که بر آئین مفید خواهد شد یعنی مرد خواهد شد و الله اعلم بالصواب
نسخه دهمیه در هم اکسیر مسعوده تجرب بایه که گوگرد و سهرتال و سنگها و شکر و فیه کما تریخ
اجزا بر الوزن ایک توله خوه نیم توله مساوی الوزن گرفته در کجها اول سنگ بچوب بپوشانند
بدار دشتی سهرتال و میل و گوگرد و شکر فیه بپوشانند و اگر وزن پنج توله باشد یک چوب بپوشانند
روغن سیاه میفکند و در رنگین اسب آتش دهد و فایز کند و جوش آید و یک باشد طویلی
هم بند زرد پس چون جوش بوقوف شود و کف با سفته شوند از میل به بید که رنگ سرخ
خنده است یا نه چون بزرگ خون احمر الوان گردد در شیشی آتار نگاهدارد و هرگاه که بر مس
رنگ کرده شده بیندازد و آتش دهد طلا شود و اگر نه شود باز تیار کند اگر بار دوم هم درست
نشود خوبی قسمت خویش بداند و اگر طویلا در آن شریک کند روغن طلا بر آید و نامزد
مطلق مجرب است اگر بر آید مخلوق به نفع مفید مطلق باشد بزرگ تنول بالیده به بندد

در عرض سه روز مرد گردد و الله اعلم بالصواب نسخه انوز دهم اکسیر مسمومه مجرب باید که
 غنکوت کلان و کهنه را تلاش نموده در دبیله بداند و قدری سیاب نیز در آن دبیله گذارد و -
 سرپوش بند نماید در عرض سه روز یا پنج آن سیاب غنکوت خواهد خورد پس آزاد رگهریه نهاده -
 گل حکمت نموده آتش پاؤ آتار پاچک دشتی دهد اکسیر قایم الوزن خواهد شد اگر بر مس که
 چرخ داده باشد بنید از انشاء الله تعالی طلا گردد و الله اعلم بالصواب نسخه یستم جوهرانگ
 نمودن نقره باید که چند درخت سورج یکی بسیار و در عرقش گرفته که بمقدار نیم پاؤ باشد و در آن
 عرق یک توله شتر ف که مستحکم و یک دلی باشد انداخته سه روز تر و در بجهه بر آورده در سه
 عدد بادنجان سورخ نموده دفع کند و در پاچک دشتی سه پاؤ مثل بجهه سه پند و همچنان
 سه بار در هر سه بادنجان خسته کند بجهه بریتید که خسته شده است یا نه یعنی مثل ریگ
 گشته خواهد شد و همچو ابرق در انگشتها مالیده خواهد بود پس آن را برابر ق نهاده ابرق
 را بر آتش گذارد و بر آن دلی شگرف عرق نخاع نیز بچکاند بجهه دو توله عرق خشک
 نیز بدارد یقین که خسته شده باشد پس قدری برابر یک سرخ در یک توله نقره چرخ داده بگذارد -
 رنگش مثل طلا گردد در صورت اگر رنگش خوب نشود کیس و سونه یکی و منسل در زهره ماهی
 کحل نماید که نرم شود بجهه بریتید نقره مذکور طلا کند و تاؤ دهد و باز در آن آب هر سه جزو سرد
 کند و سه نوبت سه روز طلا گردد رنگ و صورتش همه خوب گردد مجرب است -

نسخه لنبیت و یکم اکسیر مجرب بر زال طبقی شش باشد گوگرد و چوپایا باشد مک سرخ
 باشد سیاب یک توله طوطیا و دو توله همه را در عرق بجنکه تا یکپاس کحل نمود و در ظرفیک
 مثل دوات مداد باشد انداخته و هفتضبوط از سرپوش و مارهای آهنی بند کند و بر آن
 گل حکمت کند و خشک سازد بجهه در پاچک دشتی پنج آتار آتش دهد و صبح بکشد
 انشاء الله آن خاک که براده باشد مثل براده برج اکسیر خواهد شد اگر مس را که اخته
 قدری بنید از طلا گردد و الله اعلم بالصواب نسخه حل ایقده نسخه اکسیر

انتقل برادران ایانی نوشته وادم تا ماراد حای آمرزش کند و بر روم فاتح خواهند خواند۔

خاتمه کتاب مشتمل بر چند فال نامہ

این عاصی پر معاصی از این و آن کم کرده راه سید محمد حسین شاہ خلف الصدق مصنف کتاب اغنی سید غلام حسین رمال مرحوم برائے کاملان و غاملان اظہار دارد کہ این گنجینہ عملیات از تصنیف و تالیف والد مرحوم و مبرور چون جواہر و دینہ در گوشہ ناواقفیت مخفی و معدوم بود احوال آن تقویم پاریہ را کہ ورق و ورق جدا و عمل و نقش ہر یک جدا گشتہ بود یکجا آوردیم و بفضل خلاق ماہ و مشتری ترتیب و تصحیح نمودم فاما ہر امر کہ لایق فال عامل و شایان کمال کامل باید و شاید درین نسخہ مالی نظیر یافتہ صرف طریقیکہ ازان تفہول باید کرد درین کتاب ندیدم و دانستم کہ از عامل ضرور بالضرور ہمہ طالب میشوند کہ برائے فال بینند و عامل درین باب متروک خواہ گشت و نیز ہر کس را ہم ضرورت و چنین امری باشد کہ در کار پاچون فرو ماندگی شود اغول کنند پس بدینوچہ چند طریق فالنامہ را ہم درین کتاب درج نمودم تا دقیقہ از وقایع علم و عمل بہرہ و نفع خارج نرود و قطع

نادر العصر اول فال نامہ از حضرت غوث الاعظم ح

این فالنامہ از جناب تقدس باب حضرت پیران پریشیح عبدالقادر جیلانی قدس اللہ سرہ است و بسیار مجرب و بہترست چون کس را کار و شوار و پیش آید و نداند کہ انجام این امر چہ خواہ گشت پس اورا لازمست کہ فاتحہ بر روح پرتوح حضرت غوث پاک رح بخواند و طفل نابالغ را بگوید کہ نیت کا کردہ انگشت درین جدول بند و مطلبش در ذیل آن نوشتہ است برینند و اگر از لایق طفل نباشد خود فاتحہ خواندہ بعدق نیت چشم بستہ نیت کار کردہ انگشت بند و در محاذی آن آنچه نوشتہ بند بر آن عمل کند انشاء اللہ بر اول برسد اینست

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹
۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷
۳۲	۳۱	۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵
۴۰	۳۹	۳۸	۳۷	۳۶	۳۵	۳۴	۳۳
۴۸	۴۷	۴۶	۴۵	۴۴	۴۳	۴۲	۴۱
۵۶	۵۵	۵۴	۵۳	۵۲	۵۱	۵۰	۴۹
۶۴	۶۳	۶۲	۶۱	۶۰	۵۹	۵۸	۵۷
۷۲	۷۱	۷۰	۶۹	۶۸	۶۷	۶۶	۶۵

مطلب فال نامه

- ۱ هر نیت که در دل داری نظر بکریم کار سازست باید که چند روز صبر کن مراد دل خاطر خواه خواهی یافت اول تردد بسیارست - فقط
- ۲ فال نیک است مراد خواهی یافت مطلب و خواه خواهد بود انشاء الله تعالی -
- ۳ این کار که در دل داری بر پیر کن چنانچه اگر خواهی نمود شیمانی خواهد شد -
- ۴ کاری که در دل اندیشیدی طفل میران می الدین خاطر مرا خواهد شد همه ابواب خاطر جمع دارد انشاء الله تعالی -
- ۵ هر چه خواهی یافت مقصود حاصل خواهد شد خاطر خود جمع دار بکریم فیاض -
- ۶ هر چه خواهی یافت تمام چیز روز صبر باید کرد آخر خوب خواهد شد انشاء الله تعالی -
- ۷ هر چه خواهی یافت چند روز صبر باید کرد آخر خوب خواهد گردید -

خاطر جمع دارد انشاء الله تعالی

- ۸ هر نیت که در دل داری بهتر خواهد بود خوبست اندیشه نباید کرد انشاء الله تعالی -
- ۹ حاجتی که داری خوبست اندیشه نباید کرد انشاء الله تعالی مراد حاصل خواهد شد -
- ۱۰ کاری که در دل اندیشه میکنی میسر خواهد آمد و امید خواهد که بر آید بفضل الله تعالی -
- ۱۱ این کار بسیار نیک است خاطر خود جمع دار انشاء الله تعالی -
- ۱۲ این منصوبه که در دل داری چند گاه صبر کن آخر انجام خواهد شد -
- ۱۳ هر چه در دل داری خوب نیست پرهیز کن ورنه پشیمانی خواهد کشید -
- ۱۴ فال بسیار مبارک و نیک است کار انجام خواهد یافت بکرم الهی -
- ۱۵ کاری که در دل داری خواهد شد لیکن دشمن بر هم خواهد زد صبر کن -
- ۱۶ بکرم ایزد و الجلال کار تو در اندک سحر انجام خواهد یافت -
- ۱۷ هر مطلب که داری اگر بسته بماند حق تعالی سر انجام خواهد کرد -
- ۱۸ این کار شرفی نیست ازین قصه پرهیز باید کرد -
- ۱۹ فال گوید هرگز این کار نخواهد شد چنانچه کردن خوب نیست صبر کن -
- ۲۰ درین کار پرهیز باید کرد چند روز کوشش کن -
- ۲۱ این کار سر انجام البته خواهد یافت -
- ۲۲ فال میگوید که روزی و رزق خواهی یافت اندیشه مکن خوب خواهد شد -
- ۲۳ چیزی که از کسی خواهی طلبید خواهی یافت و سواس را در دل راه ده -
- ۲۴ آنچه از کسی سوال خواهی کرد آخر بکرم الهی بدست خواهد آمد انشاء الله تعالی -
- ۲۵ این کار هرگز نباید کرد و در دل نباید آورد و پشیمانی خواهی شد -
- ۲۶ ایزد کریم کار ساز بوج آسن انجام خواهد رسانید سعی کار کن تا بر آید -
- ۲۷ حاجتی که داری هرگز شرفی نیست محنت و تزد و ضایع خواهد شد -
- ۲۸ نیت که در دل داری حسب المراد خواهد شد انشاء الله تعالی -

- ۲۹ کاریکه در دل اندیشه میکنی سرانجام خواهد شد لیکن چند روز صبر کن -
- ۳۰ این فال تونیک ست اما خیال خوب نیست چند روز صبر کن -
- ۳۱ در کار تو معطلی ست و دشمنان در کمین اند هر محنت که خواهی کرد خلل خواهد شد -
- ۳۲ این کار در رجه و جهد ست هر چند که سعی میکنی شرفی نیست پرهیز کن -
- ۳۳ توکل بر خدا تعالی کن کار تو انجام خواهد یافت انشاء الله تعالی -
- ۳۴ فال تونیک ست هر چه پیت میکنی حاصل خواهد شد انشاء الله تعالی -
- ۳۵ درین کار تندرستی نیست ازین منصوبه پرهیز کن -
- ۳۶ کار بوجه نیک سرانجام خواهد شد فال نیک ست -
- ۳۷ کاریکه در خاطر ست تعلق به چند کس دارد خواهد شد انشاء الله تعالی -
- ۳۸ فال تونیک ست لیکن اعتقاد خود درست دار -
- ۳۹ فال میگوید که نظر بر این دستمال داشته صبر باید کرد -
- ۴۰ کار بوجه حسن سرانجام خواهد شد بعد مطلب بر آری فاتحه برفع غوث پاک باید کرد -
- ۴۱ این فال خوب ست اما دوسه روز صبر کن تا سرانجام یابد -
- ۴۲ این کار توشده و آئینه در همه امرو سواس بکن -
- ۴۳ مطلبی که داری خوبست قصد کن و بهمت گذار کریم کار ساز است فور همه حال کفیل ست آسان خواهد کرد -
- ۴۴ فال منع میکند هرگز منصوبه درست نخواهد شد پرهیز کن -
- ۴۵ حاجتیکه داری پرهیز کن ورنه شکیانی خواهی کشید -
- ۴۶ حاجتی که در دل داری او خواهد شد انشاء الله تعالی -
- ۴۷ این کار خواهد شد فال بسیار خوب ست خاطر جمع دار -
- ۴۸ مطلبیکه میداری از خرج نمودن خواهد شد -

- ۴۹ آنچه در دل منصوبه داری خواهد شد خاطر جمع دار -
- ۵۰ بکرم حق سبحانه و تعالی این کار انجام پذیر خواهد شد -
- ۵۱ کار تو در تارکی افتاده است چند روز صبر باید کرد -
- ۵۲ نیت که در دل میداری چیزی نخواهد شد و اگر بشود اختیار است کن خواه
مکن ترک اولی است -
- ۵۳ فال بهتر است اضطرابی در کار نیست چندین صبر کن تا بر آید -
- ۵۴ خدا کیم کار سازست همه امر تو خوبست یقین که کار بر آید -
- ۵۵ فال تو منع میکند هرگز این کار نخواهد شد -
- ۵۶ این کار رشدی نیست اختیار داری چه کن یا مکن -
- ۵۷ هر کار که داری در آن محنت و مشقت و در کار نیست -
- ۵۸ کار تو خواهد شد لیکن چند روز صبر کن انجام خواهد شد -
- ۵۹ فال میگوید هر چه میخواهی یافت خاطر جمع دار -
- ۶۰ آنچه در دل داری امید بر آن نخواهد شد بشیانی خواهی کشید -
- ۶۱ نیت که در دل داری خواهد شد لیکن فال مانع میشود چند روز صبر کن -
- ۶۲ این کار کردن خوبست اما چند روز انجام شدن این کار دیر خواهد شد
باقی همه باب این امورات بخیر مستند خاطر جمع دار -
- ۶۳ این فال مبارک است البته کار انجام خواهد شد بسیار خوب است -
- ۶۴ این کار خوب نیست هرگز نباید کرد فال منع میکند فائده نخواهد دید -
- ۶۵ نیت که در دل داری سر انجام او خواهد شد فال نیک است -
- ۶۶ منصوبه که در دل است انجام پذیر خواهد شد خاطر یقین دار -
- ۶۷ این کار خواهد شد لیکن اندک صبر باید نمود انجام بوجه آسان است -

۴۸ هر چه میخواهی خواهی یافت فال مبارک است انجام خوب است -
 ۴۹ آنچه در دل است میسر خواهد شد و سواس مکن -
 ۵۰ کاره که در دل داری خواهد شد لیکن مکن خدایتعالی از نه کردن او شوق
 و خرم خواهد شد ترکش بهتر است -

فال نامه دیگر از علم رمل بسیار معتبر و صحیح استخراج کرده این احقر العباد است

اول باید که وضو کند و روبرو قبله نشیند و سوره الحمد بخواند و بعد از آن فاتحه بر روح پیر
 فوخر جناب سرور کائنات صلی الله علیه و آله و سلم خوانده این آیه شریفه را بر زبان
 خویش جاری کند یعنی سبحانک لا علم لنا الا ما علمتنا انک
 انت العلیم الحکیم و چشم خود بند نموده نیت کار در دل کرده بر این -
 دایره انگشت مطلبش هر جا که انگشت افتد آن صورت دایره ذیل تفصیل احکام
 ملاحظه کنند ان شاء الله تعالی جواب هر سوال خاطر خواه
 خواهد یافت اینست دایره که در و انگشت نهند

۱	۲	۳	۴	۵	۶
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸

وگر زلزله شد باده صفر
گرفتند رسد یا بلا از کین

ماه ربیع الاول

وگر شب بود زلزله ناگهان
قضا گرچنین آمده بر کس

یا مراض اطفال باقرین

وگر شب بود برف و باران بسی

جمادی سخت است شود زلزله

گرفته بیه باشد از جهان

ماه جمادی الاخر

تپ و لرزه بیماری آورد بیه

شب و روز باران چو دیگه

ذراعت نکو باشد و بی سبب

گرک میران امیراں بود

زلزله ماه شعبان بود

هم بایشان باین گفتگوست

رمضان

لا سبب بود رنج و بیمارست

تنگی نباشد و گر بر کس

و بهتران را اجل در کین

بود مرگ و بمقتیان سلسله

بمیزندار باب علم از قضا

چو بنشین در سبب سخت

بود سوزش آتش اندر جهان

ماه ربیع الثانی

وگر چار پایان بحکم ازل

فراوان شود غله بر هر کس

زیبایی دور باشد گلاهِ

وگر شب بود عکس باشد برین

زمین گریزند حمید الاخر

بدر تندرستی نباشد کس

ماه رجب

و با باشد از شب آمد چنین

خطر بر جمیع وزیراں بود

بدان تر خفا غله از زلزل بود

عداوت بیه در امیراں بود

و گردیده روزه باشد چنین

تپ و لرزه و نیز بیماری ست

ماه شوال

خرابی بود در جهان بیگمان

وگر در شب آمد بکند زمین

شود آب که کودکان را بپا

تپ لرزه بیماری آورد دست

بمیزند مردم در آتش بیه

اگر در ربیع و گر باشد این

بمیزند یعنی بودشان اجل

ماه جمادی الاول

برد تنگی غله بر مردمان

فراخی بود تندرستی قرین

فراخی بود بر گداؤ امیر

وگر شب بکند بیابان و صحاب

بود زلزله از بار و رجب

تپی گردد از خیل ترکان زمین

ماه شعبان

وگر شب بود مرگ شاهان در دست

در ادخال در پیش نقصان بود

بکم غلگی باشد و رنج و کین

و گر هم فراخت و نعمت بیه

بشوال گزند آنکه باشد چنین

و گزند آنکه باشد درین دستان

بندی قعد گر گردان در جهان که بی غله مانند قوت غیب ماه ذی الحجه و گرشب بود ارض و آری را	عداوت پدید آورد در زمان و گرشب شود زلزله مثل این و گر ماه ذوالحجه شود زلزله بر آست چیت همه شکلیها	غذا کم شود خلق را در نصیب بلیل و بهار و بر اهل زمین ز چینه نباشد بمردم گله مباشی بخانه که گردی خراب
تمت	عجب تر بگفتیم برای صواب	بالخیر

اشتهاء و اجلاطها

پس بقیاس مراد من را که ذراتش از فم و ادراک عالمیاں مبراست
و در و مسعود و نامعد و دهنمیر را که بعد صفات خالق همه لغت با و لائق
بعدش آرزو من دان علم جعفر و رتل را مرده باد که کتاب لا جواب کحل العین
مست به کنز الحسین که مصنف و مؤلف سر آمد جفاران و رمالان و منجمان
و عاملان و ساحران دوران سلاله و دومان مرتضوی جناب احمد حسین
صاحب مرحوم هزاروی ست اگر چه اول ازین بار ما مطبوع شده مگر اکثر جاه
مطالبش نامکمل بود که اکنون بتوفیق ایزد متعال از آدم لائق صحتش
ترمیم و تنسیخ بهر فصل و باب کرده شد - بلکه اول به دیباچه کتاب رسیده
کحل العین مندرج نمودیم و بوسط کتاب هر جا مناسب پنداشتیم رد و بدلش
و به آخر کتاب رساله زلزله نامه که تا هنوز غیر مطبوعه بود نوشتیم تا که طالبان
این فن را کمال لطف حاصل شود - چنانکه همین کتاب را بعضی ز کثیر تو ترمیم کردیم
که را اجازت نیست که بغیر رضامندی ما قطعش کند جمیع حقوق حشری کرده شد